

رسالة الرحمة الرحيم



سیاست‌نامه علم و فناوری

فصلنامه

دوره ۱۲ / شماره ۴ / زمستان ۱۴۰۱

شماره پیاپی: ۴۱

پروانه انتشار فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری در تاریخ ۱۳۸۷/۰۲/۲۳، به شماره ثبت ۱۲۴/۸۹۱، از سوی معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردیده است.

امتیاز این نشریه در جلسه کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور و براساس نامه شماره ۳/۱۸/۱۳۷۱۹۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۲۸ مدیرکل پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اعطا شده است. از تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ براساس آیین‌نامه نشریات علمی، ابلاغ شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تحت عنوان نشریه علمی سیاست‌نامه علم و فناوری فعالیت می‌نماید و در ارزیابی سال ۱۴۰۰ رتبه ب را کسب نموده است.

شماره پیاپی ۱ تا ۸ این فصلنامه پیش‌تر با عنوان «نامه سیاست علم و فناوری» منتشر شده است.



نشانی: تهران، خیابان آزادی، خیابان شهید حبیب‌الله، خیابان شهید قاسمی، کوچه گلستان، پلاک ۷، پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف.

کدپستی: ۱۴۵۹۹۹۳۵۹۹

تلفکس: ۶۶۰۶۵۱۳۹-۶۶۰۶۵۱۴۰

وبسایت: stpl.ristip.sharif.ir

فصلنامه علم و فنآوری

دوره ۱۲ | شماره ۴ | زمستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: دانشگاه صنعتی شریف - پژوهشکده سیاست گذاری
مدیرمسئول: عبدالحسین روح الامینی نجف آبادی، دانشگاه علوم پزشکی تهران
سر دبیر: دکتر کیومرث اشترینان، دانشگاه تهران

هیئت تحریریه:

سید سپهر قاضی نوری، دانشگاه تربیت مدرس
محمدحسین رحمتی، دانشگاه صنعتی شریف
محمدتقی عیسائی، دانشگاه صنعتی شریف
عباس ملکی، دانشگاه صنعتی شریف
حمیدرضا ملک محمدی، دانشگاه تهران
حسین سالارآملی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر

مدیر علمی و اجرایی: نجم الدین یزدی
مدیر داخلی: نینا شاددلی
ویراستار و مسئول فنی: مهناز مقدسی
طراح جلد: نعیمه رجیبی
صفحه آرا: سمیه حسنی

مقالات ارسالی به فصلنامه باید براساس شیوه نامه نگارش مقالات در وبسایت فصلنامه تهیه و از طریق سامانه به صورت الکترونیکی ارسال شوند.
فصلنامه در اصلاح محتوایی و یا ویراستاری عناوین و متن مقالات آزاد است.
مسئولیت محتوای مقالات مندرج در سیاست نامه علم و فناوری بر عهده نویسندگان است.

فهرست

چالش‌های فعالیت مؤسسات جذب دانشجویان بین‌المللی در ایران حمزه حاجی عباسی	◀	۵
شناسایی عوامل مؤثر در مهاجرت اساتید، پژوهشگران و فعالان استارت‌آپ‌ها در ایران میترا السادات حسین پور، فهیمه بهزادی	◀	۱۸
بررسی اثر عوامل درونی و بیرونی بر بازگشت ایرانیان خارج از کشور طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ زهرة ربیعی، ملیکا سلیمانی خو	◀	۴۷
دوراهی مهاجرت‌های اقلیمی؛ تحلیلی دربارهٔ رویکردهای سازگاری یا ناسازگاری در برابر آثار تغییرات اقلیمی رقیه صمدی	◀	۶۳
تاب‌آوری جوامع در برابر آثار رخداد‌های اقلیمی؛ نه به مهاجرت مریم عدالت مقدم	◀	۸۰
چهارچوب سیاست‌گذاری و حقوق پناهندگان در ایران، با تأکید بر سیستم تعیین وضعیت پناهندگی سعیده مختارزاده، هانیه انصاری	◀	۹۹
شیوه‌نامه نگارش مقالات در نشریهٔ سیاست‌نامه علم و فناوری	◀	۱۱۸

چالش‌های فعالیت مؤسسات جذب دانشجویان بین‌المللی در ایران

20.1001.1.24767220.1401.12.4.1.2

حمزه حاجی عباسی^۱

چکیده

در دهه اخیر، جذب دانشجویان بین‌المللی در دنیا به موضوعی راهبردی تبدیل شده است. حضور دانشجویان بین‌المللی در هر کشور منافع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی به همراه دارد و به کیفیت آموزش عالی آن کشور کمک می‌کند. برای جذب مؤثر دانشجویان بین‌المللی، افزایش کمیت و کیفیت کنشگران، نهادها و سیاست‌ها ضروری است. از جمله کنشگران مهم این حوزه مؤسسات جذب دانشجویان بین‌المللی هستند که، با داشتن شبکه گسترده‌ای از روابط در کشورهای مختلف و همچنین آشنایی با نظام‌های آموزش عالی کشورهای مقصد، در انتخاب دانشگاه مناسب به متقاضیان کمک می‌کنند. همچنین این مؤسسات در جذب تعداد قابل توجهی از متقاضیان با کیفیت تحصیلی مناسب به دانشگاه کمک می‌کنند. در سال‌های اخیر، اگرچه هدف آموزش عالی در ایران افزایش جذب دانشجویان بین‌المللی بوده است، از ظرفیت مؤسسات جذب به خوبی استفاده نشده است و فعالیت آن‌ها با چالش‌هایی همراه بوده است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های فعالیت مؤسسات جذب در ایران، از نظر صاحب‌نظران، با استفاده از روش «تحلیل مضمون» صورت گرفت و دوازده چالش در چهار دسته چالش‌های ساختاری (نبود سیاست‌ها و قوانین مناسب، نبود کنشگران کافی، تعدد مراجع تصمیم‌گیری)، چالش‌های زمینه‌ای (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی)، چالش‌های فرایندی و رفتاری (رویه‌های غلط اجرایی، ناتوانی کنشگران اجرایی، تخلف و فساد در فرایندهای جذب)، چالش‌های محتوایی (محدودیت‌های زبانی، برنامه‌های آموزشی محدود و کم‌کیفیت، همکاری‌های بین‌المللی محدود) شناسایی شد. در ادامه راهکارهایی برای رفع هرکدام از مسائل موجود و پیشنهادهای سیاستی برای بهره‌گیری بهتر از ظرفیت‌های مؤسسات جذب ارائه شد.

واژگان کلیدی: مؤسسات جذب دانشجو، دانشجویان بین‌المللی، سیاست‌های مهاجرتی، چالش‌های بین‌المللی سازی آموزش عالی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲

مقدمه

۳۷۱). برای این اساس، نمی‌توان اتباع مقیم ایران را که از طریق کنکور وارد دانشگاه می‌شوند دانشجوی بین‌المللی دانست. به هر ترتیب مهم‌ترین مرجع آماری در مورد تعداد دانشجویان بین‌المللی در دنیا سازمان آموزش علمی، و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)^۵ است. مرجع این سازمان در ایران مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است و در نتیجه گزارش‌های این مؤسسه معتبرترین آمار دانشجویان بین‌المللی در ایران و قابل‌مقایسه با دیگر کشورهاست. مقایسه تعداد دانشجویان بین‌المللی کشورهای همسایه ایران در وبگاه یونسکو نشان می‌دهد که تعداد دانشجویان بین‌المللی در ایران در سال ۲۰۲۰ (۲۴۳۷۹) دانشجویان با کشورهای ترکیه (۱۵۴۵۰۵ دانشجویان)، عربستان (۶۹۰۰۵ دانشجویان)، امارات متحده عربی (۲۱۵۹۷۵ دانشجویان) و روسیه (۲۸۲۹۲۲ دانشجویان) فاصله فراوانی داشته است (data.uis.unesco.org).^۶ برای کاستن از این فاصله و موفقیت در جذب دانشجویان، شناخت کنشگران، سیاست‌ها، قوانین و نیز کارویژه‌های اصلی این حوزه ضروری است. از این کنشگران مؤسسه‌های جذب دانشجویان هستند که می‌توانند با شتاب‌دهی به فرایند جذب دانشجویان با استعداد فاصله ایران را از کشورهای رقیب کاهش دهند. بهره‌گیری از مؤسسات جذب دانشجویان در ده سال اخیر در دنیا رشد فزاینده‌ای داشته است. پژوهشی در کشور هند که دومین کشور دانشجویفروست دنیا است نشان می‌دهد که بیش از ۶۶ درصد از دانشجویان که به تحصیل در خارج از کشور تمایل دارند به مراکز مشاوره تحصیلی مراجعه می‌کنند و درصد فراوانی از آن‌ها از خدمات این مؤسسات استفاده می‌کنند (Kamble and Bobade, 2020). همچنین در کشور استرالیا تا ۷۳ درصد، در کشور انگلستان بیش از ۵۰ درصد و در کشور کانادا حدود نیمی از جذب دانشجویان بین‌المللی با کمک این مؤسسات انجام می‌شود (Xu and Miller, 2021; Fortescue and Davis, 2021). در ایالات متحده آمریکا نیز از سال ۲۰۱۳ محدودیت‌های فعالیت مؤسسات جذب دانشجویان لغو شده است (West and Addington, 2014). تخمین زده می‌شود که حدود ۲۰ هزار مؤسسه جذب دانشجویان در سراسر جهان فعالیت می‌کند که این فعالیت یا بر اساس مقررات خودتنظیمی (درون صنعت) یا بر اساس قانون‌گذاری شخص سوم (نظارت دولت یا مؤسسه‌های عمومی) شکل می‌گیرد (Huang et al., 2022).

فعالیت مؤسسات جذب دانشجویان در ایران با مشکلات گوناگونی روبه‌رو است. مسائلی همچون شفاف نبودن قراردادها، انحصار،

جابه‌جایی جهانی دانشجویی^۱ موضوعی به سرعت در حال رشد است. در حالی که در سال ۱۹۸۱ تعداد دانشجویان بین‌المللی در جهان حدود ۱/۱ میلیون نفر بوده است، در سال ۲۰۱۹ این تعداد به بالای ۶ میلیون نفر رسید (data.uis.unesco.org) و پیش‌بینی می‌شود این عدد در سال ۲۰۲۵ به بالای ۷ میلیون نفر برسد (Kamble and Bobade, 2020). تأثیر مثبت جذب دانشجویان بین‌المللی در اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۶ بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار بوده است که حدود ۵۷ میلیارد دلار آن سهم ایالات متحده آمریکا، حدود ۲۵ میلیارد دلار آن سهم انگلیس، حدود ۱۹ میلیارد دلار آن سهم استرالیا و حدود ۱۴ میلیارد دلار از آن نیز سهم فرانسه بوده است (Choudaha, 2019). جذب دانشجویان بین‌المللی برای کشور میزبان، علاوه بر منافع اقتصادی همچون اشتغال‌آفرینی و جذب درآمد، منافع گوناگون دیگری نیز در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، علمی و فناوری دارد؛ توسعه دامنه نفوذ فرهنگی، پرورش نسل بعدی سیاست‌گذاران و جذب نخبگان کشورهای دیگر از این منافع است. علاوه بر این موارد، می‌توان به افزایش کیفیت آموزش عالی و گسترش تعاملات فرهنگی نیز اشاره کرد (Chitsazzadeh, 2020). در کشورهای پیشرو توانسته‌اند با سیاست‌ها و برنامه‌هایی اثربخش همچون افزایش کیفیت دانشگاه‌ها، تسهیل شرایط دریافت روادید، حمایت‌های مالی و کمک‌هزینه‌های تحصیلی و تسهیل شرایط اشتغال پس از تحصیل، در جذب دانشجویان بین‌المللی موفق عمل کنند و از مزایای اقتصادی (بودجه آموزش عالی و نیروی کار) و غیراقتصادی (ذخیره جمعیتی و جامعه چندفرهنگی) آن بهره‌مند شوند (Iran migration observatory, 2020).

از تعداد دانشجویان بین‌المللی در ایران آمارهای متفاوتی ارائه شده است. این اختلاف از شکاف زمانی در جمع‌آوری و ارائه آمار و تفاوت مبانی و شاخص‌های آمارگیری گوناگون (مانند تعداد روادیدهای صادرشده، تعداد دانشجویان ثبت‌نام‌شده، تعداد دانشجویان در حال تحصیل) نشئت می‌گیرد (Chitsazzadeh, 2020). تفاوت تعریف دانشجویی بین‌المللی^۲ با دانشجوی خارجی^۳ نیز یکی دیگر از عوامل این اختلاف است. طبق تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،^۴ دانشجوی بین‌المللی دانشجویی است که با هدف تحصیل از مرز عبور کند و پیش از آن در کشور محل تحصیل اقامت نداشته باشد و مدرک قبلی خود را از آنجا نگرفته باشد (OECD, 2012, p).

5. United Nations Educational, Scientific, and Cultural Organization (UNESCO)

۶. در چند سال اخیر مسئولان آمارهای گوناگونی از تعداد دانشجویان بین‌المللی، از ۶۰ هزار تا ۱۰۰ هزار نفر، اعلام کرده‌اند، اما چون هیچ منبع موثق آماری آن را تأیید نکرده است نمی‌توان این آمارها را پذیرفت.

1. Global student mobility

2. International student

3. Foreign student

4. The Organisation for Economic Co-operation and Development

۱-۱. روش‌های گوناگون جذب دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های بین‌المللی روش‌های گوناگونی برای جذب هرچه بیشتر دانشجویان بین‌المللی به کار گرفته می‌شود که می‌توان آن‌ها را در این چهار دسته کلی قرار داد:

جذب دانشجویان با روش‌های بازاریابی توسط دانشگاه: در این روش سعی می‌شود با استفاده از وبگاه، شبکه‌های مجازی، حضور در نمایشگاه‌های مختلف بین‌المللی و تعامل با دانشگاه‌ها و... ویژگی‌های مثبت دانشگاه به جمعیت هدف معرفی شود. اگرچه در این روش کیفیت علمی متقاضیان جذب‌شده بالاست، تعداد جذب، با توجه به هزینه‌های زمانی و مالی، محدود خواهد بود.

جذب دانشجویان از طریق دانشجویان یا دانش‌آموختگان: در این روش دانشجویان و دانش‌آموختگان بین‌المللی دانشگاه را با دادن تخفیف شهریه و پرداخت پورسانت به تبلیغ دانشگاه در کشور خود تشویق می‌کنند. این روش، به‌علت اینکه دانشجویان و دانش‌آموخته شناخت خوبی از دانشگاه دارند و رودررو تبلیغ می‌کنند، روش مؤثری در جذب دانشجویان با استعداد است، اما میزان جذب در این روش نیز محدود است و ممکن است فعالیت درسی دانشجویان تحت تأثیر قرار بگیرد یا چون دانش‌آموخته از محیط دانشگاه فاصله می‌گیرد در طول زمان جذب کاهش یابد.

جذب دانشجویان از طریق واسطه‌ها: واسطه‌ها یا دلان به افرادی گفته می‌شود که به علل تجاری یا شخصی به کشورهای دیگر رفت‌وآمد دارند و با هدف کسب درآمد در فرایند جذب دانشجویان فعالیت می‌کنند. آن‌ها آگاهی چندانی از وضعیت آموزشی دانشگاه و شرایط تحصیلی متقاضی ندارند. در این روش جذب کیفیت علمی متقاضی پایین ولی میزان معرفی به دانشگاه بالاست.

جذب دانشجویان از طریق مؤسسات جذب: مؤسسات حرفه‌ای جذب با دانشگاه‌های کشورهای مختلف آشنایی دارند و می‌توانند درباره زندگی و تحصیل در خارج از کشور به دانشجویان مشاوره مناسبی بدهند. این شرکت‌ها می‌توانند تعداد چشمگیری از متقاضیان با شایستگی علمی پذیرفتنی را به دانشگاه معرفی کنند. به‌علت اینکه این مؤسسات از نظر حقوقی حرفه‌ای‌اند دانشگاه‌ها بهتر می‌توانند با آن‌ها قرارداد تنظیم کنند (Onk and Joseph, 2017; Ozturgut, 2013). در جدول ۱ این روش‌ها با یکدیگر مقایسه شده است.

تخلف و نیز مشکلات خرد و کلان دیگر باعث شده است که جذب دانشجویان بین‌المللی در کشور با چالش‌های اساسی روبه‌رو باشد. این در حالی است که می‌توان با چهارچوب حقوقی مناسب از شهرت دانشگاه و آموزش عالی، در مقابل فعالیت‌های غیراخلاقی برخی مؤسسات جذب دانشجویی، حمایت کرد (Xu and Miller, 2021). آگاهی‌رسانی ناکامل به متقاضیان در مورد شرایط زندگی و تحصیل در ایران منجر به افزایش شکاف میزان انتظارات دانشجویان بین‌المللی با شرایط واقعی دانشگاه‌ها شده است. به‌طوری‌که اگر به این وضعیت رسیدگی نشود، دانشجویان، دانشگاه، اعتبار نظام آموزش عالی و حتی وجهه فرهنگی کشور دچار خسارت‌های جبران‌ناپذیری خواهد شد (Khorasani et al., 2022). پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های فعالیت مؤسسات جذب دانشجویان در ایران و ارائه راهکارهایی برای رفع این موانع صورت گرفت.

۱. مبانی نظری و پیشینه

سیاست‌های جذب دانشجویان بین‌المللی دانشگاه‌ها بر اساس رویکردهای کلان‌نشان تدوین می‌شود. الگوهای بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها را می‌توان در پنج دسته کلی قرار داد: (۱) جذب نخبگان، (۲) کسب اعتبار و وجهه بین‌المللی، (۳) تجاری‌سازی و کسب سود، (۴) شبکه‌سازی و تقویت همکاری‌ها و (۴) کسب درآمد برای بقا (Khorsandi Taskouh, 2016, pp. 104-108). انتخاب هرکدام از این الگوها هماهنگ است با سیاست‌های فرابخشی در حوزه‌های گوناگون تعاملات بین‌المللی (مهاجرت، آموزش، علم، فناوری، امنیت، اقتصاد و...) که خود بر اساس رویکردهای کلی نظام و راهبردهای اصلی کشور تدوین می‌شود. باوجود این، اگرچه سیاست‌گذاری سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین است، سیاست‌های سطوح گوناگون حکمرانی در خلأ تدوین نمی‌شود و باید با توجه به ظرفیت و توانمندی‌های نهادی و اجرایی کنشگران آن حوزه تنظیم شود. شناخت کافی از کنشگران، نهادها، قوانین و نیز سیاست‌های حوزه جذب دانشجویان در سطوح مختلف حکمرانی به تدوین سیاستی مؤثر کمک می‌کند. با توجه به این نکته و برای شناخت بهتر مؤسسات جذب دانشجویی، در ادامه این بخش روش‌های گوناگون جذب، انواع مؤسسات جذب و نیز ساختار حکمرانی آن‌ها در ایران مختصر معرفی خواهد شد. سپس پیشینه‌ای از موضوع در مطالعات انجام‌شده بررسی می‌شود.

جدول ۱: مقایسه روش‌های جذب دانشجویان

روش‌های جذب دانشجویی بین‌المللی	تعداد متقاضیان معرفی شده به دانشگاه	کیفیت علمی متقاضیان معرفی شده
تبلیغات دانشگاهی	پایین	بالا
واسطه‌ها و افراد	بالا	بسیار پایین
دانش‌آموختگان و دانشجویان	پایین	بالا
مؤسسه‌های جذب دانشجویی	بالا	نسبتاً بالا

است شناخت الگوهای درآمدی آن‌هاست. در الگوی درآمدی بر پایه کارمزد^۲، که متعارف‌ترین الگوی درآمدی است، به‌ازای جذب هر دانشجو درصدی از شهریه برای حق‌الزحمه دریافت می‌شود. در برخی از مؤسسات از هر دو طرف (دانشجو و دانشگاه) هزینه دریافت می‌شود که به این عمل دریافت دوسره^۳ می‌گویند، اما اگر فقط از دانشجو هزینه مشاوره دریافت کنند در این صورت به آن‌ها مشاوران مستقل آموزشی^۴ یا عامل خریدار^۵ می‌گویند (West and Addington, 2014).

الگوی درآمدی مؤسسات جذب دانشجو تحت‌تأثیر سیاست‌های کلان کشورهای مختلف و راهبردهای بازاریابی دانشگاه‌ها قرار دارد. اگر هدف سیاست‌گذار جذب تعداد بسیاری دانشجوی بین‌المللی باشد، برای تشویق مؤسسات جذب، دریافت دوسره انگیزه‌بخشی بیشتری می‌کند. درعین حال، ممکن است این شیوه منجر به افزایش خطر ایجاد تعارض منافع و تخلفات و شکایات شود. به همین علت سیاست‌گذاری هوشمندانه‌تری نیاز است. اگر دانشگاه از شهرت بین‌المللی خوبی برخوردار باشد، الگوی درآمدی مؤسسات جذب به شیوه دریافت وجه از دانشجو نزدیک خواهد شد. نکته مهم درباره مؤسسات جذب که باید به آن توجه شود این است که نباید در آن‌ها به دانشجو چون مشتری^۶ یا کالا نگریسته شود، بلکه کارکرد مؤسسات باید میانجی‌گری^۷ میان دانشگاه و متقاضی باشد (Kamble and Bobade, 2020).

۱-۳. حکمرانی مؤسسات جذب دانشجو در ایران

کنشگران اصلی حکمرانی را می‌توان در سه دسته اصلی سیاست‌گذار، تنظیم‌گر-تسهیلگر و خدمت‌دهنده قرار داد (Banushi et al, 2021). کنشگران و نهادهای گوناگونی چون سازمان‌های حاکمیتی، سازمان‌های عمومی، دانشگاه‌ها، مؤسسات جذب و عوامل دیگری چون سیاست‌ها و قوانین و مقررات مربوط، هرکدام به‌نوعی، در صنعت جذب دانشجویان بین‌المللی فعالیت می‌کنند و در آن تأثیر می‌گذارند (Asghari, 2019). الگوی ساده‌شده سطح و روابط کنشگران و نهادهای موجود در ایران در شکل ۱ نشان داده شده است. ذکر این نکته ضروری است که تمایزگذاری میان کنشگران و نهادها در سطوح مختلف برای ساده‌سازی و فهم بهتر صورت می‌گیرد، درحالی‌که در وضعیت واقعی همه کنشگران در شرایطی در انجام وظایف دیگر سطوح نیز مشارکت دارند.

با توجه به راهبرد متفاوت دانشگاه‌ها، ممکن است هرکدام از این روش‌های جذب انتخاب شود، اما به‌طورکلی می‌توان گفت واسطه‌ها و افرادی که فقط به درآمد خود می‌اندیشند بدترین روش جذب باشد و مؤسسات جذب برای جذب حداکثری و باکیفیت مناسب‌ترین روش باشد. در مؤسسات جذب بر اساس رابطه کارفرما-کارگزار^۱ عمل می‌شود که در آن نماینده بر اساس دریافت دستمزد خدمت می‌کند. آن‌ها با هزینه‌های کمتر دسترسی بیشتری به بازارهای محلی دیگر کشورها دارند و می‌توانند خدمات گوناگونی به دانشگاه‌های طرف قرارداد ارائه کنند (Huang et al, 2022).

۲-۱. مؤسسات جذب دانشجویان بین‌المللی

فعالیت مؤسسات جذب می‌تواند برای دانشگاه، دانشجو و نیز دولت مفید باشد. این مؤسسات با فعالیت‌هایی چون تبلیغات گسترده در کشورهای دانشجویی، کمک به دانشجویان برای شناخت ویژگی‌های جامعه مقصد، مطالعه هوشمند روند بازار و نیز افزایش کیفیت پذیرش به دانشگاه‌ها خدمت می‌کنند. همچنین به دانشجویان نیز در آگاهی‌رسانی در مورد شرایط کشور و دانشگاه مقصد و پذیرش تحصیلی، دریافت روادید، امور کنسولی و نیز خدمات اسکان کمک می‌کنند. حتی فعالیت مؤسسات جذب در کمک به دولت‌ها برای احراز هویت اولیه متقاضیان، بررسی صحت مدارک ارائه‌شده و نیز انجام استعلام‌های مربوط مفید است (Kamble and Bobade, 2020; Nikula, 2020; West and Addington, 2014).

مؤسسات جذب دانشجو را می‌توان بر اساس خدمات، اندازه، محل فعالیت و نیز فرایندهای کاری به این دسته‌ها تقسیم کرد.

شرکت‌های کوچک: شرکت‌هایی با حداکثر ۵۰ کارمند که در حوزه‌ای تخصصی فعالیت می‌کنند و در یک کشور خاص از چندین دانشگاه نمایندگی دارند. بیشترین سهم بازار برای این نوع شرکت‌ها است.

متخصصان بازار: شرکت‌هایی با بیش از ۵۰ کارمند و با نمایندگی‌های متعدد در یک یا چند کشور که با دانشگاه‌های گوناگونی ارتباط دارند.

بین‌المللی: شرکت‌هایی که در دنیا شناخته‌شده‌اند و کارمندان فراوان، سامانه‌های اطلاعاتی پیشرفته و نیز ضوابط و معیارهای داخلی کاری مختص به خود را دارند.

نوآوران برخط: این شرکت‌ها به‌صورت سکوی (پلتفرم) نرم‌افزاری به واسطه‌های فردی و شرکت‌های کوچک خدمات می‌دهند (Fortescue and Davis, 2021).

یکی دیگر از موضوعاتی که در شناخت بهتر انواع مؤسسات مفید

2. Commission based

3. Double dipping

4. Independent Educational Consultants (IEC)

5. Buyer agent

6. Customer

7. Mediator

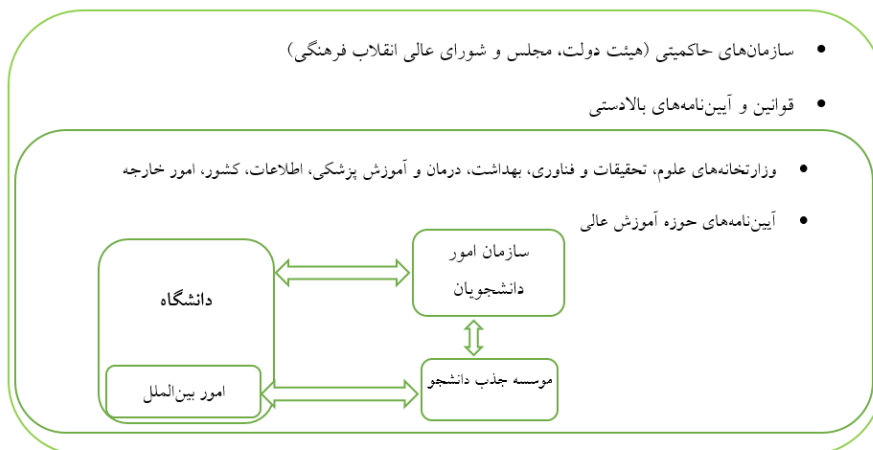
1. Principal-agent relationship

۱-۳-۱. کنشگران و سازمان‌های مؤثر در جذب دانشجویان

بین‌المللی

از جمله وظایف آن‌هاست. نوع دیگر کنشگران نهادهای عمومی یا غیرانتفاعی است. این سازمان‌های مستقل به صورت مشارکتی مؤسسات جذب را رصد و ارزیابی می‌کنند، بر آن‌ها نظارت می‌کنند، آموزش‌های لازم را به آن‌ها می‌دهند و از آن‌ها حمایت می‌کنند. دانشگاه نیز مهم‌ترین نهاد ارائه‌کننده خدمت به دانشجو است که کیفیت علمی آن تأثیر مهمی در جذب دانشجو دارد.

سیاست‌های کلی جذب دانشجویان بین‌المللی محصول سازمان‌های سیاست‌گذار است. تنظیم‌گران و تسهیلگران نیز با تعیین سیاست‌های بخشی مرتبط با جذب دانشجو در فعالیت مؤسسات جذب تأثیر مستقیم می‌گذارند. تسهیل امور مهاجرت، رسیدگی به تخلفات و شکایات و نیز قاعده‌گذاری در زمینه فعالیت مؤسسات



شکل ۱: روابط نهادها و کنشگران حوزه جذب دانشجویان بین‌المللی در ایران

تأکید شده است. در جدول ۲ کنشگران مهم و نهادهای مرتبط با سیاست‌های جذب دانشجویان بین‌الملل معرفی شده است.

۱-۴. پیشنهاد پژوهش

مطالعه‌ها و گزارش‌های جهانی در مورد فعالیت مؤسسات و میزان تأثیر آن‌ها در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی محدود بوده است. در ایران نیز پژوهشی در این زمینه یافت نشد. در ادامه به چند نمونه از مطالعات بین‌المللی در این زمینه اشاره خواهد شد. کمبل و بوباده (2020)، با هدف بررسی نقش و اهمیت مشاوره تحصیلی در خارج از کشور برای دانشجویان آینده، مزایای مشاوره برای دانش‌آموزان هندی را مطالعه کرده‌اند (Kamble and Bobade, 2020). در این مطالعه اطلاعاتی از سن، جنسیت، میزان تحصیلات و نیز کشورهای مهم مقصد دانش‌آموزانی که به مؤسسات جذب مراجعه می‌کنند ارائه شده است و مهم‌ترین علت مراجعه افراد به مؤسسات جذب دریافت مشاوره و راهنمایی در زمینه آگاهی از کشور، دانشگاه، رشته تحصیلی و نیز آزمون‌های ورودی بیان شده است. یکی دیگر از گزارش‌های مفید راهنمایی است که انجمن ملی مشاوره پذیرش دانشگاه برای مدارس و دانشگاه‌ها در ایالات متحده آمریکا منتشر کرده است (National Association for College Admission Counseling, 2013). در این راهنما انواع مؤسسات جذب

۱-۳-۲. قوانین، سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های مؤثر در زمینه فعالیت مؤسسات جذب دانشجویان بین‌الملل

سیاست‌ها و قوانین کشور در رویکرد بلندمدت بین‌المللی شدن آموزش عالی تأثیرگذار است. به صورت کلی دو دسته قوانین و مقررات در فعالیت مؤسسات جذب تأثیر می‌گذارد؛ دسته اول قوانین و آیین‌نامه‌های عمومی (قوانین حفاظت از حریم خصوصی، مبارزه با فساد و...) است که در فضای کسب‌وکار تأثیر می‌گذارد؛ دسته دوم قوانین و دستورالعمل‌هایی است که مختص به آموزش عالی و دانشجویان بین‌المللی است و برای فعالیت این مؤسسات تصویب شده است، که می‌توان به آیین‌نامه‌هایی که شورای راهبردی سیاست‌گذاری کلان برای دانشجویان خارجی صادر کرده است اشاره کرد. بلوغ قوانین مربوط به مؤسسات جذب دانشجویان بین‌المللی وابسته است به سابقه فعالیت کشورها در این صنعت. علاوه بر قوانین و آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های اخلاقی نیز تأثیر فراوانی در هدایت اخلاقی مؤسسات دارد. برای مثال در «بیانیه لندن»^۱ اصول هفت‌گانه اخلاقی‌ای را برای کارگزاران جذب دانشجو منتشر کرده‌اند. این چهارچوب اخلاقی حاصل همکاری کشورهای انگلیس، ایرلند، کانادا، نیوزیلند و استرالیا است که در آن بر حرفه‌ای بودن، صداقت، بی‌طرفی، شفافیت و نیز رازداری

1. London Statement

جدول ۲: سطوح حکمرانی مربوط به مؤسسات جذب دانشجو در ایران

موارد	عناصر	سطح حکمرانی
شورای راهبردی سیاست‌گذاری کلان برای دانشجویان خارجی	کنشگران	سیاست‌گذاری
برنامه ششم توسعه، سیاست‌های کلی علم و فناوری، نقشه جامع علمی کشور، سند جامع روابط علمی و بین‌المللی و...	سیاست‌ها و قوانین	
سازمان امور دانشجویان؛ شورای بین‌الملل و مرکز خدمات آموزشی معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ وزارت خارجه، وزارت کشور و...	کنشگران	تنظیم‌گری و تسهیلگری
آیین‌نامه پذیرش دانشجویان بین‌المللی شهریه‌پرداز، آیین‌نامه تشکیل مؤسسات جذب دانشجویان بین‌المللی، بخشنامه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	سیاست‌ها و قوانین	
معاونت‌ها و امور بین‌الملل دانشگاه‌های دولتی، آزاد و غیرانتفاعی، مؤسسات جذب دانشجو	کنشگران	خدمت‌رسانی
بخشنامه‌های داخلی و تصمیم‌های دانشگاه‌ها در زمینه چگونگی همکاری با مؤسسات	سیاست‌ها و قوانین	

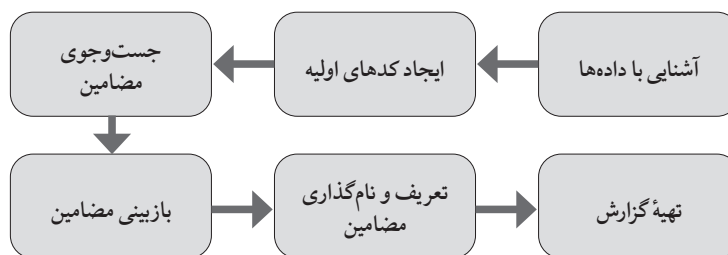
به‌علت بی‌توجهی به اخلاق حرفه‌ای فاقد عملکرد حرفه‌ای مطلوب‌اند. در این پژوهش آموزش حرفه‌ای، ایجاد چهارچوب حقوقی، تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی و نیز تأکید بر شفافیت برای ایجاد محیطی سالم پیشنهاد شده است. نیکولا (2020) نیز سیاست‌ها و قوانین دو کشور استرالیا و نیوزیلند را که دو کشور پیشرو در زمینه هدایت مؤسسات جذب دانشجو هستند تجزیه و تحلیل کرده است (Nikula, 2020).

۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر ابتدا اسناد، آیین‌نامه‌ها و گزارش‌های موجود در ایران برای آشنایی با موضوع و کنشگران اصلی مطالعه و بررسی شد. سپس با صاحب‌نظران درمورد چالش‌های فعالیت مؤسسات جذب و راهکارهای رفع این چالش‌ها مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. همچنین از روش تحلیل مضمون، با شیوه پیشنهادی براون و کلارک (2006) (شکل ۲)، برای شناسایی، تجزیه و تحلیل و نیز گزارش الگوهای (مضامین) موجود درون مصاحبه‌ها استفاده شد (Braun and Clarke, 2006). با این روش در سه سطح مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، مضامین سازمان‌دهنده (به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و نیز مضامین فراگیر (دربرگیرنده اصول حاکم بر متن) نقشه‌ای از کل مضامین ارائه می‌شود (Kamali, 2018).

همچنین برای افزایش اعتبار پژوهش از ۱۵ معیار پیشنهادی براون و کلارک (2006) برای ارزیابی فرایندهای تحلیل مضمون (در مراحل مختلف یادداشت‌برداری، کدگذاری، تجزیه و تحلیل، گزارش‌دهی) کمک گرفته شد.

و شیوه‌های درآمدی آن‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، تعهدنامه‌های جهانی و نیز قوانین کشورها معرفی شده است. تیم (2017) ضرورت همکاری مؤسسات جذب را بررسی کرده است و نشان داده است که تشکیل انجمنی از این مؤسسات، علاوه بر اینکه برای مقابله با چالش‌های محیطی مؤسسات مفید است، با تدوین ضوابط اخلاقی، از منافع مشتریان نیز حمایت می‌شود. نیکولا و کیویستو درباره ابزارهای پایش و ارزیابی عملکرد مؤسسات جذب پژوهش کرده‌اند (Nikula and Kivistö, 2020). آن‌ها بر اساس نظریه کارگزاری، ضمن معرفی بهترین دستورالعمل‌های موجود در زمینه همکاری دانشگاه‌ها با مؤسسات جذب، شاخص‌هایی را پیشنهاد می‌کنند تا برای رفع مشکلاتی همچون ارائه اطلاعات غلط، تقلب، نبود شفافیت، اثربخشی محدود، دست‌کاری در مدارک و... به کار گرفته شود؛ نمونه‌هایی از این شاخص‌ها چنین است: تجزیه و تحلیل اطلاعات دانشجویان، ارزیابی میدانی از مؤسسات، ارتباط مستمر دانشگاه با مؤسسه، بازخورد دانشجویان، خرید نامحسوس، ارتباط مؤسسات باهم و نیز ارزیابی روش‌های بازاریابی. در گزارشی دیگر، که شورای امور دانشجویان بین‌المللی انگلستان و انجمن روابط بین‌الملل دانشگاه‌های انگلیس (Fortescue and Davis, 2021) منتشر کرده‌اند، نقش مؤسسات جذب دانشجو در انگلستان بررسی شده است و اقدامات تضمینی برای فعالیت سالم این مؤسسات در این کشور و دیگر کشورها معرفی شده است. در پژوهشی دیگر (Xu and Miller, 2021) با نظرسنجی از ۳۸۵ دانشجوی بین‌المللی در کانادا، درمورد میزان رضایت آن‌ها از مؤسسات جذب، به این نتیجه رسیده‌اند که مؤسسات



شکل ۲: فرایند تحلیل مضمون (Braun and Clarke, 2006)

۳. یافته‌ها

اولین مرحله از تحلیل مضمون آشنایی با داده‌ها و شناخت آن‌هاست. برای شناخت بهتر وضعیت مؤسسات جذب، با سیاست‌گذاران، دانشگاهیان، مدیران و نیز دانشجویانی که شناخت کافی از مؤسسات جذب دارند مصاحبه‌های اکتشافی شد. برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان روش نمونه‌گیری هدفمند به کار گرفته شد و روند مصاحبه تا رسیدن به حد اشباع پاسخ‌ها ادامه یافت. در طول پژوهش نیز برای اینکه مشارکت‌کنندگان آزادانه اظهارنظر کنند بر رازداری، محرمانگی و گمنامی و نیز امانت‌داری تأکید شد. در جدول ۳ مشخصات مصاحبه‌شوندگان آمده است.

جدول ۳: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	کارشناس	سابقه فعالیت	زمان مصاحبه
۱	مدیر مؤسسه جذب	۴ سال	۶۳ دقیقه
۲	معاونت بین‌الملل دانشگاه علوم پزشکی	۸ سال	۲۵ دقیقه
۳	کارشناس مؤسسه جذب	۲ سال	۴۴ دقیقه
۴	معاونت بین‌الملل دانشگاهی صنعتی	۶ سال	۷۵ دقیقه
۵	دانشجوی بین‌المللی (انصرافی)	۱ سال	۳۵ دقیقه
۶	مدیر اسبق امور دانشجویان غیرایرانی	۲ سال	۷۳ دقیقه
۷	مدیر مؤسسه جذب (غیرایرانی)	۳ سال	۱۲۰ دقیقه
۸	مدیر مؤسسه اعزام (عضو سابق کانون مؤسسات اعزام)	۱۳ سال	۶۰ دقیقه
۹	مدیر مؤسسه اعزام (دبیر سابق هیئت نظارت بر فعالیت مؤسسات اعزام)	۱۸ سال	۷۴ دقیقه

جذب در ایران اشاره داشتند، با چندین بار بازبینی و خلاصه‌سازی و با حذف مضامین تکراری، مضامین رضایت‌بخش حاصل شد. سپس مضامین سازمان‌دهنده در مضامینی محدود و فراگیر که به راحتی درک‌شدنی و فهم‌شدنی باشد خلاصه شد. مضامین پایه و سازمان‌دهنده و فراگیر به صورت جدول ۴ دسته‌بندی شد.

پس از خواندن مکرر متن مصاحبه‌ها، به هر جمله‌ای که به چالش‌های مؤسسات جذب اشاره می‌کرد، با توجه به ویژگی و مفهوم و معنای آن، مضمونی اختصاص داده شد. پس از کدگذاری کل متن، مضامین اولیه و پایه شناسایی و مشخص شد. پس از ایجاد مجموعه‌ای از مضامین پایه که به چالش‌های مؤسسات

جدول ۴: مضامین چالش‌های فعالیت مؤسسات جذب در ایران

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
چالش‌های ساختاری	نبود سیاست‌ها و قوانین مناسب	نبود آیین‌نامه جامع و منسجم، وجود سیاست‌ها و قوانین متناقض، وجود تعارض منافع در بندهای آیین‌نامه‌ها، اجازه‌ندان به کار پاره‌وقت دانشجویان، نبود روایت پس از تحصیل
	نبود کنشگران کافی	کارگزاران و مؤسسات محدود، فعال نبودن کانون مؤسسات جذب و اعزام، نبود مؤسسات آموزشی و صادرکننده گواهی صلاحیت
	تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده	تعارض در وزارتین آموزش عالی، همکاری نکردن دستگاه‌ها و تعارض‌های بین‌دستگاهی، مشارکت نکردن همه کنشگران در تصمیم‌گیری‌ها
چالش‌های محتوایی	محدودیت‌های زبانی	لزوم داشتن مدرک زبان فارسی، اجبار آموزش دروس به زبان فارسی، نبود آموزش دروس به زبان انگلیسی یا سایر زبان‌ها
	برنامه‌های آموزشی محدود و کم‌کیفیت	رشته‌های تحصیلی محدود، نبود برنامه آموزشی نوین، بی‌توجهی به بین‌رشته‌ای بودن، ناتوانی استاد در تدریس، یادگیری کم دانشجوی، سرفصل‌های درسی نامرتبط با آینده شغلی، بین‌المللی نبودن سرفصل‌های درسی
	همکاری‌های بین‌المللی محدود	فرصت‌های مطالعاتی کم، پروژه‌های مشترک کم، تفاهم‌نامه‌های محدود، جذب نکردن استادان و کارکنان خارجی، نبود پیش بین‌المللی شدن در دانشگاه‌ها
چالش‌های زمینه‌ای (کلان و خرد)	اقتصادی	هزینه رفت‌وآمد و اجاره مسکن و شهریه دانشجوی، نوسانات نرخ ارز، رقابتی نبودن شهریه در مقایسه با دانشگاه‌های منطقه، بی‌ثباتی در میزان شهریه، رقابتی نبودن پورسانت مؤسسات جذب، حمایت مالی اندک و نبود تخفیف برای شهریه
	فرهنگی	نپذیرفتن تفاوت فرهنگی و مذهبی، الزام پوشش، بیگانه‌هراسی در بخشی از ایرانی‌ها، نبود تعامل مناسب میان دانشجویان و استادان داخلی با دانشجویان کشورهای همسایه، دوگانگی در رفتارهای رسمی و غیررسمی، بی‌توجهی به نیازهای فرهنگی دانشجوی (تنوع غذایی، تفریح، فعالیت فرهنگی و...)
	اجتماعی	نبود آزادی‌های اجتماعی، امنیت کم، ادغام نشدن اجتماعی دانشجویان با جامعه، نبود تشکل‌های دانشجویان خارجی
چالش‌های فرایندی و رفتاری	رویه‌های غلط اجرایی	رویه‌های کند پذیرش و صدور روایت، نبود شفافیت، دخالت هیئت‌امنا دانشگاه، آگاهی‌رسانی ضعیف به متقاضی، محور نبودن دانشجوی، نبود انگیزه‌بخشی به کارکنان، ارزیابی نشدن مؤسسات جذب و دانشگاه‌ها، رسیدگی نشدن به تخلفات و شکایات
	ناتوانی کنشگران اجرایی	ناآشنایی دانشگاه با وضعیت بین‌المللی سازی آموزش عالی در جهان و منطقه، ناآگاهی در مورد راهبردهای بازاریابی، کم‌تجربگی معاونت دانشگاه و کارمندان و استادان، ناآشنایی مؤسسات جذب با نظام آموزش عالی ایران و منطقه
	تخلف و فساد در فرایندهای جذب	انحصارگرایی در عقد قرارداد، رشوه‌دهی در فرایند عقد قرارداد، بی‌اخلاقی و گمراه کردن دانشجو توسط مؤسسات، روشن نبودن شرایط همکاری مؤسسه با دانشگاه و دانشجو

دیگر، موضوعات فرهنگی همچون اجبار تدریس به زبان فارسی را می‌توان در این سطح قرار داد. حل مسائل، با توجه به سطوح مختلف حکمرانی دخیل در آن‌ها، نیازمند سیاست‌ها و اقدامات متفاوتی است که کنشگران و نهادهای مرتبط باید با اصلاح سیاست‌ها و قوانین مرتبط به رفع موانع جذب دانشجویان بین‌المللی و فعالیت مؤسسات جذب اقدام کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، اگرچه جذب دانشجویان بین‌المللی در ایران افزایش یافته است، هنوز شرایط پذیرش تعداد گسترده‌ای از دانشجویان، از لحاظ شرایط ساختاری، نهادی، قانونی، فرهنگی و آموزشی، آماده نیست. چالش‌های زمینه‌ای (فرهنگی و اجتماعی) در کنار نبود ساختارها و فرایندهای بین‌المللی سازی آموزش عالی

باتوجه به شکل ۱ و جدول ۴، مسائل و مشکلات فعالیت مؤسسات جذب در ایران در سه دسته کلی قرار می‌گیرد. دسته اول مسائلی است که در سطح ارائه خدمت (دانشگاه و مؤسسات جذب) است؛ فعالیت نادرست مؤسسات جذب، ناتوانی دانشگاه‌ها (بی‌انگیزگی و ناتوانی کارکنان، رویه‌های اداری نامناسب و...)، تعامل نادرست مؤسسات با دانشگاه‌ها (قراردادهای انحصاری، نبود شفافیت و...) از این جمله است. دسته دوم مسائلی است که در سطح تنظیم‌گری قرار دارد؛ مواردی همچون موانع ناشی از قوانین مهاجرتی، رسیدگی نکردن به تخلفات و شکایات، نبود ارزیابی و رتبه‌بندی مؤسسات و دانشگاه‌ها از این جمله است. دسته سوم مسائل و مشکلات فعالیت مؤسسات جذب در ایران در سطح سیاست‌گذاری کلان است؛ مواردی همچون رویکرد و راهبرد نامشخص در جذب دانشجو، نبود تعامل با کشورهای

پیشنهاد برای کاهش چالش‌های زمینه‌ای

اتخاذ سیاست‌های فرهنگی پویا و توجه به ظرفیت استان‌های مرزی برای جذب دانشجویان با فرهنگ‌های گوناگون؛
اطلاع‌رسانی کافی به متقاضیان در مورد شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تحصیلی در شهرهای مختلف ایران؛
همکاری با مؤسسات جذب در موضوع ادغام و سازگاری فرهنگی - اجتماعی دانشجویان از مرحله جذب دانشجویان.

پیشنهاد برای رفع چالش‌های محتوایی

توجه به روش‌های جایگزین در ترویج زبان فارسی، همچون آموزش با استفاده از محصولات فرهنگی و تعاملات روزمره زندگی دانشجویان در ایران؛
تعریف برنامه‌های جدید درسی که رقابتی، به‌روز و نیز توانمندساز باشد؛
گسترش همکاری‌های علمی - بین‌المللی، به‌خصوص با استادان بین‌المللی.

پیشنهاد برای مقابله با چالش‌های فرایندی

ارزیابی دوره‌ای و رتبه‌بندی مؤسسات جذب، به‌منظور ایجاد رقابت و بالابردن کیفیت و مقابله با انحصار؛
کاهش زمان بررسی شرایط پذیرش کنسولی متقاضی، به‌منظور رقابت با کشورهای همسایه؛
برگزاری دوره‌های آموزش حرفه‌ای و صدور گواهی‌نامه برای دانشگاه‌ها و مؤسسات جذب برای آشنایی با قوانین آموزش عالی، قوانین کنسولی، قواعد فرهنگی و زبان‌های خارجی و نیز چگونگی تعامل با دانشجویان؛
ایجاد فرایندهای اختصاصی برای پایش و نظارت و رسیدگی به شکایات (همچون تعیین خط ویژه تلفن)؛
شفاف‌سازی قرارداد دانشگاه‌ها با مؤسسات جذب؛
ایجاد شرایطی در دانشگاه برای انگیزه‌بخشی به کارمندان بخش معاونت بین‌الملل؛

ارائه شهریه‌های متغیر، رقابتی و نیز تعریف شیوه‌های گوناگون حمایت از نخبگان و اعلام شفاف آن‌ها؛

ثبات بخشی به نرخ شهریه‌های دانشجویان در طول تحصیل؛

تدوین مرام‌نامه اخلاق حرفه‌ای برای مؤسسات جذب (تأکید بر اصول صداقت، حرفه‌ای‌بودن، شفافیت، رازداری، همکاری، بی‌طرفی).

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که در برنامه آفاق (حاصل

از مسائل اساسی است. برای مثال، آمارهای متفاوتی از تعداد دانشجویان بین‌المللی در ایران ارائه می‌شود. پژوهش حاضر نشان داد، با اینکه وجود مؤسسات جذب دانشجویان برای جذب باکیفیت تعداد فراوان دانشجویان مناسب است، فعالیت این مؤسسات در ایران با چالش‌های بسیاری روبه‌روست. چالش‌هایی که باعث شکل‌گیری مشکلاتی برای دانشجویان و خانواده آن‌ها و همچنین آموزش عالی ایران شده است. هدف از پژوهش حاضر شناسایی چالش‌های فعالیت مؤسسات جذب دانشجویان در ایران بود. با استفاده از روش تحلیل مضمون، چهار مضمون اصلی شناسایی شد که دو نوع چالش ساختاری (نبود سیاست‌ها و قوانین مناسب، نبود کنشگران کافی، تعدد مراجع تصمیم‌گیری) و چالش فرایندی و رفتاری (رویه‌های غلط اجرایی، ناتوانی کنشگران اجرایی، تخلف و فساد در فرایندهای جذب) به‌ویژه مرتبط با مؤسسات جذب است؛ چالش‌های زمینه‌ای (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) و چالش‌های محتوایی (محدودیت‌های زبانی، برنامه‌های آموزشی محدود و کم‌کیفیت، همکاری‌های بین‌المللی محدود) مربوط به کلیت بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران است که در فعالیت این مؤسسات نیز تأثیر می‌گذارد. در پژوهش فعلی یزد و همکاران (2019) که در آن به چالش‌های جذب دانشجویان بین‌المللی پرداخته‌اند نیز به موانع آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ساختاری و نیز مدیریتی اشاره شده است (Fazli Yazd et al., 2019). در پژوهش پروین و همکاران (2021) نیز که در زمینه موانع پذیرش دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های دولتی در ایران صورت گرفته است سه نوع ضعف فرهنگی، علمی و نیز مدیریتی را مانع اصلی برای پذیرش دانشجویان بین‌المللی ذکر کرده‌اند (Parvin et al, 2021). تکرار برخی از چالش‌های مربوط به مؤسسات جذب و چالش‌های جذب دانشجویان بین‌المللی نشان می‌دهد که در حوزه جذب دانشجویان بین‌المللی در خصوص این چالش‌ها (زمینه‌ای و محتوایی) مسئله‌ای جدی وجود دارد.

در ادامه، با توجه به سطوح حکمرانی جذب دانشجویان در ایران (شکل ۱) و مسئولیتی که هرکدام از این نهادها بر عهده دارد، در خصوص رفع چالش‌ها (جدول ۴) پیشنهادهای سیاستی ارائه می‌شود.

پیشنهاد برای رفع چالش‌های ساختاری

می‌شود گفت تدوین آیین‌نامه جامع و مشارکتی در راستای حمایت، هدایت و نیز ارتقای فعالیت مؤسسات جذب مهم‌ترین نقطه شروع برای اقدام به سامان‌دهی است. خوشبختانه این حرکت با شیوه‌نامه اجرایی فعالیت مؤسسات جذب دانشجویان غیرایرانی که سازمان امور دانشجویان در خردادماه ۱۴۰۱ صادر کرده است (saorg.ir) شروع شده است. اگرچه هنوز نقدهایی به شیوه تدوین و محتوای این آیین‌نامه وارد است.

look at Iran's position in the international student recruitment market (challenges and opportunities). Tehran: Diaran. {In Persian}

Choudaha, R. (2019). "Beyond \$300 Billion: The Global Impact Of International Students". Available at: <https://studyportals.com/intelligence/global-impact-of-international-students/> (Accessed: 22 February 2020).

Fazli Yazd, H., Zamani, A., and Pouratashi, M. (2019). "Acceptance International Students to the Iranian Higher Education System and the Challenges Ahead". *Rahyafz*, 29(74), pp. 77-90. {In Persian}

Fortescue, O., and Davis, C. (2021). "A Partnership for Quality: A route to a UK Quality Framework with Education Agents. Available at: https://www.ukcisa.org.uk/uploads/files/1/0501_EE_BUILA%20report%20public%20version%20v3.pdf

Huang, I. Y., Williamson, D., Lynch-Wood, G., Raimo, V., Rayner, C., Addington, L., and West, E. (2022). "Governance Of Agents in The Recruitment of International Students: A Typology Of Contractual Management Approaches In Higher Education". *Studies in Higher Education*, 47(6), pp. 1150-1170.

Iran Migration Observatory. (2020). *Iran Migration Outlook 2020*. Tehran: Sharif Policy Research.

Kamali, Y. (2018). "Methodology of Thematic Analysis and its Application in Public Policy Studies". *Public Policy*, 4(2), pp. 189-208 {In Persian}.

Kamble, V. R., and Bobade, P. (2020). "A study on the Role of Consultancy in Overseas Education". *IOSR-JBM*, 22(4), pp. 19-37.

Khorasani, A., Panahi, M., and Ghanbari, R. (2022). "Evaluation Of University Services Quality: Perspectives of International Students in Iran". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 27(4), pp. 55-82. {In Persian}.

Khorsandi Taskooh, A. (2016). *International Higher Education: Strategies and Conditions of Possibility* (Third edition). Tehran: Research Institute for

همکاری انجمن دیاران و پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف) انجام شده است. برنامه آفاق با هدف «ارتقای جذب و تقویت همکاری با دانشجویان بین‌الملل در ایران» فعالیت می‌کند.

منابع فارسی که معادل لاتین آن‌ها در فهرست منابع آمده است

اصغری، فیروزه (۱۳۹۸). تحلیل بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران با تأکید بر نقش بازیگران. نشریه علمی پژوهشی مدیریت فردا، سال هجدهم، شماره ۶۱.

پروین، احسان، غیائی ندوشن، سعید، خورسندی طاسکوه، علی و ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۴۰۰). «شناسایی موانع پذیرش دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های دولتی ایران». پژوهش در آموزش علوم پزشکی، دوره ۱۳، شماره ۱، ص ۲۴-۳۴.

چیت‌ساززاده، امیرحسین (۱۳۹۹). تحصیل در این‌سوی مرز: نگاهی به جایگاه ایران در بازار جذب دانشجویان بین‌المللی (مروری بر چالش‌ها و ارائه فرصت‌های بالقوه). تهران: دیاران.

خراسانی، اباصلت، پناهی، مریم و قنبری، رضا (۱۴۰۰). «ارزیابی کیفیت خدمات دانشگاه‌های ایرانی از دیدگاه دانشجویان بین‌المللی؛ مورد مطالعه دانشگاه شهید بهشتی». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۷، شماره ۴، ص ۵۵-۸۲.

خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۹۶). آموزش عالی بین‌المللی استراتژی‌ها و شرایط امکان (چاپ سوم). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

فضلی یزد، هما، زمانی، اصغر و پورآنتشی، مهتاب (۱۳۹۸). «جذب دانشجویان بین‌المللی در نظام آموزش عالی ایران و چالش‌های پیش رو». رهیافت، دوره ۲۹، شماره ۷۴، ص ۷۷-۹۰.

کمالی، یحیی (۱۳۹۷). «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی». سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۲، ص ۱۸۹-۲۰۸.

منابع

Asghari, F. (2020). "Analysis of Iran Internationalization of Higher Education, emphasis on actors". 61, pp. 243-260. {In Persian}

Banushi, B., Cinaj, V., and Ribaj, A. (2021). "The Role of Good Governance in the Performance of a Public Entity (The Case of ARDA)". *WSEAS Transactions on Environment and Development*, 17, pp. 636-647

Braun, V., and Clarke, V. (2006). "Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77-101

Chitsazzadeh, A. (2020). *Education inside Iran; A*

- Cultural and Social Studies. {In Persian} National Association for College Admission Counseling (NACAC) (2013). *Report of the Commission on International Student Recruitment*. Retrieved from: <https://www.nacacnet.org/globalassets/documents/publications/international-initiatives/reportcommissioninternationalstudentrecruitment.pdf>
- Nikula, P. T. (2022). "Education Agent Standards in Australia and New Zealand—Government's Role In Agent-Based International Student Recruitment". *Studies in Higher Education*, 47(4), pp. 831-846.
- Nikula, P. T., and Kivistö, J. (2020). "Monitoring Of Education Agents Engaged in International Student Recruitment: Perspectives from Agency Theory". *Journal of Studies in International Education*, 24(2), pp. 212-231.
- OECD (2012). *Education at a Glance 2012: OECD Indicators*. OECD Publishing. <http://dx.doi.org/10.1787/eag-2012-en>.
- Onk, V. B., and Joseph, M. (2017). "International Student Recruitment Techniques: A Preliminary Analysis". *Journal of Academic Administration in Higher Education*, 13(1), pp. 25-34.
- Ozturgut, O. (2013). "Best Practices in Recruiting and Retaining International Students in the US". *Current Issues in Education*, 16(2).
- Parvin, E., Ghiasi Nadoshan, S., Khorsandi Taskooh, A., and Zaker Salehi, G. R. (2021). "Identifying Barriers of International Students' Admission in Iranian Public Universities". 13(1), pp. 24-34 {In Persian}
- Thieme, S. (2017). "Educational Consultants in Nepal: Professionalization of Services for Students Who Want to Study Abroad". *Mobilities*, 12(2), pp. 243-258.
- West, E., and Addington, L. (2014). *International Student Recruitment Agencies: A Guide for Schools, Colleges and Universities*. Arlington, VA: National Association for College Admission Counseling.
- Xu, H., and Miller, T. (2021). "International Recruitment in Canadian Higher Education: Factors Influencing Students' Perceptions and Experiences with Education Agents". *Comparative and International Education*, 49(2).



Challenges of International Student Recruitment Agencies in Iran

Hamzeh Hajiabbasi¹

Abstract

In recent years, recruiting international students has become a strategic issue. International students have social, economic, political, cultural, and scientific benefits, and they improve the quality of higher education. Leading countries create the conditions for attracting and retaining students and talent by aligning and cohering policies, increasing actors, and establishing institutions. «Recruitment agencies» are one of these players. These agencies have a large network in various countries and are familiar with the higher education systems of the destination countries, providing useful information to future students and assisting them in selecting the appropriate university. They also assist the university in attracting qualified applicants. While increasing international student recruitment is the goal of higher education in Iran, the capacity of institutions for recruiting students has been underutilized, and their activity has been fraught with difficulties. This research aimed to identify the challenges of recruitment agency activities in Iran. Using the «thematic analysis» method, we discovered twelve challenges categorized into four categories: structural challenges (lack of appropriate policies and laws; lack of sufficient actors; multiple decision makers); contextual challenges (economic, cultural, and social); procedural challenges (incorrect executive procedures; incompetence of executive actors; misconduct and corruption in recruitment processes); and also content challenges (linguistic barriers; limited and low-quality educational programs; limited international cooperation). Finally, solutions and policy recommendations for better utilizing the recruiting institutions' capacities were presented.

Keywords: Student Recruitment Agencies, International Students, Immigration Policies, Higher Education Internationalization Challenges

1. PhD Student of Science and Technology Policy, NRISP, Tehran, Iran; hajiamasoud@gmail.com

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

نقش	حمزه حاجی عباسی
نویسنده	
نگارش متن	*
ویرایش متن و ...	*
طراحی / مفهوم‌پردازی	*
گردآوری داده	*
تحلیل / تفسیر داده	*
سایر نقش‌ها	—

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافی داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گزینت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.


بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گزینت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی ندارند.

نویسنده مسئول: حمزه حاجی عباسی

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

شناسایی عوامل مؤثر در مهاجرت اساتید، پژوهشگران و فعالان استارت‌آپ‌ها در ایران

 20.1001.1.24767220.1401.12.4.4.5

میترا السادات حسین پور^۱

فهیمه بهزادی^۲

چکیده

مهاجرت نیروی کار ماهر از جمله اساتید دانشگاه، پژوهشگران، و فعالان استارت‌آپ‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا از طرفی اساتید و پژوهشگران وظیفه پرورش نسل آینده نیروی کار و انجام تحقیقات علمی را بر عهده دارند و، از طرف دیگر، با رشد روزافزون استارت‌آپ‌ها در کشور بخش عظیمی از نیروی کار ماهر در این بخش فعال است که مهاجرت آن‌ها می‌تواند کشور را با مشکلات متعددی روبه‌رو کند. با شناسایی عوامل اثرگذار در مهاجرت اساتید، پژوهشگران، و فعالان استارت‌آپ‌ها می‌توان اقداماتی برای کاهش تمایل به مهاجرت آن‌ها انجام داد. بدین منظور در پژوهش حاضر، با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسش‌نامه و با استفاده از تحلیل داده‌های مقطعی در قالب مدل لاجیت عوامل اثرگذار در تصمیم به مهاجرت آن‌ها را به صورت هم‌زمان (برای عوامل اجتماعی که مشترک بوده است) و جداگانه (برای عوامل شغلی مربوط به هر گروه) شناسایی کرده‌ایم. نتایج نشان می‌دهد که، با کنترل ویژگی‌های فردی، عوامل شأن و منزلت اجتماعی و سبک زندگی مورد علاقه در تصمیم به مهاجرت اساتید و پژوهشگران و دسترسی به آخرین تحولات نوآوری و فناوری بر مهاجرت فعالان استارت‌آپ‌ها اثرگذار است.

واژگان کلیدی: مهاجرت نیروی کار ماهر، تصمیم به مهاجرت، مهاجرت بین‌المللی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

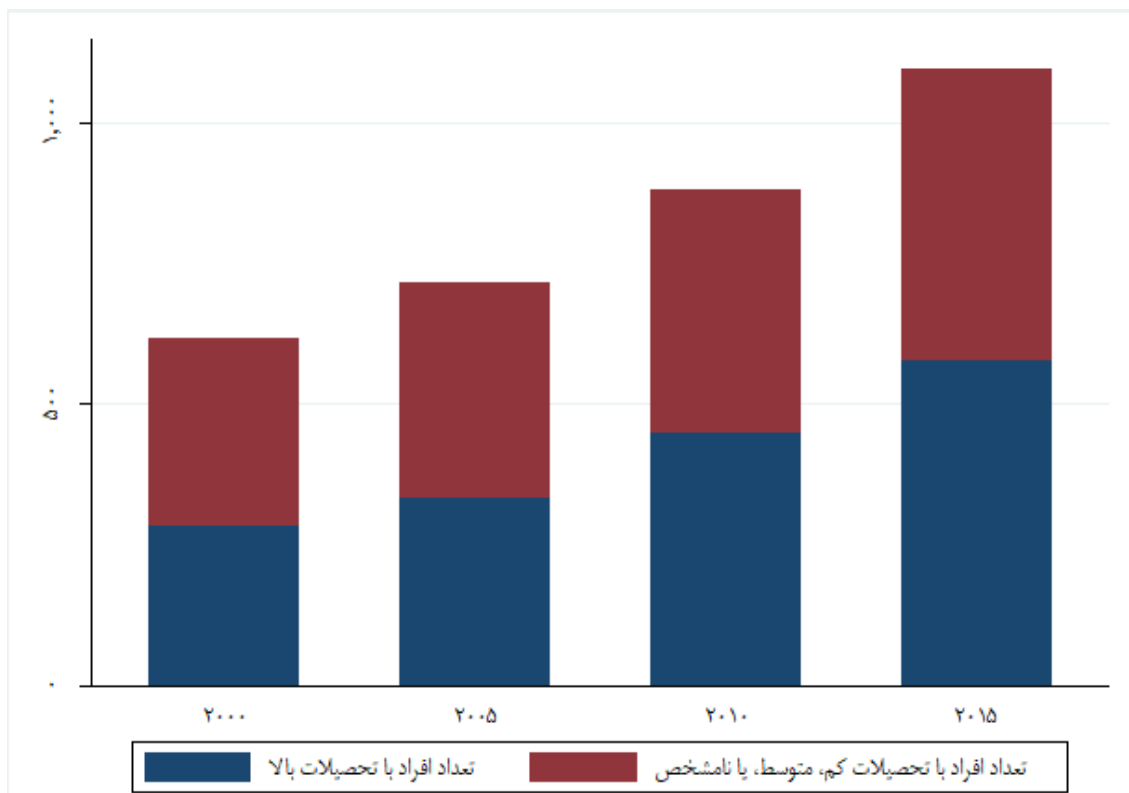
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

مقدمه

مهاجرت نیروی کار ماهر مؤلفه مهمی از جریان مهاجرت در سال‌های اخیر بوده است. اندازه و انواع این جریان از سال ۱۹۳۰ گسترش یافته و بیشتر شده است؛ به طوری که در حال حاضر، جریان مهاجرت نیروی کار ماهر انواع مختلف فرار مغزها و مهاجرت دائم و مهاجرت موقت متخصصان را در بر می‌گیرد (Iredale, 1999). مهاجرت نیروی کار ماهر پیامدهای اقتصادی مهمی برای اقتصاد هر کشور دارد. کشف عوامل تعیین‌کننده مهاجرت این افراد این امکان را برای سیاست‌گذاران فراهم می‌کند تا با اتخاذ تصمیم‌هایی میزان مهاجرت آن‌ها را کاهش دهند. اطلاعاتی از مهاجرت نیروی کار ماهر از ایران در نمودار ۱ مشخص شده است. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ حدود ۵۰ درصد از ایرانیان بالای ۱۵ سال ساکن در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ تحصیلات بالا (مطابق با تعریف پایگاه داده کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) داشته‌اند (نمودار ۱). بنابراین لازم است به علل مهاجرت آن‌ها توجه شود.

امروزه در اکثر کشورها درگیر با پدیده مهاجرت مجموع عوامل مختلفی از جمله نبود امنیت اجتماعی و عدالت و بی‌ثباتی سیاسی، در کنار فرصت‌های بهتر برای کار در خارج از کشور، در تصمیم‌گیری برای مهاجرت اثرگذار است (Kurunova, 2013). درباره مهاجرت در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه پیشینه پژوهشی گسترده‌ای وجود دارد. بنابه این پیشینه ادبیات اقتصادی مهاجرت بین‌المللی به سه دسته تقسیم می‌شود: (۱) عوامل تعیین‌کننده جریان‌های مهاجرت؛ (۲) ادغام مهاجران در کشورهای میزبان؛ (۳) تأثیر اقتصادی مهاجرت در کشور مبدأ و مقصد (Borjas, 1989; Borjas and Bratsberg, 1996). غالب نظریه‌پردازی‌های حوزه مهاجرت با هدف یافتن عوامل و آثار مهاجرت صورت گرفته است. عوامل اثرگذار در مهاجرت افراد را می‌توان به دو دسته عوامل جاذبه و دافعه تقسیم کرد. عوامل جاذبه عواملی است که در کشور مقصد موجب جذب افراد می‌شود. عوامل دافعه عواملی در کشور مبدأ است که موجب مهاجرت افراد می‌شود.



نمودار ۱: تعداد ایرانیان با تحصیلات بالا، متوسط، کم یا نامشخص در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (پایگاه داده کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه)

اجتماعی کارکردگرایانه در مطالعات مهاجرت است. در سطح کلان، نظریه اقتصادی نئوکلاسیک، مهاجرت را با تفاوت‌های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار توضیح داده می‌شود. در این نظریه، که مبتنی بر تعادل در کشورهایی که کمبود نسبی نیروی کار نسبت به سرمایه وجود داشته باشد دستمزد تعادلی بالا و در کشورهایی که عرضه نسبی نیروی کار بالا باشد دستمزد تعادلی پایین است. به دلیل این اختلاف دستمزد جریان نیروی کار از محل با دستمزد پایین به محل با دستمزد بالا اتفاق می‌افتد. در سطح خرد، بنابه نظریه مهاجرت نئوکلاسیک مهاجران را بازیگران فردی و منطقی و افرادی با هدف بیشینه‌کردن درآمد می‌داند که بر اساس محاسبه سود تصمیم می‌گیرند مهاجرت کنند. به این ترتیب، با فرض آزادی در انتخاب و دسترسی کامل به اطلاعات، انتظار می‌رود که آن‌ها به جایی بروند که بیشترین بازده را داشته باشند؛ یعنی جایی که بتوانند بیشترین دستمزد را کسب کنند (De Haas, 2021).

در نظریه اقتصاد جدید مهاجرت نیروی کار، فرضیه کارکردگرایانه مدل‌های متداول نئوکلاسیک مبنی بر اینکه تصمیمات مهاجرتی بر اساس محاسبه منطقی هزینه و فایده توسط افراد با هدف بیشینه‌سازی درآمد در بازار با کارکرد کامل است را رد می‌کند. همچنین در این نظریه تلاش شده است مهاجرت استراتژی جمعی خانوار برای غلبه بر شکست بازار و ریسک‌های درآمدی توضیح داده شود. در این نظریه دسترسی به بازار، نابرابری درآمد، محرومیت نسبی، و امنیت اجتماعی از عوامل مهم مهاجرت به شمار می‌آید (Taylor, 1999). نظریاتی دیگر مانند نظریه بازار کار دوگانه^۳ پیوره^۴ نیز وجود دارد که بنابه آن مهاجرت بین‌المللی متأثر از عوامل کسب اشتغال در بازارهای کار کشورهای مهاجرپذیر برای نیروی کار ارزان مهاجر دانسته می‌شود و در آن از تبیین سمت فرستنده صرف‌نظر شده است (De Haas, 2021). با توجه به اینکه در پژوهش حاضر تمرکز بر نیروی کار با مهارت بالا و آموزش‌دیده است، در تبیین نظری عوامل مهاجرت چنین نظریه‌هایی کاربرد ندارد. مهم‌ترین ضعف نظریه‌های مهاجرت مبتنی بر بازار کار این است که در آن‌ها بیشتر فقط بر عوامل مرتبط با تقاضای کشورهای پذیرنده تمرکز شده است و به‌طور کلی چگونگی تأثیر عوامل حاضر در کشور مبدأ در مهاجرت بررسی نشده است، عواملی مانند ساختار بازار کار، سطح درآمد و نابرابری‌ها، امنیت اجتماعی، تعارضات، دولت‌ها، و سیاست‌های عمومی. در بهترین حالت در نظریه‌های مهاجرت متمرکز بر بازار کار، آنچه در نظر گرفته می‌شود تأمین تقریباً نامحدود نیروی کار مهاجر (به‌ویژه با مهارت کم) است. به این ترتیب چنین نظریه‌هایی با این تصور ضمنی همراه‌اند که رشد بالای جمعیت و فقر و جنگ در

گروه‌های گوناگون نیروی کار ماهر تحت تأثیر عوامل کششی و رانشی متفاوتی مهاجرت می‌کنند. ممکن است این عوامل مالیات، تحصیل در خارج از کشور، کیفیت کار و نیز سیگنال‌های عرضه و تقاضای بازار کار باشد. مثلاً، ممکن است انگیزه یک دانشمند برای نقل مکان به جایی غیر از کشور خود آرزوهای شخصی و کنجکاوی علمی باشد؛ درحالی‌که ممکن است برای یک مدیر صرفاً بازتابی از اولویت‌های کارفرما باشد (Mahroum, 2000). از این رو، در این مطالعه قصد داریم تا عوامل اثرگذار در مهاجرت اساتید، پژوهشگران، و فعالان استارت‌آپ‌ها از ایران را بررسی کنیم. بدین منظور از داده‌هایی استفاده خواهیم کرد که از طریق پرسش‌نامه در سال ۱۴۰۰ جمع‌آوری شده است. در ادامه و در بخش دوم به بیان ادبیات پیشینه پژوهش می‌پردازیم. در بخش سوم داده‌های استفاده‌شده را معرفی می‌کنیم. در بخش چهارم و پنجم تخمین و نتایج آن را بررسی می‌کنیم و در بخش پایانی دلالت‌های سیاستی تفاوت‌های موجود در عوامل اثرگذار بر مهاجرت این گروه از نیروی کار ماهر را برای سیاست‌گذاران ارائه خواهیم کرد.

۱. مبانی نظری

ادبیات نظری مهاجرت در دو مسیر اصلی پیش رفته است، یکی نظریه عمومی مهاجرت و عوامل مؤثر بر آن و دیگری ادبیات تحلیلی - تجربی سیاست مهاجرت. از آنجاکه در پژوهش حاضر هدف بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت در گروهی خاص است، در این بخش نظریات این شاخه از ادبیات مهاجرت را مرور خواهیم کرد.

تحقیقات در حوزه عوامل مؤثر بر مهاجرت عمدتاً مبتنی بر نظریه‌های جاذبه - دافعه و مدل‌های کشش است. به‌طور ضمنی یا صریح، مدل‌های جاذبه^۱ و فشار کششی^۲ ریشه در نظریه اجتماعی کارکردگرا دارند. در نظریه اجتماعی کارکردگرایانه این گرایش وجود دارد که جامعه را یک سیستم، یا مجموعه‌ای از بخش‌های وابسته به یکدیگر، متمایل به تعادل ببیند (De Haas, 2021). این دیدگاه، که در آن انتظار می‌رود مردم از مناطق کم‌درآمد به مناطق پردرآمد بروند، از زمانی که راونشتاین قوانین مهاجرت خود را ارائه کرد تاکنون بر مطالعات مهاجرت مسلط بوده است (Ravenstein, 1889). معمولاً در مدل‌های فشار کشش عوامل مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی، و جمعیتی، که فرض می‌شود مهاجران را از مکان‌های مبدأ حرکت داده و آن‌ها را به مکان‌های مقصد می‌کشاند شناسایی می‌نماید. این مدل‌ها تحت نظریات نئوکلاسیک مهاجرت طبقه‌بندی می‌شوند. نظریه مهاجرت نئوکلاسیک شناخته‌شده‌ترین و پیچیده‌ترین کاربرد الگوی علمی

3. Dual labor market

4. Michael J. Piore

1. Gravity models

2. Pull-Push models

Epstein et al., 2006; Fetzer and Millan, 2015; Hoti, 2009; Kahanec and Fabo, 2012; Bazillier and Boboc, 2016).

با وجود اینکه مطالعات بسیاری در زمینه مهاجرت نیروی کار انجام شده است، در تعداد اندکی از آن‌ها به مهاجرت نیروی کار ماهر پرداخته‌اند. از طرف دیگر، مطالعات بسیاری با هدف بررسی تفاوت مهاجرت نیروی کار ماهر میان کشورهای مختلف انجام شده است که از میان آن‌ها می‌توان به داکوار و همکاران (2007)، بلوت و هاتون (2008)، بینه و همکاران (2008) اشاره کرد. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که اندازه یک کشور، فاصله یک کشور تا کشور مقصد، سطح درآمد یک کشور، و زبان و فضای سیاسی کشورهای مبدأ و مقصد تعیین‌کننده میزان مهاجرت خواهد بود. اما در این مقالات به این سؤال که چه عواملی موجب مهاجرت تعدادی از نیروی کار ماهر و مهاجرت نکردن تعدادی دیگر می‌شود نپرداخته‌اند (Beine et al., 2008; Belot and Hatton, 2008; Docquier et al., 2007). این عوامل را می‌توان به دو دسته عوامل خرد و کلان تقسیم کرد.

۱-۲. عوامل خرد

در یکی از مقالاتی که در آن عوامل خرد اثرگذار در مهاجرت افراد بررسی شده است، رشته تحصیلی را از جمله عوامل اثرگذار در تمایل به مهاجرت معرفی می‌کنند (Gibson and McKenzie, 2011). به طوری که افراد تحصیل کرده در علوم پایه تمایل بیشتری به مهاجرت دارند، زیرا امکانات آزمایشگاهی و تحقیقاتی در کشورهای مقصد بیشتر است. آن‌ها میزان ریسک‌پذیری و بردباری را از دیگر عوامل اثرگذار در مهاجرت نیروی کار ماهر معرفی می‌کنند. اما نشان می‌دهند درآمد از عوامل اثرگذار بر مهاجرت نیست. همچنین بر اساس مطالعه گوبکبیراک (2009) علت اصلی مهاجرت نیروی کار ماهر از ترکیه فقدان هماهنگی بین نظام آموزشی و فرصت‌های شغلی است. امکانات محدود برای کسب تجربه بیشتر در رشته تحصیلی و نبود فضای مناسب برای راه‌اندازی کسب‌وکار نیز از عوامل اصلی مهاجرت است (Gökbayrak, 2009). گانگور و تسنل (2006) و بینه و همکاران (2008) نیز در مطالعات خود نشان داده‌اند محیط سیاسی-اجتماعی (تنوع قومیتی، اثربخشی دولت، نقض حقوق مالکیت در کشورهای مبدأ) باعث می‌شود افراد و ادار به مهاجرت شوند (Beine et al., 2008; Tansel and Güngör, 2006).

۲-۲. عوامل کلان

بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی از جمله عوامل اثرگذار بر مهاجرت نیروی کار ماهر است (Gibson and McKenzie, 2011; Tansel and Güngör, 2006). دالام و فرانسس (2014) در مقاله خود اثر نرخ حقیقی ارز و تفاوت رشد حقیقی اقتصاد در

کشورهای در حال توسعه سبب می‌شود نیروی کار کشور مبدأ را ترک کند. در نتیجه با چنین نگاهی عاملیت افراد نزدیک به صفر خواهد بود. این نگاه به‌وضوح با یافته‌های تجربی و نظری، درباره رابطه بنیادی بین مهاجرت و فرایندهای گسترده توسعه و تحول اجتماعی، در تضاد است. برای مثال، اعتقاد متعارف چنین است که توسعه در کشورهای مبدأ باعث کاهش مهاجرت بین‌المللی خواهد شد. این اعتقاد بر فرض‌های مدل‌های فشار-کشش و جاذبه استوار است و رابطه معکوس بین سطح ثروت مطلق و اختلاف نسبی ثروت و مهاجرت را تبیین می‌کند. در حالی که در مقابل، در گروه دیگری از نظریه‌ها فرض گرفته می‌شود که توسعه منجر به افزایش مهاجرت به کشور می‌شود و هم‌زمان مهاجرت از کشور نیز افزایش می‌یابد. در «نظریه گذار مهاجرت» (De Haas, 2010)، این فرضیه مطرح می‌شود که کاهش موانع و افزایش تمایلات مهاجرتی در اثر توسعه اقتصادی و انسانی و گذارهای جمعیتی موازی با نرخ مهاجرت اثری مانند منحنی J یا U معکوس دارد. این فرضیه غیرخطی بودن و پیچیدگی توسعه مهاجرت است که با نظریه‌های متعارف در تضاد است و به تدوین رویکردهای تجربی و نظری متفاوت با مدل‌های فشار-کشش و جاذبه استاندارد رهنمون می‌شود. در غالب مطالعات مهاجرت نگاه‌ها به سمت کشورهای پذیرنده است. این باعث شده است ادبیات پژوهشی مهاجرت در خصوص عوامل بااهمیت برای کشورهای مهاجرفرست نحیف‌تر باشد. از این رو، اهمیت حرکت نظری به سمت عوامل مؤثر بر فرایند مهاجرت در کشورهای مبدأ و مهاجرفرست دوچندان است. در پژوهش حاضر مدل‌های فشار-کشش و آن هم از زاویه کشور مهاجرفرست مبنای مطالعه قرار گرفته است. همین‌طور تلاش شده است عوامل مؤثر بر مهاجرت در دو گروه مختلف (۱) فعالان در بخش دانشگاهی شامل استادان و پژوهشگران و (۲) فعالان در بخش استارت‌آپی بررسی شود. به این ترتیب که اثر عوامل کلان و ساختاری مشترک و نیز عوامل فردی و حرفه‌ای غیرمشترک بر تصمیم به مهاجرت در هر دو گروه بررسی شده است.

۲. مرور ادبیات تجربی

مطالعات بسیاری که با هدف شناسایی عوامل اثرگذار بر مهاجرت افراد انجام شده است نشان می‌دهد که ویژگی‌های فردی نظیر جنسیت و سن و تحصیلات بر تصمیم به مهاجرت اثرگذار است. به طوری که در مطالعات پاپاپاناگو و سنفی (2001) و اپستین و گنگ (2006) نشان داده شده است مردان با احتمال بیشتری مهاجرت می‌کنند. از طرف دیگر، بر اساس مطالعات پاپاپاناگو و سنفی (2001)، اپستین و گنگ (2006)، فتزر و میلان (2015)، دیوید و ژارو (2016) افزایش تحصیلات موجب افزایش احتمال تصمیم به مهاجرت خواهد شد. در حالی که افزایش سن اثر منفی بر احتمال مهاجرت دارد (Papapanagos and Sanfey, 2001).

اگر اکثر افراد متمایل به مهاجرت در نهایت در اثر مواجهه با موانع مهاجرت نکنند، تغییرات در این تمایلات ممکن است تا حد خوبی تحولات جریان مهاجرت را روشن کند. علاوه بر این، علل دیگری نیز برای مطالعه تمایلات مهاجرتی وجود دارد. نخست، اگر بخواهیم بفهمیم انگیزه مهاجرت چیست، بررسی داده‌های مربوط به مهاجرت‌های انجام‌شده کافی نیست. چراکه عوامل مختلفی که موجب تمایل به مهاجرت می‌شود ممکن است تحت تأثیر عوامل محدودکننده قرار گرفته باشد و در عمل اقدام مهاجرتی حاصل نشده باشد. عواملی مانند فقر، فساد، جرم و جنایت، یا تخریب محیط‌زیست ممکن است در تمایل مردم برای مهاجرت تأثیر بگذارد. اینکه آیا افراد در اثر این عوامل مهاجرت خواهند کرد یا نه موضوع دیگری است که به‌واسطه سیاست‌های محدودکننده مهاجرت و سایر موانع کنترل می‌شود. از این‌رو مطالعه و بررسی تمایلات مهاجرتی، علاوه بر مهاجرت‌های انجام‌شده، از اهمیت بسزایی برخوردار است. دوم، ممکن است تمایلات مهاجرتی به‌صورت دیگری، غیر از مهاجرت‌کردن، در رفتار افراد تأثیر بگذارد. برای مثال، وقتی افراد منتظر مهاجرت‌اند، و این میل آن‌ها برای سال‌ها برآورده نشده است، به سرمایه‌گذاری روی معیشت یا مهارت‌ها یا روابط محلی کمتر تمایل خواهند داشت که این خود برای زندگی‌شان و جوامع محل زندگی آن‌ها پیامدهایی خواهد داشت (Carling, 2019).

در پژوهش حاضر داده‌های مرتبط با تمایلات مهاجرتی، یعنی اظهارنظر افراد در خصوص تصمیم‌شان درباره مهاجرت، متغیر وابسته است. در نتیجه، تلاش شده است اثر عوامل کلان (ساختاری) و عوامل خرد فردی - شغلی بر این متغیر در دو گروه از افراد با تحصیلات بالا یعنی گروهی از شاغلان در بخش دانشگاهی شامل اساتید و پژوهشگران و گروهی دیگر از شاغلان در استارت‌آپ‌ها مقایسه شود.

برای جمع‌آوری داده‌های استفاده‌شده در پژوهش حاضر در سال ۱۴۰۰ از دو پرسش‌نامه استفاده شد. در این دو پرسش‌نامه میل و تصمیم به مهاجرت اساتید پژوهشگران و فعالان استارت‌آپ‌ها بررسی شده است. پرسشنامه استادان و پژوهشگران از طریق ایمیل برای استادان و پژوهشگران کل کشور فرستاده شد که از میان آن‌ها ۲۴۶ نفر به سؤالات پاسخ دادند. پرسشنامه فعالان استارت‌آپ‌ها نیز به‌طور آنلاین برای گروه‌های استارت‌آپی در فضای مجازی فرستاده شد که ۱۳۵ نفر به سؤالات پاسخ دادند. در این دو پرسش‌نامه ویژگی‌های فردی افراد و سؤالات مختلفی در مورد تمایل و تصمیم به مهاجرت افراد پرسیده شده است. متغیرهای موردنظر ما در این مطالعه جنسیت، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، تصمیم به مهاجرت، و عوامل اثرگذار بر تمایل به مهاجرت بوده است. متغیر سن در پنج دسته کمتر از ۳۰ سال، ۳۰-۴۰ سال، ۴۰-۵۰ سال، ۵۰-۶۰ سال،

کشور مبدأ و مقصد را بر مهاجرت نیروی کار ماهر از سورینام به هلند بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد نرخ ارز اثری بر مهاجرت ندارد اما هرچقدر تفاوت رشد حقیقی اقتصاد میان سورینام و هلند بیشتر باشد احتمال مهاجرت بیشتر خواهد بود (Dulam and Franses, 2014).

هدف پژوهش‌هایی که بررسی شد شناسایی عوامل اثرگذار بر مهاجرت نیروی کار ماهر بوده است. در حالی که ما هر روز (2000) در مقاله خود بیان می‌کنیم که گروه‌های مختلف نیروی کار ماهر تحت تأثیر عوامل کشتی و رانشی متفاوتی مهاجرت می‌کنند. این عوامل ممکن است مالیات، تحصیل در خارج از کشور، کیفیت کار، و سیگنال‌های عرضه و تقاضای بازار کار باشد. در این مقاله عوامل کشتی و رانشی اثرگذار بر مهاجرت گروه‌های مختلف از جمله مدیران و مدیران اجرایی، مهندسان و تکنسین‌ها، دانشگاهیان و دانشمندان، کارآفرینان و دانشجویان شناسایی شده است و در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: عوامل کشتی و رانشی اثرگذار بر مهاجرت گروه‌های مختلف افراد

عامل کشتی و رانش	گروه
مزایا و پاداش	مدیران و مدیران اجرایی
عوامل اقتصادی (سازوکارهای عرضه و تقاضا)	مهندسان و تکنسین‌ها
وضعیت اقتصاد ملی تحولات در علم ماهیت و شرایط کار شان و منزلت سازمانی	دانشگاهیان و دانشمندان
سیاست‌های دولتی تسهیلات مالی کارایی دیوان‌سالاری	کارآفرینان
به‌رسمیت شناختن محل کاری جهانی مشکلات دسترسی به خانه تجربه بین‌فرهنگی	دانشجویان

۳. داده‌ها و اطلاعات

همواره در مطالعات حوزه مهاجرت از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های پیمایشی‌ای بهره برده شده است که در مورد افکار و احساسات افراد درباره امکان و عمل جابه‌جایی است. بر اساس آنچه مطالعات کارلیگ و جلوا نشان می‌دهد، این سازه‌های ذهنی مورد پرسش، افکار و احساسات، چتری از مفاهیم است در اشکال مختلف آن از جمله خواسته‌ها، نیت‌ها، برنامه‌ها، و انتظارات مهاجرتی (Carling and Mjelva, 2021).

از جمله داده‌هایی که از آن برای پیش‌بینی جریان‌های مهاجرتی استفاده می‌شود داده‌های مربوط به تمایلات مهاجرتی است. حتی

و بیشتر از ۶۰ سال تعریف شده است. متغیر وضعیت تأهل به صورت متأهل و مجرد (مجرد و سایر) و متغیر تحصیلات در پنج گروه دیپلم و پایین‌تر، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکترای حرفه‌ای و تخصصی تعریف شده است. تصمیم به مهاجرت افراد به سه شکل «تصمیم گرفته‌ام در ایران بمانم»، «تصمیم گرفته‌ام مهاجرت کنم» و «هنوز تصمیمی نگرفته‌ام» پاسخ داده شده است. برای سهولت در تفسیر نتایج و به‌علت اینکه تعداد افرادی که «هنوز تصمیمی نگرفته‌ام» کم بود، این دسته از افراد جزو گروهی که «تصمیم گرفته‌ام در ایران بمانم» را انتخاب کرده بودند در نظر گرفته شدند. علاوه بر این، اثر عوامل اجتماعی و شغلی بر میل به مهاجرت یا ماندن افراد پرسیده شد. از میان عوامل اجتماعی پرسیده‌شده، هفت عامل میان دو گروه مشترک است. برای اینکه امکان مقایسه میان دو گروه فراهم شود، این هفت عامل مشترک را در نظر گرفتیم و از سایر عوامل صرف‌نظر کرده‌ایم. عوامل شغلی دو گروه نیز متفاوت است و هرکدام جداگانه بررسی شده است. عوامل شغلی پرسیده‌شده از استادان و پژوهشگران شامل دستمزد،

و منزلت شغلی، شبکه کاری، و غیره است. موانع اقتصادی و غیراقتصادی فضای کسب‌وکار و امکان کارآفرینی، حفظ و ارتقای کسب‌وکار از جمله عوامل شغلی پرسیده‌شده از فعالان استارت‌آپ‌ها است. برخی متغیرها نظیر دستمزد دوطرفه پرسیده شده است و پاسخ‌دهی افراد به صورت «تأثیر زیاد در ماندن»، «تأثیر متوسط در ماندن»، «تأثیر کم در ماندن»، «بی‌اثر»، «تأثیر کم در مهاجرت»، «تأثیر متوسط در مهاجرت»، و «تأثیر زیاد در مهاجرت» ثبت شده است. برخی دیگر از متغیرها نظیر داشتن کسب‌وکار در ایران یک‌طرفه پرسیده شده است که به چه میزان در تمایل به ماندن اثر دارد. پاسخ این دسته از سؤالات به صورت «خیلی زیاد»، «زیاد»، «متوسط»، «کم»، «خیلی کم»، و «بی‌اثر» ثبت شده است. برای شناسایی عوامل مؤثر در مهاجرت ابتدا نیاز است پاسخ افراد به سؤالات کمی شود. بدین منظور، از جدول ۲ استفاده می‌کنیم. با توجه به جدول ۲ به پاسخ‌هایی که نشان‌دهنده تمایل به مهاجرت است مقادیر مثبت و به پاسخ‌هایی که نشان‌دهنده تمایل به ماندن است مقادیر منفی اختصاص داده می‌شود.

جدول ۲: کمی‌سازی عوامل اثرگذار در تمایل به مهاجرت و ماندن افراد

متغیرهای یک‌طرفه (میزان اثرگذاری بر تمایل به ماندن)		متغیرهای یک‌طرفه (میزان اثرگذاری بر تمایل به مهاجرت)		متغیرهای دوطرفه	
۳	خیلی زیاد	۳	خیلی زیاد	۳	تأثیر زیاد در مهاجرت
۲	زیاد	۲	زیاد	۲	تأثیر متوسط در مهاجرت
۱	متوسط	۱	متوسط	۱	تأثیر کم در مهاجرت
۰	کم	۰	کم	۰	بی‌اثر
-۱	خیلی کم	-۱	خیلی کم	-۱	تأثیر کم در ماندن
-۲	بی‌اثر	-۲	بی‌اثر	-۲	تأثیر متوسط در ماندن
-۳	-	-۳	-	-۳	تأثیر زیاد در ماندن

اندیشه و رفتار بزرگ‌تر از یک و برای متغیر مسائل مذهبی مثبت و کوچک‌تر از یک است. همچنین از میان عوامل شغلی ای که از اساتید و پژوهشگران پرسیده شده است، میانگین عواملی نظیر دستمزد، دسترسی به بودجه و امکانات علمی، شأن و منزلت شغلی، تخصص‌گرایی و تمرکز علمی، اثربخشی بیشتر دانش و مهارت‌ها، به‌روزر بودن با جریان علمی دنیا، جو دانشگاه و گروه‌های علمی، دستیابی به جایگاه شغلی و اجتماعی مناسب، شبکه و ارتباطات کاری، بزرگ‌تر از یک و دو عامل امنیت شغلی و فرصت استخدام دانشگاهی کوچک‌تر از یک است. در میان عوامل شغلی ای که از فعالان استارت‌آپ‌ها پرسیده شده است، میانگین عوامل موانع اقتصادی و غیراقتصادی فضای کسب‌وکار، امکان کارآفرینی و ایجاد

خلاصه آماری متغیرهای پژوهیده در پژوهش حاضر در جدول ۳ آمده است. با توجه به اینکه متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، و تصمیم به مهاجرت مجازی تعریف شده است، مشخص می‌شود که ۱۹ درصد نمونه زن و ۷۰ درصد متأهل‌اند. در این نمونه بیش از ۵۰ درصد افراد کمتر از ۴۰ سال سن دارند و بیشتر افراد دارای تحصیلات عالی (کارشناسی ارشد و دکترا) هستند. همچنین ۴۴ درصد از افراد تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند.

در میان عوامل اجتماعی، میانگین تمایل به مهاجرت افراد برای عوامل سبک زندگی مورد علاقه، درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها، سلامت اخلاقی جامعه، امکان شاد زندگی کردن، و آزاد بودن در

۱. متغیرهایی که مقدار صفر یا یک دارند.

استارت‌آپ، امکان حفظ و ارتقای کسب‌وکار، و دسترسی به آخرین تحولات نوآوری و فناوری بزرگ‌تر از صفر و داشتن کسب‌وکار در ایران و شبکه و ارتباطات کاری موجود در داخل کشور کوچک‌تر از صفر بوده است. عامل شایسته‌سالاری نیز از هر دو گروه پرسیده شده است که میانگین آن بزرگ‌تر از یک است.

جدول ۳: خلاصه آماری متغیرهای استفاده‌شده

متغیرها	تعداد مشاهدات*	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
۱. فردی	سن	۳۵۸	۴۰/۱۴	۱۱/۳۶	۷۰
	جنسیت	۳۸۱	۰/۱۹۲	۰/۳۹۴	۰
	وضعیت تأهل	۳۷۳	۰/۷۰۲	۰/۴۵۸	۰
	تحصیلات	۳۸۱	۴/۴۵۷	۰/۷۷۹	۵
	تصمیم به مهاجرت	۳۸۱	۰/۴۳۸	۰/۴۹۷	۰
۲. اجتماعی	سبک زندگی مورد علاقه	۳۸۱	۱/۱۱۸	۲/۰۳۹	-۳
	درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها	۳۸۱	۱/۷۵۶	۱/۹۱۸	-۳
	سلامت اخلاقی جامعه	۳۸۱	۱/۵۷۵	۲/۰۱۳	-۳
	امکان شاد زندگی کردن	۳۸۱	۱/۶۹۸	۱/۹۸۶	-۳
	مسائل مذهبی	۳۸۱	۰/۴۳۶	۱/۸۴۹	-۳
	آزادبودن در اندیشه و رفتار	۳۸۱	۱/۶۱۹	۱/۸۱۵	-۳
	شایسته‌سالاری	۳۸۱	۱/۸۰۳	۱/۹۷۱	-۳
	دستمزد	۲۴۶	۱/۵۸۱	۲/۰۴۰	-۳
	امنیت شغلی	۳۸۱	۰/۸۹۸	۲/۱۴۷	-۳
	دسترسی به بودجه و امکانات علمی	۲۴۶	۱/۴۵۵	۲/۰۷۱	-۳
۳. شغلی اساتید و پژوهشگران	شان و منزلت شغلی	۲۴۶	۱/۲۱۵	۲/۲۲۹	-۳
	تخصص‌گرایی و تمرکز علمی	۲۴۶	۱/۴۸۴	۲/۰۲۲	-۳
	اثربخشی بیشتر دانش و مهارت‌ها	۲۴۶	۱/۵۴۱	۱/۹۷۰	-۳
	به‌روبودن با جریان علمی دنیا	۲۴۶	۱/۵۲۸	۱/۹۱۲	-۳
	جو دانشگاه و گروه‌های علمی	۲۴۶	۱/۵۸۱	۱/۹۶۵	-۳
	فرصت استخدام دانشگاهی	۲۴۶	۰/۷۲۸	۱/۸۹۶	-۳
	دستیابی به جایگاه شغلی و اجتماعی مناسب	۲۴۶	۱/۰۲۸	۲/۱۲۵	-۳
	شبکه و ارتباطات کاری	۲۴۶	۱/۱۸۳	۲/۰۰۳	-۳
	موانع اقتصادی فضای کسب‌وکار	۱۳۵	۲/۳۹۳	۰/۸۸۲	۰
	موانع غیراقتصادی فضای کسب‌وکار	۱۳۵	۲/۳۱۹	۰/۸۹۵	۰
۴. شغلی فعالان استارت‌آپ‌ها	امکان کارآفرینی و ایجاد استارت‌آپ	۱۳۵	۱/۴۱۵	۱/۹۰۲	-۳
	امکان حفظ و ارتقای کسب‌وکار	۱۳۵	۱/۵۰۴	۱/۹۸۵	-۳
	داشتن کسب‌وکار در ایران	۱۳۵	۱/۷۸۵-	۱/۰۹۵	-۳
	شبکه و ارتباطات کاری موجود در داخل کشور	۱۳۵	۱/۸۰۷-	۱/۰۶۲	-۳
	دسترسی به آخرین تحولات نوآوری و فناوری	۱۳۵	۲/۰۲۲	۰/۹۵۰	۰

* علت تفاوت تعداد مشاهدات در میان متغیرهای فردی این است که افراد به برخی از سوالات پاسخ نداده‌اند. علت تفاوت در تعداد مشاهدات متغیرهای شغلی این است که گروه‌های هدف این متغیرها متفاوت بوده است؛ به برخی از سوالات صرفاً اساتیدان و پژوهشگران و به برخی دیگر فعالان استارت‌آپ‌ها پاسخ داده‌اند.

عامل جنسیت و وضعیت تأهل بر تصمیم به مهاجرت اساتید و پژوهشگران اثرگذارند. از طرف دیگر، بیشترین تعداد افرادی که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند به ترتیب در دو گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۰ تا ۵۰ سال بوده است. با مقایسه ترکیب سنی افراد در کل نمونه و افرادی که قصد مهاجرت دارند درمی‌یابیم که با افزایش سن افراد بیشتری تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. اما در سن‌های بالا (به‌ویژه در گروه اساتید و پژوهشگران) افراد کمتری تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. با مقایسه تحصیلات کل نمونه و افرادی که تصمیم به مهاجرت می‌گیرند درمی‌یابیم که اساتید و پژوهشگران با تحصیلات دکتری حرفه‌ای و تخصصی کمتر تصمیم به مهاجرت می‌گیرند.

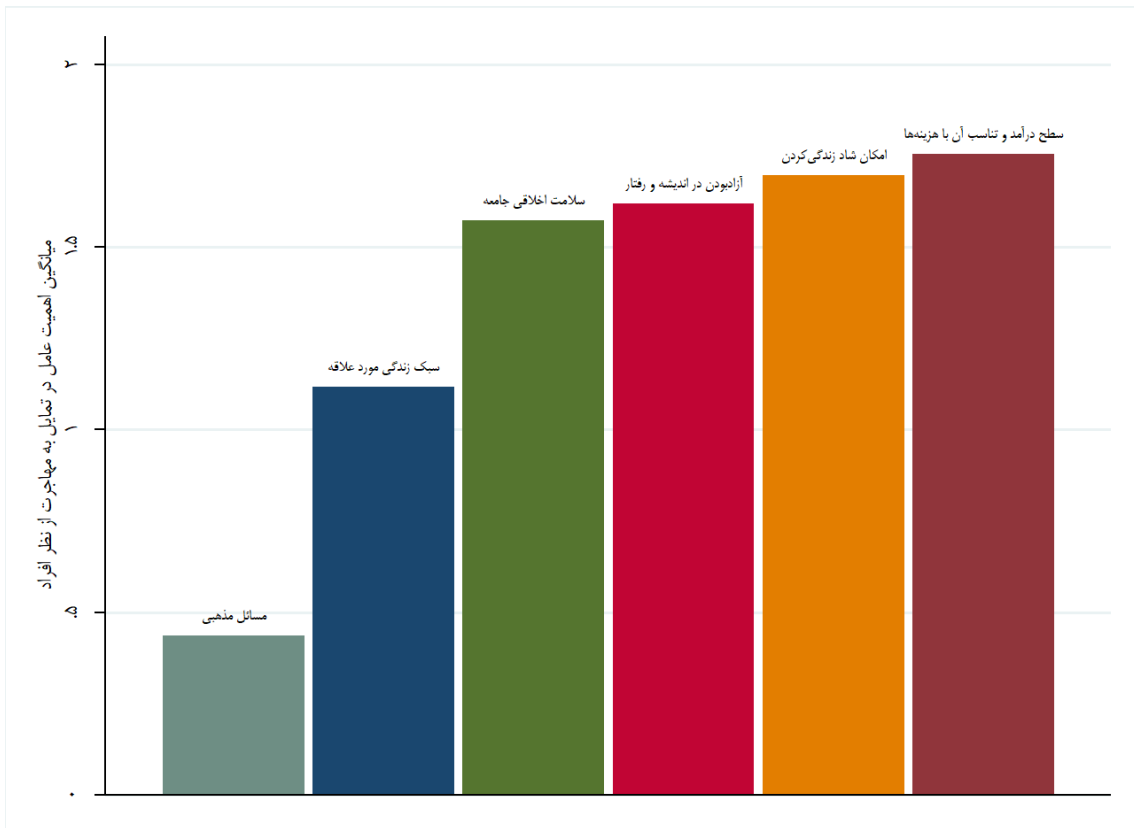
به‌علت اینکه در پژوهش حاضر تمرکز بر افرادی است که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند، در ادامه ویژگی‌های فردی و میانگین پاسخ به عوامل فردی و اجتماعی آن‌ها را بررسی می‌کنیم و آن را با کل نمونه مقایسه خواهیم کرد. جدول ۴ نشان‌دهنده ویژگی‌های فردی اساتید، پژوهشگران، و فعالان استارت‌آپ‌هایی است که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند. بر اساس جدول ۴، میزان ۱۶ درصد از کسانی که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند زن و ۶۶ درصد متأهل هستند. با توجه به اینکه در کل نمونه سهم زنان و افراد متأهل ۱۹/۲ و ۷۰ درصد است، می‌توان گفت زنان و افراد متأهل کمتر تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند. این مسئله درباره اساتید و پژوهشگران نیز صدق می‌کند اما درباره فعالان استارت‌آپ‌ها خیر. بنابراین دو

جدول ۴: ویژگی‌های فردی افرادی که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند و کل نمونه

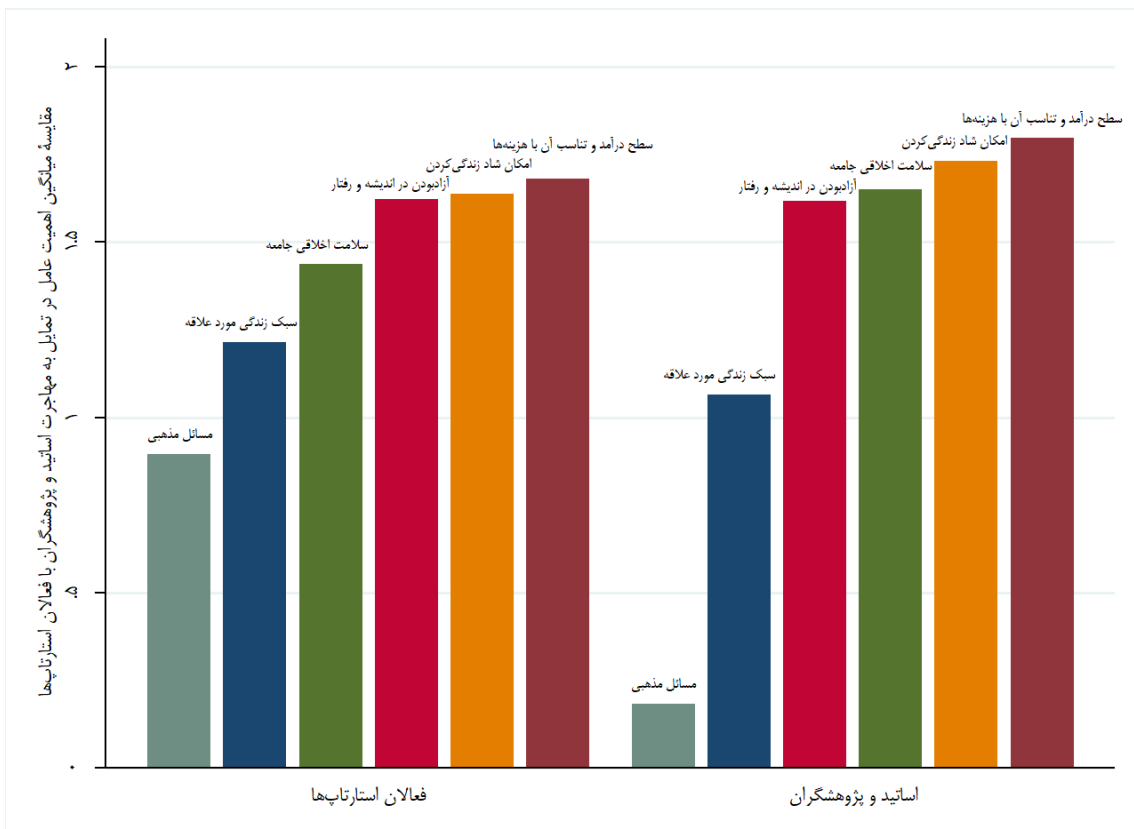
متغیر	کل افرادی که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند (درصد)	کل نمونه (درصد)	اساتید و پژوهشگرانی که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند (درصد)	کل اساتید و پژوهشگران (درصد)	فعالان استارت‌آپ که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند (درصد)	کل فعالان استارت‌آپ (درصد)
زن	۱۶	۱۹/۲	۱۴	۲۱	۱۷/۶	۱۵/۵
وضعیت تأهل	۶۶	۷۰	۷۹	۸۳/۷	۴۷	۴۵/۸
سن:						
کمتر از ۳۰	۱۶/۸	۱۹/۳	۸	۸/۳	۲۹/۲	۳۸/۸
۳۰ تا ۴۰	۳۵/۵	۳۱	۲۸	۲۳/۱	۴۶/۱	۴۵
۴۰ تا ۵۰	۳۲/۹	۲۹	۴۲	۳۸	۲۰	۱۳/۲
۵۰ تا ۶۰	۱۰/۳	۱۲/۶	۱۵/۵	۱۸/۳	۳	۲/۳
بزرگ‌تر از ۶۰ سال	۴/۵	۸/۱	۶/۷	۱۲/۲	۱/۵	۰/۸
تحصیلات:						
دیپلم و پایین‌تر	۱/۲	۱	-	-	۲/۹	۳
کاردانی	۱/۲	۱	-	-	۲/۹	۳
کارشناسی	۱۱/۴	۸/۴	-	-	۲۷/۹	۲۳/۷
کارشناسی ارشد	۳۳	۳۰/۱	۱۹/۲	۱۴/۶	۵۲/۹	۵۸/۵
دکترای حرفه‌ای و تخصصی	۵۳/۳	۵۹/۳	۸۰/۸	۸۵/۴	۱۳/۲	۱۱/۸

در ادامه و با هدف شناخت عوامل اجتماعی و شغلی اثرگذار بر افرادی که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند، میانگین پاسخ آن‌ها به هر عامل را در نمودارهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ ترسیم کرده‌ایم. با توجه به نمودار ۲، میانگین همه عوامل اجتماعی مثبت است. از میان این عوامل سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها بیشترین مقدار و مسائل مذهبی کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. مسائل مذهبی و سبک زندگی مورد علاقه برای اساتید و پژوهشگران در مقایسه با فعالان استارت‌آپ‌ها سهم کمتری دارد؛ درحالی‌که بقیه عوامل نقش پررنگ‌تری دارد (نمودار ۳).

در ادامه و با هدف شناخت عوامل اجتماعی و شغلی اثرگذار بر افرادی که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند، میانگین پاسخ آن‌ها به هر عامل را در نمودارهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ ترسیم کرده‌ایم. با توجه به نمودار ۲، میانگین همه عوامل اجتماعی مثبت است. از میان این عوامل سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها بیشترین



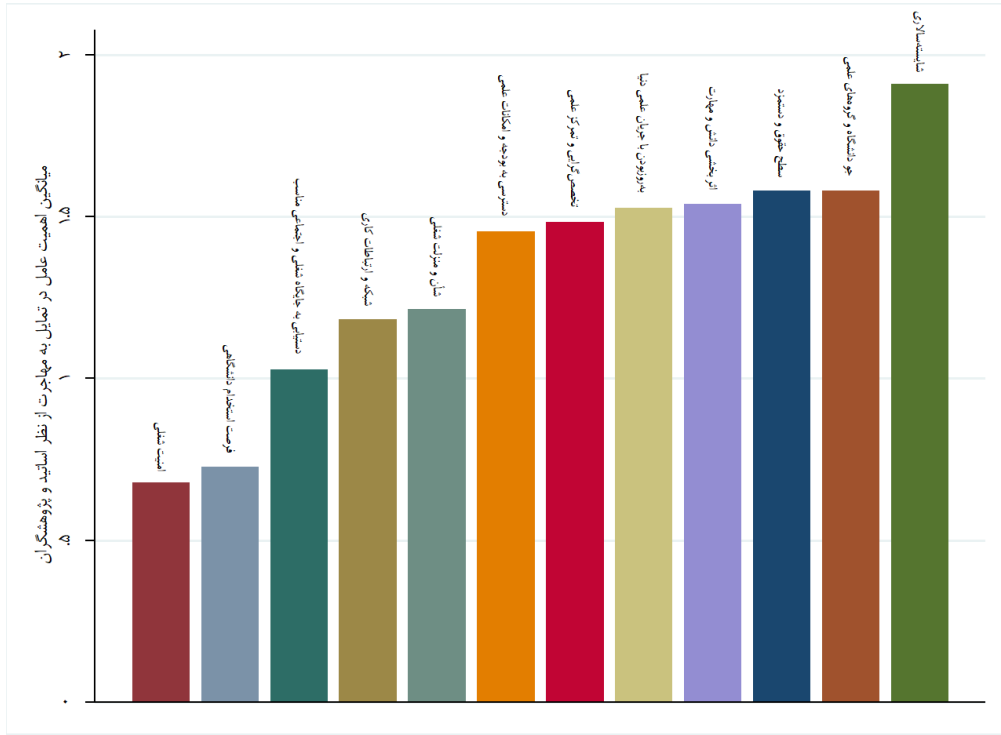
نمودار ۲: میانگین اهمیت عوامل اجتماعی در تمایل به مهاجرت از نظر افراد



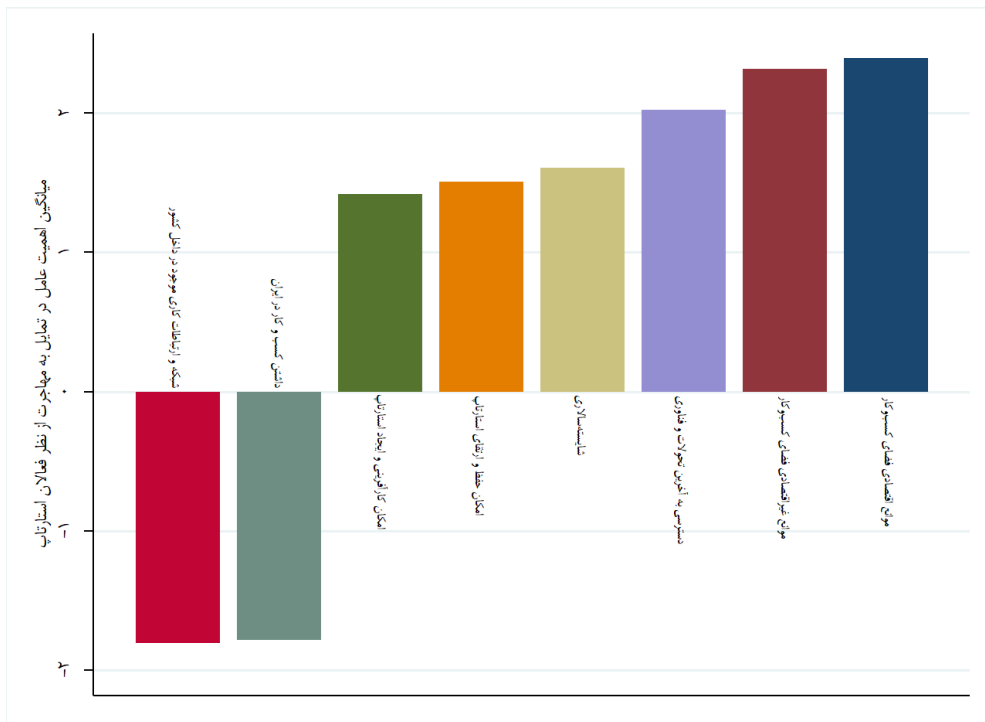
نمودار ۳: مقایسه میانگین اهمیت عوامل اجتماعی در تمایل به مهاجرت اساتید و پژوهشگران با فعالان استارت‌آپ‌ها

از استارت‌آپ‌ها مثبت (به جز دو عامل شبکه و ارتباطات کاری موجود در داخل کشور و داشتن کسب‌وکار در ایران) است و موانع اقتصادی فضای کسب‌وکار بیشترین اثر را داشته است (نمودار ۴ و ۵).

میانگین عوامل شغلی پرسیده‌شده از اساتید و پژوهشگران نیز مثبت بوده است. در میان این عوامل شایسته‌سالاری بیشترین اثر و امنیت شغلی کمترین اثر را داشته است. میانگین عوامل شغلی پرسیده‌شده



نمودار ۴: میانگین اهمیت عوامل شغلی در تمایل به مهاجرت اساتید و پژوهشگران



نمودار ۵: میانگین اهمیت عوامل شغلی در تمایل به مهاجرت از نظر فعالان استارت‌آپ‌ها

۴. روش تخمین

همان‌طور که اشاره شد، هدف از پژوهش حاضر تعیین عوامل شغلی و اجتماعی اثرگذار بر تصمیم به مهاجرت اساتید، پژوهشگران، و فعالان استارت‌آپ‌ها با کنترل ویژگی‌های فردی است. بدین منظور از مدل‌های جاذبه و دافعه استفاده می‌کنیم. در این مدل‌ها عوامل جاذبه در کشور مقصد و عوامل دافعه در کشور مبدأ که موجب مهاجرت می‌شوند شناسایی می‌شود. در پژوهش حاضر اثر عوامل فردی و شغلی و اجتماعی مختلف بر تصمیم به مهاجرت افراد سنجیده می‌شود. تصمیم به مهاجرت متغیری باینری است و می‌تواند صفر یا یک باشد.

برای تخمین مدل از مدل‌های غیرخطی نظیر لاجیت استفاده می‌کنیم؛ زیرا استفاده از مدل‌های تخمین خطی نظیر رگرسیون ساده و چندمتغیره وقتی میسر است که متغیر وابسته (y) پیوسته باشد که در این مطالعه نیست. با فرض اینکه مقادیری که y اتخاذ می‌کند از یکدیگر مستقل باشند می‌توان نوشت:

$$\Pr(y_i=1) = \text{logit}^{-1}(X_i \beta)$$

یک تخمین‌گر خطی است.

تابع $\text{logit}^{-1}(x) = e^x / (1 + e^x)$ مقادیر پیوسته را به مقادیری در بازه (۰ و ۱) تبدیل می‌کند. این کار لازم است، زیرا احتمال باید بین صفر و یک باشد.

مدل ۱ را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\Pr(y_i=1) = p_i$$

$$\text{logit}(p_i) = X_i \beta$$

که $\text{logit}(x) = \log(x / (1-x))$ و x مجموعه‌ای از عوامل فردی (نظیر جنسیت، سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات)، عوامل اجتماعی (نظیر سبک زندگی مورد علاقه، سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها، سلامت اخلاقی جامعه، امکان شاد زندگی کردن)، و عوامل شغلی (نظیر سطح حقوق و دستمزد، امنیت شغلی، موانع اقتصادی و غیراقتصادی کسب‌وکار) است.

یک روش برای تفسیر ضرایب در مدل لاجیت نسبت شانس^۱ است. اگر دو نتیجه با احتمال p و p-1 رخ دهند، p/p-1 نسبت شانس نامیده می‌شود. در واقع ضرایب تخمین‌زده شده احتمال وقوع یک پدیده به وقوع نیافتن آن را می‌سنجند. بنابراین اگر پارامتر تخمین‌زده شده یک باشد، احتمال وقوع و وقوع نیافتن آن پدیده برابر است. اگر بزرگ‌تر از یک باشد، احتمال وقوع آن پدیده بیشتر از وقوع نیافتن و اگر کوچک‌تر از یک باشد، احتمال وقوع نیافتن بیشتر خواهد بود. بنابراین اگر ضریب تخمین‌زده شده ۱/۳ باشد به این معناست که احتمال تصمیم به مهاجرت ۳۰ درصد بیشتر از نداشتن تصمیم به مهاجرت است.

۵. نتایج

برای بررسی عوامل اثرگذار بر مهاجرت اساتید، پژوهشگران، و فعالان استارت‌آپ‌ها، ابتدا اثر ویژگی‌های فردی بر تصمیم به مهاجرت را می‌سنجیم و سپس عوامل اجتماعی را وارد مدل می‌کنیم. به علت اینکه عوامل اجتماعی از دو گروه مطالعه شده پرسیده شده است، امکان مقایسه این دو گروه نیز ممکن است. در نهایت اثر عوامل شغلی بر مهاجرت دو گروه به صورت جداگانه تخمین زده می‌شود و مجدداً عوامل اجتماعی را نیز وارد مدل خواهیم کرد تا اعتبار نتایج قبلی بررسی شود. اثر ویژگی‌های فردی بر تصمیم به مهاجرت افراد در ستون اول جدول ۵ مشخص شده است. بر اساس این ستون، جنسیت، وضعیت تأهل و برخی از گروه‌های سنی بر تصمیم به مهاجرت افراد اثرگذار است. به طوری که زنان از مردان و افراد متأهل از افراد مجرد با احتمال کمتری مهاجرت می‌کنند. همچنین گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ و ۵۰ تا ۶۰ با احتمال بیشتری از گروه سنی زیر ۳۰ سال تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند. تحصیلات اثر معناداری بر تصمیم به مهاجرت افراد نداشته است. در ستون‌های ۲ تا ۴ جدول ۵، اثر عوامل اجتماعی بر تصمیم به مهاجرت افراد با کنترل متغیرهای فردی برای کل نمونه، استادان، پژوهشگران، و فعالان استارت‌آپ‌ها آمده است. بر اساس ستون دوم، سبک زندگی مورد علاقه از عوامل اثرگذار بر تصمیم به مهاجرت افراد است. در واقع کسانی که سبک زندگی مورد علاقه را عاملی اثرگذار بر تمایل به مهاجرت معرفی کرده‌اند با احتمال بیشتری تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند. جنسیت، وضعیت تأهل و گروه‌های سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و ۵۰ تا ۶۰ سال نیز همچنان معناداری خود را حفظ کرده‌اند. اثر این عوامل بر تصمیم به مهاجرت برای دو گروه مطالعه شده جداگانه در ستون‌های ۳ و ۴ شکل ۶ آورده شده است. سبک زندگی مورد علاقه، جنسیت، وضعیت تأهل و دو گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۰ تا ۵۰ سال بر تصمیم به مهاجرت اساتید و پژوهشگران اثرگذار است. عوامل سبک زندگی مورد علاقه، سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها، سلامت اخلاقی جامعه و دو گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۰ تا ۵۰ سال بر تصمیم به مهاجرت فعالان استارت‌آپ‌ها اثرگذار است. در بخش پیوست، برای تقویت نتایج به ترتیب متغیرهای اجتماعی‌ای را که معنادار نبوده‌اند حذف کرده‌ایم و با توجه به جدول ۱ در بخش پیوست نتایج تفاوتی نکرده است. متغیرهای فردی جنسیت، وضعیت تأهل و سن و متغیرهای شغلی سبک زندگی مورد علاقه، سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها، و سلامت اخلاقی جامعه معناداری خود را حفظ کرده‌اند.

جدول ۵: تخمین احتمال تصمیم به مهاجرت اساتید، پژوهشگران، و فعالان استارت‌آپ‌ها در اثر عوامل فردی و اجتماعی

متغیرها	کل نمونه (۱)	کل نمونه (۲)	اساتید و پژوهشگران (۳)	فعالان استارت‌آپ‌ها (۴)
جنسیت	*۰٫۵۶۳	**۰٫۴۷۸	***۰٫۲۵۱	۱٫۳۴۵
	(۰٫۱۶۶)	(۰٫۱۴۸)	(۰٫۱۰۵)	(۰٫۷۶۶)
وضعیت تأهل	**۰٫۴۹۱	*۰٫۵۴۶	*۰٫۴۲۰	۰٫۶۷۱
	(۰٫۱۵۶)	(۰٫۱۸۳)	(۰٫۲۰۹)	(۰٫۳۴۰)
سن:				
۴۰ تا ۳۰	***۳٫۲۰۳	**۲٫۷۴۴	*۳٫۷۶۳	*۲٫۴۳۸
	(۱٫۲۱۵)	(۱٫۱۰۱)	(۲٫۷۲۷)	(۱٫۲۸۹)
۵۰ تا ۴۰	***۴٫۵۸۵	***۳٫۹۹۹	**۴٫۷۴۴	**۸٫۷۲۳
	(۲٫۰۸۱)	(۱٫۹۱۵)	(۳٫۶۳۰)	(۷٫۴۳۵)
۶۰ تا ۵۰	*۲٫۶۴۲	۲٫۲۵۲	۲٫۹۳۳	۲٫۲۴۰
	(۱٫۳۵۸)	(۱٫۲۲۱)	(۲٫۳۳۲)	(۳٫۱۵۵)
بالتر از ۶۰	۱٫۶۵۳	۱٫۷۶۰	۱٫۸۴۴	
	(۱٫۰۲۴)	(۱٫۱۵۳)	(۱٫۶۵۷)	
تحصیلات:				
کاردانی	۰٫۴۴۲	۰٫۳۱۴		۰٫۱۲۶
	(۰٫۶۴۸)	(۰٫۴۷۴)		(۰٫۲۱۰)
کارشناسی	۱٫۰۲۱	۱٫۳۹۵		۰٫۸۷۵
	(۱٫۱۲۱)	(۱٫۶۲۹)		(۱٫۱۲۴)
کارشناسی ارشد	۰٫۶۵۶	۰٫۷۳۵		۰٫۳۷۷
	(۰٫۶۸۹)	(۰٫۸۱۵)		(۰٫۴۷۰)
دکترای حرفه‌ای و تخصصی	۰٫۳۸۱	۰٫۴۰۶	۰٫۴۸۱	۰٫۶۴۸
	(۰٫۴۰۸)	(۰٫۴۵۹)	(۰٫۲۴۷)	(۰٫۸۷۶)
سبک زندگی مورد علاقه		***۲٫۸۹۲	**۲٫۳۳۴	***۱۱٫۲۳
		(۱٫۰۰۵)	(۰٫۹۷۲)	(۹٫۰۵۱)
سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها		*۲٫۷۰۰	۱٫۵۶۸	**۹٫۴۱۹
		(۱٫۴۰۴)	(۱٫۲۸۲)	(۸٫۸۱۹)
سلامت اخلاقی جامعه		۰٫۷۱۰	۱٫۲۲۷	*۰٫۱۷۷
		(۰٫۳۴۶)	(۰٫۷۶۰)	(۰٫۱۷۹)
امکان شاد زندگی کردن		۱٫۱۱۸	۱٫۴۳۰	۰٫۸۳۰
		(۰٫۶۸۶)	(۱٫۲۲۶)	(۰٫۹۶۱)
مسائل مذهبی		۰٫۹۲۲	۰٫۸۲۲	۰٫۵۸۷
		(۰٫۲۵۹)	(۰٫۲۸۳)	(۰٫۳۵۸)
آزادبودن در اندیشه و رفتار		۱٫۰۱۵	۱٫۳۹۴	۰٫۴۰۹
		(۰٫۴۴۴)	(۰٫۷۲۹)	(۰٫۴۰۰)
جزء ثابت	۱٫۰۶۴	۰٫۲۹۰	**۰٫۱۹۸	۰٫۶۴۶
	(۱٫۰۹۷)	(۰٫۳۳۴)	(۰٫۱۴۷)	(۰٫۸۵۷)
تعداد مشاهدات	۳۵۵	۳۵۵	۲۲۶	۱۲۸

* معناداری در سطح ده درصد؛ ** معناداری در سطح پنج درصد؛ *** معناداری در سطح یک درصد

عوامل شغلی برای دو گروه مطالعه شده در پژوهش حاضر (اساتید و پژوهشگران، و فعالان استارت‌آپ‌ها) متفاوت است. به همین علت، برای شناسایی عوامل شغلی اثرگذار بر تصمیم به مهاجرت افراد، این دو گروه را از یکدیگر تفکیک می‌کنیم و سپس مدل را تخمین می‌زنیم. نتایج این تخمین در جدول ۶ مشخص شده است. در ستون اول جدول ۶ متغیرهای فردی شامل جنسیت، وضعیت تأهل، سن و تحصیلات تخمین زده شده‌اند. به علت اینکه تحصیلات اساتید و پژوهشگران دکترا و کارشناسی ارشد بوده است، سایر سطوح تحصیلی حذف شده است. با توجه به نتایج این ستون، جنسیت، وضعیت تأهل، سن (دو گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ و ۴۰ تا ۵۰ سال)، و تحصیلات بر تصمیم به مهاجرت افراد اثرگذار است. میزان اثرگذاری این عوامل به این صورت است که زنان و افراد متأهل با احتمال کمتری تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. از طرف دیگر، احتمال مهاجرت در دو گروه سنی ۳۰ تا

۴۰ سال و ۴۰ تا ۵۰ سال بیشتر از گروه سنی زیر سی سال است. همچنین احتمال مهاجرت افراد با تحصیلات دکترای حرفه‌ای و تخصصی کمتر از کارشناسی ارشد است. در ستون دوم عوامل شغلی نیز به مدل اضافه می‌شود که نتایج نشان می‌دهد در میان عوامل مختلف شأن و منزلت شغلی بر تصمیم به مهاجرت اساتید و پژوهشگران اثرگذار است. در بخش پیوست، با حذف عوامل شغلی که معنادار نیستند نشان داده‌ایم معناداری این عامل حفظ می‌شود. در ستون سوم عامل اجتماعی‌ای را که در جدول ۵ معنادار بوده است (سبک زندگی مورد علاقه) به مدل اضافه می‌کنیم. با اضافه کردن این متغیر معناداری شأن منزلت شغلی حفظ می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مهاجرت اساتید و پژوهشگران تحت تأثیر دو عامل شأن و منزلت شغلی و سبک زندگی مورد علاقه است. جنسیت و وضعیت تأهل و سن نیز از جمله عوامل فردی اثرگذار بر مهاجرت این گروه است.

جدول ۶: تخمین احتمال تصمیم به مهاجرت اساتید و پژوهشگران در اثر عوامل شغلی و اجتماعی

متغیرها	تصمیم به مهاجرت (۱)	تصمیم به مهاجرت (۲)	تصمیم به مهاجرت (۳)
جنسیت	***۰/۲۹۰	***۰/۲۵۵	***۰/۲۵۱
	(۰/۱۱۷)	(۰/۱۰۹)	(۰/۱۰۵)
وضعیت تأهل	*۰/۳۹۶	۰/۴۳۴	*۰/۴۲۶
	(۰/۱۹۱)	(۰/۲۲۱)	(۰/۲۱۳)
سن:			
۴۰ تا ۳۰	**۴/۲۴۲	**۴/۸۸۱	*۳/۷۰۰
	(۲/۹۷۵)	(۳/۶۰۱)	(۲/۶۷۳)
۵۰ تا ۴۰	**۴/۸۴۴	**۶/۶۱۳	**۵/۴۸۰
	(۳/۶۰۷)	(۵/۲۴۹)	(۴/۲۳۲)
۶۰ تا ۵۰	۲/۸۵۲	۳/۰۹۷	۳/۰۳۶
	(۲/۲۰۱)	(۲/۵۶۲)	(۲/۴۱۵)
۶۰ سال به بالا	۱/۵۰۷	۲/۲۱۴	۲/۰۲۹
	(۱/۲۹۵)	(۲/۰۶۰)	(۱/۸۱۱)
تحصیلات:			
دکترای حرفه‌ای و تخصصی	*۰/۴۳۲	*۰/۳۸۳	۰/۴۶۶
	(۰/۲۱۵)	(۰/۲۰۰)	(۰/۲۳۸)
شأن و منزلت شغلی		*۳/۰۱۸	*۲/۱۱۹
		(۲/۰۰۳)	(۰/۸۷۲)
سطح حقوق و دستمزد		۰/۵۴۸	
		(۰/۲۹۴)	
امنیت شغلی		۱/۰۴۳	
		(۰/۴۴۷)	
شایسته‌سالاری		*۳/۲۴۹	
		(۲/۲۰۹)	

متغیرها	تصمیم به مهاجرت (۱)	تصمیم به مهاجرت (۲)	تصمیم به مهاجرت (۳)
دسترسی به بودجه و امکانات علمی		۰/۴۳۲	
		(۰/۳۸۲)	
تخصص‌گرایی و تمرکز علمی		۱/۴۳۱	
		(۱/۰۵۹)	
اثر بخشی بیشتر دانش و مهارت‌ها		۱/۵۷۸	
		(۱/۲۷۴)	
به‌روزرودن با جریان علمی دنیا		۱/۳۶۴	
		(۱/۱۷۹)	
جو دانشگاه و گروه‌های علمی		۰/۴۳۳	
		(۰/۳۴۳)	
فرصت استخدام دانشگاهی		۰/۸۱۹	
		(۰/۳۵۴)	
دستیابی به جایگاه شغلی و اجتماعی مناسب		۱/۰۹۱	
		(۰/۵۸۴)	
شبکه و ارتباطات کاری		۱/۷۶۶	
		(۱/۰۰۶)	
سبک زندگی مورد علاقه		**۲/۶۱۹	
		(۱/۰۱۳)	
جزء ثابت	۱/۰۸۹	*۰/۲۵۲	**۰/۲۸۱
	(۰/۵۷۲)	(۰/۱۸۸)	(۰/۱۸۱)
تعداد مشاهدات	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶

فناوری احتمال مهاجرت افراد را افزایش می‌دهد. گروه‌های سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۰ تا ۵۰ سال در این ستون معناداری خود را حفظ کرده‌اند. در بخش پیوست و با هدف تقویت نتایج متغیرهای شغلی را به صورت مرحله‌ای حذف کرده‌ایم و نتایج تفاوتی نکرده است. در ستون سوم، عوامل اجتماعی را که در جدول ۴ معنادار بوده‌اند به مدل اضافه کرده‌ایم. نتایج نشان می‌دهد دسترسی به آخرین تحولات نوآوری و فناوری و گروه‌های سنی معناداری خود را حفظ می‌کنند، اما همه عوامل اجتماعی بی‌معنا می‌شوند. از این رو می‌توان گفت افراد شاغل در بخش استارت‌آپ‌ها فقط تحت تأثیر عوامل شغلی و سنی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند و عوامل اجتماعی اثری بر تصمیم به مهاجرت آن‌ها ندارد.

اثر عوامل شغلی بر تصمیم به مهاجرت افراد شاغل در استارت‌آپ‌ها نیز در جدول ۷ مشخص شده است. در ستون اول جدول ۷ اثر عوامل فردی بر تصمیم به مهاجرت افراد بررسی شده است. با توجه به نتایج، مشابه با نتایج مربوط به اساتید و پژوهشگران، سن (۳۰ تا ۴۰ و ۴۰ تا ۵۰ سال) بر تصمیم به مهاجرت افراد اثرگذار است. به طوری که گروه‌های سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۰ تا ۵۰ سال با احتمال بیشتری از گروه سنی زیر سی سال تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. جنسیت و وضعیت تأهل بر تصمیم به مهاجرت فعالان استارت‌آپ‌ها (برخلاف اساتید و پژوهشگران) مؤثر نبوده است. در ستون دوم جدول ۷ عوامل شغلی نیز وارد مدل شده است و از میان عوامل مختلف فقط دسترسی به آخرین تحولات نوآوری و

جدول ۷: تخمین اثر عوامل شغلی بر احتمال تصمیم به مهاجرت فعالان استارت‌آپ‌ها

متغیرها	تصمیم به مهاجرت (۱)	تصمیم به مهاجرت (۲)	تصمیم به مهاجرت (۳)
جنسیت	۱/۵۲۳	۱/۵۲۱	۱/۷۰۲
	(۰/۷۹۴)	(۰/۹۴۸)	(۱/۰۰۴)
وضعیت تأهل	۰/۵۲۳	۰/۴۴۶	۰/۶۳۳
	(۰/۲۳۶)	(۰/۲۴۹)	(۰/۳۱۴)
سن:			
۴۰ تا ۳۰	**۲/۵۹۲	**۳/۵۶۱	**۳/۵۸۹
	(۱/۲۱۷)	(۲/۰۷۵)	(۱/۹۲۶)
۵۰ تا ۴۰	***۸/۸۲۶	***۱۶/۱۰	***۱۲/۱۷
	(۶/۵۹۱)	(۱۵/۸۲)	(۱۰/۲۰)
۶۰ تا ۵۰	۶/۲۸۱	*۱۵/۰۹	۷/۵۲۴
	(۸/۴۰۱)	(۲۲/۵۴)	(۱۰/۵۲)
تحصیلات:			
کاردانی	۰/۳۴۴	۰/۸۰۲	۰/۷۵۷
	(۰/۵۲۸)	(۱/۴۹۴)	(۱/۲۲۹)
کارشناسی	۰/۸۷۵	۰/۸۹۶	۱/۵۶۵
	(۰/۹۶۳)	(۱/۲۱۷)	(۱/۸۲۷)
کارشناسی ارشد	۰/۴۵۹	۰/۸۸۱	۰/۹۷۲
	(۰/۴۸۹)	(۱/۱۶۰)	(۱/۰۹۵)
دکترای حرفه‌ای و تخصصی	۰/۵۰۸	۱/۰۳۵	۱/۰۶۴
	(۰/۶۰۱)	(۱/۴۶۳)	(۱/۳۳۴)
دسترسی به آخرین تحولات نوآوری و فناوری		**۲/۱۷۲	***۲/۱۸۷
		(۰/۶۸۴)	(۰/۵۸۸)
شایسته‌سالاری		۰/۷۷۹	
		(۰/۱۸۰)	
امنیت شغلی		۱/۱۳۱	
		(۰/۱۹۷)	
شبکه و ارتباطات کاری موجود در داخل کشور		۱/۲۷۷	
		(۰/۳۲۳)	
داشتن کسب‌وکار در ایران		۱/۵۱۷	
		(۰/۳۹۲)	
امکان حفظ و ارتقای کسب‌وکار		۱/۳۰۹	
		(۰/۳۳۹)	
امکان کارآفرینی و ایجاد استارت‌آپ		۰/۹۸۹	
		(۰/۱۹۸)	
موانع غیراقتصادی فضای کسب‌وکار		۱/۶۴۰	
		(۰/۴۹۴)	

متغیرها	تصمیم به مهاجرت (۱)	تصمیم به مهاجرت (۲)	تصمیم به مهاجرت (۳)
موانع اقتصادی فضای کسب و کار		۰/۹۱۶	
		(۰/۲۹۷)	
سبک زندگی مورد علاقه			۱/۱۷۳
			(۰/۲۰۳)
سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها			۱/۰۱۹
			(۰/۱۵۴)
سلامت اخلاقی جامعه			۱/۱۱۵
			(۰/۱۸۹)
جزء ثابت	۱/۰۸۸	۰/۱۲۹	**۰/۰۵۵۵
	(۱/۱۲۴)	(۰/۲۱۹)	(۰/۰۷۶۹)
تعداد مشاهدات	۱۲۸	۱۲۸	۱۲۸

* معناداری در سطح ده درصد؛ ** معناداری در سطح پنج درصد؛ *** معناداری در سطح یک درصد

جمع‌بندی

نباید علل و عوامل یکسانی را در تحلیل و تبیین عوامل مهاجرت گروه‌های مختلف در نظر بگیرد. از طرفی هم وجود عوامل ساختاری و اجتماعی مشترکی چون سبک زندگی و تناسب حقوق و دستمزد با هزینه‌های زندگی نشان می‌دهد برخی عوامل ساختاری و اجتماعی در گروه‌های مختلف مهاجران ایرانی مشترک است و گروه‌های مختلف حرفه‌ای دچار آن هستند. به این ترتیب بررسی‌های دقیق‌تر درباره این مسئله و توجه به این مسائل برای سیاست‌گذاران در این حوزه ارزشمند خواهد بود. مسئله دیگر، در کنار هم قرارگرفتن عوامل اجتماعی و شغلی است که زمانی که این دو دسته از عوامل در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند عوامل اجتماعی معنی‌داری خود را از دست می‌دهد. این مسئله به این معناست که، با وجود اثر رانشی برخی از این عوامل، قدرت توضیح‌دهندگی عوامل شغلی و حرفه‌ای در ایجاد تصمیم به مهاجرت در برخی از گروه‌ها بیشتر است. در نتیجه، رفع کردن این عوامل برای کمتر شدن تصمیم به مهاجرت این قشر از افراد اهمیت بیشتری دارد. در خصوص استارت‌آپ‌ها مسئله را می‌توان به این شکل صورت‌بندی کرد که با وجود عوامل شغلی و حرفه‌ای معنی‌داری عامل سبک زندگی در تصمیم به مهاجرت اثر خود را از دست داد. به این ترتیب اهمیت این عامل در برابر عوامل شغلی و حرفه‌ای مانند دسترسی به آخرین تحولات فناوری و نوآوری معنی‌داری خود را حفظ می‌کند. این مسئله برای سیاست‌گذار این دلالت را دارد که هرگونه محدودیت یا نشانه منفی در دسترسی فعالان کسب و کارها و استارت‌آپ‌ها به فناوری‌ها و دانش روز جهانی اثر بسیار مخربی بر وضعیت ماندگاری آن‌ها و افزایش تصمیم آن‌ها برای مهاجرت خواهد داشت. از طرف دیگر، حفظ عامل سبک زندگی مورد علاقه با وجود عوامل شغلی

با وجود اینکه تحلیل عوامل مؤثر بر مهاجرت با استفاده از چهارچوب نظریه‌های خرد و کلان نئوکلاسیک در طول زمان با انتقادهای فراوانی مواجه شده است و در طول زمان برخی نقایص تحلیلی و تبیینی آن آشکار گشته است، هنوز یکی از کاربردی‌ترین چهارچوب‌های مورد استفاده در تحلیل است، به‌ویژه زمانی که عوامل خرد و کلان در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. اگرچه برخی انتقادات به چهارچوب نظری نئوکلاسیک به ضعف‌های اساسی آن در پیوند عاملیت افراد با عوامل ساختاری مؤثر بر مهاجرت اشاره دارد، ولی برخی از محققان کوشیده‌اند با در کنار هم عوامل ساختاری و فردی تا حدی ضعف‌های این نظریه را پوشش دهند. از این رو، آنچه در پژوهش حاضر بررسی شده است عوامل فردی و ساختاری‌ای است که احتمال دارد بر مهاجرت تأثیر بگذارند. این عوامل در چهارچوب عوامل کششی و رانشی و با استفاده از داده‌های پرسش‌نامه‌ای بررسی شدند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد از میان عوامل مختلف جنسیت، وضعیت تأهل، سن، شأن و منزلت شغلی، و سبک زندگی مورد علاقه بر تصمیم به مهاجرت اساتید و پژوهشگران اثرگذار است، و سن و دسترسی به آخرین تحولات نوآوری و فناوری بر تصمیم به مهاجرت فعالان استارت‌آپ‌ها. اثرگذاری عوامل فردی بر تصمیم به مهاجرت افراد مطابق با نتایج مطالعاتی است که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد. همچنین اثرگذاری شأن و منزلت شغلی بر تصمیم به مهاجرت اساتید و پژوهشگران مطابق با نتیجه‌ای است که ماهروم (2000) در مقاله خود نشان می‌دهد.

تفاوت در انواع عوامل مؤثر بر تصمیم به مهاجرت افراد در دو گروه مختلف از نیروی کار ماهر نشان می‌دهد که سیاست‌گذار

- David, A., and Jarreau, J. (2016) "Determinants of Emigration: Evidence from Egypt". Economic research forum (ERF) – Egypt Workin Paper No. 987. Available At: <https://erf.org.eg/publications/determinants-of-emigration-evidence-from-egypt/>
- De Haas, H. (2010). "Migration and Development: A Theoretical Perspective". *International Migration Review*, 44(1), pp. 227–264. <https://doi.org/10.1111/j.1747-7379.2009.00804.x>
- De Haas, H. (2021). "A theory of migration: The aspirations-capabilities framework". *Comparative Migration Studies*, 9(1), pp. 8. <https://doi.org/10.1186/s40878-020-00210-4>
- Docquier, F., Lohest, O., and Marfouk, A. (2007). "Brain Drain in Developing Countries". *World Bank Economic Review*, 21(2), pp. 193-218
- Dulam, T., and Franses, P. (2014). "Microeconomic Determinants of Skilled Migration: The Case of Suriname". Econometric Institute Report 2014-21, Rotterdam: Erasmus School of Economics. Available At: <https://repub.eur.nl/pub/76073/EI2014-21.pdf>
- Epstein, G. S., and Gang, I. N. (2006). "The Influence of Others on Migration Plans". *Review of Development Economics*, 10, pp. 652-665.
- Fetzer, J. S., and Millan, B. A. (2015). "The Causes of Emigration from Singapore: How Much Is Still Political?". *Critical Asian Studies*, 47, pp. 462-476
- Gibson, J., and McKenzie, D. (2011). "The Microeconomic Determinants Of Emigration And Return Migration Of The Best And Brightest: Evidence From The Pacific". *Journal of Development Economics*, 95, pp. 18–29.
- Göybayrak, S. (2009). "Skilled labour migration and positive externality: the case of Turkish engineer working abroad". *International Migration*, 50(s1), pp. e132–e150.
- Güngör, N. D., Tansel, A. (2006). "Brain drain from Turkey: an investigation of students' return intentions. " IZA Discussion Papers No. 2287
- Hoti., A (2009). "Determinants Of Emigration And Its Economic Consequences: Evidence From Kosova". *Southeast European and Black Sea Studies*, 9, pp. 435-458.
- Iredale, R(1999)) "The Need to Import Skilled در گروه اساتید دانشگاهی و پژوهشگران نشان از این دارد که در میان اساتید دانشگاهی و محققانی که تصمیم به مهاجرت دارند عنصر عوامل اجتماعی همچون سبک زندگی از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است که معناداری خود را در کنار عوامل شغلی و حرفه‌ای حفظ کرده است. دلالت سیاستی این مسئله برای سیاست‌گذار این است که محدودیت‌های موجود در سبک زندگی در بخش دانشگاهی کشور پیشران مهمی برای افراد متمایل به مهاجرت است تا تمایل آن‌ها به تصمیم به مهاجرت تبدیل شود. به این ترتیب گشایش وضعیت سبک زندگی افراد در حفظ کردن آن‌ها یا متمایل کردن آن‌ها به ماندن تأثیر فراوانی خواهد گذاشت.
- منابع**
- Bazillier, R., and Boboc, C. (2016). "Labour Migration as A Way to Escape from Employment Vulnerability? Evidence from the European Union". *Applied Economics Letters*, 23(16), pp.1149-1152.
- Beine, M., Docquier, F., and Schiff, M. (2008). "Brain Drain and its Determinants: A Major issue for small states". IZA Working Paper No. 3398. Available At: <https://docs.iza.org/dp3398.pdf>
- Belot, M., and Hatton, T. (2008) "Immigrant Selection in the OECD". CEPR Working Paper No. 6675.
- Borjas, G. (1989) "Economic Theory and International Migration". *International Migration Review*, 23, pp. 457-485.
- Borjas, G. and Bernt, B. (1996) "Who Leaves? The Outmigration of the Foreign-Born". *Review of Economics and Statistics*, 78, pp. 165-176.
- Carling, J. (2019). "Measuring Migration Aspirations and Related Concepts". *MIGNEX Background Paper*. Available At: <https://policycommons.net/artifacts/1992790/mignex-background-paper/2744555/>
- Carling, J., and Mjelva, M. B. (2021). "Survey Instruments and Survey Data on Migration Aspirations". *QuantMig project deliverable*, 2. Available At: <https://www.quantmig.eu/res/files/QuantMig%20D2.1%20Survey%20instruments%20and%20survey%20data%20on%20migration%20aspirations%20v1.1.pdf>

Personnel: Factors Favouring and Hindering its International Mobility”. *International Migration*, 37(1), pp. 89-111.

Jennissen, R. P. W. (2004). *Macro-economic Determinants of International Migration in Europe*. Rozenberg.

Kahanec, M., and Fabo, B. (2013). “Migration Strategies Of Crisis-Stricken Youth In An Enlarged European Union”. *Transfer: European Review of Labour and Research*, 19, pp. 365-380.

Kurunova, Y. (2013). “Factors of international migration in EU-8”. *International Journal of Academic Research*, 5, pp. 275-278.

Mahroum, S. (2000) “Highly Skilled Globetrotters: Mapping The International Migration Of Human Capital”. *R&D Management*, 30(1), pp. 23–31.

Papapanagos, H., and Sanfey, P. (2001). “Intention To Emigrate In Transition Countries: The Case Of Albania”. *Journal of Population Economics*, 14, pp. 491-504.

Ravenstein, E. G. (1889). “The Laws of Migration. *Journal of the Royal Statistical Society*”, 52(2), pp. 241–305. <https://doi.org/10.2307/2979333>

Taylor, E. J. (1999). “The New Economics Of Labour Migration And The Role Of Remittances In The Migration Process”. *International Migration*, 37(1), pp. 63–88.

پیوست‌ها

پیوست ۱

پرسش‌نامه سنجش «میل» و «تصمیم» به مهاجرت استادان، محققان، و پژوهشگران

این پرسش‌نامه را رصدخانه مهاجرت ایران (وابسته به پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف) برای سنجش «میل» و «تصمیم» به مهاجرت در میان استادان، محققان، و پژوهشگران تدوین کرده است. هدف از این پرسش‌نامه بررسی آثار عوامل

۱- هریک از عوامل زیر چه تأثیری در تمایل شما به مهاجرت از ایران و یا ماندنتان در کشور دارد؟

	تأثیر زیاد در مهاجرت	تأثیر متوسط در مهاجرت	تأثیر کم در مهاجرت	بی‌اثر	تأثیر کم در ماندن	تأثیر متوسط در ماندن	تأثیر زیاد در ماندن
سطح حقوق و دستمزد							
امنیت شغل							
دسترسی به بودجه و امکانات علمی							
شان و منزلت شغلی							
تخصص‌گرایی و تمرکز علمی							
اثربخشی بیشتر دانش و مهارت‌ها							
به‌روزر بودن با جریان علمی دنیا							
جو دانشگاه و گروه‌های علمی							
فرصت استخدام دانشگاهی							
دستیابی به جایگاه شغلی و اجتماعی مناسب							
شبکه و ارتباطات کاری							
سبک زندگی مورد علاقه							
حضور در جمع بستگان و دوستان							

۶- هریک از عوامل کلان (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی) زیر چه تأثیری در تمایل شما به مهاجرت از ایران و یا ماندن شما در کشور دارد؟

	تأثیر زیاد در مهاجرت	تأثیر متوسط در مهاجرت	تأثیر کم در مهاجرت	بی‌اثر	تأثیر کم در ماندن	تأثیر متوسط در ماندن	تأثیر زیاد در ماندن
سطح درآمد و تناسب آن با هزینه							
ثبات اقتصادی							
شایسته‌سالاری							
سلامت اخلاقی جامعه							

	تأثیر زیاد در مهاجرت	تأثیر متوسط در مهاجرت	تأثیر کم در مهاجرت	تأثیر	تأثیر کم در ماندن	تأثیر متوسط در ماندن	تأثیر زیاد در ماندن
امکان شاد زندگی کردن							
مسائل مذهبی							
آزادبودن در اندیشه و رفتار							
ویژگی‌های فرهنگی جامعه							
ویژگی‌های سیاسی جامعه							
ریسک مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده							

۹- «تصمیم» شما برای مهاجرت از کشور چیست؟

- ۱) تصمیم گرفته‌ام در ایران بمانم (رد شدن و رفتن به سؤال ۱۰)
- ۲) تصمیم گرفته‌ام مهاجرت کنم (رد شدن و رفتن به سؤال ۱۲)
- ۳) هنوز تصمیمی نگرفته‌ام (رد شدن و رفتن به سؤال ۲۵)

۳۸- سن:

۳۹- جنسیت:

۱) مؤنث

۲) مذکر

۴۰- وضعیت تأهل:

۱) متأهل

۲) مجرد

۳) سایر

۴۱- آخرین مقطع تحصیلی:

۱) کارشناسی ارشد

۲) دکتری تخصصی

۳) دکتری حرفه‌ای

پیوست ۲

جدول ۱: تخمین احتمال تصمیم به مهاجرت اساتید، پژوهشگران، و فعالان استارت‌آپ‌ها در اثر عوامل اجتماعی

متغیرها	تصمیم به مهاجرت اساتید و پژوهشگران						تصمیم به مهاجرت فعالان استارت‌آپ‌ها					
	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)	(۱۱)	(۱۲)
جنسیت	***۰٫۲۵۱	***۰٫۲۵۲	***۰٫۲۵۲	***۰٫۲۵۲	***۰٫۲۵۲	***۰٫۲۵۲	۱٫۳۴۵	۱٫۳۱۱	۱٫۲۳۲	۱٫۲۲۶	۱٫۳۳۸	۱٫۳۴۵
وضعیت تأهل	*(۰٫۴۲۰)	*(۰٫۴۱۱)	*(۰٫۴۱۷)	*(۰٫۴۱۱)	*(۰٫۴۱۱)	*(۰٫۴۲۶)	*(۰٫۶۷۱)	*(۰٫۶۵۱)	*(۰٫۶۸۵)	*(۰٫۶۸۹)	*(۰٫۶۹۰)	*(۰٫۶۹۰)
سن:												
۴۰ تا ۳۰	*۳٫۷۶۳	*۳٫۷۸۹	*۳٫۷۷۵	*۳٫۷۶۱	*۳٫۷۳۶	*۳٫۴۵۹	*۲٫۴۳۸	۲٫۳۵۸	۲٫۲۵۰	۲٫۲۹۸	۲٫۱۶۵	۲٫۱۹۳
۵۰ تا ۴۰	**۴٫۷۴۴	**۴٫۸۱۱	**۴٫۸۰۳	**۴٫۸۳۶	**۴٫۸۰۳	**۴٫۶۶۲	**۸٫۷۲۳	**۹٫۴۹۰	**۹٫۵۶۲	**۹٫۰۲۰	**۸٫۷۹۰	**۱۰٫۵۷
۶۰ تا ۵۰	۲٫۹۳۳	۳٫۰۰۵	۲٫۹۵۳	۳٫۰۱۹	۲٫۹۹۳	۲٫۷۷۲	۲٫۲۴۰	۲٫۲۵۷	۲٫۲۳۰	۲٫۲۶۰	۲٫۳۷۴	۲٫۷۲۷
بالتر از ۶۰	۱٫۸۴۴	۱٫۹۷۶	۲٫۰۰۱	۱٫۹۹۹	۱٫۹۵۴	۱٫۶۷۶						
تحصیلات:												
کاردانی												
کارشناسی												
کارشناسی ارشد												
دکترای حرفه‌ای و تخصصی	۰٫۴۸۱	۰٫۴۷۳	۰٫۴۸۲	۰٫۴۷۸	۰٫۴۷۰	۰٫۴۹۶	۰٫۶۴۸	۰٫۷۱۰	۰٫۶۸۹	۰٫۷۲۵	۰٫۷۷۸	۰٫۷۸۸
سبک زندگی مورد علاقه	**۲٫۳۳۴	**۲٫۳۹۰	**۲٫۲۹۴	**۲٫۳۷۵	**۲٫۴۳۷	**۳٫۷۳۳	**۱۱٫۲۳	**۱۰٫۴۹	**۸٫۳۰۳	**۷٫۰۵۵	**۳٫۹۱۱	**۵٫۵۷۰
سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها	۱٫۵۶۸	۱٫۷۷۷	۱٫۷۲۶	۲٫۱۹۲	*۲٫۶۸۷							
سلامت اخلاقی جامعه	۱٫۲۲۷	۱٫۲۵۷	۱٫۲۷۵	۱٫۳۹۹								
امکان شاد زندگی کردن	۱٫۴۳۰	۱٫۵۲۶	۱٫۵۲۳									
مسائل مذهبی	۰٫۸۲۲	۰٫۸۷۲										
آزادبودن در اندیشه و رفتار	۱٫۳۹۴											
جزء ثابت	**۰٫۱۹۸	**۰٫۲۰۸	**۰٫۲۰۰	**۰٫۲۱۵	**۰٫۲۴۲	۰٫۴۰۹	۰٫۴۰۹	۰٫۵۵۰	۰٫۵۳۸	۰٫۴۹۳	۰٫۲۱۶	۰٫۲۶۵
تعداد مشاهدات	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۱۲۸	۱۲۸	۱۲۸	۱۲۸	۱۲۸	۱۲۸

جدول ۲: تخمین احتمال تصمیم به مهاجرت اساتید و پژوهشگران در اثر عوامل شغلی و اجتماعی

(۱۳)	(۱۲)	(۱۱)	(۱۰)	(۹)	(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
***,۲۵۱	***,۲۷۱	***,۲۶۷	***,۲۶۷	***,۲۶۲	***,۲۶۹	***,۲۷۵	***,۲۷۵	***,۲۷۰	***,۲۷۰	***,۲۶۸	***,۲۵۵	***,۲۹۰	جنسیت
(۰,۱۰۵)	(۰,۱۱۳)	(۰,۱۱۲)	(۰,۱۱۲)	(۰,۱۱۰)	(۰,۱۱۳)	(۰,۱۱۶)	(۰,۱۱۶)	(۰,۱۱۴)	(۰,۱۱۴)	(۰,۱۱۳)	(۰,۱۰۹)	(۰,۱۱۷)	
*,۴۲۶	*,۴۱۴	*,۴۱۸	*,۴۱۹	*,۴۲۷	*,۴۴۷	*,۴۴۹	*,۴۴۸	*,۴۵۴	*,۴۵۴	*,۴۵۱	*,۴۳۴	*,۳۹۶	وضعیت تأهل
(۰,۲۱۳)	(۰,۲۰۵)	(۰,۲۰۸)	(۰,۲۰۸)	(۰,۲۱۲)	(۰,۲۲۳)	(۰,۲۲۵)	(۰,۲۲۵)	(۰,۲۲۹)	(۰,۲۲۹)	(۰,۲۲۸)	(۰,۲۲۱)	(۰,۱۹۱)	
سن:													
*,۷۰۰	**۴,۳۴۵	**۴,۳۹۲	**۴,۴۰۲	**۴,۴۷۹	**۴,۲۳۰	**۴,۳۹۵	**۴,۳۹۴	**۴,۴۱۴	**۴,۴۱۳	**۴,۵۱۴	**۴,۸۸۱	**۴,۲۴۲	۴۰ تا ۳۰
(۲,۶۷۳)	(۳,۰۹۲)	(۳,۱۳۳)	(۳,۱۳۲)	(۳,۲۱۱)	(۳,۰۵۱)	(۳,۱۸۷)	(۳,۱۸۶)	(۳,۲۰۶)	(۳,۲۰۵)	(۳,۲۹۱)	(۳,۶۰۱)	(۲,۹۷۵)	
**۵,۴۸۰	**۶,۲۲۶	**۶,۲۸۲	**۶,۲۹۴	**۵,۸۰۴	**۵,۵۹۸	**۵,۷۳۶	**۵,۷۳۸	**۵,۸۱۱	**۵,۸۱۴	**۵,۸۲۱	**۶,۶۱۳	**۴,۸۴۴	۵۰ تا ۴۰
(۴,۲۳۲)	(۴,۷۶۵)	(۴,۸۰۶)	(۴,۸۱۶)	(۴,۴۷۱)	(۴,۳۱۷)	(۴,۴۳۶)	(۴,۴۳۸)	(۴,۵۰۳)	(۴,۵۰۷)	(۴,۵۱۸)	(۵,۲۴۹)	(۳,۶۰۷)	
۳,۰۳۶	۳,۳۱۷	۳,۲۸۵	۳,۲۸۹	۳,۱۱۲	۲,۸۰۷	۲,۹۶۶	۲,۹۵۹	۲,۸۱۳	۲,۸۱۵	۲,۸۲۶	۳,۰۹۷	۲,۸۵۲	۶۰ تا ۵۰
(۲,۴۱۵)	(۲,۶۳۳)	(۲,۶۰۳)	(۲,۶۰۶)	(۲,۴۷۷)	(۲,۲۵۲)	(۲,۳۹۶)	(۲,۳۹۲)	(۲,۲۸۷)	(۲,۲۹۱)	(۲,۳۰۵)	(۲,۵۶۲)	(۲,۲۰۱)	
۲,۰۲۹	۲,۱۳۲	۲,۰۷۴	۲,۰۵۳	۲,۰۳۱	۱,۹۳۲	۲,۰۲۲	۲,۰۳۱	۲,۰۱۹	۲,۰۲۴	۱,۹۸۱	۲,۲۱۴	۱,۵۰۷	۶۰ سال به بالا
(۱,۸۱۱)	(۱,۸۸۴)	(۱,۸۳۳)	(۱,۸۲۵)	(۱,۸۲۱)	(۱,۷۴۲)	(۱,۸۳۲)	(۱,۸۴۴)	(۱,۸۳۷)	(۱,۸۵۴)	(۱,۸۲۰)	(۲,۰۶۰)	(۱,۲۹۵)	
تحصیلات:													
*,۴۶۶	*,۴۰۴	*,۳۹۶	*,۳۹۹	*,۴۱۳	*,۴۲۱	*,۴۱۵	*,۴۱۶	*,۴۰۱	*,۴۰۱	*,۴۰۴	*,۳۸۳	*,۴۳۲	دکترای حرفه‌ای
(۰,۲۳۸)	(۰,۲۰۳)	(۰,۱۹۹)	(۰,۲۰۴)	(۰,۲۱۲)	(۰,۲۱۶)	(۰,۲۱۳)	(۰,۲۱۳)	(۰,۲۰۷)	(۰,۲۰۷)	(۰,۲۰۹)	(۰,۲۰۰)	(۰,۲۱۵)	و تخصصی
*,۲۱۹	***,۳۴۸۳	***,۴۰۳	***,۳۹۳۷	**۲,۷۷۲	**۳,۳۵۱	**۳,۳۱۱	**۳,۳۲۱	*,۱۹۸	*,۱۹۹	۲,۸۲۰	*,۱۸۱	*,۱۸۱	شأن و منزلت
(۰,۸۷۲)	(۱,۲۴۱)	(۱,۶۸۹)	(۱,۷۷۶)	(۱,۳۴۹)	(۲,۰۲۰)	(۱,۹۸۹)	(۲,۰۰۰)	(۱,۹۲۹)	(۱,۹۳۰)	(۱,۸۴۲)	(۲,۰۰۳)		شغلی
		*,۷۶۲	*,۷۵۱	*,۵۷۴	*,۶۱۳	*,۵۷۵	*,۵۷۷	*,۵۷۵	*,۵۷۴	*,۵۶۱	*,۵۴۸		سطح حقوق و دستمزد
		(۰,۳۲۶)	(۰,۳۴۰)	(۰,۲۷۶)	(۰,۳۱۸)	(۰,۳۰۴)	(۰,۳۰۶)	(۰,۳۰۴)	(۰,۳۰۴)	(۰,۲۹۷)	(۰,۲۹۴)		
			۱,۰۴۲	۱,۰۵۱	۱,۰۴۱	۱,۰۱۸	۱,۰۲۱	۱,۰۳۶	۱,۰۳۳	۱,۰۰۶	۱,۰۴۳		امنیت شغلی
			(۰,۴۰۸)	(۰,۴۱۳)	(۰,۴۱۱)	(۰,۴۰۳)	(۰,۴۰۷)	(۰,۴۱۴)	(۰,۴۳۴)	(۰,۴۲۷)	(۰,۴۴۷)		
				*,۲۸۲۱	۲,۸۴۹	۲,۷۱۲	۲,۷۲۲	*,۲۱۵	*,۲۱۱	*,۲۰۸	*,۲۴۹		شایسته‌سالاری
				(۱,۷۶۸)	(۱,۸۴۷)	(۱,۷۶۸)	(۱,۷۷۹)	(۲,۱۹۴)	(۲,۱۹۹)	(۲,۱۹۶)	(۲,۲۰۹)		
					*,۴۵۴	*,۴۱۱	*,۴۱۳	*,۴۳۹	*,۴۴۰	*,۴۷۸	*,۴۳۲		دسترسی
					(۰,۳۷۲)	(۰,۳۴۶)	(۰,۳۴۹)	(۰,۳۷۳)	(۰,۳۷۴)	(۰,۴۱۵)	(۰,۳۸۲)		به بودجه و امکانات علمی
					۱,۷۰۸	۱,۳۶۰	۱,۳۷۰	۱,۵۰۳	۱,۵۰۲	۱,۴۵۶	۱,۴۳۱		تخصص‌گرایی و تمرکز علمی
					(۱,۱۰۸)	(۰,۹۸۰)	(۰,۹۹۵)	(۱,۱۰۳)	(۱,۱۰۴)	(۱,۰۷۸)	(۱,۰۵۹)		
						۱,۷۰۱	۱,۷۵۶	۱,۸۰۷	۱,۸۰۲	۱,۸۰۰	۱,۵۷۸		اثربخشی
						(۱,۱۷۲)	(۱,۳۷۶)	(۱,۴۲۱)	(۱,۴۳۲)	(۱,۴۲۹)	(۱,۲۷۴)		بیشتر دانش و مهارت‌ها
							*,۹۳۸	۱,۳۱۶	۱,۳۱۴	۱,۳۷۴	۱,۳۶۴		به‌روزرسانی با جریان علمی دنیا
							(۰,۷۰۵)	(۱,۱۲۰)	(۱,۱۲۱)	(۱,۱۸۶)	(۱,۱۷۹)		
								*,۵۲۲	*,۵۲۲	*,۴۷۵	*,۴۳۳		جو دانشگاه و گروه‌های علمی
								(۰,۳۹۴)	(۰,۳۹۶)	(۰,۳۷۴)	(۰,۳۴۳)		

(۱۳)	(۱۲)	(۱۱)	(۱۰)	(۹)	(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
									۱,۰۰۹	۰,۹۴۰	۰,۸۱۹		فرصت استخدام
									(۰,۳۸۷)	(۰,۳۸۵)	(۰,۳۵۴)		دانشگاهی
										۱,۲۸۷	۱,۰۹۱		دستیابی به
										(۰,۶۴۹)	(۰,۵۸۴)		جایگاه شغلی و اجتماعی مناسب
											۱,۷۶۶		شبکه و
											(۱,۰۰۶)		ارتباطات کاری
**۲,۶۱۹													سبک زندگی
(۱,۰۱۳)													مورد علاقه
**۰,۲۸۱	۰,۳۸۴	۰,۴۳۰	۰,۴۲۷	*۰,۲۷۵	*۰,۲۷۹	*۰,۲۵۴	*۰,۲۵۶	*۰,۲۵۸	*۰,۲۵۸	*۰,۲۵۶	*۰,۲۵۲	۱,۰۸۹	جزء ثابت
(۰,۱۸۱)	(۰,۲۳۵)	(۰,۲۷۴)	(۰,۲۷۴)	(۰,۱۹۷)	(۰,۲۰۱)	(۰,۱۸۷)	(۰,۱۹۰)	(۰,۱۹۱)	(۰,۱۹۱)	(۰,۱۹۰)	(۰,۱۸۸)	(۰,۵۷۲)	
۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	۲۲۶	تعداد مشاهدات

جدول ۳: تخمین احتمال تصمیم به مهاجرت فعالان استارت‌آپ‌ها در اثر عوامل شغلی و اجتماعی

(۱۱)	(۱۰)	(۹)	(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	
۱,۷۰۲	۱,۸۱۳	۱,۸۵۷	۱,۷۲۷	۱,۵۷۱	۱,۴۳۲	۱,۴۵۴	۱,۴۶۹	۱,۵۴۱	۱,۵۲۱	جنسیت
(۱,۰۰۴)	(۱,۰۲۹)	(۱,۰۶۲)	(۰,۹۹۸)	(۰,۹۳۳)	(۰,۸۶۹)	(۰,۸۸۷)	(۰,۹۰۳)	(۰,۹۵۸)	(۰,۹۴۸)	
۰,۶۳۳	۰,۵۴۰	۰,۵۹۱	۰,۵۵۲	۰,۵۵۴	۰,۵۳۲	۰,۴۷۶	۰,۴۸۳	۰,۴۴۷	۰,۴۴۶	وضعیت تأهل
(۰,۳۱۴)	(۰,۲۵۸)	(۰,۲۸۵)	(۰,۲۷۱)	(۰,۲۸۳)	(۰,۲۷۶)	(۰,۲۵۵)	(۰,۲۶۵)	(۰,۲۴۹)	(۰,۲۴۹)	
سن:										
۳,۵۸۹	*۴,۰۴۶	**۳,۵۶۴	**۳,۷۹۵	**۳,۴۴۶	**۳,۴۵۲	**۳,۵۶۸	**۳,۵۳۸	**۳,۴۹۱	**۳,۵۶۱	۴۰ تا ۳۰
(۱,۹۲۶)	(۲,۱۱۰)	(۱,۸۸۵)	(۲,۰۴۲)	(۱,۸۹۵)	(۱,۹۱۳)	(۲,۰۱۵)	(۲,۰۱۰)	(۲,۰۱۲)	(۲,۰۷۵)	
***۱۲,۱۷	***۱۳,۲۷	***۱۱,۶۱	***۱۲,۱۰	***۱۰,۴۵	***۱۳,۱۷	***۱۵,۵۴	***۱۵,۵۱	***۱۵,۴۹	***۱۶,۱۰	۵۰ تا ۴۰
(۱۰,۲۰)	(۱۰,۸۷)	(۹,۶۸۰)	(۱۰,۱۷)	(۹,۲۴۶)	(۱۲,۲۲)	(۱۴,۶۶)	(۱۴,۶۴)	(۱۵,۰۵)	(۱۵,۸۲)	
۷,۵۲۴	*۱۲,۱۱	۹,۲۳۶	۹,۲۸۳	*۱۱,۷۲	*۱۴,۶۹	*۱۴,۲۶	*۱۴,۱۱	*۱۴,۳۲	*۱۵,۰۹	۶۰ تا ۵۰
(۱۰,۵۲)	(۱۶,۹۴)	(۱۳,۲۱)	(۱۳,۰۸)	(۱۶,۹۷)	(۲۱,۶۹)	(۲۰,۹۲)	(۲۰,۷۸)	(۲۱,۰۹)	(۲۲,۵۴)	
تحصیلات:										
۰,۷۵۷	۰,۹۶۰	۰,۸۴۳	۰,۹۰۵	۰,۷۲۵	۰,۸۹۵	۰,۶۵۰	۰,۶۶۶	۰,۷۹۲	۰,۸۰۲	کاردانی
(۱,۲۲۹)	(۱,۵۳۶)	(۱,۳۶۱)	(۱,۴۵۸)	(۱,۲۴۱)	(۱,۵۸۵)	(۱,۲۲۰)	(۱,۲۵۶)	(۱,۴۸۳)	(۱,۴۹۴)	
۱,۵۶۵	۱,۵۵۴	۱,۶۹۲	۱,۷۳۷	۱,۲۴۵	۱,۳۶۳	۰,۸۶۱	۰,۸۷۶	۰,۸۷۶	۰,۸۹۶	کارشناسی
(۱,۸۲۷)	(۱,۷۶۲)	(۱,۹۵۳)	(۱,۹۸۲)	(۱,۴۹۱)	(۱,۶۷۱)	(۱,۱۵۰)	(۱,۱۷۴)	(۱,۱۹۵)	(۱,۲۱۷)	
۰,۹۷۲	۰,۹۱۵	۰,۹۸۵	۱,۱۲۳	۰,۹۴۸	۱,۱۲۱	۰,۷۳۰	۰,۷۴۱	۰,۸۴۴	۰,۸۸۱	کارشناسی ارشد
(۱,۰۹۵)	(۱,۰۰۲)	(۱,۰۹۶)	(۱,۲۴۱)	(۱,۰۹۷)	(۱,۳۳۰)	(۰,۹۴۰)	(۰,۹۵۷)	(۱,۱۱۱)	(۱,۱۶۰)	
۱,۰۶۴	۰,۹۷۴	۰,۹۲۵	۱,۰۹۵	۱,۰۸۸	۱,۲۹۹	۰,۹۱۲	۰,۹۲۹	۰,۹۹۵	۱,۰۳۵	دکترای حرفه‌ای و تخصصی
(۱,۳۳۴)	(۱,۱۹۸)	(۱,۱۵۰)	(۱,۳۶۱)	(۱,۴۰۲)	(۱,۷۰۵)	(۱,۲۶۶)	(۱,۲۹۴)	(۱,۴۰۸)	(۱,۴۶۳)	
***۲,۱۸۷	***۲,۴۲۴	***۲,۲۶۷	***۲,۲۸۴	***۲,۲۲۹	***۲,۳۶۰	***۲,۴۰۰	***۲,۳۹۳	**۲,۱۰۴	**۲,۱۷۲	دسترس به آخرین تحولات نوآوری و فناوری
(۰,۵۸۸)	(۰,۶۱۷)	(۰,۵۹۱)	(۰,۶۰۱)	(۰,۶۰۵)	(۰,۶۵۰)	(۰,۶۶۷)	(۰,۶۶۷)	(۰,۶۱۳)	(۰,۶۸۴)	



Determinants Of Emigration Of Professors, Researchers And Startup Activists In Iran

Mitra sadat Hoseinpour¹

Fahime Behzadi²

Abstract

The labor market for professionally skilled personnel is becoming increasingly global, both in terms of the supply of and the demand for skilled labor. By identifying the factors affecting the migration of skilled workforce, governments can plan to reduce their desire to migrate. Thus, in this study, we have identified the factors that influence the migration decision of professors, researchers, and startup activists by using data collected through the questionnaire and logit model. The results of the study show that by controlling individual characteristics, professors and researchers migrate because of their social status and preferred lifestyle and startup activists migrate because of access to the latest innovation and technology developments..

Keywords: Highly Skilled Migration, Intentions To Migrate, International Migration

1. (corresponding author); Hoseinpoor.mitra@gmail.com

2. behzadi127@gmail.com

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

فهیمة بهزادی	میترا السادات حسین پور	
نویسنده	نویسنده	نقش
نگارش متن شامل بخشی از مقدمه، مرور ادبیات نظری و جمع بندی	نگارش متن شامل مقدمه، مرور ادبیات تجربی، داده‌ها، تخمین و نتایج	نگارش متن
بازنگری متن شامل بخشی از مقدمه، مرور ادبیات نظری و جمع بندی بر اساس نظر داوران	بازنگری مقدمه، مرور ادبیات تجربی، داده‌ها، تخمین و نتایج بر اساس نظر داوران و ارسال مقاله به مجله	ویرایش متن و ...
-	مدل سازی	طراحی / مفهوم پردازی
طراحی و انجام پیمایش	-	گردآوری داده
-	تحلیل و تفسیر داده به روش رگرسیون چند متغیره	تحلیل / تفسیر داده
عضو تیم تحقیقاتی	عضو تیم تحقیقاتی	سایر نقش‌ها

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافع داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گزینت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات ارتباطات شخصی و یا اقتصادی دارند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای در تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.


بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گزینت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد.

نویسنده مسئول: میترا السادات حسین پور

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

بررسی اثر عوامل درونی و بیرونی بر بازگشت ایرانیان خارج از کشور طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱

 20.1001.1.24767220.1401.12.3.7.6

زهرة ربیعی^۱

ملیکا سلیمانی‌خو^۲

چکیده

مهاجران بازگشتی می‌توانند به کاهش آثار منفی مهاجرت و توسعه جوامع مبدأ کمک کنند. این پژوهش با هدف بررسی اثر عوامل درونی و بیرونی بر بازگشت ایرانیان خارج از کشور و به روش ترکیبی صورت گرفته است. مقایسه فرازوفرودهای شاخص‌های بازگشت (نرخ بازگشت و نرخ تصمیم به بازگشت) و پیشران‌های بازگشت طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ حاکی از آن است که همواره دو عامل درونی «خانواده» و «احساس میهن‌پرستی» پیشران‌های مهم اثرگذار در جریان بازگشتی به کشور بوده است. اما در اثر عوامل بیرونی دو نقطه عطف در سال‌های بررسی شده وجود داشته است. در بازه ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ نرخ بازگشت ایرانیان (بازگشت داوطلبانه متخصصان ایرانی و بازگشت داوطلبانه و ادغام مجدد حمایت‌شده مهاجران ایرانی) افزایش یافته است. به نظر می‌رسد بهبود چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی کشور در اثر امید به رفع تحریم‌ها هم‌زمان با امضای توافق‌نامه هسته‌ای برجام، که یکی از عوامل جذب‌کننده مؤثر در کشور مبدأ محسوب می‌شود، بر این افزایش تأثیر داشته است. در بازه ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰ نیز نرخ بازگشت داوطلبانه متخصصان ایرانی، به‌علت بروز همه‌گیری کرونا و افزایش نارضایتی از شرایط در کشور میزبان، افزایش چشمگیری یافته است. درحالی‌که بازگشت داوطلبانه و ادغام مجدد حمایت‌شده مهاجران ایرانی نه تنها افزایش نیافته، بلکه روند نزولی هم یافته است.

واژگان کلیدی: مهاجرت بازگشتی، تصمیم به بازگشت، بازگشت داوطلبانه و ادغام مجدد حمایت‌شده، همه‌گیری کووید - ۱۹، دایاسپورا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

مقدمه

۱. مبانی نظری

مطالعات متعددی در حوزه مهاجرت‌های بازگشتی انجام شده است که در برخی از آن‌ها ویژگی‌های مهاجران بازگشتی و آثار ویژگی‌های مختلفی همچون تحصیلات، میزان مهارت، میزان موفقیت در مهاجرت و... در بازگشت یا تمایل به بازگشت مهاجران سنجیده شده است (Mayr and Peri, 2008). در بخش دیگری از مطالعات نیز آنچه بررسی شده است علل بازگشت بوده است. بررسی نظری مطالعات پیشین حاکی از آن است که علل مهاجرت بازگشتی از دیدگاه پنج نظریه غالب، اقتصاد نئوکلاسیک^۱، اقتصاد جدید مهاجرت نیروی کار^۲، ساختارگرایی^۳، فراملی‌گرایی^۴ و شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی فرامرزی^۵ متفاوت است، اما ممکن است در مواردی نیز همپوشانی وجود داشته باشد (Cassarino, 2004).

از دیدگاه نظریه اقتصاد نئوکلاسیک، اغلب مهاجرت‌ها ادامه‌دار است و فقط کسانی که شکست خورده باشند باز می‌گردند (Cassarino, 2004). در این نظریه، بر تفاوت دستمزد در کشورهای فرستنده و گیرنده تمرکز می‌شود. این نظریه بر این فرض استوار است که افراد به دنبال بیشینه‌سازی منافع خود هستند و به جایی می‌روند که بتوانند در ازای سرمایه انسانی خود بیشترین منفعت را کسب کنند. بنابراین، بر اساس پیش‌فرض‌های این نظریه، بازگشت از خطا در محاسبه سود و زیان و یا نوعی شکست ناشی می‌شود (King and Kuschminder, 2022).

نظریه اقتصاد جدید مهاجرت نیروی کار در مقابل نظریه اقتصاد نئوکلاسیک قرار دارد. در این نظریه بازگشت را آخرین مرحله چرخه مهاجرت در نظر می‌گیرند. از دیدگاه این نظریه، بازگشت جزئی طبیعی از فرایند مهاجرت و علت آن وابستگی به کشور مبدأ است و احتمالاً زمانی رخ بدهد که فرد مهاجر به اهداف خود از مهاجرت دست یافته باشد (King and Kuschminder, 2022).

از دید نظریه‌پردازان ساختارگرا، بازگشت در چهارچوب دوگانه مرکز-حاشیه و به علل شخصی و عاطفی اتفاق می‌افتد (Sanaci, 2019). رویکرد در این دسته از پژوهش‌ها ساختاری است و در آن‌ها به عوامل اجتماعی و نهادی کشور مبدأ می‌پردازند. به این سبب، موفقیت یا شکست افراد در فرایند بازگشت وابسته است به میزان برآورده شدن انتظاراتشان در کشور مبدأ (Cas-sarino, 2004). در این پژوهش‌ها، مهاجرت از پیرامون به مرکز اساساً عامل بازتولید نابرابری در سطح جهان و وابستگی

برخلاف باور عموم، مهاجرت لزوماً مسیری یک‌طرفه نیست و بسیاری از مهاجران پس از مدتی بازمی‌گردند (Wahba, 2014). برخی از مهاجران روایت موقت دارند (مانند کارگران فصلی و دانشجویان بین‌المللی) و پس از اتمام دوره کاری و تحصیلی خود ناچار به بازگشت‌اند؛ برخی دیگر نیز روایت دائمی دارند، اما پس از گذراندن مدتی در خارج از کشور تصمیم به بازگشت می‌گیرند (Wahba, 2021).

مهاجرت بازگشتی مزایای بالقوه فراوانی دارد. تجربه کار در خارج از کشور می‌تواند به افزایش دانش، تجربه، دارایی، و مهارت مهاجران منجر شود. بنابراین، مهاجرانی که بازمی‌گردند سرمایه مالی و انسانی خود را به کشور مبدأ منتقل می‌کنند (El-Mallakh and Wahba, 2016). همچنین مهاجران بازگشتی ایده‌ها و هنجارهای جدیدی را منتقل می‌کنند که می‌تواند منجر به بهبود عملکرد سیاسی و اقتصادی کشور مبدأ شود (Wahba, 2021). در نتیجه، می‌شود در کشورهای مهاجرفرست، با طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌هایی که هم‌راستا با تشویق به بازگشت باشد، آثار منفی مهاجرت را کاهش داد و از آن چون فرصتی برای توسعه جامعه استفاده کرد. برای مثال، در کشورهایمانند چین و هند توانسته‌اند با پیاده‌سازی سیاست‌های اثربخش در این زمینه رشد اقتصادی چشمگیری را تجربه کنند و با کشورهای توسعه‌یافته رقابت کنند.

کشور ایران نیز در طول دهه‌های گذشته در معرض مهاجرت (به‌ویژه مهاجرت جوانان و تحصیل‌کردگان) قرار داشته است. بر اساس سالنامه مهاجرتی ایران ۱۴۰۱، تعداد مهاجران ایرانی در جهان بیش از ۲ میلیون و ۶۲ هزار نفر است. در حالی که تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور در سال ۲۰۲۰ حدود ۶۷ هزار نفر بوده است (Iran Migration Observatory, 2022). متأسفانه در ایران، باینکه این کشور برای دهه‌های متمادی در معرض جریان گسترده مهاجرت (به‌ویژه مهاجرت جوانان و تحصیل‌کردگان) بوده است، پژوهش‌های منسجم در زمینه مهاجرت‌های بازگشتی کم است. بنابراین، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که به‌طور کلی چه عواملی در بازگشت مهاجران ایرانی تأثیر می‌گذارد و تأثیر عوامل درونی و بیرونی در بازگشت داوطلبانه متخصصان ایرانی و بازگشت داوطلبانه و ادغام مجدد مهاجران ایرانی خارج از کشور چگونه است.

شناخت عوامل مؤثر در بازگشت مهاجران ایرانی می‌تواند باعث شود تا سیاست‌گذاری در این حوزه با توجه به حقایق میدانی، و نه صرفاً بر اساس برساخته‌های ذهنی، صورت گیرد و تهدید مهاجرت از ایران به فرصتی برای رشد علمی و فناوری و اقتصادی کشور از طریق مهاجرت‌های بازگشتی تبدیل شود.

1. Neoclassical economics

2. New economics of labour migration

3. Structuralism

4. Transnationalism

5. Cross-border social and economic networks



شکل ۱: تلخیص علل مهاجرت بازگشتی از دیدگاه نظریه‌های غالب مهاجرت

از دیدگاه نظریه شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی فرامرزی، بازگشت جزئی از فرایند مهاجرت است و به علت وجود شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی رخ می‌دهد (Sanaci, 2019). در این چهارچوب تحلیلی، مانند رویکرد فراملی‌گرایی، بر حفظ پیوندهای مادی و فردی و احساسی مهاجران و بازگشتی‌ها با جامعه مبدأ و مقصد تأکید می‌شود. در این رویکرد تأکید اصلی بر شبکه‌های اجتماعی است که بر اساس خویشاوندی، هویت، سرمایه اجتماعی و منابع فرهنگی و اقتصادی کشور مبدأ شکل گرفته است و در تصمیم به بازگشت، اقدام به بازگشت، و مسائل پس از بازگشت تأثیر خواهد گذاشت (Cassarino, 2004). بررسی مطالعات تجربی پیشین نیز حاکی از آن است که ممکن است به‌طور کلی پنج دسته از عوامل در بازگشت یا میل به بازگشت مهاجران اثرگذار باشد.

الف) عوامل عاطفی

عوامل عاطفی می‌تواند شامل ابعاد مختلف دلتنگی برای خانواده و سرزمین مادری شود. از طرفی در بسیاری از پژوهش‌ها بر سهم

کشورهای پیرامونی و کمتر توسعه‌یافته به هژمونی اقتصادی کشورهای شمالی از جمله ایالات متحده آمریکا، انگلیس و... در نظر گرفته می‌شود. بر اساس این چهارچوب تحلیلی تاریخی - ساختاری، مهاجران بازگشتی کسانی‌اند که به علت کهولت سن، بیماری، رکود اقتصادی، یا افزایش نرخ بیکاری از کشور مقصد رانده شده‌اند (King and Kuschminder, 2022).

نظریه‌پردازان فراملی‌گرایی معتقدند که بازگشت لزوماً دائمی نیست و بر بستری از اوضاع تاریخی و اجتماعی رخ می‌دهد (Sanaci, 2019). رویکرد فراملی‌گرایانه اشاره دارد به وجود پیوندهای قوی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی میان جامعه مبدأ و مقصد (King and Kuschminder, 2022). در این دیدگاه بر هویت‌یابی، احساس تعلق، و تمایل فرهنگی و عاطفی به کشور مبدأ تأکید می‌شود و مطرح می‌شود که خاطرات، تولیدات فرهنگی، و احساس تعلق به کشور منجر به ایجاد هویت‌های فراملی می‌شود (Morawska, 2007). احساس تعلق و هویت نه صرفاً در سطح آگاهی، بلکه شامل ارتباطات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی با کشور مبدأ نیز می‌شود (Levitt, 2010).

بر افزایش احتمال بازگشت اشاره می‌کنند (Bijwaard et al., 2014). کردار (2009) اثر مدت‌زمان بیکاری را در بازگشت مهاجران ترکیه‌ای از آلمان بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های پژوهش او، احتمال بازگشت برای افرادی که برای مدت کمتر از یک سال بیکار بوده‌اند بیشتر است، درحالی‌که افرادی که مدت بیشتری بیکار بوده‌اند تمایل کمتری به بازگشت نشان داده‌اند (Kirdar, 2009). زایتهمار و کلوگ (2013) نیز در پژوهشی که روی فارغ‌التحصیلان چینی مقطع دکتری، در رشته‌های علوم، فضا، مهندسی، ریاضیات^۲ در دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا صورت دادند، به این نتیجه رسیدند که اغلب علت ماندگاری خود را درآمد بیشتر در آمریکا اظهار کرده بودند (Zeithammer and Kellogg, 2013). سابهاروال و وارما (2019) در مطالعه‌ای دریافتند که چشم‌انداز شغلی و اقتصادی بهتر در زادگاه مهم‌ترین علت بازگشت مهاجران هندی است (Sabharwal and Varma, 2019).

ج) عوامل سیاسی - حقوقی

برنامه‌های حمایتی دولتی‌ها برای بازگشت مهاجران و برنامه‌های بازگشت داوطلبانه که عمدتاً از طریق سازمان‌های بین‌المللی و به‌منظور اهداف توسعه‌ای، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، صورت می‌گیرد ازجمله عواملی است که مهاجران را برای بازگشت به سرزمین مادری ترغیب می‌کند (Lesinska, 2013). سابهاروال و وارما (2019) نیز مشکلات مربوط به روآدید و نداشتن اقامت دائم در کشور مقصد را از علل مهم بازگشت به هند برشمرده‌اند (Sabharwal and Varma, 2019).

د) عوامل اجتماعی - فرهنگی

در برخی از پژوهش‌ها تلاش شده است رویکرد سبک زندگی^۳ نیز درباره بازگشت به کار گرفته شود. برای مثال، سار و سار (2020) در پژوهش خود نشان دادند که سبک زندگی مطلوب برای استوئیایی‌های متخصص و تحصیل‌کرده، همراه با گذار به مراحل مختلف زندگی‌شان، دستخوش تغییر می‌شود. بازگشت زمانی در ذهن استوئیایی‌ها پررنگ می‌شود که در مرحله‌ای باشند که برنامه‌ریزی برای خانواده اهمیت می‌یابد. بر اساس این پژوهش، به‌زعم کیفیت بالای زندگی مصاحبه‌شوندگان و خدمات عمومی مناسب در پایتخت استونی، ازجمله خدمات درمانی، مراقبت از کودکان، و حمل‌ونقل باکیفیت و با قیمت مناسب، برنامه‌ریزی برای خانواده نقش مثبتی در تمایل به بازگشت داشت (Saar and Saar, 2020). بولونیانی (2014) به اهمیت تأثیر سبک زندگی در شکل‌گیری اندیشه بازگشت در میان نسل دوم پاکستانی‌های ساکن

دلتنگی برای خانواده در مهاجرت‌های بازگشتی تأکید شده است (Koplika and Drishi, 2022) و ازطرف دیگر بر کسی پوشیده نیست که مهاجران به سرزمین مادری خود نگرش‌های خاصی دارند که تمایل آن‌ها برای بازگشت را شکل می‌دهد. به‌این‌سبب، احساس دلتنگی برای وطن و خانواده ازجمله عواملی است که افراد را برای بازگشت برمی‌انگیزاند (Fihel and Gorny, 2013). هان و همکاران (2015) در پژوهشی بر روی دانشجویان بین‌المللی مشغول به تحصیل در رشته‌های علوم، فناوری، مهندسی، و ریاضیات، در ایالات متحده آمریکا، علل بازگشت را عواملی چون خانواده و دوستان و مسائل فرهنگی گزارش کرده‌اند (Han et al., 2015). هاروی (2011) نیز در پژوهش خود بر روی مهاجران بریتانیایی ساکن کانادا بر نقش کلیدی خانواده و روابط عاطفی در تصمیم افراد به بازگشت تأکید می‌کند (Harvey, 2011). سابهاروال و وارما (2019) در مطالعه‌ای عوامل مؤثر در بازگشت مهاجران هندی‌ای که در رشته‌های مهندسی و علوم پایه مدرک دکتری داشتند بررسی کرده‌اند و شواهد نشان می‌دهد که احساس تعلق فرهنگی و علاقه به وطن برای ۲۰ درصد از آنان و احساس مسئولیت در قبال خانواده (به‌ویژه والدین) برای ۱۰ درصد از آنان اهمیت داشته است (Sabharwal and Varma, 2019). نونچف و هریستووا (2018) و باکالووا و میشوا (2018) نیز علل غیراقتصادی ازجمله دلبستگی به خانواده را مهم‌ترین انگیزه بلغارستانی‌ها برای بازگشت گزارش کرده‌اند (Nonchev and Hristova, 2018; Bakalova and Misheva, 2018).

ب) عوامل اقتصادی

عوامل مختلفی در مهاجرت بازگشتی و تصمیم به بازگشت اثرگذارند اما به نظر می‌رسد که عوامل اصلی با شرایط اقتصادی و گزینه‌های موجود در بازار کار ارتباط مستقیم دارد (Lesinska, 2013). فرانسیس (2015) معتقد است که مهم‌ترین علت مهاجرت بازگشتی چرخه بهینه درآمدزایی^۱ است. به این معنی که فرد مهاجر پس از دستیابی به هدف مهاجرت و افزایش ثروت در خارج از کشور، به زادگاه خود بازمی‌گردد (Franses, 2015). فیهل و گرنی (2013) معتقدند که قدرت خرید بیشتر در کشور مقصد نیز می‌تواند در ماندگاری و بازگشت مهاجران اثر داشته باشد (Fihel and Gorny, 2013). کاسارینو (2014) معتقد است که برنامه‌ریزی برای بازگشت تحت‌تأثیر وضعیت اشتغال و بازار کار قرار دارد (Cassarino, 2014). نتایج پژوهش بیجوارد و وانگ (2016) در مورد علل بازگشت دانشجویان خارجی‌ای که در هلند تحصیل می‌کنند نشان داد که بیکاری در هلند ممکن است منجر به بازگشت شود (Bijwaard and Wang, 2016). بیجوارد و همکاران (2014) نیز به تأثیر بیکاری در کشور مقصد

2. Science, Technology, Engineering, Mathematics (STEM)

3. Life style

1. Optimal life-earnings cycle

(2016). آپسیت - برینا و همکاران (2020) با بررسی بازگشت مهاجران رومانیایی و لائویایی (لتونیایی)، پس از بحران اقتصادی جهانی، به این نتیجه رسیدند که وضعیت اقتصادی، زندگی خانوادگی، احساس غربت، و نحوه ادغام مجدد در جامعه در تصمیم‌گیری آنان برای بازگشت مؤثر بوده است (Apsite-Ber-ina et al., 2020).

بحران جهانی همه‌گیری ویروس کرونا: تازه‌ترین بحران جهانی مربوط است به همه‌گیری ویروس کرونا که در اشکال مختلف مهاجرت، از جمله مهاجرت‌های بازگشتی، تأثیر گذاشته است. برای مثال، شواهد حاکی از آن است که در کشور هند، پس از شروع همه‌گیری کرونا، با سطح چشمگیری از مهاجرت‌های بازگشتی مواجه شدند. صدها هزار نفر از هندیان شاغل در کشورهای حوزه خلیج فارس، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، اسپانیا، و ایتالیا به کشورشان بازگشتند و بر اساس گزارش‌ها بالغ بر ۴۵۶ هزار نفر در برنامه‌های دولتی برای بازگشت^۲ ثبت‌نام کردند (Babu, 2020). علاوه بر این، موج‌های بزرگ بازگشت دیگری نیز در امریکای جنوبی و اروپا رخ داد. برای مثال، ده‌ها هزار نفر از اوکراینی‌های شاغل در لهستان، جمهوری چک، ایتالیا، و سایر کشورها به علت توقف کسب‌وکارها مجبور به بازگشت شدند (Scollon, 2020). همچنین در این مدت حدود ۱۵ هزار ویزونلایی به کشور خود بازگشتند (Polanco and Sequera, 2020).

بحران بی‌سابقه‌ای که در پی شیوع ویروس کرونا در جهان شکل گرفت در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی عموم مردم از جمله مهاجران تأثیر گذاشت. از جمله پیامدهای همه‌گیری ویروس کرونا این بود که بسیاری از مهاجران به علت قرنطینه شغل خود را از دست دادند، و یا به علت تعطیلی کسب‌وکارها، کاهش دستمزدها، وقفه در استخدام‌ها، فسخ شدن قراردادهای کاری و مرخصی‌های بدون حقوق، درآمد خود را از دست دادند (Babu, 2020). همچنین، ترس از دست دادن شغل و مخاطرات ناشی از نداشتن اقامت دائم منجر به احساس ناامنی در میان مهاجران (به‌ویژه مهاجران ماهر) شد و بسیاری از آنان در صف اول تعدیل نیرو در شرکت‌های چندملیتی قرار گرفتند. به علت خسارت وارد شده بر اقتصاد کشورها و در اولویت قرار گرفتن شهروندان بومی برای دریافت حمایت‌های دولتی، امکان یافتن شغل تازه نیز برای مهاجران به شدت کاهش یافت (Menon and Vadakepat, 2021). مهاجران، علاوه بر چالش‌های شغلی، در دسترسی به خدمات سلامت و امنیت مالی و حمایت‌های اجتماعی نیز با چالش‌هایی مواجه شدند. مجموع این عوامل باعث شد که برخی از مهاجران به‌طور جدی به بازگشت فکر

بریتانیا اشاره می‌کند (Bolognani, 2014). بنسون و اوریلی (2016) سبک زندگی را چهارچوبی تحلیلی برای فهم مهاجرت و درک نحوه هویت‌یابی و ملاحظات اخلاقی درباره نحوه زیست مطلوب می‌دانند (Benson and O'Reilly, 2016).

ه) بحران‌ها

بحران‌هایی نظیر همه‌گیری بیماری و رکودهای اقتصادی تصمیم‌گیری برای مهاجران را بیش از پیش پیچیده می‌کند و آن‌ها را میان ماندن و رفتن سردرگم می‌کند (Mencutek, 2022). دو بحران جهانی مهم در دو دهه گذشته عبارت‌اند از بحران بدهی در سال ۲۰۰۹ و بحران همه‌گیری ویروس کرونا طی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱. در ادامه اثر هر کدام از این بحران‌ها بر میل و تصمیم به بازگشت در میان مهاجران بررسی شده است.

بحران جهانی بدهی: غالباً بروز بحران‌هایی همچون بحران‌های اقتصادی در جامعه مقصد مهاجران را برای بازگشت به سرزمین مادری‌شان ترغیب می‌کند (Lesinska, 2013). کرپاچی و کوکا (2019) در پژوهش خود درباره بازگشت مهاجران آلبانیایی از یونان، بعد از وقوع بحران بدهی در این کشور، به این نتیجه رسیدند که بحران اقتصادی در تصمیم به بازگشت تأثیرگذار بوده است (Kerpaci and Kuka, 2019). در برخی از پژوهش‌ها نیز تأثیر آمادگی کشور زادگاه برای حل بحران در میل و تصمیم به بازگشت مهاجران بررسی شده است. برای نمونه، زایسا و زیمرمن (2016) تأثیر رکود اقتصادی سال ۲۰۰۹ را در بازگشت مهاجران کشورهایی که به تازگی عضو اتحادیه اروپا شده بودند بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که بازگشت افراد فقط ناشی از وضعیت کشور میزبان نبوده است، بلکه میزان آمادگی و مساعد بودن شرایط در کشور زادگاهشان نیز در میزان بازگشت تأثیرگذار بوده است (Zaiceva and Zimmermann, 2016). آندرن و رومن (2016) نیز در پژوهش خود درباره رفتار مهاجران رومانیایی بعد از بحران اروپا به نتایج مشابهی رسیدند؛ فقط کمتر از نیمی از آن‌ها بیان کردند که در بلندمدت قصد بازگشت به کشور خود را دارند و حتی اگر از بحران اقتصادی ضربه دیده بودند هم مهاجرت مجدد را به بازگشت به رومانی ترجیح می‌دادند (Andren and Roman, 2016). بنابراین، بازگشت نه تنها تابع وضعیت اقتصادی فرد در مقصد مهاجرتی است که تابع تأثیرپذیری کشور مبدأ از بحران‌ها نیز هست. در ادبیات مربوط به بازگشت ناشی از بحران^۱ معمولاً به علل اقتصادی و از دست دادن شغل اشاره می‌شود، با این حال می‌توان گفت افزایش فشارهای اجتماعی در جامعه میزبان، که ممکن است نشئت گرفته از بحران‌های اقتصادی باشد، نیز در تصمیم به بازگشت تأثیر می‌گذارد (Andren and Roman, 2016).

مهاجر» که صلواتی در بازه ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ (دوران برجام) در میان ۴۰۸ نفر از مهاجران ایرانی خارج از کشور صورت داد (Iran Migration Observatory, 2022).

پیمایش سوم: «سنجش میل و تصمیم به بازگشت در میان ایرانیان خارج از کشور» که رصدخانه مهاجرت ایران در سال ۱۴۰۱ (دوران پسا کرونا) در میان ۵۶۵ نفر از ایرانیان خارج از کشور صورت داد (Iran Migration Observatory, 2022).

همچنین با توجه به اینکه پیمایش‌های مذکور مربوط به دوران پیشا برجام، برجام و نیز پسا کرونا است، از نتایج مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۳۱ نفر از مهاجران ایرانی در سال ۱۴۰۰ (دوران کرونا) نیز استفاده می‌شود تا پیش‌بینی‌های مهاجرت بازگشتی به کشور در سال‌های مختلف جامع‌تر تبیین شود. علی‌رغم اینکه تجمیع نتایج پیمایش‌ها و مصاحبه‌های انجام‌شده به علت تفاوت آن‌ها در شیوه نمونه‌گیری و... ممکن است با خطا همراه باشد، برای ایجاد تصویر جامعی از وضعیت ایران در مهاجرت‌های بازگشتی، در کنار یکدیگر تحلیل خواهند شد.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

سیاست‌گذاری مهاجرت‌های بین‌المللی باید مبتنی بر آمار و داده‌های استوار و مستند مهاجرتی باشد. در واقع، استناد به داده‌های قابل اتکا نه تنها باعث تقویت و استحکام مبنایی سیاست‌های اتخاذشده در حوزه مهاجرت می‌شود، بلکه زمینه‌ساز سنجش اثربخشی این سیاست‌ها را نیز، بر اساس شاخص‌های کلیدی کمی و کیفی، فراهم می‌کند. به این ترتیب، در ادامه تلاش شده است با بررسی آمار بازگشت به کشور و شاخص تصمیم به بازگشت در میان مهاجران ایرانی، هم‌زمان با بررسی تغییرات پیش‌بینی‌های بازگشت طی این سال‌ها، تصویری از تأثیر عوامل مختلف در بازگشت مهاجران ایرانی ارائه شود تا راهنمایی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در این حوزه باشد.

همان‌طور که آمار مهاجرت از کشورها کامل و منظم ثبت نمی‌شود، آمار مهاجرت‌های بازگشتی نیز به خوبی ثبت نشده است (Wahba, 2021). به‌خصوص که رصد و پایش مهاجران پس از یک دوره کار یا تحصیل در خارج از کشور امر بسیار دشواری است. بنابراین نمی‌توان درباره تعداد واقعی مهاجران بازگشتی در کشورمان اظهار نظر کرد. آمارهای موجود در این زمینه صرفاً مربوط به بازگشت داوطلبانه حمایت‌شده مهاجران ایرانی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱ و بازگشت داوطلبانه متخصصان ایرانی از طریق «طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم» از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ است.

آخرین آمار درگاه جهانی مهاجرت حاکی از آن است که از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱ در مجموع بالغ بر ۱۴ هزار مهاجر ایرانی بازگشت داوطلبانه حمایت‌شده^۳ کرده‌اند (Migration Data Portal, 2022).

کنند. البته تأثیر همه‌گیری ویروس کرونا در بازگشت مهاجران بین‌المللی، با توجه به نوع مهاجرت و سطح مهارت آنان، متفاوت است. یافته‌ها حاکی از آن است که فقط دو گروه مهاجران تحصیلی و کارگران فصلی کم‌مهارت در بحران کرونا به سرعت تصمیم به بازگشت گرفتند، چراکه افراد هر دو گروه تصمیم داشتند پس از پایان بحران، خیلی زود، مهاجرت مجدد کنند. درحالی‌که افرادی که از مسیر پناهجویی و امکانات بشردوستانه مهاجرت کرده بودند، به‌جز در موارد خاص و اضطراری، تصمیم به بازگشت نگرفتند (Mencutek, 2022).

مطالعه تحقیقات پیشین گواه آن است که نمی‌توان در مورد مهاجرت بازگشتی نسخه واحدی پیچید. ماندن یا بازگشتن تا حد زیادی به انگیزه اولیه برای مهاجرت، فرصت‌های زندگی در جوامع مبدأ و مقصد، و ویژگی‌های تحصیلی و فرهنگی مهاجران بستگی دارد، اما در ادامه تلاش شده است عوامل مؤثر در بازگشت مهاجران ایرانی طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ تا حدودی دسته‌بندی شود.

۲. روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش مثلث‌بندی استفاده شده است که یکی از انواع روش تحقیق ترکیبی^۱ است و در آن از داده‌های متفاوت اما مکمل برای فهم یک مسئله استفاده می‌شود (Morse, 1991). هدف از استفاده از این روش تلفیق نقاط قوت و ضعف روش‌های کمی (از جمله حجم بالای نمونه، روندها، کلی‌گویی، تعمیم) و روش‌های کیفی (از جمله تعداد محدود، جزئی‌نگری، عمیق‌بودن) است. در نهایت هر دو نوع داده تلفیق می‌شود و توضیحی واحد درباره پدیده به دست می‌آید تا به درک پیچیدگی‌های ابعاد مختلف مسئله کمک شود (Creswell, 2014).

در این راستا، از داده‌های اولیه نهاد‌های ملی و بین‌المللی برای اشاره به آمار بازگشت مهاجران ایرانی استفاده شده است. ضمن اینکه از هر دو نوع ابزار پرسشنامه و مصاحبه نیز برای اشاره به شاخص تصمیم به بازگشت و پیش‌بینی‌های بازگشت طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ استفاده شده است.

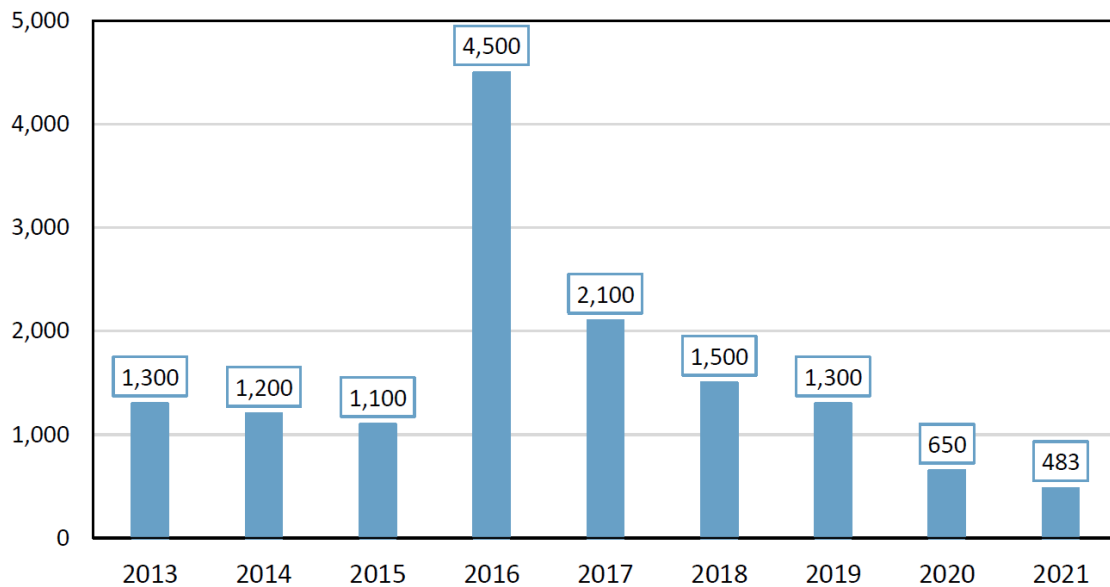
با تجمیع سه پیمایش زیر، تصویری از وضعیت کلی تصمیم به بازگشت در میان مهاجران ایرانی خارج از کشور ارائه شده است:

پیمایش اول: «انگیزه‌ها و موانع بازگشت به ایران» که آل یاسین و همکاران در پاییز ۱۳۹۳ (دوران پیشا برجام)^۲ در میان ۴ هزار و ۵۶۹ نفر از مهاجران ایرانی خارج از کشور صورت دادند (Aleyasin et al., 2014).

پیمایش دوم: «شناسایی عوامل مؤثر بر خروج و بازگشت ایرانیان

1. Mixed method

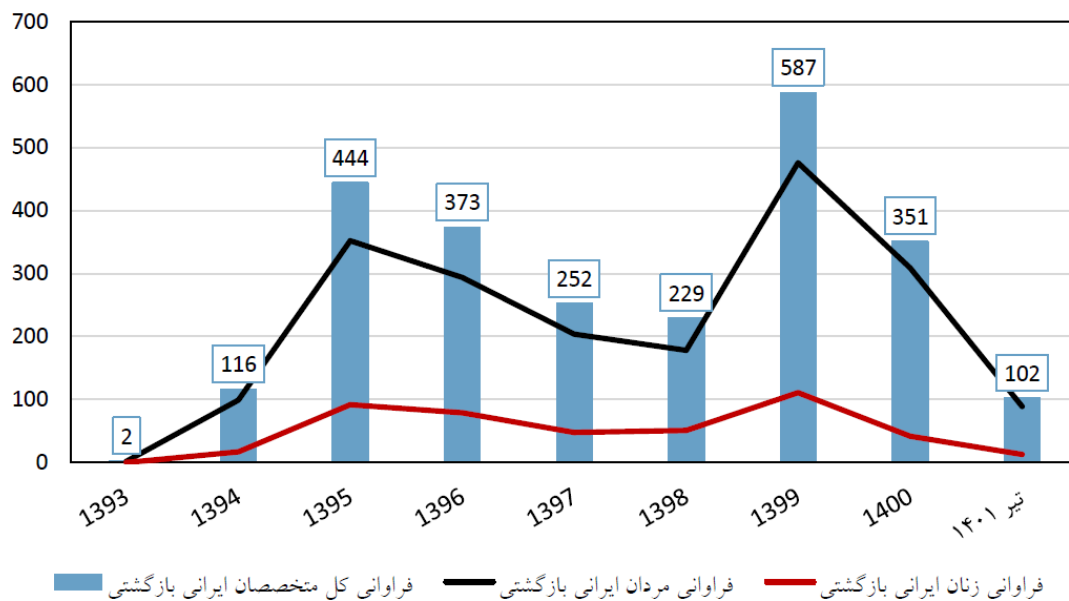
۲. برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) نام توافقی است که در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ (آلمان، آمریکا، بریتانیا، چین، روسیه، فرانسه) منعقد شد. (دانشنامه آزاد پارسی)



نمودار ۱: فراوانی بازگشت داوطلبانه و ادغام مجدد حمایت‌شده مهاجران ایرانی (سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱) (Migration Data Portal, 2022)

تسهیل بازگشت ایرانیان متخصص پیاده‌سازی و اجرا کردند. بر اساس آخرین آمار موجود از آغاز این طرح تا پایان مرداد سال ۱۴۰۱ تعداد ۸ هزار و ۵۸ نفر از متخصصان ایرانی خارج از کشور درخواست استفاده از تسهیلات را کرده‌اند که از این میان ۳ هزار و ۷۴۲ درخواست تأیید شده است و ۲ هزار و ۶۷۷ درخواست رد شده است. در مجموع، اجرای این طرح منجر به بازگشت حدود ۲ هزار و ۴۸۷ نفر از متخصصان ایرانی تا پایان تیر ۱۴۰۱ شده است (Iran Migration Observatory, 2022).

در سال ۲۰۱۶، هم‌زمان با بهبود چشم‌انداز سیاسی - اقتصادی کشور که علت آن توافق‌نامه هسته‌ای بود، تعداد مهاجران ایرانی‌ای که برای بازگشت داوطلبانه به کشور درخواست حمایت کردند افزایش قابل‌توجهی یافته است و به بیشترین مقدار خود به تراز ۴ هزار و ۵۰۰ نفر رسیده است. «طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم» را نیز معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و مرکز تعاملات بین‌المللی علم و فناوری از اسفند ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) و با هدف



نمودار ۲: فراوانی متخصصان ایرانی بازگشتی با تفکیک جنسیت (اسفند ۱۳۹۳ تا تیر ۱۴۰۱؛ سال بازگشت ۳۱ نفر از متخصصان ایرانی نامشخص است که در این آمار در نظر گرفته نشده است.) (Iran Migration Observatory, 2022)

است. از این رو هیچ‌گونه آمار استوار و منسجمی در این زمینه وجود ندارد و برای بررسی این مهم ناچاریم از روش‌های میدانی بهره‌جوییم. به این ترتیب، تلاش کرده‌ایم با تجمیع سه پیمایش «انگیزه‌ها و موانع بازگشت به ایران»، «شناسایی عوامل مؤثر بر خروج و بازگشت ایرانیان مهاجر» و «سنجش میل و تصمیم به بازگشت در میان ایرانیان خارج از کشور» که در سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۱ آ. یاسین و همکاران، و رصدخانه مهاجرت ایران صورت داده‌اند، تصویری از وضعیت کلی تصمیم به بازگشت در میان مهاجران ایرانی خارج از کشور ارائه کنیم.

شایان ذکر است که تجمیع نتایج پیمایش‌های مذکور به علت تفاوت آن‌ها در شیوه نمونه‌گیری و... ممکن است با خطا همراه باشد و بهتر است هرکدام از پیمایش‌های فوق به‌تنهایی بررسی و تحلیل شود، اما برای ایجاد تصویر جامعی از تصمیم به بازگشت در میان مهاجران ایرانی در کنار یکدیگر تحلیل شده‌اند.

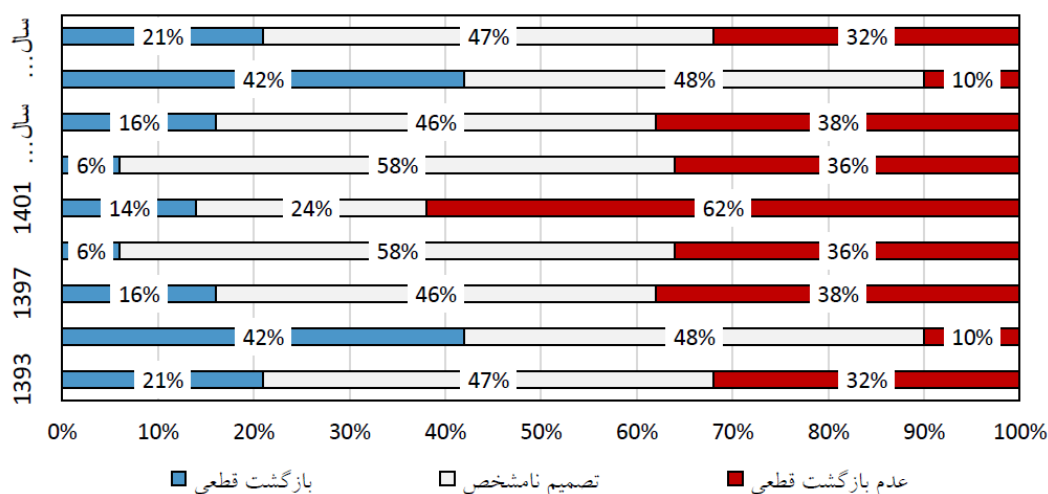
همان‌طور که مشخص است، شاخص تصمیم به بازگشت در بازه ۱۳۹۵-۱۳۹۶، در مقایسه با سال ۱۳۹۳، تقریباً دو برابر شده است. این رشد هم‌زمان بوده است با پیاده‌سازی و اجرای طرح بازگشت دانشمندان و متخصصان ایرانی غیرمقیم، اولین طرح کشور در این زمینه، و تغییر فضای سیاسی داخل کشور به‌علت امضای توافق‌نامه هسته‌ای برجام و رفع تحریم‌ها. با وجود این در سال ۱۴۰۱ مجدداً نرخ تصمیم به بازگشت کاهش یافته است و به سطح ۱۴ درصد رسیده است. ضمن اینکه تصمیم به بازنگشتن افزایش بسیار چشمگیری داشته است و به تراز ۶۲ درصد رسیده است.

برای فهم جریان بازگشتی به کشور و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت مهاجران خارج از کشور، باید علاوه بر رصد و پایش فراز و فرود شاخص‌های بازگشت، ادراک عمیقی درباره علل بازگشت مهاجران

همان‌طور که از نمودار ۲ مشخص است، در سال ۱۳۹۵، هم‌زمان با شهرت یافتن طرح بازگشت متخصصان و همچنین چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی مساعد ایران به‌علت امضای توافق‌نامه برجام، تعداد ایرانیان بازگشتی رشد چشمگیری یافته است و به تراز بالای ۴۰۰ نفر رسیده است. سپس از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸، هم‌زمان با خروج ایالات متحده آمریکا از توافق‌نامه هسته‌ای و بازگشت تحریم‌ها، آمار متخصصان ایرانی بازگشتی با شیب فزاینده‌ای کاهش یافته است و در سال ۱۳۹۸ به کمترین مقدار پس از رشد پیشین و به تراز ۲۲۹ نفر رسیده است. مجدداً از سال ۱۳۹۹ و هم‌زمان با آغاز همه‌گیری ویروس کرونا روند مهاجرت‌های بازگشتی در جهان و ایران افزایش یافته است و آمار بازگشت متخصصان ایرانی به بیشترین سطح خود در تراز ۶۰۰ نفر رسیده است.

علاوه بر شاخص بازگشت، شاخص میل و تصمیم به بازگشت نیز از شاخص‌های بااهمیت حوزه مهاجرت محسوب می‌شود. شاخص میل به بازگشت اشاره دارد به تمایل به بازگشت در میان مهاجرانی که در صورت فراهم‌بودن شرایط قصد دارند به کشور زادگاه خود بازگردند. در مقابل، شاخص تصمیم به بازگشت، تصمیم به بازگشت افرادی را می‌سنجد که برای بازگشت به کشور برنامه‌ریزی و اقدام عملی کرده‌اند. از علل اهمیت این شاخص می‌توان به اثرگذاری مستقیم آن در نرخ بازگشت اشاره کرد. چراکه در صورت فراهم‌بودن بستر برای بازگشت، میل و تصمیم به بازگشت ممکن است منجر به اقدام عملی افزایش نرخ بازگشت شود (Carling and Pettersen, 2014).

علی‌رغم اهمیت شاخص فوق، تاکنون ارزیابی گسترده‌ای برای اندازه‌گیری میل و تصمیم به بازگشت در میان ایرانیان انجام نشده



نمودار ۳: تصمیم به بازگشت در میان مهاجران ایرانی خارج از کشور (سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۱) (Aleyasin et al., 2014; Salavati, 2017; Iran Migration Observatory, 2022)

جامع‌تر تبیین شود. برای اولویت‌بندی پیشران‌های بازگشت به ایران از پیمایش‌های سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۵-۱۳۹۶ و ۱۴۰۱، میانگین وزنی پاسخ مشارکت‌کنندگان به هرکدام از عوامل محاسبه شده است. متون مصاحبه‌ها در سال ۱۴۰۰ نیز با استفاده از روش تحلیل زمینه‌ای بررسی و کدگذاری شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل سه پیمایش مذکور و مصاحبه‌های انجام‌شده در جدول ۱ تجمیع شده است.

در دوره‌های گوناگون کسب کرد. بنابراین، تلاش شده است، با تجمیع یافته‌های حاصل از سه پیمایش مذکور، پیشران‌های مهاجرت بازگشتی به کشور نیز شناسایی و تحلیل شود.

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، برای اینکه از دوره مهم همه‌گیری ویروس کرونا غفلت نشود، پیشران‌های مهاجرت بازگشتی از دید مصاحبه‌شوندگان در سال ۱۴۰۰ نیز شناسایی شده است تا پیشران‌های مهاجرت بازگشتی به کشور در سال‌های مختلف

جدول ۱: پیشران‌های مهاجرت بازگشتی به ایران (سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۶، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱) (Aleyasin et al., 2014; Iran Migration Observatory, 2022)

سال ۱۳۹۳ (پیشابرجام)			سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶ (برجام)			سال ۱۴۰۰ (کرونا)			سال ۱۴۰۱ (پساکرونا)		
ردیف	فرد	درصد اهمیت	ردیف	فرد	درصد اهمیت	ردیف	فرد	درصد اهمیت	ردیف	فرد	درصد اهمیت
۱	بودن در کنار خانواده و دوستان	۷۳٪	۱	بودن در کنار خانواده و دوستان	۷۴٪	۱	بودن در کنار خانواده و دوستان	۶۱٪	۱	بودن در کنار خانواده و دوستان	۸۰٪
۲	احساس مفیدبودن در کشور ایران	۴۸٪	۲	احساس و انتقال دانش و تجربه خود	۶۰٪	۲	احساس مفیدبودن در کشور ایران	۴۶٪	۲	احساس غربت و دوری از وطن	۵۸٪
۳	احساس غربت و دوری از وطن	۴۱٪	۳	احساس غربت و دوری از وطن	۵۸٪	۳	نارضایتی از شرایط کشور میزبان	۳۱٪	۳	احساس مفیدبودن در کشور ایران	۵۶٪
۴	احساس وظیفه‌به کشور و انتقال دانش و تجربه خود	۳۶٪	۴	احساس تعلق و پیوستگی با جامعه ایران	۵۱٪	۴	ناهماهنگی با فرهنگ و سبک زندگی در خارج از کشور	۲۳٪	۴	ناهماهنگی با فرهنگ و سبک زندگی در خارج از کشور	۳۹٪
۵	گذراندن دوران بازنشستگی در کشور ایران	۳۵٪	۵	تغییر فضای سیاسی داخل کشور ایران	۴۷٪	۵	احساس تبعیض در کشور میزبان		۵	احساس تبعیض در کشور میزبان	۳۰٪
۶	احساس مفیدبودن نکردن در خارج از کشور	۲۸٪	۶	توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها	۴۳٪	۶	بودن در جامعه‌ای اسلامی		۶	بودن در جامعه‌ای اسلامی	۲۵٪

که ابعاد مختلفی از جمله احساس غربت در خارج از کشور، احساس مفیدبودن در کشور ایران، احساس تعلق و پیوستگی با جامعه ایران، احساس وظیفه به کشور، و تمایل به انتقال دانش و تجربه را در بر می‌گیرد، از دیگر عوامل مهم اثرگذار در تمایل و تصمیم به بازگشت ایرانیان بوده است. به این ترتیب، تصمیم به بازگشت مهاجران ایرانی در سال‌های بررسی شده تحت تأثیر دو عامل شخصی (درونی) مهم قرار داشته است: خانواده و احساس میهن‌پرستی.

در کنار این دو پیشران شخصی (درونی) قدرتمند، عوامل بیرونی دیگری نیز در میل به بازگشت و نرخ بازگشت ایرانیان

ممکن است مهاجرت بازگشتی تحت تأثیر عوامل شخصی، عوامل دفع‌کننده در مقصد مهاجرتی، یا عوامل جذب‌کننده یا ترکیبی از آن‌ها صورت بگیرد. مطابق آنچه از مطالعات میدانی به دست آمده است، در سال‌هایی که بررسی شد، عوامل مختلف شخصی، خانوادگی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی در میل و تصمیم به بازگشت ایرانیان اثرگذار بوده است، اما در تمام این سال‌ها بودن در کنار خانواده و دوستان پیشران‌هایی مهم برای بازگشت به ایران بوده است و به‌طور میانگین در ۷۲ درصد از پاسخ‌دهندگان و مصاحبه‌شوندگان منجر به انگیزه‌ای برای بازگشت شده بوده است. علاوه‌براین، احساس میهن‌پرستی

برای بازگشت به کشور تمایل یافتند. به این ترتیب، شاخص تصمیم به بازگشت در بیشترین تراز خود در سطح ۴۲ درصد قرار گرفت و به تبع آن نرخ بازگشت (بازگشت داوطلبانه متخصصان ایرانی و بازگشت داوطلبانه و ادغام مجدد حمایت‌شده مهاجران ایرانی) افزایش قابل توجهی یافت. بنابراین، بهبود چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی کشور، که عامل جذب‌کننده‌ای قدرتمند در کشور مبدأ است، منجر به القای جریان بازگشتی به کشور شد. حال آنکه در سال‌های ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰، هم‌زمان با آغاز همه‌گیری ویروس کرونا در سراسر جهان، نارضایتی از شرایط در کشور میزبان افزایش یافت و اگرچه میل و تصمیم به بازگشت در میان مهاجران ایرانی افزایش نیافته بود، اما نارضایتی از شرایط زندگی در خارج از کشور، که عاملی دفع‌کننده در کشور مقصد است، اثر کرده است و نرخ بازگشت به کشور به‌طور چشمگیری افزایش یافت.

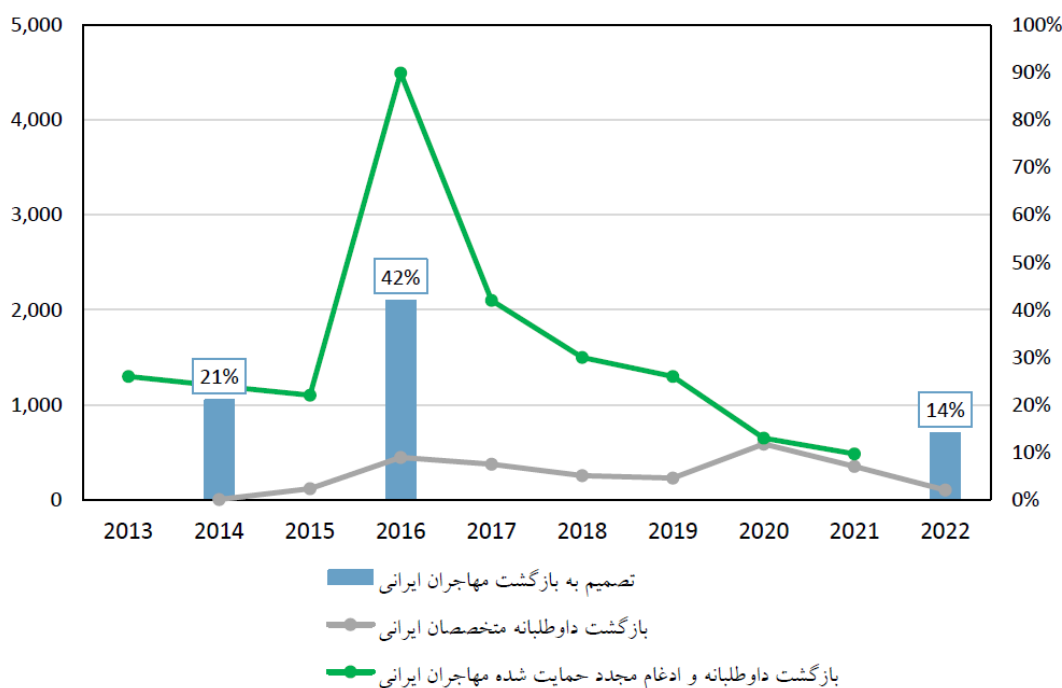
شایان ذکر است که در تأیید یافته‌های تحقیقات پیشین که در آن‌ها اثر همه‌گیری ویروس کرونا در نرخ بازگشت و تصمیم به بازگشت مهاجران بین‌المللی با توجه به نوع مهاجرت و سطح مهارت آنان متفاوت بوده است (Mencutek, 2022)، یافته‌های این پژوهش نیز حاکی از آن است که آن دسته از مهاجران که در بحران کرونا به سرعت تصمیم به بازگشت گرفتند مهاجران تحصیلی بوده‌اند. به این ترتیب، آمار بازگشت متخصصان ایرانی هم‌زمان با آغاز همه‌گیری افزایش چشمگیری یافت، درحالی‌که افرادی که با روش‌های پناهجویی و بشردوستانه مهاجرت کرده بودند، به‌جز در

اثرگذار بوده است. یکی از این موارد توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها و تغییر فضای سیاسی - اقتصادی داخل کشور در بازه ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ است که در گروه عوامل جذب‌کننده در کشور مبدأ قرار می‌گیرد. از دیگر موارد نارضایتی از شرایط کشور میزبان در سال ۱۴۰۰ است که می‌شود در گروه عوامل دفع‌کننده در مقصد مهاجرتی قرار گیرد. یکی از متخصصان ایرانی بازگشتی در همین راستا بیان کرد:

«همسرم از یک دانشگاه در کانادا پذیرش گرفتن و مهاجرت کردن. در طی تحصیل بودن که کرونا کل دنیا رو گرفت و تنهایی و غربت خصوصاً در دوران قرنطینه خیلی بهشون فشار آورد و تصمیم گرفتن برای ادامه تحصیل به ایران انتقالی بگیرن.»

۴. یافته‌های تحقیق

مقایسه فرازوفرودهای شاخص‌ها و پیشران‌های بازگشت طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ حاکی از آن است که همواره دو عامل شخصی (درونی) خانواده و احساس میهن‌پرستی پیشران‌های مهم اثرگذار در جریان بازگشتی به کشور بوده است. اما دو نقطه عطف در روند بازگشت به کشور وجود داشته است. اولین نقطه عطف مربوط است به بازه ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ که هم‌زمان با شهرت‌یافتن طرح بازگشت متخصصان و، مهم‌تر از آن، امضای توافق‌نامه هسته‌ای و امید به رفع تحریم‌ها، چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی کشور بهبود یافت و تعداد بیشتری از مهاجران ایرانی



نمودار ۴: وضعیت ایران در شاخص‌های بازگشت (سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲)

(Aleyasin et al., 2014; Iran Migration Observatory, 2022; Migration Data Portal, 2022)

موارد خاص و اضطراری، تصمیم به بازگشت نگرفتند. در نتیجه، نرخ بازگشت داوطلبانه و ادغام مجدد حمایت‌شده مهاجران ایرانی نه تنها افزایش نیافت، بلکه روند نزولی یافت.

نتیجه‌گیری

کشور ایران، با جمعیت چندمیلیونی ایرانیان خارج از کشور، واجد ویژگی‌های یک کشور مهاجرفرست است. همچنین فقدان ثبات سیاسی و اقتصادی در کشورهای همسایه و نبود فرصت‌های کافی برای بهره‌مندی از ظرفیت نیروی انسانی در داخل و همچنین قرار گرفتن کشور در شرایط تحریم و تنگنای اقتصادی، لزوم چاره‌اندیشی و استفاده از راه‌حل‌های خلاقانه در حوزه بهره‌مندی از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور را بیش از پیش نمایان ساخته است و حکمرانی مهاجرت در کشور را با ابعاد پیچیده‌تری همراه ساخته است.

متأسفانه نگاه تهدیدمحور به مهاجرت نگاه غالب دولتمردان و سیاست‌گذاران است و به این حوزه نظام‌مند و فرصت‌محور توجه جدی نشده است. اگرچه طی چندین سال گذشته توجه به مسئله مهاجرت در گفتمان حاکمیتی و اسناد بالادستی کشور تا حدودی بیشتر شده است، در عمل جز در مواردی انگشت‌شمار این تلاش‌ها به اقدامات اجرایی با نتایج مشخص عینی منجر نشده است. از نمونه‌های موفق و امیدوارکننده انگشت‌شمار مربوط به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور می‌توان به این موارد اشاره کرد: (۱) برنامه بازگشت متخصصان موسوم به «طرح همکاری با متخصصان ایرانی غیرمقیم»، که آن را معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۳ در کشور آغاز کرد و همچنان در حال اجرا و توسعه است؛ (۲) ایجاد سامانه‌های آماری مربوط به وضعیت اتباع ایرانی در خارج از کشور در دستگاه‌های مختلف شامل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت امور خارجه؛ (۳) تدوین قانون جامع حمایت از ایرانیان خارج از کشور در وزارت امور خارجه؛ (۴) ارائه طرح ایجاد سازمان ملی مهاجرت به مجلس.

با وجود این، علی‌رغم همه این تلاش‌ها، ارزیابی عملکرد دولت در حوزه مهاجرت نشان می‌دهد که فقدان درک صحیح از پدیده مهاجرت، ناکارآمدی و ناهماهنگی دستگاه‌های مربوط و نیز ضعف در گروه‌های کارشناسی فعال که ناشی از فقدان نهاد تخصصی حکمرانی در کشور است، منجر به این شده است که دستگاه‌های اجرایی کشور در وضعیتی از انفعال و گسیختگی عملکردی قرار بگیرد. در حالی که در واقع استفاده از مساعدت هم‌وطنان مقیم در خارج از کشور و اتخاذ رویکرد فعالانه و اثربخش برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های آنان تابع دو عامل است که عبارت‌اند از:

۱. افزایش آمادگی کشور برای جذب مهاجران ایرانی؛
۲. ایجاد میل به بازگشت در میان مهاجران ایرانی خارج از کشور.

متأسفانه بسیاری از ایرانیان مهاجر، علی‌رغم اینکه به همکاری و مشارکت در توسعه کشور تمایل دارند، امکان بیرونی برای مشارکت در توسعه ایران را فراوان نمی‌دانند و سهم قابل توجهی از آنان نیز اطلاع کافی از برنامه‌هایی همچون «طرح همکاری با دانشمندان و متخصصان ایرانی غیرمقیم» ندارند. بر اساس نتایج پیمایش رصدخانه مهاجرت ایران در میان مهاجران ایرانی خارج از کشور در سال ۱۴۰۱، حدود ۸۶ درصد از دایاسپورای ایرانی فضای داخل کشور را برای مشارکت در فرایند توسعه و پیشرفت ایران مناسب نمی‌دانند. ضمن اینکه بر اساس نتایج یک پیمایش در میان دایاسپورای ایرانی ۳۴ درصد از مهاجران ایرانی مقیم خارج از کشور هیچ اطلاعی از برنامه‌های حمایتی دولت برای بازگشت به کشور ندارند (Salavati, 2020). از این رو، همچنان بستر مناسب برای استفاده از ظرفیت‌های بالقوه ایرانیان متخصص در داخل و خارج از کشور مهیا نیست و اطلاع‌رسانی کافی در این زمینه‌ها صورت نگرفته است.

علاوه بر این، شواهد به دست آمده از پیمایش‌های محدود رصدخانه مهاجرت ایران درباره وضعیت میل و تصمیم به بازگشت در میان ایرانیان خارج از کشور در تابستان ۱۴۰۱، حاکی از آن است که حدود ۷۰ درصد از ایرانیان خارج از کشور، که اکثریت آن‌ها تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند، تمایل «کم» و «خیلی کمی» برای بازگشت به کشور دارند. این در حالی است که فقط ۱۷ درصد افراد تمایل «زیاد» یا «بسیار زیادی» برای بازگشت دارند و دیگران به این موضوع با تردید می‌نگرند.

بنابراین، در شرایطی که میل و تصمیم به بازگشت در میان مهاجران ایرانی در سطح پایینی قرار دارد و در کشور مان ظرفیت و زیرساخت‌های لازم برای بهره‌مندی از منابع و مهارت‌های آن‌ها وجود ندارد، باید پذیرفت که پدیده مهاجرت بازگشتی در کشور ایران تا حد فراوانی خودکار صورت گرفته است. به عبارت دیگر، اغلب کسانی که تصمیم گرفته‌اند به کشور بازگردند یا از ابتدا تصمیم نداشته‌اند مهاجرت دائمی کنند یا تحت تأثیر دو عامل کشتی «خانواده» و «احساس میهن‌پرستی» بازگشته‌اند. نقاط عطف در جریان بازگشتی کشور صرفاً مربوط می‌شود به دوران توافق‌نامه برجام و همه‌گیری کرونا که اگرچه نرخ بازگشت متخصصان در هر دو بازه زمانی افزایش یافته است، شواهد حاکی از آن است که بازگشت افراد در دوران بحران تصمیمی موقتی است و به احتمال فراوان منجر به بازگشت دائمی نخواهد شد.

در مجموع، موضوع استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور و تقویت ارتباطات علمی، فناورانه، و تجاری داخل با خارج از کشور از جمله موضوعاتی است که هرازچندگاهی برجسته

- Kerala's Gulf Dream". *Hindustan Times*, 25 June. <https://www.hindustantimes.com/india-news/nri-deaths-sully-kerala-sgulf-dream/story-nMoiqHEL1WLetf1dDVBIM.html>. (Accessed: 1 July 2020)
- Bakalova, M., and Misheva, M. (2018). "Explanations of Economic Rationality Challenged: Contemporary Return Migration to Bulgaria". *Economic studies*, 27(2).
- Benson, M., and O'Reilly, K. (2016). "From Lifestyle Migration to Lifestyle in Migration: Categories, Concepts and Ways Of Thinking". *Migration Studies*, 4(1), pp. 20-37.
- Bijwaard, G. E., and Wang, Q. (2016). "Return Migration of Foreign Students". *European Journal of Population*, 32(1), pp. 31-54.
- Bijwaard, G. E., Schluter, C., and Wahba, J. (2014). "The Impact of Labor Market Dynamics on The Return Migration Of Immigrants". *Review of Economics and Statistics*, 96(3), pp. 483-494.
- Bolognani, M. (2014). "The Emergence of Lifestyle Reasoning In Return Considerations Among British Pakistanis". *International Migration*, 52(6), pp. 31-42.
- Carling, J., and Pettersen, S. (2014). "Return Migration Intentions in the Integration-Transnationalism Matrix". *International Migration*, 52(6). 10.1111/imig.12161. Available at: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/pdf/10.1111/imig.12161>
- Cassarino, J. P. (2004). "Theorising Return Migration: The Conceptual Approach to Return Migrants Revisited". *International Journal on Multicultural Societies (IJMS)*, 6(2), pp. 253-279.
- Cassarino, J. P. (2014). "A Case for Return Preparedness". In Battistella, G. (Ed.), *Global and Asian perspectives on international migration* (pp. 153-165). Springer, Cham.
- Creswell, J. W. (2014). A concise introduction to mixed methods research. SAGE publications.
- El-Mallakh, N., and Wahba, J. (2016). "Upward Or Downward: Occupational Mobility And Return Migration". *Economic Research Forum Working Papers* (No. 1010).
- Fihel, A., and Górný, A. (2013). "To Settle or To Leave می‌شود، اما تاکنون در عمل نتایج قابل توجهی به دنبال نداشته است. ریشه اصلی این ناکامی را می‌توان در غلبه رویکرد امنیتی در رویارویی با آنان، ناتوانی در اعتمادسازی، و تناقضات رفتاری جست‌وجو کرد که موجب دلسردی ایرانیان خارج از کشور برای همکاری با کشور شده است. در کنار این عوامل، عواملی همچون فقدان جذابیت و شرایط نابسامان کشور و مشخص نبودن مسیر کشور در ارتباطات بین‌المللی، که تبعاتی همچون تحریم و انزوای بین‌المللی را برای کشور در پی داشته است، موجب تمایل پایین ایرانیان خارج از کشور برای همکاری مستقیم با کشور شده است. از این رو، به نظر می‌رسد که در حال حاضر شرایط و زمینه‌های لازم برای بازگشت فیزیکی و دائمی ایرانیان خارج از کشور به داخل فراهم نیست و در چنین شرایطی حرکت به سمت سیاست‌های بازبهره‌مندی و حفظ ارتباط از طریق برنامه‌های از راه دور و موقت بهترین گزینه پیش‌رو است.
- منابع فارسی که معادل لاتین آن‌ها در فهرست منابع آمده است**
- آل یاسین، امیرحسین، رشیدیان، محمد، شامخی، آمنه، صادقی، محمدامین، مروتی، محمد و میهنی، حمید (۱۳۹۳). نظرسنجی انگیزه‌ها و موانع بازگشت به ایران.
- رصدخانه مهاجرتی ایران (۱۴۰۱). سالنامه مهاجرتی ایران ۱۴۰۱.
- صلواتی، بهرام (۱۳۹۹). سالنامه مهاجرتی ایران ۱۳۹۹.
- صناعی، علی. (۱۳۹۸). «مشوق‌ها و موانع بازگشت به کشور: بررسی موردی متخصصان مقیم ایالات متحده آمریکا». فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۶، شماره ۹۷، ص ۲۸۹ - ۳۲۴.
- منابع**
- Aleyasin, A., Rashidian, M., Shanekhi, A., Sadeghi, M., Morovati, M., Mihani, H. (2014). *Survey of motivations and obstacles to return to Iran*. {In Persian}
- Andrén, D., and Roman, M. (2016). "Should I Stay or Should I Go? Romanian Migrants During Transition and Enlargements". In Kahanec, M., and Zimmermann, K. F. (Eds.), *Labor migration, EU enlargement, and the great recession* (pp. 247-269). Berlin, Heidelberg: Springer.
- Apsite-Berina, E., Manea, M. E., and Berzins, M. (2020). "The Ambiguity of Return Migration: Prolonged Crisis and Uncertainty In The Life Strategies Of Young Romanian And Latvian Returnees". *International Migration*, 58(1), pp. 61-75.
- Babu, R. (2020). "Covid-19: NRI Deaths Sully

- Again? Patterns Of Return Migration to Poland During the Transition Period". *Central and Eastern European Migration Review*, 2(1), pp. 55-76.
- Franses, PH. H. B. F (2015). "Return Migration of High Skilled Workers". *Erasmus University Rotterdam*. Available At: <https://repub.eur.nl/pub/78065/#>
- Han, X., Stocking, G., Gebbie, M. A., and Appelbaum, R. P. (2015). "Will They Stay or Will They Go? International Graduate Students and Their Decisions to Stay or Leave the US Upon Graduation". *PLoS one*, 10(3), e0118183.
- Harvey, W. S. (2011). "Immigration And Emigration Decisions Among Highly Skilled British Expatriates In Vancouver". In Nicolopoulou, K., Karataş-Özkan, M., Tatli., G., and Taylor, J. (Eds.), *Global Knowledge Work*. Edward Elgar Publishing.
- Iran Migration Observatory (2022). Iran Migration Outlook 2022 {In Persian}
- Kerpaci, K., and Kuka, M. (2019). "The Greek Debt Crisis and Albanian Return Migration". *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 21(1), pp. 104-119.
- King, R., and Kuschminder, K. (2022). "Introduction: Definitions, Typologies and Theories of Return Migration". In Russell, K., and Kuschminder, K. (Eds.), *Handbook of return migration*. Edward Elgar Publishing.
- Kırdar, M. G. (2009). "Labor Market Outcomes, Savings Accumulation, And Return Migration". *Labour Economics*, 16(4), pp. 418-428.
- Kopliku, B., and Drishti, E. (2022). "The (big) Role of Family Constellations in Return Migration and Transnationalism" preprints.org, 2022070322, <https://doi.org/10.20944/preprints202207.0322.v1>
- Lesińska, M. (2013). "The Dilemmas of Policy Towards Return Migration: The Case Of Poland After The EU Accession". *Central and Eastern European Migration Review*, 2(1), pp. 77-90.
- Levitt, P. (2010). "Taking Culture Seriously: The Unexplored Nexus Between Migration, Incorporation and Development". *Revue Européenne des Migrations Internationales*, 26(2), pp. 139-153.
- Mayr, K., and Peri, G. (2008). "Return Migration as a Channel of Brain Gain". *NBER Working Paper Series*.
- Mencutek, Z. S. (2022). "Voluntary and Forced Return Migration Under a Pandemic Crisis". In Triandafyllidou, A. (Ed.), *Migration and Pandemics* (pp. 185-206). Cham: Springer.
- Menon, D. V., and Vadakepat, V. M. (2021). "Migration And Reverse Migration: Gulf-Malayalees' Perceptions During the Covid-19 Pandemic". *South Asian Diaspora*, 13(2), pp. 157-177.
- Migration Data Portal (2022). "Number Of Migrants Assisted To Return Voluntarily, By Country Of Origin". Available At: https://www.migrationdataportal.org/international-data?i=avrr_origin&t=2021&cm49=364
- Morawska, E. (2007). "International Migration: Its Various Mechanisms and Different Theories That Try To Explain It". *IMER/MIM*. Available At: <http://mau.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2%3A1409965&dsid=8197>
- Morse, J. M. (1991). "Approaches To Qualitative-Quantitative Methodological Triangulation". *Nursing research*, 40(2), pp. 120-123.
- Nonchev, A., and Hristova, M. (2018). "Segmentation Of Returning Migrants". *Economic studies*, 27(2).
- Polanco, A., and Sequera, V. (2020). "Venezuelan Migrants Quarantined in Crowded Shelters As They Return Home". *Reuters*, April 7. Available At: <https://www.reuters.com/article/us-health-coronavirus-venezuela-migrants/venezuelan-migrants-quarantined-in-crowded-shelters-as-they-return-home-idUSKBN21P361>
- Saar, M., and Saar, E. (2020). "Can The Concept of Lifestyle Migration Be Applied to Return Migration? The Case of Estonians in the UK". *International Migration*, 58(2), pp. 52-66.
- Sabharwal, M., and Varma, R. (2019). "Transnationalism And Return Migration of Scientists and Engineers From The United States To India". In Sahoo, A., and Purkayastha, B. (Eds.), *Routledge Handbook of Indian Transnationalism* (pp. 54-66). Routledge.

- Salavati, B. (2020). *Iran Migration Outlook 2020* {In Persian}
- Sanaei, A. (2019). "Incentives and Disincentives to Return Migration: The Case of Iranian Experts Living in the United States". *Majlis and Rahbord*, 26(97), pp. 289-324. {In Persian}
- Scollon, M. (2020). "Covid-19 A Hard Row to Hoe For Migrant Laborers", *Radio Free Europe/Radio Liberty*, 15 April. Available At: <https://www.rferl.org/a/covid-19-migrant-laborers-russia-central-asia/30557391.html>
- Wahba, J. (2014). "Return Migration and Economic Development". In Lucas, R. E. B. (Ed.), *International Handbook on Migration and Economic Development* (pp. 327-349). Edward Elgar.
- Wahba, J. (2021). "Who Benefits from Return Migration To Developing Countries?". *IZA World of Labor*, 123. doi: 10.15185/izawol.123.v2.
- Zaiceva, A., and Zimmermann, K. F. (2016). "Returning Home at Times of Trouble? Return Migration of EU Enlargement Migrants During the Crisis". In Kahanec, M., and Zimmermann, K. F. (Eds.) *Labor Migration, EU Enlargement, And the Great Recession* (pp. 397-418). Berlin, Heidelberg: Springer.
- Zeithammer, R., and Kellogg, R. P. (2013). "The Hesitant Hai Gui: Return-Migration Preferences Of US-Educated Chinese Scientists and Engineers". *Journal of Marketing Research*, 50(5), pp. 644-663.



The Effect Of Internal And External Factors On The Return Of Iranian Migrants During 2014 To 2022

Zohreh Rabiee¹

Melika Soleimanikhoo²

Abstract

Returnees can help reduce the negative effects of migration and develop the origin countries. This research investigates the effect of internal and external determinants on the return of Iranian migrants using mixed method. The analysis of the fluctuations of return frequency, return decision, and return drivers among Iranians during the years 2013 to 2020, indicate that «family» and «patriotism» are the most important internal factors influencing the return flow to the country. Meanwhile, the return flow of Iranians (including the voluntary return of Iranian professionals and assisted voluntary return and reintegration of Iranians) has undergone two significant turning points influenced by external determinants. Firstly, the return frequency increased in 2016 due to the nuclear agreement between Iran and G5, and the expectation of the removal of sanctions, which led to the improvement of the country's political and economic prospects. Second, during the Covid-19 pandemic in 2020, while the return frequency of Iranian professionals increased significantly due to dissatisfaction with the conditions in the host country, the assisted voluntary return of Iranian migrants indicate a downward trend.

Keywords: Return Migration, Return Decision, Assisted Voluntary Return and Reintegration, Covid-19 Pandemic, Diaspora

1. Master of science and technology policy, Graduate School of Management and Economics, Sharif University of Technology (corresponding author); rabiee.zohreh@gsme.sharif.ir

2. Master of social research, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. melika.soleimani1994@gmail.com

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

ملیکا سلیمانی خو	زهره ربیعی	
نویسنده دوم	نویسنده مسئول	نقش
*	*	نگارش متن
*	*	ویرایش متن و ...
*	*	طراحی / مفهوم پردازی
*	*	گردآوری داده
*	*	تحلیل / تفسیر داده
-	-	سایر نقش ها

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافی داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گزین دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.


بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گزین آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

نویسنده مسئول: زهره ربیعی

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

دوراهی مهاجرت‌های اقلیمی؛ تحلیلی درباره رویکردهای سازگاری یا ناسازگاری در برابر آثار تغییرات اقلیمی

 20.1001.1.24767220.1401.12.4.6.7

رقیه صمدی^۱

چکیده

در حال حاضر یکی از بحث‌برانگیزترین پیامدهای تغییرات اقلیمی مهاجرت بالقوه میلیون‌ها نفر در اثر این تغییرات است. این موضوع بیش از پیش به مسئله‌ای مهم برای دولت‌ها و سیاست‌گذاران تبدیل شده است. در خصوص مهاجرت‌های ناشی از تغییرات اقلیمی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح می‌شود. عده‌ای از محققان باور دارند که مهاجرت نشان‌دهنده شکست در سازگاری با محیط در حال تغییر است. در مقابل، عده‌ای از محققان معتقدند که مهاجرت قابلیت این را دارد که استراتژی‌ای پیشگیرانه برای مقابله با تغییرات اقلیمی باشد. در این پژوهش تلاش شد تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی، و با استناد به نظریه‌های کثرت‌گرایی و اقلیت‌گرایی، دیدگاه‌های مختلف در زمینه مهاجرت‌های اقلیمی و سازگاری و ناسازگاری در برابر تغییرات اقلیمی بررسی شود و چهارچوب مفهومی متناسب با این دیدگاه‌ها ارائه شود. نتایج بررسی‌ها نشان داد اینکه مهاجرت یکی از اقدامات سازگاری یا ناسازگاری جوامع در نظر گرفته شود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را با چالش‌های فراوانی روبه‌رو خواهد کرد. هر چند بسیاری از این چالش‌ها از طریق استراتژی‌های دقیق کنترل‌شدنی است. در این راستا، سیاست‌گذاران باید قوانین و مقرراتی را وضع کنند که توانایی سیاست‌گذاران را برای سازگاری با تأثیرات تغییرات اقلیمی تقویت کند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، تغییرات اقلیمی، سازگاری یا ناسازگاری، نظریه‌های کثرت‌گرایی و اقلیت‌گرایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

مقدمه

امروزه، آسیب‌پذیری افراد تحت‌تأثیر تعامل پیچیده عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته به محیط‌زیست افزایش یافته است. به طوری که امروزه جمعیت گسترده‌ای در کشورهای گوناگون، بیش از هر زمان دیگری، در برابر آثار تغییرات محیط‌زیستی آسیب‌پذیرند. چراکه افزایش جمعیت و تراکم در مکان‌های در معرض خطر از یک‌سو، و فرایندهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی از سوی دیگر، موجب افزایش آسیب‌پذیری در برابر چنین خطراتی می‌شود. یکی از رخدادهای بارز تغییرات محیط‌زیستی تغییرات اقلیم جهانی است.

در بررسی سالانه‌ای که در مجمع جهانی اقتصاد^۱ در سال ۲۰۲۲ در مورد خطرات جهانی صورت گرفت به سه خطر برجسته محیط‌زیستی، که کارشناسان را نگران کرده است، اشاره شد: (۱) شکست اقدامات اقلیمی، (۲) وقایع اقلیمی شدید، (۳) ازدست‌دادن تنوع زیستی. در این گزارش، شکست اقدامات در زمینه مقابله با تغییرات اقلیمی بزرگ‌ترین نگرانی کارشناسان برای ده سال آینده محسوب می‌شود. تلاش‌های ناکافی در جهان برای مقابله با تغییرات اقلیمی در اوایل سال ۲۰۲۰، قبل از شیوع دنیاگیر و ویروس کرونا، در صدر فهرست نگرانی‌ها قرار داشت. بنابراین، بسیار محتمل است که مردم تأثیرات تغییرات اقلیمی را، چه به صورت بلایای طبیعی تدریجی و چه به صورت بلایای ناگهانی، تجربه کنند، به‌ویژه اگر این تغییرات منجر به مهاجرت، جابه‌جایی غیرارادی و اسکان مجدد شود (Oliver-Smith 2009).

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان^۲ (2017) گزارش می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ سالانه متوسط ۲۱/۵ میلیون نفر به‌علت شروع ناگهانی مخاطرات وابسته به اقلیم و هزاران نفر دیگر به‌علت خطرات پیش‌رونده وابسته به تأثیرات تغییرات اقلیمی به‌اجبار آواره شده‌اند. تلاش‌های صورت‌گرفته توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در سال‌های آینده بر تخمین جابه‌جایی افراد در اثر عوامل اقلیمی اثرگذار خواهد بود. با این حال، احتمالاً ده‌ها میلیون نفر در طول دو تا سه دهه آینده به‌علت تأثیرات تغییرات اقلیمی آواره خواهند شد.

اغلب تصور می‌شود که مهاجرت نشان‌دهنده شکست در سازگاری با محیط در حال تغییر است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که می‌توان با اقداماتی در راستای سازگاری در برابر تغییرات محیطی و اقلیمی، و افزایش تاب‌آوری جوامع، از مهاجرت افراد در معرض آسیب جلوگیری کرد. در مقابل، عده‌ای از محققان معتقدند که مهاجرت می‌تواند راهبرد پیشگیرانه باشد و برای مقابله با تغییرات اقلیمی به کار گرفته شود. در واقع برای

قرن‌ها، مهاجرت راهبردی سنتی برای سازگاری در برابر تنش‌های اقلیمی بوده است.

به‌طور کلی مهاجرت، چه در معنای سازگاری با تغییرات اقلیمی و چه در معنای شکست در شیوه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی، پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است که چالش‌های آن در حال و آینده پیش روی ما قرار دارد. محققانی که در زمینه مهاجرت، چه برابندی منفی در برابر تغییرات اقلیمی و محیطی در نظر گرفته شود چه برابندی مثبت، فعالیت می‌کنند دیدگاه‌های متفاوتی دارند. بنابراین، در این مقاله قصد داریم تا با رویکردی توصیفی - تحلیلی پدیده مهاجرت را، چون راه‌حل سازگاری با تغییرات اقلیمی یا شکست در اقدامات مربوط به سازگاری در برابر این تغییرات، تجزیه و تحلیل کنیم. در همین راستا، با واریسی تجارب کشورهای مختلف، رویکردهای گوناگونی که راجع به سازگاری یا ناسازگاری در برابر تغییرات اقلیمی موجود است بررسی خواهد شد. سپس، اقدامات صورت‌گرفته در راستای سازگاری با تغییرات اقلیمی در کشور، یا مهاجرت‌های وابسته به این تغییرات، تحلیل و ارزیابی خواهد شد. این توضیح لازم است که هدف از این پژوهش موافقت یا مخالفت با هیچ‌کدام از دیدگاه‌های سازگاری یا ناسازگاری با شرایط اقلیمی نیست، چراکه، با توجه به تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی و تفاوت‌های اقلیمی و نیز سایر شرایط وابسته به جوامع، نمی‌توان قاطعانه ادعا کرد که آنچه در یک منطقه جغرافیایی نتیجه‌بخش خواهد بود سازگارکردن جوامع در برابر آثار تغییرات اقلیمی است یا تسهیل مهاجرت ساکنان. از این‌رو در پژوهش حاضر، تلاش خواهد شد تا هر دو رویکرد تحلیل و ارزیابی شود و تجارب موفق جوامع در این باره ارائه شود.

۱ - چهارچوب نظری

۱-۱ - مفاهیم و دیدگاه‌ها در حوزه مهاجرت‌های اقلیمی

در حال حاضر یکی از آثار بحث‌برانگیز تغییرات اقلیمی در جهان مهاجرت بالقوه میلیون‌ها نفر در اثر این تغییرات است و این مسئله برای دولت‌ها و سیاست‌گذاران بیش‌ازپیش اهمیت یافته است. مهاجرت ناشی از تغییرات اقلیمی چه در اصطلاح «پناهندگان اقلیمی» چه در اصطلاح «مهاجران محیط‌زیستی» یا «مهاجران اقتصادی» چهره‌های فراوانی دارد (Manou et al., 2017). مفهوم مهم دیگری که در کنار «مهاجران محیط‌زیستی»، «مهاجران اکولوژیکی» و «پناهندگان محیط‌زیستی» مطرح است مفهوم «آوارگان داخلی» است. ممکن است «آوارگان داخلی» گاهی پناهنده یا گاهی «مهاجران محیط‌زیستی» باشند. در حقیقت، آوارگان داخلی اشخاص یا گروهی از افراد هستند که در نتیجه تأثیرات ناشی از درگیری مسلحانه، شرایط خشونت عمومی، نقض حقوق، بلایای طبیعی یا انسانی یا به‌منظور جلوگیری از

1. World Economic Forum

2. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

آوارگان بر اساس عوامل محیط‌زیستی و اقلیمی مبهم به نظر می‌رسد. در کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۱ نیز عامل محیط‌زیست انگیزهٔ اصلی برای تصمیم‌گیری دربارهٔ مهاجرت در نظر گرفته نشده است. بنابراین، تعریف این نوع مهاجرت برای نظریه‌پردازان چالشی اساسی است. بسیاری از محققان رویکردهای متفاوتی را برای تعریف پناهندگان اقلیمی و دستیابی به راه‌حل پایدار اتخاذ می‌کنند که در چهارچوب کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل متحد ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی آن در سال ۱۹۶۷ جای می‌گیرد و به این ترتیب مهاجرت ناشی از تغییرات اقلیمی در چهارچوبی قانونی قرار می‌گیرد (Ahsan et al., 2014).

۱-۲- مهاجرت و نقش محیط‌زیست؛ دیدگاه کثرت‌گرایان در مقابل دیدگاه اقلیت‌گرایان

اگرچه مهاجرت‌های محیط‌زیستی پدیده‌ای است که قدمت طولانی دارد، با برجسته‌شدن تغییرات محیط‌زیستی و ارتباط آن با توسعهٔ صنعتی در دههٔ ۱۹۸۰ این مسئله توجه محققان را به خود جلب کرد. در این میان بسیاری از محققان تلاش کردند تا سهم تغییرات محیط‌زیست در جابه‌جایی انسان‌ها را بررسی کنند. سارک در سال ۱۹۹۴ الگوی را ارائه داد که بر اساس آن به مهاجرت‌های محیط‌زیستی از دو دیدگاه متضاد نگریسته شد: دیدگاه اقلیت‌گرایی و دیدگاه کثرت‌گرایی (Lonergan, 1998). طرفداران دیدگاه کثرت‌گرایی یا ماکسیمالیستی باور دارند که فشارهای محیط‌زیست در جابه‌جایی انسان‌ها تأثیر مستقیم می‌گذارد. الهیناوی، یکی از مشهورترین طرفداران این دیدگاه، اصطلاح «پناهندگان محیط‌زیستی» را به کار می‌برد و با این اصطلاح به افرادی اشاره دارد که «به‌علت وجود مخاطرات محیط‌زیستی (بلاای طبیعی یا انسان‌ساخت) مجبور شده‌اند مکان زندگی خود را دائمی یا موقت ترک کنند و جان خود را به خطر بیندازند، یا کیفیت زندگی آن‌ها تحت تأثیر این بلا یا قرار گرفته است» (El Hinnawi, 1985). میرز (1993)، وستینگ (1992) و راملوگان (1996) رویکردهای مالتوس‌گرایان جدید را پیشنهاد می‌کنند و باور دارند که افزایش جمعیت جهان و تشدید تغییرات اقلیمی منجر به کاهش شدید منابع موجود شده است که خود سبب افزایش آسیب‌پذیری جمعیت می‌شود. کثرت‌گرایان رویکرد قیاسی جامعی را اتخاذ می‌کنند و واژهٔ بحث‌برانگیز «پناهنده» را به کار می‌گیرند که همیشه راهبرد مناسبی برای توصیف آوارگانی که به‌سبب تغییرات اقلیمی آواره شده‌اند نیست. چهارچوب تحلیلی آن‌ها در قالب شکل ۱ ارائه شده است (Dialo and Renou, 2015).

آن‌ها آواره شده‌اند و از مرزهای شناخته‌شدهٔ بین‌المللی عبور نکرده‌اند (Unruh et al., 2005).

محققان سعی می‌کنند برای تمایز میان «مهاجران اقتصادی» و «مهاجران محیط‌زیستی» مرزی قائل شوند. استدلال رایج این است که مهاجران اقتصادی به عوامل دفع‌کننده و جذب‌کنندهٔ پاسخ می‌دهند، درحالی‌که «مهاجران محیط‌زیستی» چاره‌ای جز فرار ندارند. بنابراین، «مهاجران محیط‌زیستی» فقط به عوامل فشار و دفع‌کننده واکنش نشان می‌دهند و اغلب در مواجهه با شرایط اضطراری انتخاب‌هایی محدود دارند.

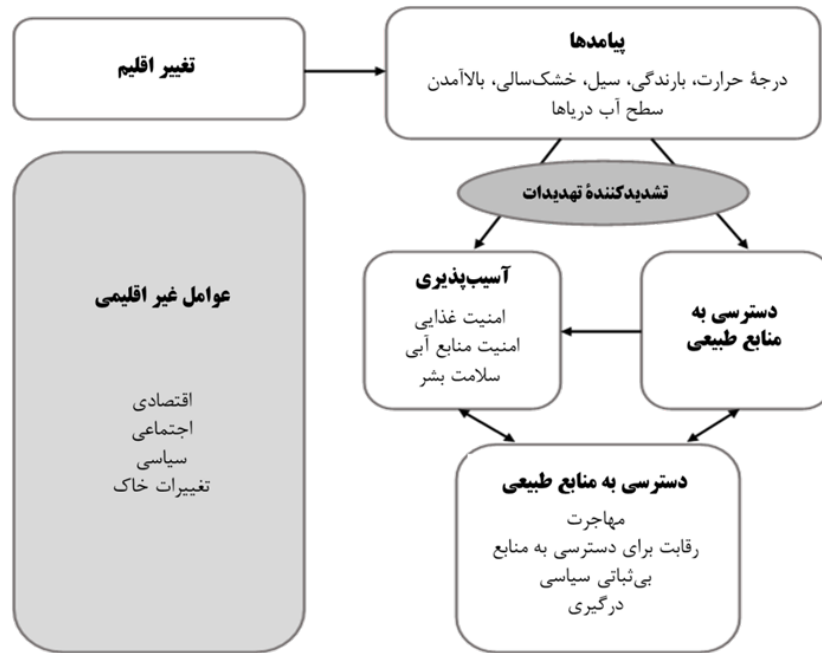
مسائل وابسته به محیط‌زیست و مهاجرت در سال ۱۹۸۵ و با گزارش «پناهندگان محیط‌زیستی»، که برنامهٔ محیط‌زیست سازمان ملل متحد آن را منتشر کرده است، مورد توجه قرار گرفت. در تعریف این برنامه از مهاجرت محیط‌زیستی بر علیت تمرکز شده است و حداقل بخشی از تعریف نئوکلاسیک دربارهٔ عوامل فشار در آن منعکس است:

«... [آوارگان محیط‌زیستی] افرادی [هستند] که به‌علت ایجاد اختلال شدید محیط‌زیستی (طبیعی یا انسان‌ساخت) که حیات آن‌ها را به خطر انداخته است یا کیفیت زندگی آن‌ها را تحت تأثیر جدی قرار داده، یا هردوی این عوامل، به‌اجبار محل زندگی خود را موقت یا دائم ترک کنند. منظور از «اختلال محیط‌زیستی» هرگونه تغییر فیزیکی یا شیمیایی یا زیستی در زیست‌بوم است که آن را موقت یا دائمی برای حمایت از زندگی انسان نامناسب می‌کند.» (Apap and du Perron de Revel, 2021)

معیارهای کلی متمایزکنندهٔ پناهندگان محیط‌زیستی از سایر انواع مهاجران در تعریف برنامهٔ محیط‌زیست سازمان ملل متحد ارائه نشده است. همچنین در آن تفاوت‌های بین مهاجران محیط‌زیستی و پناهندگان را مشخص نکرده‌اند. برخی از مفسران استدلال می‌کنند که تخریب محیط‌زیست همیشه محرک مهاجرت نیست، بنابراین ممکن است میان تعریف سنتی مهاجران، که در آن بر انتخاب تأکید می‌شود، و تعریف پناهندگان اقلیمی، که چاره‌ای جز مهاجرت ندارند، همپوشانی ایجاد شود. طبق نظریهٔ مهاجرت سنتی، که در آن «مهاجرت داوطلبانه» تشریح می‌شود، تصمیم به مهاجرت همیشه در سطح فردی یا خانوادگی گرفته می‌شود. در مهاجرت داوطلبانه انگیزه‌های مختلفی دنبال می‌شود. تغییرات اقلیمی ممکن است یکی از اجبارهای خارجی برای مهاجرت تلقی شود و تشبیه شود به اجبار وارد بر پناهندگان سیاسی یا مذهبی که از آزار و شکنجه فرار می‌کنند. بنابراین، طبقه‌بندی

1. Pull-push factors

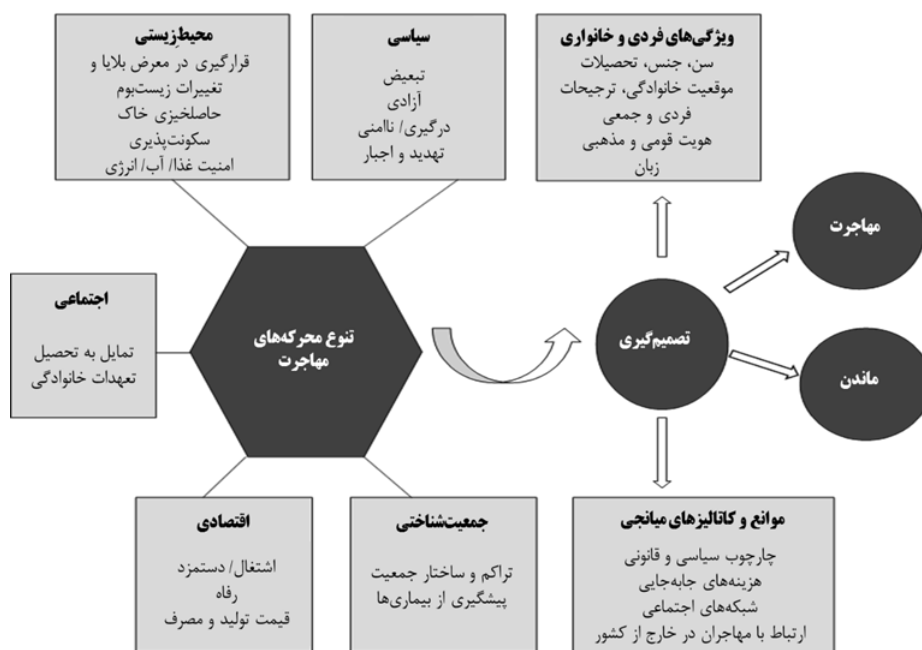
2. United Nations Environment Programme (UNEP)



شکل ۱: دیدگاه کثرت‌گرایان درباره مهاجرت‌های محیط‌زیستی (UNEP, 2011، به نقل از، Diallo and, Renou, 2015)

انسان‌ها زیر سؤال نمی‌برد و بر این باور است که واکنش‌های اجتماعی خاص به تغییرات محیطی غیرقابل پیش‌بینی است (Black, 2001). با توجه به این پیچیدگی، ارائه تعریف برای مهاجرت‌های محیط‌زیستی یا کمیت‌پذیری آن امکان‌پذیر نیست. به این ترتیب، اقلیت‌گرایان مفهوم مهاجرت محیط‌زیستی را رد می‌کنند.

در مقابل، بنابه دیدگاه اقلیت‌گرایی یا مینیمالیستی، فشارهای محیط‌زیستی کمترین تأثیر را در جابه‌جایی انسان‌ها دارد. طرفداران این دیدگاه معتقدند که مهاجرت پدیده‌ای پیچیده و چندلایه است (شکل ۲) که نمی‌شود فقط ناشی از عوامل محیط‌زیستی باشد. ریچارد بلک (2001)، یکی از طرفداران این دیدگاه، عامل اقلیم را به‌عنوان محرکه‌ای برای جابه‌جایی



شکل ۱: دیدگاه کثرت‌گرایان درباره مهاجرت‌های محیط‌زیستی (UNEP, 2011، به نقل از، Diallo and, Renou, 2015)

تخریب برگشت‌ناپذیر است و جوامع پیوسته در معرض خطراتی طبیعی قرار دارند که ممکن است باعث از بین رفتن معیشت آن‌ها شود. با این مهاجرت برنامه‌ریزی شده می‌توان به کاهش فشار بر زیست‌بوم کمک کرد. همچنین استعداد آن را دارد تا با آن احتمال وقوع درگیری‌ها بر سر منابع طبیعی یا درگیری‌های رخ داده کاهش یابد.

به طور کلی، مهاجرت به‌عنوان یک نوع راهبرد سازگاری در برابر آثار تغییرات اقلیمی و کاهش وابستگی معیشت مردم به اقلیم به شمار می‌آید. اما گفتنی است اینکه مهاجرت یکی از اقدامات احتمالی برای سازگاری با تأثیرات اقلیمی نگریسته شود به این معنی نیست که مهاجرت چون نوشدارو است. بسیار واضح است که جابه‌جایی کنترل‌نشدهٔ مردم با چالش‌های فراوانی همراه است، مانند ایجاد فشار اضافی بر زیرساخت‌های جوامع مقصد یا اختلال در ارائهٔ خدمات اجتماعی. اگرچه می‌توان ادعا کرد که می‌توان بسیاری از این چالش‌ها را از طریق اجرای سیاست‌های مناسب کاهش داد.

در مقابل، برخی محققان معتقدند که مهاجرت به‌منزلهٔ «عدم سازگاری» یا شکست در شیوه‌های سازگاری با شرایط محیطی است (International Organization of Migration [IOM], 2017). مانند کشاورزانی که به‌علت برداشت ناموفق محصولات زراعی و چشم‌انداز ناامن معیشتی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. برای مثال، بیابان‌زایی در نیجر باعث تضعیف ثبات معیشتی کشاورزان این منطقه شده است و این امر به‌نوبهٔ خود تاب‌آوری کشاورزان را در برابر خشک‌سالی‌های مکرر کاهش داده است، در نتیجه کشاورزان به‌ناچار تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. از نظر این دیدگاه، ناکارآمدی شیوه‌های مختلف سازگاری در برابر تغییرات اقلیمی باعث می‌شود که مردم اقدام به مهاجرت کنند. این در حالی است که مهاجرت افراد ممکن است خطر بیشتری را هم برای مهاجران و هم برای جوامع میزبان ایجاد کند و مشکلات محیط‌زیستی و اقتصادی در مناطق پذیرنده را تشدید کند. برای مثال، امروزه بسیاری از مهاجرانی که به دنبال زندگی بهتر هستند، از مناطق مختلف، جذب کلان‌شهرها می‌شوند. این دسته از مهاجران اغلب در محله‌های فقیرنشین و حاشیه‌ای شهرها مستقر می‌شوند، مکانی که شبکهٔ اجتماعی لازم برای یافتن شغل، کسب دستمزد و نیز ارسال پول برای حمایت از اعضای خانواده فراهم می‌شود.

تغییرات اقلیمی باعث می‌شود مناطق شهری و روستایی تحت تأثیر مخاطرات فزاینده و خشونت‌آمیز قرار گیرند. سیل، طوفان‌های شدید، خشک‌سالی، یا تغییرات تدریجی بیشتر در اقلیم منطقه، بر زیرساخت‌های شهری و سازوکارهای معیشتی فشار وارد می‌کند. (Warner, 2010; Gemenne and Blocher, 2017). از این رو، بر اساس این دیدگاه، دولت‌ها هنوز هم مهاجرت

در طول دهه‌ها، کثرت‌گرایان به‌طور فزاینده بخش‌هایی از گفتمان اقلیت‌گرایان را در تحلیل‌های خود گنجانده‌اند. آن‌ها علل متعدد مهاجرت و گاهی حتی مشکل جداسازی عامل محیط‌زیستی در تصمیمات مهاجرتی را تشخیص می‌دهند. درحال حاضر بسیاری از محققان کثرت‌گرا ترکیبی از استدلال‌های کثرت‌گرایانه و اقلیت‌گرایانه را ارائه می‌کنند. در نتیجه، تمایز میان این دو دیدگاه تا اندازه‌ای مبهم است. با این حال، کثرت‌گرایان همچنان از مفاهیم مهاجران و پناهندگان اقلیمی استفاده می‌کنند. این نتیجه‌گیری تا به امروز آن‌ها را از طرفداران دیدگاه اقلیت‌گرا متمایز کرده است (De Bruyckere, 2016).

۲- تحلیل و بررسی مهاجرت‌های اقلیمی؛ سازگاری یا ناسازگاری در برابر شرایط اقلیمی

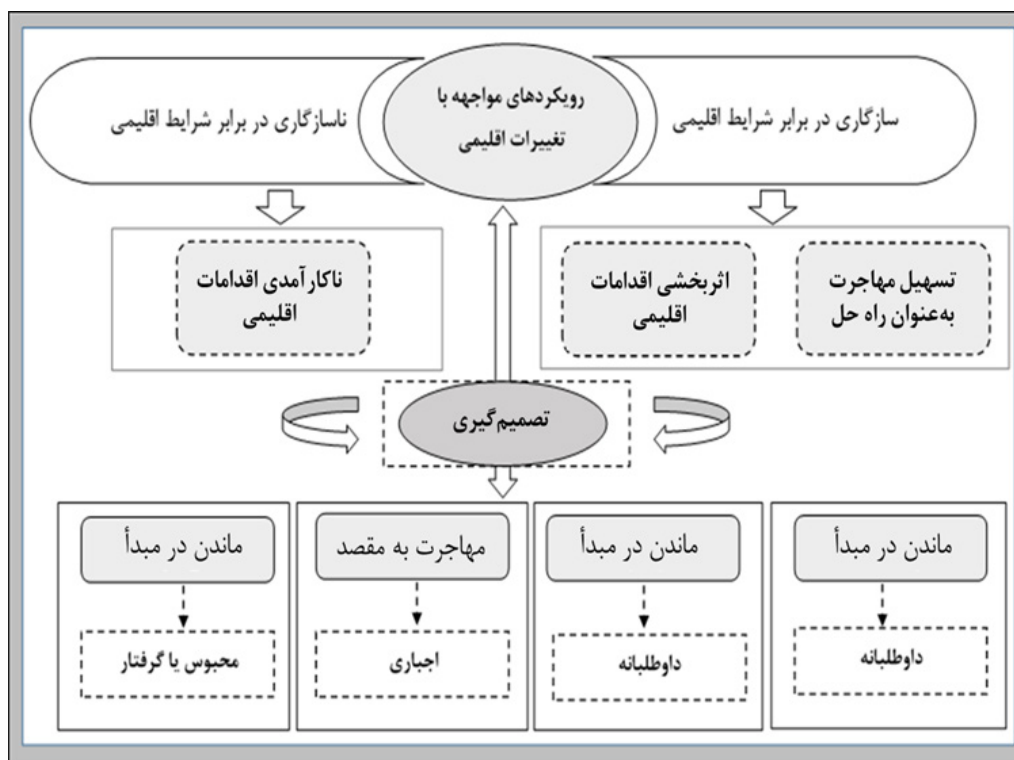
از آنجایی که مهاجرت پدیده‌ای پیچیده است و محرک‌های مختلفی دارد، ممکن است پدیدهٔ تغییر اقلیم در محرک‌های مهاجرتی تأثیر بگذارد و ترکیبی از این عوامل باعث شود تا افرادی که در معرض مخاطرات طبیعی اند برای مهاجرت یا ماندن در مکان‌های پر تنش با چالش مواجه شوند. تغییرات اقلیمی عامل مهمی در مهاجرت و جابه‌جایی افراد است. عده‌ای از محققان معتقدند مهاجرت یکی از راهبردهای بالقوهٔ سازگاری و یک گزینهٔ مهم سیاستی برای جلوگیری از عواقب مهیب ناشی از تغییرات اقلیمی است (Nordas and Gleditsch, 2007; Laczko and Aghazarm, 2009; Tacoli, 2009). به‌عبارت دیگر، وقتی مهاجرت راهکاری برای «سازگاری» باشد ممکن است موجب کاهش فشار ناشی از افزایش جمعیت بر منابع طبیعی در منطقه‌ای که در معرض مخاطرات اقلیمی است شود. در این دیدگاه، می‌توان روش‌های مهاجرت قانونی، به‌ویژه طرح‌های مهاجرت موقت و چرخشی، را در مناطقی که با تخریب تدریجی محیط‌زیست مواجه است برقرار کرد. برای نمونه، در کشور هائیتی مهاجرت راهبردی سازگار و مثبت در برابر مخاطرات طبیعی محسوب می‌شود؛ چراکه مهاجرت فصلی از میزان آسیب‌پذیری می‌کاهد و خانوارها در برابر بلایا تاب‌آورتر می‌شوند. با فرصت‌های مهاجرت قانونی افراد می‌توانند درآمد مناسبی کسب کنند و درعین حال کمبود نیروی کار نیز در مناطق مقصد جبران شود. این ظرفیت وضعیتی برد-برد است برای جوامع مبدأ و مقصد و همچنین برای خود مهاجران. چنین طرح‌هایی را - که در عمل هنوز نادرند - می‌توان در سطوح گوناگون اجرا کرد: مهاجرت داخلی، منطقه‌ای، یا بین‌المللی، مانند طرح آزمایشی کارگران فصلی استرالیا در سال ۲۰۱۲ در اقیانوسیه. به‌علاوه در این دیدگاه، محققان معتقدند که از طریق تسهیل مهاجرت می‌توان فشار بر مناطق سکونت‌ناپذیر را کاهش داد. به‌عبارت دیگر، می‌توان مهاجرت را در مناطق سکونت‌ناپذیر و آسیب‌پذیر برنامه‌ریزی و مدیریت کرد؛ جایی که

کرده است: «در سیستم‌های انسانی، (سازگاری) روند تنظیم با شرایط اقلیم واقعی یا مورد انتظار و تأثیرات آن، به‌منظور تعدیل آسیب یا بهره‌برداری از فرصت‌های مفید است» (IOM, 2007). به زبان ساده‌تر، سازگاری به هرگونه پاسخ انسانی برای مقابله با تغییرات محیط بیرونی، به‌منظور زنده‌ماندن در برابر آثار چالش‌ها و بحران‌ها با حداقل خسارت و بهبود شرایط زندگی در زیستگاهی معین، اشاره دارد. سازگاری همچنین گزینه‌ای مهم برای پاسخ یا راهبردی برای کاهش آثار تغییرات اقلیمی در نظر گرفته می‌شود. ماده ۴/۱ کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیم،^۱ طرفین را به تدوین، همکاری و اجرای «اقداماتی برای تسهیل سازگاری با تغییرات اقلیمی» متعهد می‌کند.

در اطلس مهاجرت‌های محیط‌زیستی که با همکاری سازمان بین‌المللی مهاجرت در سال ۲۰۱۷ تدوین شده است، راهبردهای متعددی در خصوص حرکات جمعیتی و سازگاری در برابر تغییرات اقلیمی مدون شده است. در این اطلس، تجارب کشورهای مختلف در زمینه سازگاری با تغییرات اقلیمی آمده است و رویکردها و راهبردهای هرکدام از کشورها بررسی شده است. با توجه به تجارب کشورهای مختلف در راستای سازگاری با تغییرات اقلیمی، در برخی کشورها همچون هند، نپال، اسپانیا، و استرالیا مهاجرت و جابه‌جایی راهکار مقابله با آثار اقلیمی یا کاهش

را گزینه‌ای جایگزین برای سازگاری نمی‌دانند و فقط در تعداد معدودی از کشورها در راستای مهاجرت یا جابه‌جایی برنامه‌های عملیاتی سازگاری تدوین شده است. این در حالی است که تاکنون درباره مهاجرت در چهارچوب راهبردهای سازگاری با تغییرات محیطی و اقلیمی بحث نشده است. اما می‌توان گفت که برخی از اشکال مهاجرت‌های اقلیمی ممکن است نشان‌دهنده سازگاری با شرایط محیطی باشد، درحالی‌که سایر اشکال مهاجرت اجباری و جابه‌جایی ممکن است نشان‌دهنده شکست شیوه‌های سازگاری در نظام‌های اجتماعی - بوم‌شناختی باشد (Warner, 2010; Gemenne and Blocher, 2017).

تنوع دیدگاه‌ها برای طراحی و اجرای سیاست‌های سازگاری با شرایط اقلیمی، از سطوح بالای حکومتی گرفته تا جامعه مدنی و دانشگاه‌ها، نشان‌دهنده جهانی بودن این نگرانی است و سوالات بسیار مهمی را نتیجه می‌دهد: چه ارتباطی میان مهاجرت و سازگاری وجود دارد و به‌طور مشخص برای ایجاد ارتباط بین مسائل اقلیمی و سیاست‌های مهاجرتی در راستای حمایت از راهبردهای سازگاری با تغییرات اقلیمی چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟ در این خصوص، ابتدا باید مفهوم سازگاری را تعریف کرد. سازمان بین‌المللی مهاجرت در سال ۲۰۰۷، در واژه‌نامه‌ای در مورد مهاجرت و محیط‌زیست و اقلیم، «سازگاری» را این‌گونه تعریف



شکل ۳: تغییر اقلیم و مهاجرت؛ سازگاری یا ناسازگاری

1. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

این آثار دانسته می‌شود. درحالی‌که در برخی دیگر از کشورها با مدیریت منابع و تاب‌آورکردن جوامع محلی در برابر بلایای طبیعی و تغییرات اقلیمی سعی شده است از مهاجرت جلوگیری شود. مانند راهبردهایی که در کشورهای کنیا و جمهوری آذربایجان

و سنگال برای مقابله با آثار اقلیمی اتخاذ کرده‌اند. در جدول ۱ راهبردها، برنامه‌ها، و کشورهایی که در آن‌ها این راهبردها و برنامه‌های سازگاری و توسعه اجرا شده است آمده است.

جدول ۱: راهبردهای مرتبط با حرکات جمعیتی برای سازگاری و توسعه در برابر تغییرات اقلیمی (Ionesco et al., 2017)

کشور	برنامه	راهبرد
هند و نپال	بر اساس پیمان صلح و دوستی کشورهای هند و نپال در سال ۱۹۵۰، صدور روادید و گذرنامه برای شهروندان نپال، برای نمونه برای کار، به‌صورت رایگان فراهم می‌شود. طبق این پیمان، افرادی که در مناطق آسیب‌پذیر زیست‌محیطی نپال زندگی می‌کنند می‌توانند به اشتغال در هند دسترسی پیدا کنند.	تسهیل فرآیندهای اداری و بوروکراتیک
اسپانیا و کلمبیا	طرح مهاجرت موقت و چرخش نیروی کار دوطرفه بین کلمبیا و اسپانیا. با این طرح مهاجرت نیروی کار به اسپانیا برای جوامع آسیب‌دیده از فجایع زیست‌محیطی در کلمبیا، به‌منزلهٔ راهبرد متنوع‌سازی معیشت، تسهیل می‌شود.	
استرالیا	طرح آزمایشی کارگران فصلی اقیانوسیه در سال ۲۰۱۲ که با آن شرایط مهاجرت فصلی کارگران جزایر اقیانوسیه برای کار در صنعت باغبانی استرالیا تسهیل می‌شود و به کارگران فقیر این مناطق اجازه داده می‌شود تا وضعیت معیشت خود را در کشورهای دیگر بهبود بخشند.	
جمهوری آذربایجان	برنامه‌ای که بر اساس آن نظام آبیاری سنتی احیا می‌شود تا از کشاورزان محلی در خصوص خشک‌سالی و جلوگیری از مهاجرت آنان به خارج از کشور حمایت شود.	مدیریت منابع طبیعی (جلوگیری از مهاجرت فراموشی)
گوآتمالا	برنامه‌های جنگل‌زایی و حفاظت از تنوع زیستی که دولت با مشارکت جوامع محلی انجام می‌دهد و به استفاده پایدار از منابع در مناطق روستایی و کاهش مهاجرت به خارج از کشور کمک می‌کند.	
برزیل	برنامه بهره‌برداری و توزیع مجدد آب در شمال شرقی کشور که با آن جنگل‌زدایی مهار می‌شود و جایگزینی برای مهاجرت به خارج از کشور ارائه می‌شود.	
سنگال	ارتقای اشتغال جوانان در بخش محیط‌زیست که با هدف بهبود مدیریت منابع محیطی و جلوگیری از مهاجرت به خارج از کشور صورت می‌گیرد.	مهار مهاجران (تسهیل فرآیندهای اداری و بوروکراتیک)
فیلیپین	بانک ملی فیلیپین خدماتی ^۱ را به خانوارها ارائه می‌کند تا بتوانند مستقیماً از خارج از کشور بدون حساب یا کارت بانکی وجه دریافت کنند. با اجرای این برنامه دسترسی خانوارهای منزوی‌شدهٔ روستایی با تمکن مالی محدود به پول‌های ارسالی مهاجران تسهیل می‌شود.	
مکزیک	برنامهٔ صندوق‌های تطبیق ۱×۳ برای مهاجران که با آن اتباع مقیم خارج از کشور ترغیب می‌شوند برای حمایت از طرح‌های توسعه و محیط‌زیست پول بفرستند.	
پرو	قانون ادغام مجدد اقتصادی و اجتماعی مشوق‌هایی همچون معافیت مالیاتی، کمک‌هزینهٔ تحصیلی و سایر مزایای اجتماعی را برای مهاجران بازگشتی با هدف بازگشت و سرمایه‌گذاری در کشور ارائه می‌دهد.	ظرفیت‌سازی برای دولت محلی
مصر	ارزیابی ملی که برای شناسایی تأثیرات احتمالی افزایش سطح دریا در مهاجرت و راهبردهای ملی برای پاسخ به این چالش انجام می‌شود.	
بنگلادش	بحث و گفت‌وگو در زمینهٔ سیاست، محیط‌زیست، تغییرات آب‌وهوا و مهاجرت، که باعث شد دولت و جامعهٔ مدنی و شرکای توسعه در سال ۲۰۱۰ گرد هم آیند.	
کلمبیا	ظرفیت‌سازی دولت از طریق آموزش و تدوین سیاست‌ها که با آن به حرکات جمعیتی ناشی از تغییرات اقلیمی رسیدگی می‌شود.	

کشور	برنامه	راهبرد
ماداگاسکار	جابه‌جایی داوطلبانه جوامع آسیب‌دیده در اثر طوفان، سیل و فرسایش	مکان‌گزینی مجدد
اروگوئه	برنامه ملی مسکن پنج‌ساله که با آن مسکن ایمن و بادوام در مناطق شهری و نیمه‌شهری تضمین می‌شود و مطابق با آن خانواده‌هایی که مجبور شده‌اند مناطق در معرض خطر سیل را ترک کنند در اولویت قرار می‌گیرند. با این برنامه ملی مکان‌گزینی مجدد، دسترسی به حمایت‌های اجتماعی و دسترسی آسان به مشاغل برای خانواده‌های جابه‌جا شده تسهیل می‌شود.	
کنیا	ارتقای تاب‌آوری پناهندگان و جوامع میزبان در برابر تغییر اقلیم در مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور	ایجاد تاب‌آوری محلی (برای جلوگیری از جابه‌جایی)

فرایندهای ساحلی (افزایش سطح دریا، فرسایش سواحل)، تغییر زیست‌بوم (جنگل‌زدایی، تخریب زمین، اسیدی شدن اقیانوس‌ها، صید بی‌رویه)، تخریب محیط‌زیست در اثر پروژه‌های زیرساختی (جاده‌ها، سدها، معدن). در برخی از کشورها برای اینکه در برابر «محرک‌های مهاجرت» اقدامات مؤثر کنند برنامه‌های ساختاری را در مناطق جغرافیایی‌ای که بیشتر تحت‌تأثیر تغییرات اقلیمی قرار دارند توسعه می‌دهند. برای مثال، در بخش جنوبی کشور مولداوی، در منطقه‌ای که در آن خشک‌سالی فراوان‌تر است و بیابان‌زایی در مقایسه با سایر مناطق شدیدتر است، برای تقویت سازگاری با تغییرات اقلیمی و بهبود دسترسی به آب مجموعه‌ای از پروژه‌های تعدیل زیرساخت، از طریق برنامه‌های همکاری توسعه، اجرا شده است.

۴. کمک به افرادی که «در حال حرکت» هستند برای جلوگیری از تلفات انسانی: در سال ۲۰۱۸، گروه ویژه جابه‌جایی^۱ که در سطح جهانی فعالیت می‌کند، با هدف کمک به مهاجران اقلیمی‌ای که مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند، مجموعه‌ای از توصیه‌ها به کشورهای را تدوین کرد. در این توصیه‌ها بر نیاز به اقدامات جمعی‌ای که در سراسر حوزه‌های سیاستی دلالت دارند تأکید می‌شود: (۱) از بین بردن ضعف مدیریت مهاجرت‌های اجباری؛ (۲) ارائه کمک و حمایت از مهاجرانی که در چهارچوب تغییرات اقلیمی جابه‌جا می‌شوند؛ (۳) تسهیل مهاجرت وابسته به تغییرات اقلیمی و محیط‌زیستی؛ (۴) ایجاد مسیرهای منظم برای مهاجرت با در نظر گرفتن نیازهای بازار کار؛ (۵) ایجاد شغل، از جمله ایجاد فرصت‌های شغلی سبز.

۵. توسعه رویکردی مردم‌محور، نظام‌مند و مبتنی بر حقوق بشر: تغییرات اقلیمی باید به گونه‌ای مدیریت شود که منجر

به‌طور کلی مهاجرت، چه در معنای سازگاری با تغییرات اقلیمی و چه در معنای شکست شیوه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی، پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است که چالش‌های وابسته به آن در حال آینده پیش روی ما قرار دارد. در همین راستا، توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. بهبود ارتباطات و پیش‌بینی‌پذیری روند مهاجرت: با نقشه‌برداری از روند تغییرات اقلیمی و مقایسه پیوسته نتایج نقشه‌برداری از روندهای مهاجرتی می‌توان پیش‌بینی‌پذیری روند مهاجرت در آینده را بهبود بخشید. تغییرات اقلیمی در تمام مناطق جهان تأثیر می‌گذارد، اما پیش‌بینی دقیق تأثیرات منطقه‌ای و محلی آن دشوار است. آثار محلی و آسیب‌پذیری جمعیت‌ها تا حد زیادی به توسعه و ظرفیت انطباق، تغییرات جمعیتی و اقتصادی آتی و همچنین به سیاست‌های کاهش و سازگاری بستگی دارد.

۲. اقدامات مؤثر در زمینه «محرک‌های مهاجرت»: در مهاجرت‌های اقلیمی: برای ساختار دادن به پاسخ‌های سیاستی حول محورهای اصلی مهاجرت، به‌ویژه در مورد مهاجرت‌های اقلیمی، باید اقدامات بیشتری انجام شود. این امر مستلزم تأمل بر اساس داده‌های دقیق و تحلیل مقایسه‌ای تغییرات اقلیمی و روندهای مهاجرتی است. کشورها می‌توانند پاسخ خود را با اقدامات مثبت درباره محرک‌های جابه‌جایی به‌روز کنند؛ این محرک‌ها با احساس امنیت فرد تعیین می‌شود، مثل امنیت غذایی، امنیت آب، امنیت اقتصادی، امنیت شخصی و سیاسی، امنیت انرژی، امنیت جهانی، و امنیت محیط‌زیستی.

۳. جلوگیری از آوارگی‌های گسترده‌ای که نتیجه مخاطرات محیط‌زیستی است با بهبود اقدامات در زمینه مقابله با مخاطرات عمده مانند مخاطرات آب‌شناسی (سیل، رانش زمین)، مخاطرات ژئوفیزیکی (زلزله)، مخاطرات هواشناسی (دماهای شدید، امواج گرما)، خطرات اقلیمی (خشک‌سالی، آتش‌سوزی جنگل)،

همچون خشک‌سالی مهاجرت کرده‌اند در ایران ثبت نشده است. با وجود این، طبق آمارهای مرکز پایش و نظارت بر جابه‌جایی‌های داخلی، ۴۱ هزار نفر در سال ۲۰۲۱ در اثر بلایای طبیعی ناگهانی همچون سیل و طوفان در داخل کشور ایران جابه‌جا شده‌اند. طبق آمارهای این مرکز، وقوع طوفان‌های حاره‌ای در اوایل سال ۲۰۲۱ که منجر به جاری شدن سیل و طوفان گردوغبار در ایران شد، عامل جابه‌جایی بیش از ۲۳۰۰ نفر در استان‌های جنوبی کشور بوده است. به‌علاوه طبق این گزارش، کشور ایران تحت‌تأثیر بدترین خشک‌سالی خود در ۵۰ سال گذشته قرار دارد. اما با توجه به ماهیت تدریجی وقوع خشک‌سالی در کشور، آمار جابه‌جایی‌های ناشی از این پدیده در دسترس قرار ندارد. با این حال، شواهد حاکی از آن است که، به‌علت خشک‌سالی و ناسازگاری در برابر شرایط اقلیمی، برخی از روستاهای کشور خالی از سکنه شده است و بخش زیادی از جمعیت خود را از دست داده است که بخشی از آن را می‌توان به‌علت فقدان سیاست‌های مدون برای سازگاری و انطباق با شرایط اقلیمی و یا ناکارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های سازگاری دانست. امری که در نتیجهٔ آن مردم به‌ناچار مهاجرت را چون آخرین راه‌برد سازگاری و راهی برای بقا در برابر تغییرات اقلیمی برای خود برگزیده‌اند.

همان‌طور که اشاره شد، الگوی مهاجرت و جابه‌جایی‌های داخلی در کشور در سالیان گذشته همواره خود را به‌صورت مهاجرت روستایی - شهری نمایان کرده است که عمده‌ترین و بارزترین علت آن را می‌توان مسائل اقتصادی و معیشتی ساکنان شهرها و روستاها دانست. عوامل «فشار» و «کشش» اقتصادی، مانند رکود درآمدهای روستایی و در دسترس بودن شغل (بهتر) با دستمزد بالاتر در مناطق شهری، ممکن است تأثیر چشمگیری در مهاجرت روستا - شهری یا شهری - شهری داشته باشد.

به‌علاوه، عوامل جمعیت‌شناختی نیز در تصمیم‌های مهاجرتی افراد سهم بزرگی دارد. برای مثال، اغلب جوانان در مناطق روستایی کشور در اثر «محرک‌های اجتماعی» به مناطق شهری کشیده می‌شوند، به‌ویژه با چشم‌انداز کسب آموزش یا دستیابی به فرصت‌های کاری بهتر. محرک‌های سیاستی نیز بایستی در میل به مهاجرت افراد در نظر گرفته شود. مثلاً، سیاست‌های دولت در خصوص توسعهٔ روستایی و سازگاری با تغییرات اقلیمی ممکن است منجر به حمایت از معیشت روستایی شود و مردم با آن به مقابله یا سازگاری در روستاها تشویق شوند. سیاست‌ها و قوانین مرتبط با زمین (مانند چهارچوب‌های مالکیت زمین و سیاست‌های کاربری زمین یا سیاست‌های ساختمان و برنامه‌ریزی شهری) نیز ممکن است تأثیرات عمده‌ای در معیشت و مهاجرت انسان‌ها داشته باشد. در این میان عامل اقلیم، که عاملی

به اتحاد همهٔ نظام‌ها شود. هدف از این اتحاد باید حمایت از دولت‌ها و تسریع تغییرات نظام‌مند مورد نیاز برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و ایجاد انعطاف‌پذیری جمعیت باشد و از طریق زیرساخت‌های بادوامی که با آن‌ها کسب‌وکارها و شهرها و دیگر کنشگران غیردولتی گرد هم می‌آیند اتفاق بیفتد. مهاجرت و وجوه مهاجرفرستی آن می‌تواند به سازگاری با تغییرات اقلیمی در کشورهای مبدأ کمک مثبتی بکند. بنابراین، بررسی تأثیر تصمیمات سیاستی مدیریت مهاجرت در مذاکرات بین‌المللی اقلیمی می‌تواند جالب باشد.

۶. افزایش مسئولیت کسب‌وکارها و مشارکت آن‌ها در پیشگیری از آوارگی‌ها: نقش کسب‌وکارها بسیار مهم است؛ آن‌ها توسعه و نوآوری فناوری را رهبری می‌کنند. از آنجایی‌که جریان‌های مهاجرت به‌سمت منابع درآمدی پایدار پیش می‌رود، نقش کسب‌وکارها باید به رسمیت شناخته شود، زیرا این امر درآمد پایدار را فراهم می‌کند. کسب‌وکارها - از جمله آن‌هایی که از نظر فناوری پیشرفته‌ترند - باید در پیشگیری از آوارگی‌ها مشارکت کنند. در این میان انتظار می‌رود که از یک‌سو کسب‌وکارها از رویکردهای دوستدار محیط‌زیست استفاده کنند و از سوی دیگر تأثیر کار خود را در مهاجرت در نظر داشته باشند.

۷. ارتقای مدیریت مهاجرت: در راستای ارتقای مدیریت مهاجرت نیاز است رویکردی نظام‌مند توسعه داده شود، به این معنا که مدیریت مهاجرت برای همسوس کردن آن با اهداف جدید بازنگاری شود. مهاجرت، در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند در حمایت از اقدامات اقلیمی در کشورها، به‌ویژه از طریق ارسال پول مهاجران و انتقال دانش فنی، تأثیری مثبت بگذارد. مهاجرت مدیریت‌شده همچنین می‌تواند به رفع برخی از چالش‌های آیندهٔ کشورها، از جمله حفظ جمعیت و رشد اقتصادی آن‌ها و افزودن منابع جدید، کمک کند (Fride, 2021).

۱-۲ - مهاجرت به‌مثابهٔ سازگاری یا ناسازگاری در برابر شرایط اقلیمی در ایران

کشور ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر با معضل تغییر اقلیم و تغییرات محیطی مواجه است. تاریخچهٔ مهاجرت‌های اقلیمی در ایران به سال‌های دور بازمی‌گردد. مهاجرت روستایی - شهری نمود بارزی از مهاجرت‌های اقلیمی در کشور است که سبب می‌شود همه‌ساله تعدادی از کشاورزان و ساکنان مناطق روستایی، در نتیجهٔ خشک‌سالی و ازدست‌رفتن حاصلخیزی زمین‌های زراعی‌شان، به مناطق دیگر مهاجرت کنند. این امر به‌ویژه در سال‌های اخیر، با کاهش میزان بارش‌ها و خشک‌شدن تالاب‌ها و بسیاری از زمین‌های کشاورزی و همچنین وقوع گردوغبار در کشور، برجسته‌تر شده است.

آمار دقیقی از تعداد افرادی که در اثر تغییرات محیطی پیش‌رونده

انسانی، همچون برداشت بیش از حد مجاز از منابع تجدیدپذیر حوضه آبریز دریاچه ارومیه و نیز توسعه بی‌رویه بخش کشاورزی در اطراف دریاچه، منجر به اختلال در زیست‌بوم طبیعی دریاچه و آسیب به اراضی کشاورزی و باغات منطقه و از بین رفتن معیشت ساکنان نواحی اطراف این دریاچه شده است. اگرچه برخی کارشناسان معتقدند که سهم عوامل انسانی در از بین رفتن این دریاچه بیش از عوامل طبیعی مانند کاهش بارندگی و افزایش دمای هوا بوده است (Iranian Students' News Agency, [ISNA], 2022).

پیش‌بینی‌های غیررسمی از سوی مسئولان و کارشناسان محیط‌زیست این است که در صورت تداوم خشک‌سالی و افزایش ریزگردها در اطراف حوضه دریاچه ارومیه و ناسازگاری با شرایط پیش‌آمده، میلیون‌ها نفر مجبور خواهند شد که از این منطقه مهاجرت کنند و جابه‌جا شوند. ارائه چنین شواهد بارزی حکایت از مهاجرت‌های اقلیمی قریب‌الوقوع در کشور دارد که با انواع مختلفی از جمله مهاجرت ناشی از خشک‌سالی، مهاجرت ناشی از ریزگردها و نیز سایر حرکات جمعیتی مرتبط با نوسانات اقلیمی نمود پیدا خواهد کرد. در راستای مدیریت و سازگاری با این معضل محیط‌زیستی در کشور، در سال ۱۳۹۲ ستاد احیای دریاچه ارومیه، با هدف تثبیت تراز بوم‌شناختی دریاچه ارومیه، کار خود را آغازید؛ برخی از راهکارهای مصوب احیای دریاچه ارومیه در شکل ۴ نشان داده شده است.

تشدیدکننده و مداخله‌گر است، باعث ایجاد تکانه‌های اقتصادی می‌شود که این امر به نوبه خود به ایجاد ناامنی غذایی، ناامنی آبی و از دست دادن درآمد و آسیب به معیشت افراد و سپس مهاجرت افراد منجر خواهد شد. اگرچه عامل اقلیم مداخله‌گر در مهاجرت افراد شناخته می‌شود، به‌طور کلی، نمی‌توان ادعا کرد که ساکنان برخی از مناطق کشور که جمعیت آن‌ها در حال کم و کمتر شدن است صرفاً به‌علت شرایط اقلیمی مهاجرت می‌کنند. بلکه چنان‌که اشاره شد، عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در حرکت و جابه‌جایی افراد نقش اساسی دارند.

در راستای معضلات اشاره‌شده در کشور، کارگروه ملی «سازگاری با کم‌آبی» در سال ۱۳۹۶ با استناد به اصل یک‌صد و سی‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید که هدف از تدوین آن ایجاد هماهنگی و انسجام در برنامه‌های سازگاری با کم‌آبی در سطح کشور بود. طرح‌ها و برنامه‌های متعددی برای سازگاری و مقابله با مخاطرات محیطی و اقلیمی در مناطق مختلف کشور به اجرا درآمده است، اما یکی از طرح‌های بزرگ طرح احیای دریاچه ارومیه بوده است.

خشک‌شدن دریاچه ارومیه یکی از پیامدهای قابل‌توجه و ملموس ناشی از تغییرات اقلیمی و محیط‌زیستی و مداخلات انسانی در کشور طی دهه اخیر بوده است که در نتیجه آن بخش زیادی از منابع آبی بزرگ‌ترین دریاچه کشور از دست رفته است. تشدید نوسانات اقلیمی و استمرار خشک‌سالی و مداخلات

اقدامات مطالعاتی و نرم‌افزاری	تأمین آب از منابع جدید	افزایش بهره‌وری و کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی
<ul style="list-style-type: none"> • تدوین و پیاده‌سازی برنامه جامع آموزش • تهیه برنامه افزایش اشتغال و معیشت جایگزین • اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و جلب مشارکت عمومی و جوامع محلی 	<ul style="list-style-type: none"> • تأمین اعتبار مورد نیاز • تسریع در انتقال آب؛ طرح انتقال آب از رودخانه زاب • انتقال پساب تصفیه‌خانه‌های حوضه آبریز 	<ul style="list-style-type: none"> • ممنوعیت کشت محصولات آب‌بر همچون چغندر قند
تسهیل و افزایش حجم آب ورودی به دریاچه از طریق اقدامات فیزیکی و سازه‌ای	کنترل و کاهش برداشت از منابع آب سطحی و زیرزمینی حوضه	اقدامات حفاظتی و کاهش اثر
<ul style="list-style-type: none"> • انتقال آب به جزایر و تالاب‌های حاشیه دریاچه ارومیه از سد حسنلو • بازگشایی مسیر آبراه‌های ورودی به تالاب‌های جنوبی • انتقال آب رودخانه‌ها به پیکره آبی دریاچه 	<ul style="list-style-type: none"> • ممنوعیت هرگونه افزایش برداشت از منابع آب حوضه آبریز دریاچه ارومیه • جلوگیری از برداشت غیرمجاز از آب‌های سطحی • توقف کلیه طرح‌های سدسازی در دست مطالعه • طرح‌های شبکه‌های آبیاری و آبرسانی 	<ul style="list-style-type: none"> • شناسایی کانون‌های تولید ریزگرد و تثبیت آن‌ها • شناسایی گونه‌های گیاهی شورپسند متناسب با شرایط منطقه

شکل ۴: راهکارهای مصوب احیا و سازگاری در برابر خشک‌شدن دریاچه ارومیه (Urmia Lake Restoration National Committee, 2021)

عوامل ترکیبی رخ داده است. این رخداد در نقاط مختلف کشور منجر به ناسازگاری، مهاجرت و خالی از سکنه شدن برخی از روستاها شده است. برای نمونه می‌توان به خشک‌شدن تالاب هامون و به‌تبع آن خالی از سکنه شدن برخی از روستاهای استان سیستان و بلوچستان اشاره کرد (ISNA, 2022). مطالعات دهمرده و همکاران (2009) مؤید این واقعیت است که بروز خشک‌سالی‌های متناوب و دوره‌ای در اطراف تالاب هامون منجر به مهاجرت تعداد زیادی از مردم روستاهای این منطقه شده است که اغلب این مهاجران ماهی‌گیران حاشیهٔ هامون هستند (Dahmardeh et al., 2009). از سوی دیگر طوفان شن و گردوغبار شدید که در نتیجهٔ خشک‌شدن تالاب هامون به وقوع پیوسته است یکی دیگر از معضلات محیط‌زیستی در این منطقه به شمار می‌آید.

به‌طور کلی، بیکاری، بی‌آبی، و تغییرات بوم‌شناختی منطقه از مشکلات مهم استان سیستان و بلوچستان است که ترکیبی از این عوامل منجر به ناسازگاری با شرایط اقلیمی و مهاجرت و نیز نابسامان‌شدن فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان شده است (Zaki et al., 2022). بر اساس آمارهایی که مرکز آمار ایران منتشر کرده است، جریان مهاجرت‌ها از این استان اغلب به سمت استان‌های گلستان و خراسان بوده است. از این رو، مدیریت کلان منابع آب در استان سیستان و بلوچستان، با توجه به خشک‌سالی موجود، از چالش‌های جدی و فراگیر در استان و حتی شرق کشور است (Zaki et al., 2022). در همین راستا، طرح‌های متعددی همچون طرح «ارتقای مدیریت یکپارچهٔ منابع طبیعی برای احیای زیست‌بوم‌های تالابی و حمایت از توسعهٔ معیشت‌های جایگزین جوامع محلی»، با مشارکت اتحادیهٔ اروپا و برنامهٔ عمران سازمان ملل متحد^۱ اجرا شده است. هدف از این طرح مدیریت یکپارچهٔ منابع طبیعی در راستای احیای زیست‌بوم تالاب هامون و حمایت از توسعهٔ معیشت‌های جایگزین جوامع محلی در منطقهٔ سیستان بوده است (Zabul University, 2022).

علاوه بر طرح‌های یادشده، در فرایندهای اجرایی پروژه، طرح‌های کوچک زودبازده با محوریت «توانمندسازی اقتصادی بانوان»، «کشاورزی و دامداری»، «شیلات و آبی‌پرووری»، «کارآفرینی و توسعهٔ شرکت‌های کوچک و متوسط‌مقیاس»، «مدیریت خاک، آب و تالاب» نیز در نظر گرفته شده است. این طرح‌ها به‌طور ویژه برای جلب مشارکت کنشگرانی است که توانایی ارائهٔ راهکارهای تجربی یا نوآورانه برای برون‌رفت از محرومیت یا مواجه‌شدن با چالش‌های توسعه را داشته باشند.

با توجه به اینکه برای احیای دریاچهٔ ارومیه نیاز است تلاشی همگانی صورت گیرد، مشارکت جوامع محلی، هم‌زمان با فعال‌شدن سایر بخش‌های مدیریتی و اجرایی، و با هدف مدیریت صحیح منابع آب و الگوهای معیشتی سازگار با محیط‌زیست، صورت گرفت. حمایت از ایجاد الگوهای معیشت سازگار با محیط‌زیست و ایجاد یا ظرفیت‌سازی نهادهای مدیریتی محلی منابع آب در روستاها، به‌علت ماهیت مشارکتی آن، مؤلفه‌های تکمیلی برای افزایش نقش جوامع محلی در احیای دریاچهٔ ارومیه محسوب می‌شود. از آنجاکه بخش عمده‌ای از معیشت جوامع محلی و تأمین حقیقهٔ دریاچه به فعالیت‌های کشاورزی وابسته است، پروژهٔ «همکاری در احیای دریاچهٔ ارومیه از طریق مشارکت جوامع محلی در استقرار کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی»، به‌عنوان یکی از فعالیت‌های اصلی دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، از سال ۱۳۹۳ آغاز شد و در چندین روستای حوضهٔ آبریز دریاچهٔ ارومیه اجرا شده است. فعالیت‌های این پروژه شامل این موارد است: استقرار کشاورزی پایدار؛ حمایت از معیشت‌های سازگار با منابع آبی؛ صندوق‌های خرد زنان روستایی؛ حمایت از تدوین برنامه‌های جامع مدیریت برای تالاب‌های اقماری دریاچهٔ ارومیه؛ اجرای فعالیت‌های اطلاع‌رسانی به‌منظور ایجاد بسیج اجتماعی در فرایند احیای دریاچهٔ ارومیه؛ اجرای برنامه‌های مرتبط با اقتصاد محیط‌زیست. همچنین اجرای «کمپین جامع اطلاع‌رسانی در خصوص نقش مردم در فرایند احیای دریاچهٔ ارومیه» یکی از اقدامات اصلی برای ارتقای سطح آگاهی مردم حوضهٔ آبریز دربارهٔ نقش آن‌ها در احیای دریاچهٔ ارومیه محسوب می‌شود (Sayyah and Rahmati, 2017).

به‌طور کلی، اگرچه رویکردی که در دههٔ گذشته در خصوص خشک‌سالی دریاچهٔ ارومیه اتخاذ شده است رویکردی فعالانه و مبتنی بر سازگاری و احیای دریاچهٔ ارومیه بوده است، در طی سالیان اخیر، با تداوم خشک‌سالی و کاهش بارش‌ها و تأمین‌نشدن حقیقهٔ دریاچه و همچنین سوءمدیریت و کم‌رنگ‌شدن موضوع احیای دریاچهٔ ارومیه در سیاست‌ها و برنامه‌ها، وضعیت دریاچه به بحرانی‌ترین نقطهٔ خود در طی دههٔ اخیر یا حتی قبل از آن رسیده است (ISNA, 2022). بنابراین، می‌توان گفت که رویکرد سازگاری با شرایط اقلیمی که با انجام اقدامات و راهبردهای مقابله‌ای و انطباقی در این منطقه صورت گرفته است، در سال‌های اخیر تا حدودی با شکست مواجه شده است و برآیند آن را می‌توان در وضعیت کنونی دریاچه مشاهده کرد. هرچند که پیش‌بینی می‌شود تبعات این ناسازگاری در سال‌های آتی در قالب مهاجرت و جابه‌جایی مردم این منطقه نمود یابد.

خشک‌شدن تالاب‌های کشور نمودی دیگر از تغییرات اقلیمی در کشور است که در نتیجهٔ کاهش بارش‌ها و سایر

مؤلفه نخست	<p>ارتقای ظرفیت‌ها و هماهنگی</p> <p>مؤلفه اول بر توسعه ظرفیت‌های بینابخشی و توانایی‌های ذی‌نفعان متمرکز است. این توجه به‌طور کلی معطوف است به ذی‌نفعان کلیدی در حوزه مدیریت جامع منابع طبیعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه سیستان در سطوح ملی و منطقه‌ای و نیز کمک به حصول اطمینان از مدیریت بهینه سرزمین.</p>
مؤلفه دوم	<p>مدیریت پایدار منابع آب و خاک</p> <p>در این پروژه، به‌منظور تضمین اجرای برنامه مدیریت جامع تالاب‌های هامون، از ایجاد برنامه اقدام سازگاری با تغییر اقلیم پشتیبانی می‌شود که شامل فهرستی دقیق از اقدامات مشخص و اولویت‌بندی‌شده در توافقی با ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران است.</p>
مؤلفه سوم	<p>توسعه اقتصاد محلی شامل کشاورزی سازگار با اقلیم و معیشت جایگزین</p> <p>در این بخش از پروژه، فعالیت‌هایی در راستای حمایت فنی و مالی و نیز ظرفیت‌سازی برای برنامه‌ریزی توسعه اقتصاد محلی، توانمندسازی برای کاهش فقر و بهبود کارآفرینی در حوضه سیستان، و تقویت مشارکت زنان و جوانان در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای راهبردهای توسعه اقتصاد محلی صورت خواهد گرفت.</p>

شکل ۵: مؤلفه‌های اصلی طرح ارتقای مدیریت یکپارچه منابع طبیعی برای احیای زیست‌بوم‌های تالابی و حمایت از توسعه معیشت‌های جایگزین جوامع محلی در استان سیستان و بلوچستان (European Union et al., 2022)

که رابطه محیط‌زیست و مهاجرت رابطه‌ای پیچیده است که به مطالعات بسیار دقیقی نیاز دارد. چراکه غالباً علل متعدد و پیچیده‌ای برای مهاجرت افراد وجود دارد و این علت‌ها مستقیماً به تغییرپذیری محیط یا تغییر اقلیم مربوط نمی‌شود.

افراد و جوامع، با توجه به میزان آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی، به روش‌های گوناگون سازگاری وابسته به مهاجرت متوسل می‌شوند. اشکال این مهاجرت‌ها می‌تواند به‌صورت مهاجرت دائمی، مهاجرت موقت یا نیز سازگاری در مکان باشد. شواهد نشان می‌دهد که حرکت افراد پس از وقوع بلایا عمدتاً به‌صورت داخلی است و اغلب آن‌ها به جابه‌جایی به مکان‌های امن مجاور محل سکونت خود تمایل بیشتری دارند. برای نمونه، معمولاً مهاجرانی که زمین‌های کشاورزی روستایی خود را، به‌علت آثار پیش‌رونده اقلیمی از جمله خشک‌سالی، ترک می‌کنند به مناطق روستایی دیگر یا به مراکز شهری جابه‌جا می‌شوند. مانند آنچه طی سالیان اخیر در مناطق روستایی کشور ایران نیز به وقوع پیوسته است و ساکنین مناطق روستایی بنابه علل متعددی از جمله خشک‌سالی و کمبود منابع آبی روستاها را رها کرده‌اند و به مناطق شهری مهاجرت کرده‌اند. فقط در برخی از مناطق جهان افراد در معرض آسیب از مرزها عبور می‌کنند و به‌سمت کشورهای همسایه، به‌ویژه در مناطقی که اراضی کشاورزی و دسترسی به آب و شغل فراوان است، حرکت می‌کنند. در این میان مهاجرت فقط گزینه‌ای در برابر سازگاری با تغییرات اقلیمی است. این در حالی است که برخی محققان مهاجرت را به‌منزله نوعی شکست در سیاست‌های سازگاری در مبدأ ذکر می‌کنند. بدیهی است که اگر مهاجرت یکی از اقدامات سازگاری یا ناسازگاری جوامع در نظر گرفته شود، چالش‌های فراوانی برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران

به‌طور کلی، شواهدی که از تخلیه برخی روستاهای این منطقه و آمارهایی که از جابه‌جایی و مهاجرت ساکنان این نواحی ارائه می‌شود به‌خوبی بیانگر این است که اقدامات مقابله‌ای و سازگاری اثرگذاری چندانی نداشته است. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت که برخی از مردم این نواحی به‌علت شکست در شیوه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی از جمله خشک‌سالی به مناطق دیگر مهاجرت کرده‌اند. اگرچه بخشی از ساکنان این مناطق نیز به‌ناچار و بنابه علل گوناگون ماندن را به مهاجرت و رفتن ترجیح داده‌اند. همان‌طور که اشاره شد، به چنین افرادی در اصطلاح جمعیت «محبوس» یا «گرفتار» گفته می‌شود که نه‌قادر به سازگاری با آثار اقلیمی در منطقه مبدأ هستند و نه توان مهاجرت و سازگاری در مناطق مقصد را دارند. باید اذعان داشت که محرومیت در این استان و روند مهاجرت از این منطقه در روند امنیتی در مرز مشترک ایران و افغانستان نیز تأثیرگذار بوده است. کمبود جمعیت و متحرک‌بودن آن‌ها زمینه را برای عبور و مرور قاچاقچیان و تروریست‌ها و باندهای مافیایی فراهم کرده است. از یک‌سو، نرخ بالای زادوولد (جوان‌بودن جمعیت استان) و، از سوی دیگر، نبود فرصت‌های شغلی برای تعداد فراوان جوانان تحصیل‌کرده، منجر به مهاجرت روزافزون ساکنان به دیگر نواحی شده است و توازن و ترکیب جمعیتی این استان در اثر مهاجرفرستی دگرگون شده است (Center for Strategic Studies, 2016).

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

جابه‌جایی‌های ناشی از تغییرات اقلیمی و محیطی یکی از چالش‌های مهم بشردوستانه و توسعه‌ای است که در قرن بیست‌ویکم با آن روبرو هستیم. باید به‌خاطر داشته باشیم

۳- تقویت همکاری‌های بین‌المللی

- بسیاری از مشکلات مرتبط با مهاجرت‌های اقلیمی با همکاری بین دولت‌های حاکم رفع می‌شود. تدوین توافق‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه ممکن است به ایجاد شبکه‌ای منطقه‌ای از قوانین و معیارها برای مدیریت و تسهیل مهاجرت مرزی در کشور کمک کند؛
- ایجاد توافق‌نامه‌های دوجانبه و زیرمنطقه‌ای برای تقویت آزادی در جابه‌جایی‌های بین مناطق؛
- گسترش مهاجرت‌های کاری فصلی یا کوتاه‌مدت یا نیز دائمی در راستای تأمین منافع کشورهای مبدأ و مقصد و نیز حمایت از کارگران مهاجر؛
- تقویت همکاری بین سازمان‌های دولتی در راستای رسیدگی به مهاجرت‌های اقلیمی.

۴- حمایت مالی از مهاجران متأثر از مخاطرات طبیعی

- مقابله با چالش‌های مهاجرت‌های اقلیمی به تلاش و پشتیبانی بخش‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی نیاز دارد. در این راستا به خصوص دولت‌ها بایستی پیشگام باشند.
- تشویق بخش خصوصی برای فراهم کردن ابزارهای مدیریت بلایا و بیمه و نیز ایجاد انگیزه برای مردمی که در مناطقی که کمتر در معرض مخاطرات طبیعی قرار دارند.
- گفتنی است که سیاست‌های مهاجرتی نه تنها بایستی منجر به توجه به مدیریت جمعیت‌هایی که در اثر بلایای شدید طبیعی آواره شده‌اند شود، بلکه بایستی جمعیت‌هایی که در مکان‌های آسیب‌پذیر در برابر تغییرات محیطی گرفتار می‌شوند نیز مورد توجه قرار گیرند. این مشکل «بی‌حرکی»^۱ که به ویژه گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر در جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تا به امروز توجه محدودی را به خود جلب کرده است. اما از نظر سیاست‌گذاری در آینده بسیار بااهمیت خواهد بود. در این راستا، پایهٔ اساسی برای حمایت از این دسته از افراد آسیب‌پذیر در برابر مخاطرات محیطی، در سطوح ملی و محلی، تقویت هنجارها و ابزارهای حفاظتی و حمایتی خواهد بود.

منابع فارسی که معادل لاتین آن‌ها در فهرست منابع آمده است

- خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) (۱۴۰۱). «سهم ۶۹ درصدی انسان در خشک‌شدن دریاچه ارومیه».
- دانشگاه زابل (۱۳۹۹). «طرح‌های مرتبط با تالاب هامون باید با همکاری و مشاورهٔ علمی پژوهشکدهٔ تالاب بین‌المللی هامون دانشگاه زابل اجرا شوند». دسترس از طریق:

<https://www.uoz.ac.ir/fa-IR/UOZ/4607/news/view/13987/7642/Staging/>

ایجاد می‌کند که بسیاری از این چالش‌ها از طریق راهبردهای دقیق کنترل‌شدنی است. در این راستا، توصیه‌های سیاستی برای دولت‌ها و جامعهٔ بین‌المللی از جمله کشور ایران با هدف توسعهٔ راه‌حل‌های راهبردی ارائه شده است. برای هر توصیه، مجموعه‌ای از اقدامات اولویت‌بندی گنجانده شده است. چنین اولویت‌هایی ممکن است الهام‌بخش سیاست‌گذاران در سایر زمینه‌های تحقیقاتی باشد که در آن‌ها به دنبال شناسایی و اجرای شیوه‌های خوب حکمرانی هستند (IOM, 2022).

۱- ترویج سازگاری با تغییرات اقلیمی

مهاجرت‌های اقلیمی خود فرصت‌های متعددی برای ارتقای توسعه فراهم می‌کند. در این راستا، اقدامات زیر منجر به ترویج سازگاری با تغییرات اقلیمی می‌شود:

- آینده‌پژوهی در زمینهٔ شناسایی مناطق آسیب‌پذیر در پهنهٔ سرزمینی کشور برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بلندمدت در خصوص جابه‌جایی و مهاجرت‌های محیط‌زیستی؛
 - انجام ارزیابی‌های ملی از خطر مخاطرات طبیعی و برآورد خسارات ناشی از وقوع بلایا به منظور درک نیازهای سرمایه‌گذاری در زمینهٔ مدیریت خطر بلایا؛
 - فراهم کردن بسترهای حفاظت اجتماعی و فرصت‌های درآمدزایی برای افرادی که در مناطق آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند (مثلاً، آموزش مهارت‌های لازم و برنامه‌های جایگزین معیشتی)؛
 - سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پایدار و مشخص کردن مناطق آسیب‌پذیر در برابر بلایا برای برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های آبی و نیز مشارکت جوامع محلی در ساخت خانه‌های مقاوم؛
 - بحث و گفت‌وگوی سازمان‌یافته در مورد مهاجرت‌های اقلیمی و راهکارهای سازگاری با آن و به‌روزر کردن برنامه‌های ملی سازگاری.
- ۲- افزایش دانش و آگاهی در خصوص مهاجرت‌های اقلیمی
- مهم‌ترین مانع برای توسعهٔ سیاست‌های مؤثر در خصوص مهاجرت‌های اقلیمی نبود اطلاعات به‌روز در مورد الگوها و روندهای مهاجرتی است. اقدامات زیر دانش و آگاهی افراد را در زمینهٔ مهاجرت‌های اقلیمی افزایش می‌دهد:

- جمع‌آوری سازمان‌یافته داده‌های تفکیک‌شده در مورد جریان‌های مهاجرت‌های داخلی و برون‌مرزی؛
- حمایت از تحقیقات مرتبط با سیاست‌های مهاجرت‌های اقلیمی و تعامل بین محققان و سیاست‌گذاران در کشور؛
- انجام مطالعات در خصوص الگوهای مهاجرت‌های طولانی‌مدت در کشور؛
- ترویج مبادلات آموزشی و فرهنگی جوانان بین مناطقی که در معرض تغییرات اقلیمی قرار دارند و مناطقی که تاب‌آوری‌شان در برابر تغییرات اقلیمی بیشتر است.

- The First International Conference on Water Crisis*. Zabul. Iran. {In Persian}
- De Bruyckere, L. (2016). *Climate Migration As Political Ammunition*. Master's thesis. University of Vienna.
- Diallo, A., and Renou, Y. (2015). "Climate Change and Migration: The Emerging Structure of a Scientific Field and the Process of Public Policy Formulation". *Mondes en développement*, 172(4), pp. 87-107.
- El Hinnawi, E. (1985). *Environmental refugees*. United Nations Environmental Program. Available At: <https://digitallibrary.un.org/record/121267?ln=en>
- European Union, United Nations Development Programme, and Department of Environment of Iran (2022). *Comprehensive Management Of Natural Resources And Economic-Social Development Project- Sistan* (Retrieved 22 october). Available at: <https://sistanproject.ir/%D9%85%D8%B9/>
- Fride, P. A. (2021). *Climate and migration. Council of Europe. Parlimentary assembly*. Reference 4521 of 26 June. Available at: <https://pace.coe.int/en/files/29195/html>
- Gemenne, F., and Blocher, J. (2017). "How Can Migration Serve Adaptation To Climate Change? Challenges To Fleshing Out A Policy Ideal". *The Geographical Journal*, 183(4), pp. 336-347.
- International Organization for Migration (IOM) (2022). *People on the Move in a Changing Climate – Linking Policy, Evidence and Action*. Geneva: International Organization for Migration
- International Organization of Migration (IOM) (2017). *Making Mobility Work for Adaptation to Environmental Changes, Results from the MECLEP global research. International Organization for Migration*.
- Ionesco, D. and Chazalnoe, M. T. (2015). *Migration as an Adaptation Strategy to Climate Change. International Organization of Migration*. Available at: <https://weblog.iom.int/migration-adaptation-strategy-climate-change>
- Ionesco, D., Mokhnacheva, D. and Gemenne, F. دهمرده، مجید، یزدانی، سعید، سلوکی، محمود، پیری، عیسی و آذرین، حبیب‌الله (۱۳۸۷). «بررسی اهمیت تالاب هامون در رفع فقر و بیکاری و کاهش مهاجرت حاشیه‌نشینان تالاب هامون». اولین کنفرانس بین‌المللی بحران آب، دانشگاه زابل.
- ذکی، یاشار، قربانی سپهر، پریسا و قربانی سپهر، آرش (۱۴۰۰). «تحلیل تأثیر مخاطرات انسانی بر آمایش نواحی مرزی (مطالعه موردی: جنوب شرق ایران؛ سیستان و بلوچستان)». فصلنامه مدیریت مخاطرات محیطی، ۸(۴)، ص ۴۴۴ - ۴۳۱.
- رمضان‌خواه، متین، رضانی، مجید و قاسمی، روح‌الله (۱۳۹۵). مسئله‌شناسی راهبردی توسعه در استان سیستان و بلوچستان. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. دسترس از طریق: <https://css.ir/Media/PDF/1396/04/26/636358465691866732.pdf>
- سیاح، اردشیر و رحمتی، فاطمه سادات (۱۳۹۶). الگوسازی مشارکت جوامع محلی در احیای دریاچه ارومیه از طریق استقرار کشاورزی پایدار: مروری بر دستاوردهای «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» در فرایند احیای دریاچه ارومیه. تهران: مهر صادق.
- کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه (۱۳۹۹). ضرورت‌ها، مبانی قانونی، راهبردها و پروژه‌های عملیاتی طرح ملی نجات دریاچه ارومیه. ستاد احیای دریاچه ارومیه.

منابع

- Ahsan, R., Kellett, J., and Karuppannan, S. (2014). "Climate Induced Migration: Lessons From Bangladesh". *International Journal of Climate Change: Impacts and Responses*, 5.
- Apap, J. and du Perron de Revel, C. (2021). The Concept Of 'Climate Refugee'; Towards A Possible Definition. *European Parliamentary Research Service*. Available at: [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2021/698753/EPRS_BRI\(2021\)698753_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2021/698753/EPRS_BRI(2021)698753_EN.pdf)
- Black, R. (2001). Environmental Refugees: Myth or Reality? *New Issues in Refugee Research*. United Nations High Commissioner for Refugees Working Paper No. 34, Available At: <https://www.unhcr.org/research/working/3ae6a0d00/environmental-refugees-myth-reality-richard-black.html>
- Dahmardeh, M., Yazdani, S., Solooki, M., Piri, I., and Habibollah, A. (2009). "Investigating The Importance Of Hamoun Wetland In Eliminating Poverty And Unemployment And Reducing The Migration Of The Marginal Residents Of The Hamoun Wetland".

- (2017). *The Atlas of Environmental Migration*. Routledge.
- Iranian Students' News Agency (ISNA) (2022). "Human Contribution In Drying Up Of Lake Urmia". Available at: <https://www.isna.ir/news/1401032215022/> {In Persian}
- Laczko, F., & Aghazarm, C. (2009). Migration, Environment and Climate Change: assessing the evidence. *International Organization for Migration* (IOM).
- Loneragan, S. (1998). "The Role Of Environmental Degradation In Population Displacement". *Environmental Change Security Project report*, 4, pp. 5-15.
- Manou, D., Baldwin, A., Cubie, D., Mihr, A., and Thorp, T. (Eds.) (2017). *Climate Change, Migration And Human Rights: Law And Policy Perspectives*. Taylor & Francis.
- Myers, N. (1993). "Environmental Refugees In A Globally Warmed World". *Bioscience*, 43(11), pp. 752-761.
- Nordas, R. and Gleditsch, N. P. (2007). "Climate Change And Conflict". *Political Geography*, 26(6), pp. 627-638.
- Oliver-Smith, A. (2009). Nature, Society, And Population Displacement: Towards Understanding Of Environmental Migration And Social Vulnerability. *United Nations University - Institute for Environment and Human Security*.
- Ramazankhah, M., Ramazani, M., and Qasemi, R. (2016). *Strategic problemology of development in Sistan and Baluchestan province project*. Center for Strategic Studies. Available at: <https://css.ir/Media/PDF/1396/04/26/636358465691866732.pdf> {In Persian}
- Ramlogan, R. (1996). "Environmental Refugees: A Review". *Environmental conservation*, 23(1), pp. 81-88.
- Sayyah, A., Rahmati, Fatemeh. (2017). Modeling the participation of local communities in the restoration of Lake Urmia through the establishment of sustainable agriculture: a review of the achievements of "Iran's Wetlands Protection Plan" in the process of the restoration of Lake Urmia. Mehr-e- Sadeq publishing. Tehran. Iran. {In Persian}
- Tacoli, C. (2009). "Crisis Or Adaptation? Migration And Climate Change In A Context Of High Mobility". *Environment and Urbanization*, 21(2), pp. 513-525.
- United Nations Environment Programme (2011). *Livelihood Security: Climate Change, Conflict and Migration in the Sahel*. Geneva: United Nations Environment Programme.
- United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR) (2017). *UNHCR Quick Guide, Climate Change and Disaster Displacement*. UNHCR.
- Unruh, J. D., Krol, M., and Kliot, N. (Eds.) (2005). *Environmental change and its implications for population migration* (Vol. 20). Springer Science & Business Media.
- Urmia Lake Restoration National Committee (2020). *Necessities, legal bases, strategies and operational projects of the Urmia Lake Restoration National plan*. Urmia Lake Restoration National Committee. Available at: <https://abopa.ir/wp-content/uploads/2021/10>. {In Persian}
- Warner, K. (2010). "Global Environmental Change And Migration: Governance Challenges". *Global environmental change*, 20(3), pp. 402-413.
- Westing, A. H. (1992). "Environmental Refugees: A Growing Category Of Displaced Persons". *Environmental Conservation*, 19(3), pp. 201-207.
- Zabul University. (2020). "Hamoun Wetland Projects Should Be Implemented With The Cooperation And Scientific Advice Of Hamoun International Wetland Research Institute Of Zabul University". Available at: <https://www.uoz.ac.ir/fa-IR/UOZ/4607/news/view/13987/7642/Staging> {In Persian}
- Zaki, Y., Ghorbani Sepehr, P., and Ghorbani Sepehr, A. (2022). "Analysis of the effects of human hazards on the management of border areas (Case study: Southeast Iran; Sistan and Baluchestan)". *Journal of Environmental Hazards Management*, 8(4), pp. 431-444. {In Persian}



Climate Migration Dilemma; Migration as an Adaptation or Maladaptation Strategy

Roghayeh Samadi¹

Abstract

The potential migration of millions of people due to adverse impacts of climate change is one of the most important issues for governments and policy makers. In this regard, there are various divergent views in the theoretical approach to climate- induced migration: Some scholars believe that migration indicates a failure to adapt to climate change. On the other hand, other scholars believe that migration can be used as a preventive strategy to deal with climate change. By using descriptive-analytical research method, in this study, we attempt to investigate various divergent views in climate migration theories by focusing on the maximalist and minimalist approaches. In addition, we present different climate adaptation strategies taken by policy makers in order to combat adverse consequence of climate changes in other countries. Finally, we analyze various evidences of climate- related movements in Iran and the policies and strategies has been taken by the government regarding to climate adaptation. In general, considering migration as an adaptation or maladaptation strategies creates many challenges for planners and policy makers, which can be controlled through precise strategies. In this regard, policy makers should apply strategies that strengthen the ability of actors to adapt to adverse impacts of climate change.

Keywords: Migration, Climate Change, Adaptation or Maladaptation, Maximalist and Minimalist Theories

1. Researcher at Iran migration observatory, Sharif University of Technology; r.samadi@imobs.ir

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

رقیه صمدی	
نویسنده	نقش
نگارش متن	نگارش متن
ویرایش متن	ویرایش متن و ...
طراحی / مفهوم پردازی	طراحی / مفهوم پردازی
گردآوری داده	گردآوری داده
تحلیل / تفسیر داده	تحلیل / تفسیر داده
-	سایر نقش ها

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیر مالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافع داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گرت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناآگاهانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیر مالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گرت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد.

نویسنده مسئول: رقیه صمدی

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

تاب‌آوری جوامع در برابر آثار خدادهای اقلیمی؛ نه به مهاجرت

 20.1001.1.24767220.1401.12.4.5.6

مریم عدالت مقدم^۱

چکیده

هرساله مخاطرات اقلیمی در مناطق مختلف جهان منجر به آسیب‌پذیری بسیاری از افراد می‌شود. این رخدادهای اقلیمی در امنیت غذایی و آبی و جانی افراد اثرگذار است. در برخی موارد منجر می‌شود افراد در جست‌وجوی محیطی امن برای زندگی جابه‌جا شوند و مهاجرت کنند. تاب‌آوری یکی از رویکردهای سازگاری در برابر مخاطرات محیطی است و به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری به آن روی می‌آورند. در این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی، مفاهیم و اصول و دیدگاه‌ها در زمینه تاب‌آوری اقلیمی بررسی شده است. سپس تجربه کشورهای مختلف از جمله ایران درباره به‌کارگیری دانش بومی و فناوری در افزایش تاب‌آوری اقلیمی تحلیل و ارزیابی شده است. بررسی تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در برخی از کشورها با تکیه بر دانش بومی و امکانات در دسترس توانسته‌اند جوامع خود را تاب‌آور کنند و در برخی دیگر با سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، مشارکت مدنی، و تقویت زیرساخت‌ها تاب‌آوری اقلیمی جوامع و افراد را تقویت کرده‌اند. همچنین افراد بسیاری توانسته‌اند با حمایت دولت و سازمان‌های خصوصی و با به‌کارگیری فناوری نظام هشدار زودهنگام، هوش مصنوعی، خودسازمان‌دهی، و تنوع اقتصادی محیط زندگی خود را در برابر مخاطرات محیطی تاب‌آور کنند و در محل زندگی خود ماندگار شوند. بررسی تجارب در کشور ایران نشان می‌دهد از گذشته تاب‌آوری جوامع بر مبنای دانش بومی پایه‌ریزی می‌شده است و به‌کارگیری فناوری مدرن به‌علت دانش کم افراد، هزینه بالا، دسترسی دشوار کاربرد گسترده‌ای ندارد. از این‌رو برای تاب‌آورکردن مناطق مختلف ایران، در کنار مهیاکردن فناوری، نیاز است با توجه به ویژگی‌های هر منطقه و به‌منظور تقویت جنبه‌های کاربردی دانش و تجربه، آگاهی جامعه راجع به رویارویی با مخاطرات محیطی افزایش یابد، زیرساخت‌ها تقویت شود، فناوری با دانش بومی ادغام شود و سیاست‌های تاب‌آوری ارائه شود.

واژگان کلیدی: مخاطرات اقلیمی، جابه‌جایی، مهاجرت، سازگاری در برابر مخاطرات محیطی، تاب‌آوری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

مقدمه

سازگاری، کاهش آسیب‌ها، و مساعدت و کمک‌رسانی اقداماتی صورت بگیرد. به همین علت در بسیاری از کشورها، رویکرد سازگاری و تاب‌آوری برای کاهش آثار مخرب پدیده‌های اقلیمی و افزایش توان محیط‌زندگی و افراد به کار گرفته می‌شود.

منظور از سازگاری ایجاد توازن در نظام‌های بوم‌شناختی، اجتماعی، یا اقتصادی در پاسخ به محرک‌های اقلیمی و آثار آن‌ها است. این اصطلاح به تغییرات در فرایندها، رویه‌ها، یا ساختارها برای تعدیل یا جبران خسارت‌های احتمالی یا استفاده از فرصت‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی اشاره دارد (Smit and Pilifosova, 2003). بنابراین، نیاز است تا در کشورها و جوامع راه‌حل‌های سازگاری را با تکیه بر دانش بومی و تجارب پیشینیان و همچنین اتخاذ فناوری‌های نوین مناسب محیط توسعه دهند و اقداماتی را برای پاسخ‌گویی به آثار تغییرات اقلیمی کنونی و همچنین آثار آینده آماده کنند.

در این میان برخی از کارشناسان تاب‌آوری را یکی از رویکردهای سازگاری در برابر مخاطرات محیطی و آثار تغییرات اقلیمی مطرح کرده‌اند. این رویکرد ظرفیتی تعریف می‌شود برای افزایش آمادگی در برابر رخدادهای خطرناک اقلیمی، پاسخ‌گویی به این رخدادهای و بازیابی از آن‌ها، در عین اینکه کمترین آسیب به رفاه اجتماعی، اقتصاد، و محیط‌زیست وارد شود. همچنین این رویکرد اشاره دارد به فرایند و نتیجه سازگاری موفقیت‌آمیز با تجربیات دشوار یا چالش‌انگیز. نمی‌توان همه جوامع آسیب‌پذیر در برابر مخاطرات اقلیمی را با این تغییرات سازگار و آن‌ها را تاب‌آور کرد. با این حال، بررسی تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که مردم و جوامع بومی و محلی برخی منطقه‌ها توانسته‌اند با به‌کارگیری راهبردهای گوناگون و دانش بومی و با استفاده از فناوری‌های پیشرفته با شرایط محیطی و اقلیمی منطقه خود سازگار شوند. در حالی که تاب‌آوری در برخی جوامع دیگر بر ایند مثبتی نداشته است و به‌کارگیری راهبردهای آن منجر به ماندگاری و حفظ جوامع در مناطق مبدأ نشده است. بنابراین، مردم این مناطق مهاجرت را چون راهبرد سازگاری در مقابل تغییرات اقلیمی و مخاطرات محیطی برگزیده‌اند.

در پژوهش حاضر سعی می‌شود تا تجارب موفق کشورهای مختلف، اعم از کشورهای توسعه‌یافته و برخوردار از فناوری‌های پیشرفته تا کشورهای کمتر توسعه‌یافته و برخوردار از دانش بومی - محلی، در سازگاری با تغییرات اقلیمی با رویکردی توصیفی - تحلیلی بررسی شود. در ادامه ابتدا مفاهیم و دیدگاه‌ها در حوزه تاب‌آوری بررسی می‌شود. سپس سازگاری و تاب‌آوری کشورهای مختلف در حوزه تغییر اقلیم تحلیل خواهد شد و، در نهایت، رویکردها و تجارب کشور ایران در این حوزه بررسی می‌شود.

۱. مفاهیم و دیدگاه‌ها در حوزه تاب‌آوری

تاب‌آوری مفهومی چندبعدی است که تعریف آن همراه با

تغییر اقلیم تهدیدی جهانی است برای پایداری نظام‌های محیط‌زیستی و اجتماعی و اقتصادی و همچنین یکی از چالش‌های اساسی و تعیین‌کننده قرن بیست‌ویکم محسوب می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که ممکن است ۸۰ درصد از مساحت زمین که ۸۵ درصد از جمعیت جهان در آن ساکن‌اند تحت‌تأثیر تغییرات اقلیمی قرار بگیرد (Callaghan et al., 2021). آثار گرم‌شدن زمین و رخدادهای اقلیمی شدید و مکرر، همراه با کاهش منابع، سبب افزایش آسیب‌پذیری جوامع در زمینه امنیت غذایی، امنیت آب، و مسائل بهداشتی و امنیتی می‌شود. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که بالا رفتن سطح دریا و جزرومد بالا، فرسایش سواحل، و شور شدن مخازن آب شیرین در زندگی افرادی که در مناطق ساحلی کم‌ارتفاع و در جزایر کوچک ساکن‌اند تأثیر خواهد گذاشت. ممکن است جمعیت‌هایی که در مناطقی با ارتفاع پایین‌تر از سطح دریا زندگی می‌کنند، طی چند دهه آینده و با افزایش بیشتر سطح دریاها، در معرض تهدید قرار بگیرند.

وقوع مخاطرات طبیعی و محیط‌زیستی از طریق تعامل با محرک‌های اقتصادی و جمعیتی در جریان مهاجرت اثر می‌گذارد. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان^۱ گزارش می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ به‌طور متوسط سالانه ۲۱/۵ میلیون نفر به‌علت شروع ناگهانی مخاطرات مربوط به اقلیم، و هزاران نفر دیگر نیز به‌علت خطرات پیش‌رونده مرتبط با آثار تغییرات اقلیمی، آواره شده‌اند (www.unhcr.org). کریستین آید (2007) استدلال می‌کند که تا سال ۲۰۵۰ یک میلیارد نفر در اثر تغییرات اقلیمی آواره خواهند شد (Aid, 2007). در پنجمین گزارش ارزیابی هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم^۲ در سال ۲۰۱۴، بر ماهیت ویژه و عمدتاً چندعلتی و پیچیده مهاجرت‌های ناشی از تغییرات اقلیمی تأکید شده است و اینکه جابه‌جایی افراد در آینده افزایش خواهد یافت (Intergovernmental Panel on climate change, 2014). با برجسته‌شدن اهمیت مهاجرت‌های اقلیمی در توافقنامه تغییرات اقلیمی پاریس^۳ که ذیل کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیم آغاز شده است^۴، ایجاد سازوکار رویکردهایی یکپارچه برای جلوگیری، به‌حداقل‌رساندن، و رسیدگی به جابه‌جایی‌های مرتبط با آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی مطرح شد (International Organization for Migration, 2018). [IOM]. از این رو با توجه به احتمال افزایش تعداد آوارگان ناشی از بلایای طبیعی، باید برای بهبود سیاست‌ها و شیوه‌های

1. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

2. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)

3. Paris agreement

4. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

تمرکز بر این است که یک سیستم پس از اختلال با چه سرعتی به حالت قبل از آن برمی‌گردد. رویکرد گذار نیز بیشتر راجع به تاب‌آوری اجتماعی و ظرفیت جامعه برای واکنش به تغییر است. این تغییر می‌تواند به‌جای بازگشت به حالت قبل به معنای تغییر و گذار به حالت جدیدی باشد که موقعیتی پایدارتر است. این رویکرد بیشتر درباره سازگاری و انطباق جوامع با حوادث است. بنابه خاستگاه واژه «تاب‌آوری»، این واژه با معنایی متناسب با قدرت و مقاومت همراه می‌شده است، اما در کاربردهای جدیدتر آن نیاز به انعطاف و یادگیری و تغییر مشاهده می‌شود؛ مثلاً در کاربردهای آن در محیط‌زیست، نظام‌های اجتماعی - بوم‌شناختی، مدیریت بلایای طبیعی، و پایداری شهری مطرح شده است (Adger et al, 2011). در زمینه کاهش و مدیریت خطر بلایا، تاب‌آوری توانایی بموقع و کارآمد نظام‌ها، یا جامعه‌ای در معرض خطر، برای مقاومت در برابر آثار خطر، جذب آن‌ها، سازگاری با آن‌ها، و بازیابی از آن‌ها، از طریق حفظ و بازسازی ساختارها و عملکردهای اساسی آن سیستم یا جامعه، تعریف می‌شود (United Nations International Strategy for Disaster Reduction, 2009).

تلاش‌های متعددی صورت گرفته است تا برای هرکدام از مفاهیمی که با تغییرات اقلیمی و کاهش خطر بلایا و مدیریت مرتبط است جایگاهی ایجاد شود. منشأ این مفاهیم را می‌توان هم در علم بوم‌شناختی و هم در معیشت پایدار جست‌وجو کرد. مفهوم تاب‌آوری در ادبیات اقلیمی و بلایا در دهه ۱۹۷۰ ظهور کرد. می‌توان ورود مفهوم تاب‌آوری به این حوزه را شکل‌گیری چهارچوبی جدید در عرصه واکنش به بلایا در نظر گرفت. بر اساس کنفرانس جهانی کاهش بلایا^۱ در سال ۲۰۰۵، این مفهوم به‌آرامی راه خود را هم از نظر عملی و هم از لحاظ نظری در طیف گسترده‌ای از حوزه‌های مرتبط با گفتمان و مداخلات کاهش خطر بلایا باز کرده است که مفاهیم خطر و آسیب‌پذیری را نیز در بر می‌گیرد.

در دیدگاهی که در مطالعات حوزه مخاطرات مشاهده می‌شود، تاب‌آوری یک‌سره درباره نظام‌های مهندسی و اجتماعی است و هم شامل اقدامات قبل از بلایا است، که موجب جلوگیری از خسارات و کمینه‌کردن زیان می‌شود، و هم راهبردهای پس از بلایا را در بر می‌گیرد که به کمینه‌کردن آثار بلایا کمک می‌کند (Cutter et al, 2008).

به‌طور کلی راجع به دامنه مفهوم تاب‌آوری دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. برخی از محققان تاب‌آوری را فقط راهبردی برای پس از بحران می‌دانند که به مقابله و به کمینه‌کردن بلایا کمک می‌کند. طرفداران این دیدگاه پیشنهاد می‌کنند که تاب‌آوری فقط پس از رخداد محرک محسوس است و به مقابله با پیامدهای آن کمک می‌کند. آن‌ها معتقدند که تاب‌آوری به جلوگیری از

زمینه‌ای که در آن به کار رفته تکامل یافته است و محققان مختلف با توجه به تخصص خود این واژه را تعریف کرده‌اند. در بسیاری از مطالعات اولین استفاده‌ها از واژه تاب‌آوری را در زمینه‌های فیزیک و ریاضی (Erker et al, 2017)، روان‌شناسی و پزشکی (Lorenz, 2013)، و بوم‌شناسی (Alexander, 2013) ردیابی کرده‌اند که در نهایت استفاده از این واژه به حوزه‌های دیگر مانند اقتصاد و جامعه‌شناسی (Folke, 2006) نیز وارد شده است. با وجود معانی و مفاهیم گوناگون تاب‌آوری، بنابه اجماعی کلی، تاب‌آوری «توانایی افراد، جوامع، محله‌ها، مؤسسه‌ها، یا نظام‌ها برای مقابله مطمئن و قطعی با ضربه‌ها و تنش‌های پراهمیت و سریع» توصیف می‌شود. منبع این تنش‌ها ممکن است بلایا، درگیری، فقر، فساد، کمبود منابع، تخریب محیط‌زیست، خشک‌سالی، یا بیماری باشد (Manyena, 2014).

اکثر محققانی که در زمینه تاب‌آوری مطالعه کرده‌اند موافق‌اند که اولین بار هولینگ در سال ۱۹۷۳، در مقاله «تاب‌آوری و پایداری در نظام‌های بوم‌شناختی»، تاب‌آوری را به‌مثابه مفهومی بوم‌شناختی تعریف کرد. بنابه این تعریف، تاب‌آوری توانایی یک سیستم برای بازگشت به حالت ثابت خود پس از تجربه آشفتگی است (Holling, 1973). اگرچه محققان علوم فیزیکی و بوم‌شناسان در دهه ۱۹۶۰ تاب‌آوری را مورد مطالعه قرار داده بودند، اما مطالعه هولینگ راجع به تاب‌آوری زیست‌بوم، با بررسی پیوند بین نظام‌های اجتماعی و طبیعی و پویایی تغییرات در نظام‌ها، توسعه و رشد مفهوم تاب‌آوری را سرعت بخشید (Davoudi et al, 2012). هولینگ در نظریه خود چگونگی عملکرد جمعیت‌ها را در نظام‌های بوم‌شناختی، به‌ویژه پس از تحمل نوعی تنش بوم‌شناختی، بررسی کرد. در تحقیقات بوم‌شناختی‌ای که پیش از کار هولینگ صورت گرفته بود نیز بر تعادل نظام‌ها تمرکز شده بود، اما هولینگ استدلال تازه‌ای کرد و آن این بود که ممکن است یک سیستم نقاط تعادلی متعددی داشته باشد که در تنش‌ها بین آن‌ها جابه‌جا شود. بنابراین بعد از کار هولینگ، تاب‌آوری توانایی یک سیستم برای مقابله با تنش، درحالی‌که عملکرد و سازمان موجود آن در گذار به نقطه تعادلی جدید تغییر نکند، تعریف می‌شود. در دیدگاه هولینگ تمرکز بر روی ثبات نیست بلکه تمرکز بر تغییرپذیری است (Folke, 2006) بنابه استدلال المکویست و همکاران (2019)، مفهوم تاب‌آوری بسیار فراتر از صرفاً بازیابی از آشوب است و آن‌ها بر ظرفیت‌های انطباقی و دگرگون‌کننده زیرسیستم‌ها در طول زمان و در مقیاس‌های متفاوت تأکید می‌کنند (Elmqvist et al, 2019). از دیدگاه مگواپر و هاگان (2007) تاب‌آوری شامل سه رویکرد مفهومی پایداری، بازیابی، و گذار است که در رویکرد پایداری، با نگاهی بوم‌شناختی، تاب‌آوری تحمل یا جذب اختلال و بازگشت به حالت قبل تعریف می‌شود (Maguire and Hagan, 2007). در رویکرد بازیابی

1. World Conferences on Disaster Risk Reduction (WCDRR)

تاب‌آوری، کل طیف احتمالی رخدادهای (بیشتر و کمتر از آستانه مقاومت و بازیابی) در نظر گرفته می‌شود. همیشه ممکن است، به‌علت نامعلومی ذاتی در رفتار سیستم و تغییرپذیری اقلیم، رخدادهای شدید و غیرمنتظره رخ دهد. درعین حال ممکن است تغییرات اقلیمی منجر به افزایش تغییرپذیری شود. برای درک خطر رخدادهایی با احتمال کم اما با پیامدهای گسترده، فاجعه‌بار، و پایدار، نیاز است به طراحی‌های محیطی و ساختاری، در کنار کارایی اقتصادی، توجه بیشتری شود.

۳. طراحی و آماده‌سازی زیرساخت‌ها بر اساس اصل عملکرد باقی‌مانده: در طراحی نظام‌ها، اصل عملکرد باقی‌مانده اشاره دارد به اینکه پیامدهای خرابی و شکست نباید فاجعه‌بار باشد، بلکه باید مدیریت‌شدنی باشد. این اصل، در تقابل با نظام‌های ایمن که در آن‌ها تمرکز بر قابلیت اطمینان بالا است، با عنوان خطای ایمن شناخته می‌شود (Hashimoto et al., 1982). لازمه عملکرد نظام‌ها هنگام رخدادهای اقلیمی شدید این است که زیرساخت‌های حیاتی باقی بماند. زیرساخت‌ها که آسیب ببینند مدیریت اضطراری دشوارتر می‌شود، سرعت بهبود و بازیابی آهسته‌تر می‌شود، و ممکن است آثار رخداد به مناطق آسیب‌نندیده نیز سرایت کند (De Bruijn et al., 2016).

۴. افزایش ظرفیت بازیابی با توجه به سرمایه اجتماعی و مالی: تأثیر بلندمدت رخدادهای اقلیمی تا حدی به مدت‌زمان بهبودی وابسته است که خود به ظرفیت بازیابی بستگی دارد. ظرفیت بازیابی اغلب به سطح اجتماعی-اقتصادی عمومی جامعه مرتبط می‌شود و به ویژگی‌های سیستمی اشاره دارد که در سهولت بازیابی سیستم تأثیر می‌گذارد. بنابراین، ظرفیت بازیابی تابعی است از سرمایه اجتماعی (توانایی فردی افراد برای بازیابی)، سرمایه نهادی (توانایی سازمان‌دهی تعمیر و بازسازی)، و سرمایه اقتصادی (توانایی تأمین مالی تعمیر و بازسازی) (De Bruijn, 2005).

۵. مقاوم‌سازی برای آینده: انعطاف‌پذیری، توانایی یادگیری، ظرفیت سازگاری، و تمایل به تغییر در صورت نیاز، برای مقابله با تغییرات تدریجی بسیار مهم است. درک این نکته اهمیت دارد که تاب‌آوری کنونی یک سیستم ممکن است به‌علت تحولات ژئوفیزیکی تدریجی، مانند تغییرات اقلیمی یا فرونشست زمین، تحولات اجتماعی-اقتصادی، مانند مهاجرت یا درگیری‌ها یا شهرنشینی، یا توسعه اقتصادی از بین رفته باشد. بنابراین، ممکن است به تغییر یا سازگاری نیاز باشد تا بتوان با رخدادهای اقلیمی در آینده مقابله کرد. به‌منظور بهبود ظرفیت سازگاری، ممکن است سازمان‌ها مجبور شوند فرهنگ سازمان‌دهی خود را تغییر دهند تا توانایی خود را برای یادگیری از تجربیات قبلی افزایش دهند. علاوه‌بر سازمان‌های منعطف و سازگار، به سیاست‌های سازگاری، ابزارها، و روش‌های متعددی برای کمک به سیاست‌گذاران در طراحی چنین مسیری نیاز است. این نوع ابزارها حلقه‌های

وقوع بحران کمک نمی‌کند، بلکه در واکنش سریع و کارآمد برای به‌حداقل رساندن پیامدهای بحران کمک می‌کند. همچنین تاب‌آوری را ظرفیت مقابله با خطرات پیش‌بینی‌نشده پس از رخدادهای تعریف می‌کنند، اما هیچ اطلاعاتی در مورد چگونگی جلوگیری از بحران ارائه نمی‌کنند.

برخی دیگر این دیدگاه را با اضافه‌کردن این نکته گسترش می‌دهند که هدف از تاب‌آوری نه تنها مقابله با واکنش و بازیابی است بلکه پیشگیری مؤثر و کارساز از وقوع بحران نیز هست. بنابراین، طرفداران دیدگاه دوم تاب‌آوری را راهبردی برای مقابله با هر دو مرحله قبل از بحران و پس از بحران می‌دانند. این دسته از محققان پیشنهاد می‌کنند که تاب‌آوری نه تنها به محض وقوع رخداد محرک بلکه قبل از وقوع رخداد هم کمک‌کننده است و می‌تواند از رخداد آن جلوگیری کند. لونسون و همکاران (2006) استدلال می‌کنند که تاب‌آوری را نه تنها توانایی پاسخ‌گویی مناسب بلکه باید عاملی برای جلوگیری از شکست و ضرر در نظر گرفت. به اعتقاد آن‌ها تاب‌آوری را می‌توان توانایی نظام‌ها برای جلوگیری از شکست و ضرر در نظر گرفت (Levenson et al., 2006). آن‌ها تاب‌آوری را توانایی نظام‌ها برای جلوگیری از شرایط در حال تغییر یا سازگاری با آن به‌منظور حفظ ویژگی سیستم تعریف می‌کنند. برای مثال، انگل و همکاران (2014) تاب‌آوری را ظرفیت جذب و مقابله با آثار ضربه‌های رخدادهای شدید اقلیمی در کوتاه‌مدت و یادگیری، سازمان‌دهی، و توسعه مجدد تعریف می‌کنند (Engle et al., 2014). برای اینکه نظامی در بلندمدت تاب‌آور باشد باید بتواند با تنش‌های فوری کنار بیاید و بتواند آسیب‌پذیری را در مقابل تنش‌های آینده کمتر کند.

برای افزایش تاب‌آوری جوامع برای رویارویی با رخدادهای اقلیمی پنج اصل کلی پیشنهاد شده است (De Bruijn et al., 2017). این مفاهیم اصلی را می‌توان برای تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های کاهش خطر بلایا به کار گرفت. به‌کارگیری این اصول در عمل به توسعه راهبردها و طراحی مسیرهای تطبیقی در آینده کمک خواهد کرد و نظام‌های فیزیکی و اجتماعی را در برابر رخدادهای اقلیمی شدید مانند سیل و طوفان و خشک‌سالی مقاوم‌تر می‌کند.

۱. اتخاذ رویکرد سیستمی: در این رویکرد، یک سیستم مانند یک کل مطالعه می‌شود و زیرسیستم‌ها، حوزه‌ها، و فرایندها در ارتباط با هم دیده می‌شوند. برای شناسایی پیوندها در نظام‌های عظیم و پیچیده می‌توان الگوهای ساده‌شده‌ای را با استفاده از روش‌های توسعه‌یافته توسعه داد (Meadows, 2008; Simonović, 2010). در مدیریت خطر بلایا باید زنجیره رخدادها از اولین نشانه‌های تهدیدی قریب‌الوقوع به‌علت رخداد اقلیمی تا بازیابی آثار پس از آن درک شود.

۲. توجه به رخدادهای فراتر از زمینه‌ای مشخص: در رویکرد

۲. رویکردهای تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی در کشورهای مختلف

تقریباً یک میلیارد نفر در جهان در کشورهای زندگی می‌کنند که تاب‌آوری لازم برای مقابله با تغییرات اقلیمی و محیطی ندارند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ با تغییرات بیشتری مواجه شوند (Institute for Economics and Peace, 2020). در چنین شرایطی حتی رخدادهای کوچک و با شدت کم ممکن است به بی‌ثباتی و خشونت منجر شود. این امر منجر به جابه‌جایی گسترده جمعیت می‌شود و به نوبه خود پیامدهایی منفی برای امنیت در سطح منطقه‌ای و جهانی به همراه دارد.

بنابراین درک این موضوع ضروری است که به احتمال کدام کشورها تأثیرپذیری بیشتری خواهند داشت و کدام کشورها تاب‌آورترند. برای کاهش اثر تنش‌های محیط‌زیستی آینده، افزایش تاب‌آوری در کشورهای آسیب‌پذیر ضروری است. این امر به کشورها این امکان را می‌دهد تا برای مقابله با ضربه‌ها آمادگی بهتری داشته باشند و همچنین برای مقابله با آثار بعدی این ضربه‌ها توانایی بیشتری داشته باشند. کشورهای تاب‌آورتر می‌توانند در مقابل تنش‌هایی مانند بلایای طبیعی یا کاهش منابع بهتر مقاومت کنند. در نتیجه، نیاز افراد به جابه‌جایی و مهاجرت کمتر خواهد شد. حتی اگر جابه‌جایی صورت بگیرد، کشورهای با تاب‌آوری بالاتر بهتر می‌توانند شهروندان خود را به سرعت و بدون

بازخوردی دارند که در صورت تغییر عناصر سیستم مرحله سازگاری آغاز خواهد شد.

با تأکید بر مفاهیم ذکر شده و نیاز به توجه به آن‌ها در رویکرد تاب‌آوری، نیاز است که به این مفاهیم در مدیریت خطر و بلایا، هم قبل از وقوع بحران و هم بعد از آن، توجه شود.

با توجه به مفاهیم و دیدگاه‌های مطرح شده، تقویت تاب‌آوری جوامع در برابر رخدادهای اقلیمی نیازمند اقداماتی قبل و بعد از وقوع بحران است. ضروری است پیش از وقوع بحران برای کاهش آسیب و ضرر و پس از آن برای بازیابی سریع از شرایط بحرانی برنامه‌ریزی صورت گیرد و راهبردهایی تدوین شود. باید در هر مرحله از برنامه‌ریزی به مفاهیم و اصول کلی تاب‌آوری توجه شود و با آگاهی بخشی به جامعه و تقویت زیرساخت‌ها بر مبنای آموزش، دانش بومی، و فناوری در راستای تقویت تاب‌آوری پیش رفت.

با توجه به مفاهیم مطرح شده، اسمیت (2011) در الگوی خود چهار مؤلفه را چهارچوب تاب‌آوری در زمینه تغییرات اقلیمی مطرح کرده است. این مؤلفه‌ها شامل (۱) آموزش، (۲) فناوری و زیرساخت پایدار، (۳) یکپارچگی اکوسیستم و خودسازمان‌دهی، و (۴) تنوع است (شکل ۱). با در نظر داشتن این مؤلفه‌ها، در ادامه، رویکردهای کشورهای مختلف درباره هر کدام از مؤلفه‌های مطرح شده در زمینه تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی بررسی خواهد شد.

آموزش	اطمینان از اینکه افراد و نهادها می‌توانند از مهارت‌ها و فناوریهای مورد نیاز به جهت سازگاری و استفاده مؤثر از اطلاعات اقلیمی و راهبردهای سازگاری استفاده کنند.
فناوری و زیرساخت پایدار	ترکیب زیرساخت مهندسی و طبیعی و فناوری‌های پایدار و با قابلیت سازگاری باعث کاهش آسیب‌پذیری می‌شود. این اقدامات شامل پاسخ‌های مهندسی، مانند تخلیه شهری، و مدیریت زیرساخت، مانند کاربرد جریان‌های محیطی مثل رودخانه، است. کلید موفقیت در این زمینه سرمایه‌گذاری در زیرساخت طبیعی است.
یکپارچگی اکوسیستم و خودسازمان‌دهی	یکی از ویژگی‌های کلیدی تاب‌آوری یکپارچگی اکوسیستم و خودسازمان‌دهی است که از طریق همکاری دولت و توانمندسازی مردمی حاصل می‌شود.
تنوع	تنوع بخشی به اقتصاد و زندگی و طبیعت، بدین معنی که بازارها، صنایع، و سیستم‌های کشاورزی مختلف گزینه‌های متنوعی را برای افزایش تاب‌آوری اقلیمی در پیش رو داشته باشند.

شکل ۱: چهارچوب تاب‌آوری در زمینه تغییرات اقلیمی از دیدگاه اسمیت (2011)

در آموزش محیط‌زیست است که، مطابق روش‌های نظارت محیطی این رویکرد، اعضای جامعه برای بازسازی و مدیریت منابع محلی به یکدیگر می‌پیوندند، و نتایج این روش‌ها و آنچه از آن‌ها آموخته شده است بررسی می‌شود. از نظر کرسنی و تیدبال (2009)، شیوه‌های بوم‌شناسی مدنی و برنامه‌های آموزشی محیط‌زیستی مرتبط ممکن است تقویت تاب‌آوری را در نظام‌های اجتماعی - بوم‌شناختی شهری نتیجه دهد. این تقویت تاب‌آوری ممکن است از طریق افزایش تنوع زیستی و خدمات اکوسیستم یا از طریق ترکیب اشکال متنوع دانش و فرایندهای مشارکتی در مدیریت منابع، یا تجمع این دو، به دست آید (Krasny and Tidball, 2009). گنجاندن دیدگاه‌های محیط‌زیستی و اجتماعی در آموزش‌های محیط‌زیستی، به‌ویژه در شهرها، جایی که نقش انسان آشکارتر است و بیش از ۵۰ درصد جمعیت جهان در آن‌ها زندگی می‌کنند، مهم است.

بوم‌شناسان مدنی به یادگیری اجتماعی نیز با این نگاه که از ویژگی‌های تاب‌آوری است توجه کرده‌اند. نمونه آن آموزش باغبانی شهری در ایالات متحده آمریکا و کانادا است. این طرح را اغلب افرادی اجرا می‌کنند که مهاجرانی تازه‌آمده از کشورهای درحال توسعه‌اند؛ همچنین کنندگان دیگر این طرح افریقایی - امریکایی‌هایی‌اند که از روستاهای ایالت‌های جنوبی ایالات متحده آمریکا به شهرها مهاجرت کرده‌اند. این افراد با خود نوعی دانش بوم‌شناختی مبتنی بر تجربه و عمل را راجع به گیاهان و شیوه‌های کاشت آن‌ها منتقل می‌کنند. این طرح‌ها در کنار این نوع از دانش سبب می‌شود با مکان‌های شهری‌ای که تازه به آنجا مهاجرت کرده‌اند سازگار شوند.

نهادهای اجتماعی تاب‌آور می‌توانند به تاب‌آوری سیستم اجتماعی و بوم‌شناختی در شهرها کمک کنند (King, 2008). باغبانی در جامعه شهری نمونه‌ای است از مدیریت منابع که به‌واسطه آن ارزش‌های اجتماعی و محیط‌زیستی ادغام می‌شود و فرصتی برای یادگیری، در مقیاس محلی، فراهم می‌شود. نمونه دیگر از طرح‌های آموزشی در زمینه باغبانی اجتماعی برنامه تحقیق علمی جوانان^۱ است. در این طرح، که در باغی اجتماعی در نیویورک اجرا می‌شود، علم و یادگیری محیطی، اقدام مدنی، و درک چندفرهنگی و بین‌نسلی ادغام می‌شود. جوانان در کنار باغبانان مسن و باتجربه دانش خود را درمورد گیاهان و نحوه ارتباط گیاهان با فرهنگ و سنت باغبانان به اشتراک می‌گذارند و تحقیقاتی را صورت می‌دهند که با آن‌ها سؤالات مربوط به مؤلفه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی باغ و محله بررسی می‌شود. این باغ‌های محلی اغلب شامل تنوعی غنی از سبزیجات و گیاهان گلدار و درختان هستند. در شهرهایی که باغ‌های محلی

آسیب و ضررهای گسترده برای شبکه‌های اجتماعی، سرمایه‌های مالی، و رفاه افراد در مکان‌های دیگر اسکان دهند. معمولاً این کشورها در راستای کاهش خطرات محیطی و اقلیمی و با تکیه بر دانش و فناوری نوین و برنامه‌ریزی نظام‌مند برای شرایط فعلی و آینده آماده می‌شوند. اعضای جوامع تاب‌آور آگاهانه ظرفیت شخصی و جمعی را توسعه می‌دهند. این توسعه به‌جهت پاسخ به تغییرات و تأثیرگذاری بر آن‌ها، حفظ و تجدید جامعه، و توسعه مسیرهای جدید برای آینده صورت می‌گیرد.

کشورهای با تاب‌آوری پایین برای محافظت از جمعیت خود توانایی کمتری دارند. معمولاً در این جوامع، روش‌های سازگاری متکی بر دانش بومی و تجربه پیشینیان است که علت آن سطح پایین توسعه و ثروت و نبود آشنایی و آموزش و آگاهی‌بخشی درباره فناوری است. در این جوامع، افراد متأثر از ضربه‌ها اغلب برای به‌حداقل رساندن آسیب‌ها جابه‌جایی به مناطق دیگر را راهبرد سازگاری انتخاب می‌کنند. در نتیجه، این افراد یا در داخل آواره می‌شوند یا پناهندگان مرزی می‌شوند. این کشورها درحال حاضر در چرخه‌ای معیوب گرفتار شده‌اند که در آن رقابت برای منابع کمیاب درگیری ایجاد می‌کند و این عامل به‌نوبه خود منجر به تخریب و از بین رفتن بیشتر منابع می‌شود. با احتمال بسیار ممکن است وقتی این کشورها با فروپاشی‌های محیط‌زیستی مواجه شوند ناآرامی‌های مدنی، بی‌ثباتی، پراکندگی اجتماعی، فروپاشی اقتصادی، و تجزیه کشور را نیز تجربه کنند. از این‌رو با استناد به چهارچوب تاب‌آوری اسمیت (2011)، برخی کشورها توانسته‌اند با ایجاد فناوری و زیرساخت پایدار، آموزش، یکپارچگی اکوسیستم، و تنوع‌بخشی به اقتصاد و معیشت جوامع خود را در برابر آثار تغییرات اقلیمی تاب‌آورتر کنند.

در ادامه، با اتکا به مؤلفه‌هایی که اسمیت (2011) در الگوی خود مطرح کرده است، نمونه‌هایی از تلاش برخی کشورها در زمینه تاب‌آوری بررسی و تحلیل می‌شود.

۲-۱. آموزش: از دانش بومی باغبانان تا راهبرد هیوستن

بنابه تفکر و روان‌شناسی نظام‌های اجتماعی - بوم‌شناختی، تاب‌آوری جامعه در برابر تغییرات اقلیمی فراتر از واکنش‌های فوری به بلایا است و اقدامات آگاهانه‌ای را در بر می‌گیرد که در روند تغییرات محیطی و اجتماعی تأثیرگذارند. پیوندهای متقابل بین آموزش‌های محیط‌زیستی و تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی در محیط‌های شهری اغلب با این نگاه بررسی شده است که این برنامه‌های آموزشی چگونه می‌تواند به ایجاد تاب‌آوری نظام‌های اجتماعی - بوم‌شناختی کمک کند. در چنین رویکردهایی بر قابلیت‌های تحول‌آفرین شیوه‌های آموزشی مرتبط با نوآوری‌های تاب‌آوری اقلیمی، که سازمان‌های مردمی آن‌ها را رهبری می‌کنند، تمرکز می‌شود. بوم‌شناسی مدنی رویکردی

و «تاب‌آوری در برابر سیل» را با کارشناسان بین‌المللی و محلی و رهبران جامعه برای محله‌های در معرض خطر برگزار کرد. این کارگاه‌ها برای افزایش آگاهی در مورد خطرات بالقوه و آشنا کردن مردم با راهبردهای سازگاری ممکن، از جمله راهکارهای احتمالی برای فرار از سیل، برگزار شد. نتایج برگزاری این کارگاه‌ها این امکان را فراهم کرد که هم در سطح شهر و هم در سطح محله توصیه‌هایی ارائه شود. در نتیجه، برای افزایش راهکارهای بدیل برای ساکنان مناطق سیل‌خیز در شهر هیوستون، با هدف همسویی سرمایه‌گذاری‌های مسکن در نزدیکی محله‌های در معرض خطر، برنامه‌ای در سطح شهر شکل گرفت.

۲-۲. زیرساخت پایدار: از احداث خانه‌های مقاوم تا اعطای یارانه و وام مسکن

برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار و توافق‌های اقلیمی باید زیرساخت‌های یک منطقه پایدار باشد. زیرساخت‌های پایدار و مقاوم طیف گسترده‌ای از نوآوری‌ها را با تمرکز بر مدیریت انرژی و آب و زمین، فناوری‌های هوشمند، و مصالح ساختمانی مقاوم در بر می‌گیرد. همچنین زیرساخت‌های موجود که مقاوم‌سازی و بازسازی و بازطراحی شده‌اند نیز جزو زیرساخت‌های پایدار و مقاوم‌اند.

در فیلیپین ساکنان شهر پاسیگ^۳ در مواجهه با جابه‌جایی اجباری محله خود را در برابر اقلیم مقاوم طراحی کردند. زمانی که طوفان اوندوی^۴ این کشور را تحت‌تأثیر قرار داد، ۴۰ هزار نفر در سکونت‌گاه‌های غیررسمی در امتداد مسیر سیلابی مانگهان^۵ زندگی می‌کردند. در نتیجه این رخداد جان بسیاری گرفته شد و مال بسیاری از افراد ساکن در این منطقه از بین رفت. پس از ویرانی، دولت فیلیپین تصمیم گرفت افرادی را که در سکونت‌گاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند به خارج از مسیر سیلاب منتقل کند. پس از آن، افرادی که در سکونت‌گاه‌های غیررسمی زندگی می‌کردند برای دفاع از حقوق خود با مسئولان شهر برای مسکن همکاری کردند و خانه‌هایی مقاوم در برابر رخدادهای اقلیمی را طراحی کردند. در این شهر مجتمع‌های مسکونی با دیوارهای سفید و طراحی رنگارنگ وجود دارد که برخلاف معماری ساده‌شان در سطح جهانی مهم‌اند. پروژه ساختمانی کم‌ارتفاع مانگهان ساختمان‌هایی مقاوم در برابر رخدادهای اقلیمی است که برای مقاومت در برابر سیل و افزایش سطح دریا ساخته شده‌اند. این پروژه راهبردی را نشان می‌دهد که با آن جوامعی که از نظر اجتماعی و اقتصادی و سیاسی به

در آن‌ها رایج است به‌طور قابل‌توجهی به فضای سبز کلی و تنوع زیستی کمک می‌شود. همچنین تاب‌آوری نظام‌های اجتماعی - بوم‌شناختی با جوامعی که درون آن نظام‌ها قرار دارند در برابر آشفتگی‌هایی مانند تغییرات جمعیتی، ناامنی غذایی، درگیری‌های قومی، یا سیل و سایر بلاهای افزایش می‌یابد (Tidball and Krasny, 2007).

شهر بارسلونا به رویکرد بلندپروازانه برای ایجاد سیاست‌های اقلیمی و همچنین نقش فعال مردمی در ترویج اقدامات مربوط به پایداری شهری، و به‌خصوص سازگاری اقلیمی، شناخته می‌شود. شورای شهر بارسلونا برنامه‌ای عملیاتی و اعلامیه اضطراری اقلیمی برای بازه سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۳۰ تهیه کرده است که در آن‌ها چالش‌های اقلیمی مانند افزایش دما و کاهش آب شیرین برای این شهر شناسایی می‌شود. در این برنامه ابتکاری، طرح باغبانی اجتماعی، با ایجاد چاله‌هایی برای کاشت درختان همراه با آموزش محیطی، برای مقابله با خطرات آبی - اقلیمی در شهر، پروژه‌های زیرساخت سبز و سایر مداخلات سبز تدوین شده است (Satorras et al., 2020). این طرح در محله‌ای در مرکز این شهر که سرانه فضای سبز شهری کمی داشت اجرا شد؛ به این شکل که کودکان دبستانی محله (۸ تا ۱۰ ساله) و مغازه‌داران محله در خیابانی تجاری و مسکونی و پرترافیک درخت‌هایی را در چاله‌هایی کوچک می‌کاشتند. این پروژه، که افزایش تاب‌آوری اقلیمی به رهبری جامعه است، نشان داد که این نوع باغبانی منجر به کاهش حجم رواناب‌های^۱ سیل می‌شود (Grey et al., 2018). حفظ رواناب‌ها در بارسلونا چالشی مهم بوده است که با افزایش رخدادهای بارندگی شدید در سال‌های گذشته تشدید شده است (Carriquiry et al., 2020). این ابتکار بیشتر بر راهبردی آموزشی - خدماتی برای سبز کردن خیابان‌های محلی با فعالیت‌های عملی متمرکز است که دانش‌آموزان دبستانی و کل محله برای مشارکت جذب می‌شوند.

نمونه‌ای دیگر راهبردی تاب‌آوری هیوستون است. در سال ۲۰۲۰، وقوع طوفان هاروی^۲ و ویرانی‌هایی که سیل برای هزاران خانوار آواره نتیجه داد سبب شد راهبرد تاب‌آوری هیوستون در این شهر اجرا شود. یکی از هجده هدف اصلی در این راهبرد حذف سازه‌های قابل سکونت در مناطق سیل‌خیز تا سال ۲۰۳۰ است. این امر به‌ویژه برای افزایش و حفظ سلامتی و ایمنی و دارایی محله‌های سیل‌خیز که محل زندگی ساکنان آسیب‌پذیر است و همچنین انعطاف‌پذیری و ظرفیت برای بازایی از سیل‌های آینده و خطرات اقلیمی، اقتصادی، و بهداشتی مرتبط با آن ضروری است. برای دستیابی به این هدف، شهرداری کارگاه‌های «زندگی با آب»

3. Pasig

4. Ondoy

5. Manggahan; en.codi.or.th/baan-mankong-housing/baan-man-kong-

۱. Runoff: آب حاصل از بارش باران، که بر سطح زمین جاری می‌شود و به نهرها و رودها می‌ریزد. (دانشنامه آزاد پارسی)

2. Harvey

اجتماعی و فرایندهای کوتاه‌مدت یا بلندمدت است در نظر گرفته شود. افزایش دسترسی به نظام‌های هشدار زودهنگام چند خطر و دسترسی آسان‌تر به اطلاعات مربوط به خطر بلایا یکی از اهداف جهانی است که در چهارچوب سندای^۱ برای کاهش خطر بلایا برای سال‌های ۲۰۳۰ - ۲۰۱۵ تعیین شده است.

در سال ۲۰۱۷، خشک‌سالی شدیدی در سراسر شاخ افریقا امنیت آب را تهدید کرد، محصولات کشاورزی را از بین برد، و گرسنگی مزمن را تشدید کرد. در کشور اوگاندا، که ۸۰ درصد جمعیت به کشاورزی دیم وابسته است، بخش کشاورزی به شدت آسیب دید و بیش از ۹ میلیون اوگاندایی به کمک غذایی نیازمند شدند. رخداد خشک‌سالی موجب برجسته‌تر شدن نیاز فوری به تقویت تاب‌آوری و بهبود زندگی و معیشت شد. در تلاشی به موقع، دولت اوگاندا مأموریتی را برای مدرن‌سازی نظام‌های نظارت و پایش داده‌های اقلیمی آغاز کرد تا از بلایای انسانی آینده، حتی زمانی که باران‌های مورد انتظار نمی‌بارد، جلوگیری شود.

یکی از کامل‌ترین نظام‌های پایش آب‌وهوا در شرق افریقا پروژه تقویت اطلاعات آب‌وهوا و نظام‌های هشدار زودهنگام^۲ در اوگاندا است. این پروژه با تأمین مالی از صندوق کشورهای کمتر توسعه‌یافته، تسهیلات جهانی محیط‌زیست، وزارت آب و محیط‌زیست، و حمایت برنامه توسعه ملل متحد^۳ به ثمر رسیده است. با نظارت این سیستم و گزارش‌دهی آن از پیش‌بینی رخدادهای اقلیمی، به کشاورزان خرد کمک می‌شود تا در زمان مناسب بکارند و به این ترتیب از برداشت خود بدون خسارت قابل توجهی مطمئن باشند. با این پروژه ظرفیت شبکه ملی هشدار زودهنگام برای هشدار و واکنش سریع به رخدادهای شدید آب و هوایی از جمله خشک‌سالی افزایش یافته است. به این صورت که در سراسر کشور فناوری به کار گرفته شده است و اطلاعات اقلیمی در فرایندهای تصمیم‌گیری دخیل شده است. همچنین دولت اوگاندا، برای حفظ امنیت غذایی و افزایش تاب‌آوری اقلیمی، گام‌های حیاتی مهمی برای مدرن‌سازی خدمات ملی اقلیمی^۴ برداشته است و به شهروندان خود خدمات عمومی ارزشمندی ارائه می‌کند تا راه‌حل‌های بلندمدت داشته باشند. با پروژه تقویت اطلاعات اقلیمی و نظام‌های هشدار زودهنگام، ایستگاه‌های هواشناسی قدیمی و نامناسب با نظام‌های بروز جایگزین شده است و با به‌کارگیری ابزارهای مؤثرتر و انتشار اطلاعات از خطر بلایا بهتر کاسته شده است. در این راستا، ۴۸ ایستگاه هواشناسی دستی بازسازی شده است که در آن‌ها

حاشیه رانده شده‌اند می‌توانند فعالانه در تصمیم‌گیری در مورد نحوه تاب‌آوری خود مشارکت کنند و در محله‌هایی که آن را خانه می‌نامند باقی بمانند (Chorover et al, 2020).

در همین راستا در کشور تایلند نیز برنامه‌ای بلندپروازانه برای ارتقای زندگی ساکنان غیررسمی مناطق حاشیه‌ای و حلیی‌آبادها آغاز شده است. در برنامه مسکن ایمن، دولت آپارتمان‌ها و خانه‌های کوچک را طراحی و احداث کرده است و با نرخ‌های یارانه‌ای به خانوارهای با درآمد پایین که توانایی پرداخت اقساط ماهانه دارند می‌فروشد. در بخش دوم این برنامه، وجوه دولتی در قالب یارانه‌های مسکن و وام‌های مسکن و حمایتی برای بهبود مسکن و محیط‌زیست مستقیم به جوامع فقیر داده می‌شود. این وجوه و مبالغ ترکیبی از بودجه دولت ملی، کمک‌های حکومت محلی، و مشارکت‌های اجتماعی افراد است. در این مرحله از پروژه، به جای تحویل واحدهای مسکونی به خانواده‌های فقیر یا جوامع ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، شهر در مرکز فرایند جمعی توسعه راه‌حل‌های بلندمدت قرار می‌گیرد. هدف برنامه مسکن ایمن حل کردن همه مشکلات مسکن در شهر است. انجام این کار مستلزم همکاری نزدیک بین جوامع فقیر، دولت‌های محلی، متخصصان، دانشگاه‌ها، و سازمان‌های غیردولتی، از همان آغاز پروژه، است. بنابراین، اولین قدم ایجاد کمیته مشترک شهری است تا بستری برای همه این گروه‌ها فراهم شود تا مشکلات را باهم درک کنند و با همکاری یکدیگر بر روند آن نظارت کنند تا همه جوامع فقیر شهر بررسی شود و زمین‌های مناسب (هم در محل و هم برای جابه‌جایی) برای ساخت مسکن و برنامه‌ریزی پروژه برای بهبود زندگی همه افراد شهر آغاز شود. در هر شهری شناسایی زمین مناسب همیشه یکی از عناصر دشوار برنامه‌ریزی بوده است و تبدیل سکونت‌گاه‌های غیررسمی به جوامع کاملاً قانونی و رسمی یکی از بخش‌های حیاتی پروژه‌های مسکن‌سازی مقاوم است.

۲-۳. فناوری: نظام‌های هشدار زودهنگام و هوش مصنوعی

۲-۳-۱. نظام‌های هشدار زودهنگام خطرات اقلیمی

نظام‌های هشدار زودهنگام از عناصر کلیدی تاب‌آوری و کاهش خطر بلایا است. هدف از این نظام‌ها جلوگیری از خسارت‌های ناشی از رخدادهای اقلیمی یا کاهش آن‌ها است. نیاز است پیش‌نیازهایی رعایت شود تا نظام‌های هشدار زودهنگام مؤثرتر عمل کنند: (۱) مردم و جوامع در معرض خطر باید فعالانه درگیر با این نظام‌ها باشند؛ (۲) آموزش عمومی درباره خطرات و افزایش آگاهی تسهیل شود؛ (۳) پیام‌ها و هشدارها مؤثر انتشار یابد؛ (۴) آمادگی همیشگی برای اقدامات اولیه حفظ شود. برای رسیدن به چنین نقطه‌ای داشتن رویکردی سیستمی نیاز است که با آن همه عوامل خطر که ناشی از مخاطرات اقلیمی یا آسیب‌پذیری‌های

1. Sendai framework

2. Strengthening Climate Information and Early Warning System (SCIEWS)

3. United Nations Development program (UNDP)

4. National Hydro-Meteorological Services (NHMS)

جمع‌آوری و تکمیل و تجزیه و تحلیل مجموعه داده‌ها، برای مدل‌سازی این پیچیدگی‌ها مناسب است. برای گسترش تلاش‌ها در زمینه به‌کارگیری هوش مصنوعی به مکانیسم‌های پیشرفته جمع‌آوری داده توجه بیشتری می‌شود. الگوریتم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی از آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت تغییرات آب‌وهوایی پیش‌بینی‌های بهتری به دست می‌دهند، از جمله پیش‌بینی‌های مربوط به الگوهای آب‌وهوا، سیل‌ها و خشک‌سالی‌ها، و الگوهای مهاجرت انسان. می‌توان از هوش مصنوعی برای کمک به دولت‌ها و افراد برای آماده‌شدن در برابر مهاجرت‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی استفاده کرد. همچنین هوش مصنوعی این قابلیت را دارد که طیف وسیعی از رخدادهای محیطی مختلف مانند زمان و مکان بارندگی را از طریق تصاویر ماهواره‌ای و اطلاعات خاص منطقه‌ای، مانند بلایای طبیعی گذشته و شرایط اقلیمی، با دقت پیش‌بینی کند. به این ترتیب به‌کارگیری هوش مصنوعی این را ممکن می‌کند پیش از جابه‌جایی فراوان جمعیت از آن آگاه شد. در نتیجه، به تصمیم‌گیران و مسئولان کمک می‌شود تا در صورت امکان منابع مناسب را برای امداد در نظر بگیرند.

در حال حاضر در برخی از سازمان‌ها تلاش می‌کنند تا برای ایجاد زیرساخت‌های مقاوم در برابر مخاطرات اقلیمی از هوش مصنوعی کمک بگیرند. برای نمونه در سال ۲۰۱۹، شورای پناهندگان دانمارک،^۴ با همکاری آی‌بی‌ام^۵ و بهره‌گیری از فناوری‌های مربوط به پیش‌بینی این شرکت، مدلی را مبتنی بر یادگیری ماشین^۶ توسعه داد. در این مدل^۷ داده‌های تاریخی در مورد سیاست و اقتصاد و بحران‌های اقلیمی برای پیش‌بینی جابه‌جایی‌های اجباری، و با هدف بهبود برنامه‌ریزی بشردوستانه، تحلیل می‌شود. این مدل برای جلوگیری از مهاجرت، به‌جای تسهیل آن، ارتقا یافته است. در نتیجه به‌وسیله این مدل تعداد آوارگان داخلی، پناهندگان، و پناهجویان پیش‌بینی می‌شود و دامنه جابه‌جایی به داخل مرزها محدود می‌شود (Danish Refugee Council [DRC], 2019).

در نمونه‌ای دیگر، کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان،^۸ با بهره‌گیری از فناوری هوش مصنوعی و با کمک‌گرفتن از متخصصان هوش مصنوعی و داده‌شناسان، با پیش‌بینی تغییرات اقلیمی و جابه‌جایی‌ها، راه‌حلی را برای حل مشکل جابه‌جایی‌های اجباری در سومالی که منجر به آواره‌شدن بسیاری در داخل کشور شده است تدوین کرده است (World Economic Forum, 2022). رصدخانه جهانی خشک‌سالی^۹

داده‌های هواشناسی جمع‌آوری می‌شود. علاوه بر این، شبکه‌ای از ۴۳ ایستگاه خودکار هواشناسی نیز در این فعالیت شرکت می‌کنند. دستیابی به این اهداف مربوط به هواشناسی با ابتکاری آب‌شناختی^۱ تکمیل شده است؛ به این صورت که در مجموع ۸۹ ایستگاه سطح آب فعال به پیش‌بینی سیل و رانش زمین کمک می‌کنند (United Nations Development Program [UNDP], 2018). با این نظام‌های هشدار، کاربران می‌توانند در هر زمان و در هر مکان و از هر دستگاه تلفن همراه با شماره‌گیری یک کد اطلاعات موثق را دریافت کنند. این مجموعه گسترده از فناوری‌های جدید و مشارکت‌های جدید باهم ترکیب می‌شود تا یک سیستم نظارت و گزارش کامل اقلیمی ایجاد شود تا دورترین جوامع آسیب‌پذیر نیز از اطلاعات آگاه شوند. از این طریق، وقتی بومیان اخبار هواشناسی را از رادیو دریافت می‌کنند می‌توانند قبل از وقوع بارندگی مسیری برای عبور آب باران درست کنند تا به گیاهان آسیبی وارد نشود و به این شکل خود را آماده کنند.

ارزشمندی و کارایی نظام‌های هشدار زودهنگام در سال ۲۰۱۶ در نپال ثابت شد. هنگامی که سطح سیل از سطح هشدار عبور کرد، جوامع پایین‌دست از طریق شبکه رادیویی و تلفنی از این اتفاق مطلع شدند. داده‌ها در درگاه برخط^۲ رسمی دولتی جمع‌آوری شد و هشدارهای خودکار از طریق پیامک و پخش رادیویی به مناطق ارسال شد. بنابراین پس از هشدار زودهنگام، زمان لازم برای انتقال دارایی‌های ضروری و جابه‌جاشدن به مکان‌های بالاتر و امن‌تر وجود داشت. هنگامی که سیل به روستاها رسید همه افرادی که بالقوه در معرض خطر بودند دیگر در امان بودند. بنابراین، با قابلیت‌های این سیستم خسارت‌های مالی و جانی در منطقه به حداقل رسید. بخشی از رویکرد هشدار زودهنگام مبتنی بر جامعه چنین است که افراد ساکن در حوضه‌های آبریز پیوسته اطلاعات مربوط به سطح آب منطقه خود را به ساکنان روستاهای پایین‌دست منتقل می‌کنند. همین‌طور گروه‌های اجتماعی هشدارهای دائمی سیل را از ایستگاه منطقه‌ای اداره هیدرولوژی دریافت می‌کنند. این هشدارها، از جمله پیام‌های متنی و تماس‌های تلفنی و اطلاعات تابلوهای هواشناسی، را اعضای کمیته مدیریت بلایای اجتماعی گسترده منتشر می‌کنند؛ این فرایند نتیجه برنامه‌های طراحی شده برای افزایش تاب‌آوری جوامع در برابر سیل است (Sedhai, 2021).

۲-۳-۲. هوش مصنوعی

نیاز است در مدل‌سازی رخدادهای شدید اقلیمی تعداد زیادی متغیر گنجانده شود. هوش مصنوعی،^۳ به‌علت قابلیت آن در

4. Danish Refugee Council

5. IBM

6. Machine learning

7. MM4Sight

8. The United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

9. Global Drought Observatory (GDO)

1. Hydrology

2. Online

3. Artificial intelligence

آغازگر برنامه‌های برآمده از آن‌ها جامعه یا سازمان‌های غیردولتی باشد اهمیت فراوانی دارد. این فرایند شامل راه‌حل‌های مشارکتی و یادگیری تکراری در سطح محلی است که با اقدامات تحول‌آفرین در مقیاس‌های ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی تکمیل می‌شود.

بنابه گزارش شاخص آسیب‌پذیری اقلیم جهانی^۲ در سال ۲۰۱۹، می‌توان با اقدامات سازگاری دقیق، محلی، و فراگیر طراحی‌شده به دستیابی به اهداف توسعه پایدار و افزایش تاب‌آوری جوامع کمک کرد (Eckstein et al, 2019). هنگامی که جوامع محلی درگیر نوآوری برای سازگاری می‌شوند قادرند تا دانش محلی و سنتی را دخالت بدهند و از شبکه‌های موجود بهره ببرند و، درعین‌حال، ظرفیت محلی را تقویت کنند و وابستگی بلندمدت خارجی را کاهش دهند. بنابراین، تعامل در سطح مردمی، توانمندسازی نهادهای محلی، و ایجاد جوامع تاب‌آور برای بشریت حیاتی خواهد بود

جوامع بومی و محلی در سراسر جهان، حتی پیش از اختراع سیستم‌های هشدار اولیه مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته یا روش‌های عملیاتی استاندارد واکنش، با روش‌های بومی خود به بلايا واکنش نشان می‌داده‌اند و این روش‌ها را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کرده‌اند (United Nations International Strategy for Disaster Reduction, 2008). در دانش مرسوم مدرن این روش‌ها، با اینکه کارایی و سودمندی‌شان در طول تاریخ ثابت شده است، به‌علت نبود توضیح یا اعتبار علمی نادیده گرفته شده است. از نمونه‌های این روش‌های بومی و سنتی می‌توان اشاره کرد که در بنگلادش، روستاییان برای محافظت از معیشت خود در برابر سیل باغ‌های سبزی‌های شناور می‌سازند، و در ویتنام، برای اینکه از امواج طوفان‌های گرمسیری جلوگیری کنند به کاشت جزایر مکررک در امتداد ساحل کمک می‌کنند.

مردم بومی از خطر بلايا اطلاعات فراوانی دارند. آن‌ها یاد گرفته‌اند که علائم موجود در دریا و آسمان و حیات‌وحش را برای پیش‌بینی خطرات به کار گیرند. تجربه بی‌واسطه بلايا سبب شده است جوامع نشانه‌ها و رفتار و آثار آن‌ها را بیاموزند، مانند اطلاعاتی درباره مدت، مکان، فراوانی، شدت، پیش‌بینی‌پذیری، زمان آغاز. دانش سنتی برای کاهش خطر بلايا در تجربیات انباشته‌ای نهفته است که با ارتباط نزدیک جوامع بومی با محیط‌شان و با آزمون و خطاهای متوالی در طول نسل‌ها شکل می‌گیرد. هنگام وقوع سونامی در سواحل تایلند، در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴، آن‌ها از دانش بومی و تجربه خود استفاده کردند تا به گردشگران و دیگران در مورد موجی که در راه است هشدار دهند. به‌همین ترتیب، دانش محلی قبایل بومی جزایر آندامان^۳ به آن‌ها آموخت که با توجه به

و رصدخانه خشک‌سالی اروپا رخدادهای خشک‌سالی و امواج گرما را با تجمیع داده‌های گوناگون شناسایی، توصیف، و پیش‌بینی می‌کنند. رصدخانه خشک‌سالی اروپا برای تاب‌آور و سازگار شدن با خشک‌سالی و با هدف توسعه سیستم هشدار خطر خشک‌سالی راه‌اندازی شده است تا به افزایش سازگاری و تاب‌آوری در برابر خشک‌سالی کمک شود. شوراها توسعه‌دهنده در کشورهایی همچون بریتانیا برای پیش‌بینی دقیق‌تر آب‌وهوا روی ماهواره‌ها و رادارها سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این نظام‌های با فناوری پیشرفته به‌ویژه در آب‌وهوای معتدل که در آن بارندگی معمولاً در طول چندین کیلومتر اتفاق می‌افتد مؤثر هستند. نظام‌هایی که قادر به پیش‌بینی بارش‌های همرفتی^۱ هستند به مقامات کمک می‌کنند تا از قبل هشدار دهند و از مرگ افراد و خسارت سیل جلوگیری کنند.

۲-۴. خودسازمان‌دهی و یکپارچگی اکوسیستم

خودسازمان‌دهی اصطلاحی است که اشاره دارد به فرایندهایی که با آن‌ها گروه‌ها و جوامع در جامعه مدنی می‌آموزند چگونه خودشان با تغییرات اقلیمی روبه‌رو شوند و متفاوت با اشکال بازارمحور یا دولت‌محور واکنش جمعی کنند (Atkinson et al, 2017). در سیستم‌های پیچیده، تغییرات در مقیاس بزرگ به‌واسطه حلقه‌های بازخورد مثبت یا خودتقویت‌کننده پایین‌به‌بالا اتفاق می‌افتد. این بدان معنا است که نباید انتظار داشت تغییرات اساسی از بالا به پایین رخ دهد. به‌این‌صورت، شهروندان با الگوی خودسازمان‌دهی خودشان به‌سوی آینده‌ای روشن‌تر مسیری را ترسیم می‌کنند. هماهنگی جهانی برای اقدامات درست و مناسب باید به گونه‌ای باشد که وظایف در بسیاری از گروه‌های کوچک و متوسط تقسیم شود؛ گروه‌هایی که در آن‌ها درک و آگاهی بالایی از ریسک وجود دارد و درعین‌حال درباره اهداف جمعی ابهام کمینه است.

تاب‌آوری مردم بومی ریشه در دانش سنتی دارد؛ زیرا ظرفیت آن‌ها برای سازگاری با تغییرات محیطی در درجه اول بر اساس درک عمیق از زمین شکل گرفته است. مالکیت امن زمین و توانایی حاصل از آن برای دسترسی، مدیریت، و استخراج منابع طبیعی پیش‌شرطی است برای حفظ تاب‌آوری جوامع محلی. در برنامه‌هایی که بر اساس دانش بومی و وابسته به منابع محلی است و اعضای جامعه در توسعه و اجرای آن مشارکت دارند، به‌رغم ابهام در برنامه‌های جهانی، پتانسیل پیشرفت بالایی وجود دارد. بر اساس تجربه بسیاری از کشورها، با برقراری فرایندهای سازگاری پایین‌به‌بالا ظرفیت سازگاری جوامع در برابر شرایط مخاطره‌آمیز افزایش می‌یابد و، به‌این‌ترتیب، توسعه مدل‌هایی تاب‌آور که

۱. Convective rainfall: ریزش باران در آب و هوای داغ، حاصل از آشوب جریان‌های همرفتی هوای گرم. هوایی که با گرمایش فوق‌العاده زیاد سطح زمین گرم شده است، به ارتفاعات بالا می‌رود و ناگهان سرد می‌شود. در نتیجه، بخار آب همراه این توده هوا متراکم می‌شود و باران به‌شدت می‌بارد. باران‌های همرفتی غالباً همراه با طوفان‌اند. (دانشنامه آزاد پارسی)

2. Global Climate Risk Index

3. Andaman

۲-۵. تنوع

ممکن است ایجاد تاب‌آوری به ایجاد تنوع در فعالیت‌های اقتصادی سنتی نیاز داشته باشد؛ به‌ویژه در برخی از کشورهای درحال توسعه که در برابر تأثیرات تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیرند. درک عوامل آسیب‌پذیری معیشت برای کاهش خطرات محلی مرتبط با اقلیم ضروری است. تغییر و تنوع در اقتصاد، سبک زندگی، بازارها، صنایع، و سیستم‌های کشاورزی، بدیل‌های متنوعی برای سازگاری محسوب می‌شوند.

تنوع اقتصادی فرایند تغییر اقتصاد از منبع درآمدی واحد به منابعی متعدد از طیف روبه‌رشدی از بخش‌های اقتصادی و بازارها است که به‌طور سنتی آن را راهبردی برای تشویق به رشد و توسعه اقتصادی مثبت در نظر می‌گرفتند و با همین هدف هم آن را به کار می‌بستند. در زمینه سازگاری با تغییرات اقلیمی، بازارها و مشاغل به سمت ایجاد منابع درآمدی‌ای که در برابر تغییرات اقلیمی تاب‌آوری بیشتری دارند در حرکت هستند.

دولت‌های کشور سنگال، که در آن پیوسته خشک‌سالی رخ می‌دهد، برای کاهش اتکای خود به کشاورزی بر توسعه گردشگری ساحلی تمرکز کرده‌اند که در سال ۲۰۱۴ برای این کشور ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را همراه داشته است. این تنوع بین‌بخشی منجر می‌شود به اینکه فرصت‌های جدیدی برای افراد فراهم شود تا در شغل‌های پردرآمد به‌عنوان کارمند هتل و راهنما کار کنند. در نمونه‌ای دیگر، در کشور رواندا بر تنوع‌بخشی به بخش کشاورزی از طریق تولید محصولات جدید، فناوری جدید، و بازارهای جدید تمرکز کرده‌اند. تنوع در محصولات تجاری مانند ذرت باعث افزایش درآمد کشاورزان شده است. در مواقعی که ضروری است تلاش می‌شود تا با بودجه دولت برای کاهش تلفات محصول، بهبود برداشت، و تشکیل تعاونی‌های کشاورزان اقدام شود. حدود ۸۰ درصد از مردم رواندا در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و به کشاورزی وابسته‌اند، بنابراین رشد قوی کشاورزی باعث کاهش فقر نیز شده است؛ به‌طوری‌که فقر از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ به میزان ۱۴ درصد کاهش یافته است (Climate & Development Knowledge Network) [CDKN], 2016.

۳. تاب‌آوری در ایران: سازگاری و اتکا بر دانش بومی

کشور ایران، با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، یکی از مناطق پرتنش و مخاطره‌خیز به‌لحاظ تغییرات اقلیمی و فشارهای محیط‌زیستی به شمار می‌آید. به‌طور کلی، ۸۲ درصد از مساحت کشور ایران مناطق خشک و نیمه‌خشک است. میانگین بارش در ایران کمتر از یک‌سوم میانگین بارش جهانی است. بالین حال وقوع سیل مناطق زیادی از کشور را درگیر می‌کند. ایران یکی از کشورهای مخاطره‌خیز در جهان است و در آن شاهد وقوع بلایای

پس‌روی و پیش‌روی آب دریا شروع به عقب‌نشینی کنند. همچنین در منطقه کوچ گجرات^۱ هند، توانستند با اتکا به دانش محلی خود خشک‌سالی را بر اساس جهت بادها پیش‌بینی کنند. کشاورزان بر اساس این دانش الگوی کشت خود را مطابق پیش‌بینی‌های خود تغییر می‌دهند (Jigyasu, 2020).

در کشور سریلانکا نیز برای کاهش خشک‌سالی و افزایش رفاه روستاییان در دهکده‌ها سیستم‌های مخزن آبرسانی روستایی^۲ را با رویکرد سنتی به کار گرفته‌اند. چون چنین نظام‌هایی برای جامعه روستایی مفید بوده است، طی صدها سال در روستاهای مستعد خشک‌سالی باقی مانده است. قدمت برخی از این نظام‌ها به بیش از دوهزار سال می‌رسد. با وجود این، نمونه‌ای ویژه از تاب‌آوری بالا و پایداری بلندمدت را نشان می‌دهد. این نظام‌ها مجموعه‌ای از مخازن متصل به هم است که در حوضه‌ای کوچک مقیاس از منطقه‌ای خشک سازمان‌دهی شده‌اند و بدون شک امنیت غذایی جوامع روستایی را، در عین تقویت هماهنگی بوم‌شناختی و اجتماعی، بهبود بخشیده‌اند. دانش احداث این سازه‌ها شفاهی و توسط نسل‌های مختلف منتقل شده است که منجر به ایجاد سیستم‌های کاربردی منحصربه‌فرد زمین، دام‌پروری، و آبی‌پروری شده است. حفاظت و بهبود آن‌ها ضامن امنیت غذایی و ثبات محیط‌زیستی با سرمایه‌گذاری نسبتاً کم است. جوامع روستایی که هنوز از این سیستم استفاده می‌کنند پایگاه دانش ویژه‌ای را در خود جای داده‌اند که در طول قرن‌ها با پتانسیل بکر تکامل یافته‌اند (Bebermeier et al., 2023).

حفاظت از سرزمین‌های بومی و حفاظت از حق اقامت در این سرزمین‌ها هم برای نسل‌های فعلی و هم برای نسل‌های آینده مردمان بومی هدفی اساسی است. اگر افراد بومی از سرزمین اجدادی خود رانده شوند، تاروپود جوامع بومی از هم خواهد پاشید. با این حال، با تسریع تخریب محیط‌زیست و تغییرات آب‌وهوا و بلایا، ممکن است جوامع بومی جابه‌جایی و مهاجرت را انتخاب کنند و مجبور به حرکت شوند. محققان تاب‌آوری همچنین ادعا می‌کنند که وقتی گروه‌های مختلفی از ذی‌نفعان، مانند دانشمندان، اعضای جامعه با دانش محلی، سازمان‌های غیردولتی، و مقامات دولتی، منابع را اشتراکی مدیریت کنند تصمیم‌گیری‌ها آگاهانه‌تر خواهد بود و افراد سهم به تصمیم‌گیری و حمایت تمایل بیشتری خواهند یافت. در نتیجه، گزینه‌های بیشتری برای آزمایش و ارزیابی سیاست‌ها وجود خواهد داشت. بنابراین، توجه به اشکال متنوع دانش، از جمله دانش بوم‌شناختی و علمی - سنتی، در مدیریت سیستم‌های اجتماعی - بوم‌شناختی ضروری است.

1. Kutch Gujarat

2. Village tank cascade systems

طبیعی از جمله رانش زمین، بارندگی‌های شدید و سیل، طوفان گردوخاک، و خشک‌سالی هستیم. در نتیجه، به سبب افزایش گرما در آینده طوفان‌های شن فراوان‌تر و شدیدتر خواهد شد.

ناامنی غذایی یکی از پیامدهای اقلیمی، تغییر اقلیم و خشک‌سالی و کاهش تولیدات کشاورزی، است و در نتیجه آن بسیاری از مردم ایران در معرض تهدید قرار گرفته‌اند. این امر با افزایش قیمت مواد غذایی نیز در حال تشدید است. کشاورزی از عمده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی ایران، به‌ویژه در نواحی روستایی، است که به منابع آبی متکی است. طبق آمار رسمی حدود ۱۹/۱ درصد از جمعیت کل کشور ایران و حدود ۵۲/۸ درصد از جمعیت روستایی این کشور در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند (بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران برای سال ۱۳۹۵؛ amar.org.ir). وقوع ضربه‌های اقلیمی منجر به جابه‌جایی داخلی ساکنان مناطق در معرض تهدید شده است که در نتیجه آن بسیاری از مردم، به دنبال یافتن شرایط اقتصادی - اجتماعی بهتر، مکان سکونت خود را تخلیه کرده‌اند. نتیجه این جابه‌جایی‌ها را می‌توان در افزایش مهاجرت‌های روستا به شهر مشاهده کرد.

مطالعات گسترده محیط‌زیستی نشان‌دهنده این است که آسیب‌پذیری ایران در برابر تغییرات اقلیمی بیش از متوسط جهانی است. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ تعداد افرادی که در کشورهایی زندگی می‌کنند که تاب‌آوری لازم برای تغییرات بوم‌شناختی ندارند افزایش یابد. همه این افراد آواره نخواهند شد، اما با احتمال بالا تعداد زیادی از آن‌ها آواره خواهند شد. کشور پاکستان با ۲۲۰ میلیون نفر کشور نخست از نظر تعداد افراد در معرض خطر و ایران با ۸۴ میلیون نفر پس از آن قرار گرفته است (Institute for Economics & Peace, 2020). از این رو در کشور ایران، با توجه به شکنندگی محیط ایران و آسیب‌پذیری آن در برابر بحران‌های محیط‌زیستی و اقلیمی و ادامه روندهای تخریب‌گر محیط‌زیستی، ضرورت تأکید بر تاب‌آوری محیطی برای کاهش خسارت و تلفات و جلوگیری از سایر معضلات اجتماعی همچون جابه‌جایی و مهاجرت بیش از پیش احساس می‌شود.

ایرانیان از گذشته، با تکیه بر دانش بومی و روش‌های سنتی حفاظت از خاک و آب و بیابان‌زدایی، به شکلی از توسعه کشاورزی که با متناسب با محدودیت‌های اقلیمی و زمین باشد دست یافته‌اند. گذشتگان برای محافظت از فعالیت‌های معیشتی خود روش‌هایی را چون ایجاد استخرهای ذخیره آب، قنات، اندود کردن جوی‌ها و نهرها با خاک رس، حذف ریشه‌های سطحی، و استفاده از کاه و کلش در موقع آبیاری به کار می‌گرفته‌اند. این شیوه‌های سنتی وابسته بوده است به دانش بومی درباره آبخیزداری سازگار با محیط‌زیست و شرایط اقلیمی کشور. این روش‌ها، در عین پاسخ‌گویی به نیازهای روبه‌رشد جوامع، باعث می‌شده است از منابع محدود طبیعی به شیوه‌ای

از هفت‌هزار سال پیش در خراسان آبیاری سیلابی انجام می‌شده است. در این روش، علاوه بر کنترل جریان سیلاب و جلوگیری از خسارت به جان و اموال مردم، آب سیلاب به جهت مصارف آبیاری ذخیره می‌شده است. در خراسان جنوبی، با مشارکت همگانی مردم و با اعمال یک سری روش‌ها با خشک‌سالی و کم‌آبی مقابله می‌کرده‌اند، روش‌هایی از جمله لایروبی قنات‌ها، سوه‌زدن، زیرسازی، گورآب‌کردن و در بخش‌هایی با سیستم نیمه‌رن، تغییر در مدار گردش آب، استخربندی کردن، ساززنی، و هنارکردن. همین‌طور در مناطق جنوبی استان فارس نخل‌کاری با استفاده از سیلاب معمول بوده است. در این روش یک دهانه آب‌گیر ساخته می‌شود و به این ترتیب بخشی از سیلاب آبراهه‌های اصلی به سوی اراضی حاشیه، به منظور سیراب کردن و آبیاری نخل‌ها، هدایت می‌شود و در نتیجه آن حدود ۷۰ درصد از سیلاب کنترل می‌شود (Shahbazi et al., 2020).

از نمونه‌های سازگاری و هم‌گامی با طبیعت در فضاهای روستایی نواحی خشک استفاده از سیلاب و ایجاد مزارع سیلابی مرسوم به بندسار است. به کارگیری این روش در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و در مرکز و جنوب و شمال‌شرقی استان خراسان گسترده مشاهده می‌شود. اصطلاح بندسار اشاره به زمینی دارد که زراعت در آن با آب باران و سیلاب انجام می‌شود. به بیان دیگر، این زمین حوضچه‌ای است که در مسیر خشکه‌رودها یا مناطق تپه‌ماهوری ایجاد می‌شود و سیلاب یا رواناب دامنه‌ها به داخل آن هدایت و نگهداری می‌شود تا به تدریج در خاک نفوذ کند (Fall Soleyman et al., 2018).

در دشت گزیر واقع در بندرلنگه در استان هرمزگان، سازه‌های بومی برای مقابله با اثر تخریبی سیل از دیرباز ساخته شده است. سازه «شل‌گیر» در واقع حوضچه آرام و قطعه زمین بدون کشت است. سیلاب از طریق خشکه‌رود به شل‌گیرها هدایت می‌شود، در آنجا سرعت جریان آب کم می‌شود و بخشی از رسوبات انباشته می‌شود. این سازه باعث کاهش سرعت آب و کاهش گل‌آلودی آب و آثار مخرب آن می‌شود. معمولاً این سازه‌ها در بالادست بندها و آب‌انبارها به کار گرفته می‌شود (Barzegar et al., 2019).

ساکنان سیستان و بلوچستان، منطقه‌ای خشک و کم‌آب، از گذشته با روش‌های ساده و دانش و تجربه بومی سیلاب‌ها را مهار کرده‌اند و از آن بهره‌برداری کرده‌اند. از این رو صاحب تجربه و دانش بومی ارزشمندی هستند. آن‌ها با ایجاد سامانه‌های خاکی و سنگی در مناطقی همچون کوهپایه‌ها، دامنه‌ها، عرض دره‌ها، و دشت‌ها سیلاب را مهار و با ایجاد زمین‌های کشاورزی و کشت سیلابی این زمین‌ها را به نخلستان و کشتزار تبدیل

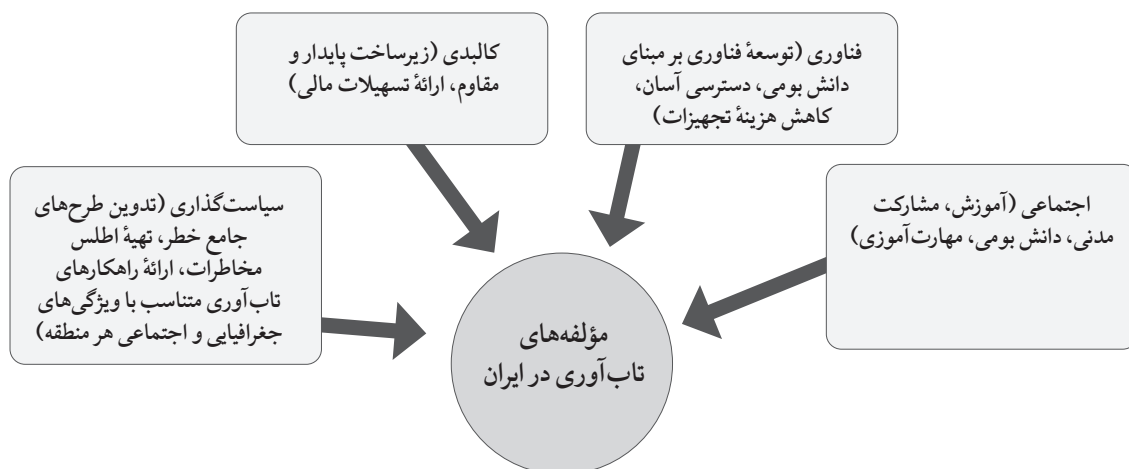
جابه‌جایی می‌شوند تا حد زیادی وابسته است به سیاست‌های سازگاری که برای مقابله با این تغییرات اعمال می‌شود. در حالی که بسیاری از افراد جامعه باید با تغییرات اقلیمی سازگار شوند، دولت و سازمان‌های دولتی نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. در اسناد بالادستی در ایران به‌طور کلی به موضوع تاب‌آوری اشاره شده است، اما دولت می‌تواند با اجرای برنامه‌های کاربردی و خودسازمان‌دهی در مناطق شهری و روستایی با مشارکت مردم و با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و اجتماعی و فرهنگی هر منطقه قوانین و مقرراتی را وضع کند و برای هر منطقه الگوی تاب‌آوری خاصی ارائه دهد. برای نمونه، ممکن است منطقه‌ای در مقابل خشک‌سالی تاب‌آور باشد، در صورتی که زیرساخت‌های منطقه در برابر سیل و سایر خطرات اقلیمی آسیب‌پذیر باشد. این سیاست‌ها و مقررات می‌تواند شامل وضع مقررات برای تخلیه مناطق آسیب‌دیده، تهیه اطلس مخاطرات، تقویت زیرساخت‌ها، و تهیه مسکن مقاوم در مناطقی باشد که ممکن است در معرض خطر تغییرات اقلیمی باشند (شکل ۲).

برخی از روش‌های سنتی در مناطقی از کشور برای سازگاری کارایی ندارد و به‌علت ناآشنایی بومیان با دانش جدید و ناتوانایی در به‌کارگیری فناوری همچنان در برابر مخاطرات اقلیمی سازگاری و تاب‌آوری ندارند. بسیاری از فناوری‌های ارائه‌شده به کشاورزان و جوامع روستایی خارج از روستا به وجود می‌آید و از نظر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و اقلیمی تفاوت زیادی با شرایط جامعه روستایی دارد. برای نمونه در توسعه کشاورزی هوشمند، دانش و زیرساخت‌های به‌کارگیری کشاورزی دقیق در ایران تا حدودی فراهم شده است، اما به‌سبب پایین بودن سطح دانش کشاورزان، کوچک‌بودن مزارع، و مشکلات و هزینه‌های زیاد دسترسی به ابزار هوشمند امکان اجرای این طرح در مقیاس وسیع در همه مناطق وجود ندارد.

کرده‌اند. نمونه‌هایی از این سامانه‌ها خوشاب و دربند است. سامانه خوشاب در حاشیه رودخانه‌ها، دشت‌های دامنه‌ای، و میان ماهورها احداث شده است و شامل دیواره سنگی با خاکی، نهر سیلاب‌رسان، و زمین کشاورزی است که کل آن با دست و دانش بومی مردم ساخته شده است و تا دوونیم‌هکتار وسعت دارد. سامانه دربند نیز خاص دره‌های کوهستانی است که با هدف انباشت خاک و ایجاد نخلستان دیم ایجاد شده است که شامل زمین نخلستان و بند سنگی است که تا نیم‌هکتار وسعت دارد. این سامانه‌ها علاوه بر تأمین بخشی از معاش روستاییان و عشایر منطقه با افزایش تاب‌آوری محیط و افراد نقش مهمی در کنترل سیلاب، کاهش خسارت، توسعه منابع آب، و ماندگاری ساکنان منطقه داشته است (Khoobfekrabadi et al., 2019).

به‌طور کلی، طیف وسیعی از فعالان، از جمله افراد و جوامع و جامعه مدنی و دولت‌ها و بازیگران خصوصی، در افزایش سازگاری و تاب‌آوری سهم دارند. بنابراین، پاسخ‌های پایدار مستلزم آن است که همه این بازیگران از خطرات اقلیمی فعلی و پیش‌بینی‌شده و نحوه بازیابی از خطرات آگاه باشند. در نتیجه، ضروری است که با آموزش و مشارکت مدنی افراد و حضور نسل مسن‌تر در کنار نسل جوان‌تر برای انتقال تجربه و دانش بومی در طرح‌های تاب‌آوری به آن‌ها راه‌های مقابله با خطرات را آموخت. درک شیوه‌های محلی در ارزیابی چگونگی استفاده خانوارها از دانش و فناوری و منابع محلی برای کاهش خطر و مقابله سازگار با رخدادهای مکرر نقش مهمی دارد. اگرچه دانش بومی و تجربه پیشینیان گنجینه‌ای ارزشمند است، ممکن است اجرای برخی از این راهبردهای بومی در شرایط فعلی به‌ویژه برای نسل جوان‌تر دشوار باشد و به توسعه، نوآوری، و ادغام با روش‌های نوین و فناوری نیاز باشد.

تعداد افرادی که به‌علت تأثیرات تغییرات اقلیمی مجبور به



شکل ۲: مؤلفه‌های تاب‌آوری در ایران

جمع‌بندی

با افزایش فراوانی مخاطرات اقلیمی و آثار منفی تغییرات اقلیمی، هموارکردن مسیر توسعه پایدار و نگرش تاب‌آوری بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. از اهداف چنین نگرشی افزایش ظرفیت جوامع در برابر بحران‌ها، کاهش آسیب‌پذیری، و جلوگیری از جابه‌جایی و مهاجرت افراد است. از آنجاکه ایجاد تاب‌آوری می‌تواند ضامن رفاه انسانی در محل زندگی افراد در حال و آینده باشد، اتخاذ رویکرد و سیاست‌هایی که با کمک آن‌ها آسیب‌پذیری کاهش یابد و ظرفیت و توانایی نظام‌ها و افراد افزایش یابد ضروری است.

تاب‌آوری مفهومی چندبعدی و شامل ابعاد محیطی، اجتماعی، اقتصادی، زیرساختی، و نهادی است. در نتیجه، باید مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری یعنی ظرفیت جذب، سازگاری و تغییر در سطوح متفاوت فردی و ملی ایجاد و تقویت شود. همچنین در مطالعات و اجرای آن باید این ماهیت چندبعدی در نظر گرفته شود، همه ابعاد با هم بررسی شوند، و در هر بعد شاخص‌هایی در نظر گرفته شود که در ایجاد تاب‌آوری کل سیستم مؤثر باشد.

در کشورهای مختلف، با توجه به امکانات در دسترس و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، آموزشی و به‌کارگیری فناوری، تلاش می‌کنند تاب‌آوری جوامع را افزایش دهند. این امر مستلزم آن است که دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌ها نقش فعالی در ایجاد تغییرات ایفا کنند تا برنامه‌ها و سیاست‌های سازگاری ملی و منطقه‌ای در راستای تاب‌آوری محیط و برای کمینه‌کردن آثار منفی رخدادهای و بلایای طبیعی و کاهش مهاجرت باشد. از آنجاکه ویژگی‌های جغرافیایی و اجتماعی و فرهنگی هر منطقه متفاوت است، ضروری است که برنامه‌ها و سیاست‌های تاب‌آوری در هر منطقه همراه باشد با مشارکت مدنی، توسعه دانش بومی، و به‌کارگیری فناوری در راستای دانش بومی و زیرساخت‌های منطقه‌ای. همچنین تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها و سیاست‌گذاران، در راستای وضع قوانین و مقررات و سیاست‌های تاب‌آوری، می‌تواند توانایی بازیگران دیگر را برای سازگاری با تأثیرات تغییرات اقلیمی تقویت یا محدود کند. این قوانین و سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند شامل (۱) مقررات منطقه‌بندی در مناطقی باشد که ممکن است در معرض خطر تغییرات اقلیمی باشند، (۲) سیاست‌هایی باشد برای ترویج استفاده کارآمدتر از آب در مناطقی که ممکن است با کمبود آب بیشتری مواجه شوند، (۳) قوانین ساختمانی اصلاح‌شده باشد در مناطقی که ممکن است در معرض خطر سیل و طوفان باشند، و (۴) تقویت آمادگی (هشدار اولیه، برنامه‌ریزی حوادث غیر مترقبه، برنامه‌ریزی برای تخلیه، تاب‌آوری، رویکردهای ابتکاری مانند تأمین منابع مالی) باشد.

منابع فارسی که معادل لاتین آن‌ها در فهرست منابع آمده

است

برزگر، مریم، قربانی، مهدی، حسن‌زاده، علیرضا و حسینی گزیر، عبدالواحد (۱۳۹۸). «تحلیل دانش بومی و ابتکارات محلی سازگار در مدیریت منابع آب (منطقه مورد مطالعه: دشت گزیر)». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۲، ص ۱۲۱ - ۹۹.

خونفکر برآبادی، حبیب‌الله، حسینی مزندی، حمید و عرب خلدی، محمود (۱۳۹۸). «سامانه‌های بومی و سنتی استحصال آب باران در بلوچستان ایران». دانش‌های بومی ایران، دوره ۶، شماره ۱۲، ص ۳۰۶ - ۲۷۹.

شهبازی، مریم، کرمانشاهی، شکوه، احمدی، حامد، جمشیدی، محبوبه، کاکوند، پوریا و رضایی، حمیدرضا (۱۳۹۹). «دانش بومی مدیریت و مهار سیلاب در باغستان سنتی قزوین: سزاوار نگاهی نو در زمینه حفاظت و احیا». سامانه‌های سطوح آبگیر باران، دوره ۸، شماره ۱، پیاپی ۲۴، ص ۱۲ - ۱.

فال سلیمان، محمود، حجی‌پور، محمد و کامران‌نژاد، علیرضا (۱۳۹۱). «بندسارها، فن‌آوری بومی مقابله با کم‌آبی و خشک‌سالی در نواحی خشک و نیمه‌خشک (مطالعه موردی حوضه آبریز دشت بیرجند)». اولین همایش ملی بیابان (علوم، فنون و توسعه پایدار)، تهران.

منابع

Adger, W. N., Brown, K., and Waters, J. (2011). "Resilience". In Dryzek, J., Norgaard, R., and Schlossberg, D. (Eds.), *Oxford Handbook of Climate Change and Society* (pp. 696-710). Oxford: Oxford University Press.

Aid, C. (2007). *Human tide: the real migration crisis*. Available at: https://documentation.lastradainternational.org/lisidocs/christian_07_human_crisis_0109.pdf Alexander, D. E. (2013). "Resilience and Disaster Risk Reduction: An Etymological Journey". *Natural hazards and earth system sciences*, 13(11), pp. 2707-2716.

Atkinson, R., Dörfler, T., Hasanov, M., Rothfuß, E., and Smith, I. (2017). "Making the Case for Self-Organisationself-Ow Communities Make Sense of Sustainability and Climate Change through Collective Action". *International Journal of Sustainable Society*, 9(3), pp. 193-209.

Barzegar, M., Ghorbani, M., Hassanzadeh, A., and Hosseini Gezir, A. (2019). "Analysis of Adapting Indigenous Knowledge and Local Initiatives in Management of Water Resources (Case Study: Gezir Plain)". *Iranian Journal of Anthropological Research*, 8(2), pp. 99-121. doi: 10.22059/ijar.2019.71600. {In Persian}

- Bebermeier, W., Abeywardana, N., Susarina, M., and Schütt, B. (2023). "Domestication of Water: Management of Water Resources in the Dry Zone of Sri Lanka as Living Cultural Heritage". *Wiley Interdisciplinary Reviews: Water*, e1642.
- Callaghan, M., Schleussner, C. F., Nath, S., Lejeune, Q., Knutson, T. R., Reichstein, M., et al. (2021). "Machine-Learning-Based Evidence And Attribution Mapping Of 100,000 Climate Impact Studies". *Nature climate change*, 11(11), pp. 966-972.
- Carriquiry, A. N., Sauri, D., and March, H. (2020). "Community Involvement in the Implementation of Sustainable Urban Drainage Systems (Sudss): The Case of Bon Pastor, Barcelona". *Sustainability*, 12(2), pp. 510.
- CDKN (Climate & Development Knowledge Network) (2016). "Diversifying a Country's Economy Isn't a Neat Solution to Climate Change—It Just Changes the Risks". Available at: <https://cdkn.org/story/feature-diversifying-a-countrys-economy-isnt-a-neat-solution-to-climate-change-it-just-changes-the-risks>
- Chorover, T., and Arriens, J. (2020). "Faced with Forced Relocation, the People of One Philippine City Designed Their Own Climate-resilient Neighborhood". Available at: <https://www.connective-cities.net/aktuelles/faced-with-forced-relocation-the-people-of-one-philippine-city-designed-their-own-climate-resilient-neighborhood>
- Cutter, S. L., Barnes, L., Berry, M., Burton, C., Evans, E., Tate, E., and Webb, J. (2008). "A Place-Based Model For Understanding Community Resilience To Natural Disasters". *Global environmental change*, 18(4), pp. 598-606.
- Davoudi, S., Shaw, K., Haider, L. J., Quinlan, A. E., Peterson, G. D., and Wilkinson, C. (2012). "Resilience: a bridging concept or a dead end? 'Reframing' resilience: challenges for planning theory and practice interacting traps: resilience assessment of a pasture management system in Northern Afghanistan urban resilience: what does it mean in planning practice? Resilience as a useful concept for climate change adaptation? The politics of resilience for planning: a cautionary note". *Planning theory & practice*, 13(2), pp. 299-333.
- De Bruijn, K. M. (2005). Resilience and flood risk management: a systems approach applied to lowland rivers. *Doctoral Thesis*. Delft University.
- De Bruijn, K. M., Lips, N., Gersonius, B., and Middelkoop, H. (2016). "The Storyline Approach: A New Way to Analyse and Improve Flood Event Management". *Natural Hazards*, 81(1), pp. 99-121.
- De Bruijn, K., Buurman, J., Mens, M., Dahm, R., and Klijn, F. (2017). "Resilience in Practice: Five Principles to Enable Societies to Cope With Extreme Weather Events". *Environmental Science & Policy*, 70, pp. 21-30.
- DRC (Danish Refugee Council). (2019). "Seeing the future? The mixed migration foresight project". Available at: <https://pro.drc.ngo/about-us/partners-and-donors/private-sector-engagement/seeing-the-future-the-mixed-migration-foresight-project/>
- Eckstein, D., Künzel, V., Schäfer, L., and Winges, M. (2019). *Global climate risk index 2020*. Bonn: Germanwatch.
- Elmqvist, T., Andersson, E., Frantzeskaki, N., McPhearson, T., Olsson, P., Gaffney, O. et al. (2019). "Sustainability and Resilience for Transformation in the Urban Century". *Nature sustainability*, 2(4), pp. 267-273.
- Engle, N. L., De Bremond, A., Malone, E. L., and Moss, R. H. (2014). "Towards A Resilience Indicator Framework for Making Climate-Change Adaptation Decisions". *Mitigation and Adaptation Strategies for Global Change*, 19(8), pp. 1295-1312.
- Erker, S., Stangl, R., and Stoeglehner, G. (2017). "Resilience In The Light Of Energy Crises—Part I: A Framework to Conceptualise Regional Energy Resilience". *Journal of Cleaner Production*, 164, pp. 420-433.
- Fall Solayman, M., Hajipour, M., and Kamran Nejad, A. (2018). "Bandsars, Indigenous Technology to Deal with Water Shortage and Drought in Arid and Semi-Arid Areas (Case Study: Plaine of Birjand)". *The first national desert conference* (sciences, techniques and sustainable development). <https://>

- civilica.com/doc/160518 } In Persian {
- Folke, C. (2006). "Resilience: The Emergence of a Perspective for Social-Ecological Systems Analyses". *Global environmental change*, 16(3), pp. 253-267.
- Grey, V., Livesley, S. J., Fletcher, T. D., and Szota, C. (2018). "Tree Pits to Help Mitigate Runoff in Dense Urban Areas". *Journal of Hydrology*, 565, pp. 400-410.
- Hashimoto, T., Stedinger, J. R., and Loucks, D. P. (1982). "Reliability, Resiliency, and Vulnerability Criteria for Water Resource System Performance Evaluation". *Water resources research*, 18(1), pp. 14-20.
- Holling, C. S. (1973). "Resilience and Stability of Ecological Systems". *Annual Review of Ecology and Systematics*, 4, pp. 1-23.
- Institute for Economics & Peace (2020). *Ecological Threat Register 2020: Understanding Ecological Threats, Resilience and Peace*. Sydney. Available At: <http://visionofhumanity.org/reports>
- Intergovernmental Panel on climate change (2014). "Summary for Policymakers". In Field C. B., Barros, V. R., Dokken, D. J., Mach, K. J., Mastrandrea, M. D., Bilir, T. E., Chatterjee, M., Ebi, K. L. et al. (Eds.), *Climate Change 2014: Impacts, Adaptation, and Vulnerability*. Part A: Global and Sectoral Aspects. Contribution of Working Group II to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change (pp. 1-32). United Kingdom and New York, NY, USA: Cambridge University Press, Cambridge.
- IOM (International Organization for Migration) (2018). *Mapping Human Mobility (Migration, Displacement and Planned Relocation) and Climate Change in International Processes, Policies and Legal Frameworks*. Available at: <https://unfccc.int/sites/default/files/resource/WIM%20TFD%20II.2%20Output.pdf>
- Jigyasu, A. (2020). "Harnessing the Knowledge of Indigenous Communities for DRR". Available at: <https://www.preventionweb.net/blog/harnessing-knowledge-indigenous-communities-drr>
- Khoobfekrbarabadi, H., Hosainimrandi, H., and Arabkhedri, M. (2019). "Native and Traditional Rainwater Harvesting Systems in Balochistan of Iran". *Indigenous Knowledge*, 6(12), pp. 279-306. doi: 10.22054/qjik.2020.40475.114. {In Persian}
- King, C. A. (2008). "Community Resilience and Contemporary Agri-Ecological Systems: Reconnecting People and Food, and People with People". *Systems Research and Behavioral Science*, 25(1), pp. 111-124
- Krasny, M. E., and Tidball, K. G. (2009). "Applying a Resilience Systems Framework to Urban Environmental Education". *Environmental Education Research*, 15(4), pp. 465-482.
- Levenson, N., Dulac, N., Zipkin, D., Cutcher-Gershenfeld, J., Carroll, J., and Barrett, B. (2006). "Engineering Resilience into Safety-Critical Systems". In Hollnagel, E., Woods, D. D., and Leveson, N. (Eds.), *Resilience engineering: Concepts and precepts* (pp. 95-123). Aldershot, UK: Ashgate.
- Lorenz, D. F. (2013). "The Diversity of Resilience: Contributions from a Social Science Perspective". *Natural hazards*, 67(1), pp. 7-24.
- Maguire, B., and Hagan, P. (2007) "Disasters and Communities: Understanding Social Resilience". *Australian Journal of Emergency Management*, 22(2), pp. 16-20.
- Manyena, S. B. (2014). "Disaster Resilience: A Question of 'Multiple Faces' and 'Multiple Spaces'?" *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 8, pp. 1-9.
- Meadows, D. H. (2008). *Thinking in systems: A primer*. Chelsea Green Publishing.
- Satorras, M., Lara, Á., and Ruiz-Mallén, I. (2020). *Booklet of Urban Resilience Community Initiatives in Seville and Barcelona: Civil Society against the Effects of Climate Change*. Available At: <https://turbain3.wordpress.com/2020/09/10/booklet-of-urban-resilience-community-initiatives-in-seville-and-barcelona-civil-society-against-the-effects-of-climate-change/>
- Sedhai, A. (2021). "Early warning system saving lives during Nepal 's monsoon". Available at: <https://www.preventionweb.net/news/early-warning-systems-saving-lives-during-nepals-monsoon>

- Shahbazi, M., Kermanshahani, S., Ahmadi, H., Jamshidi, M., Kakvand, P., and Rezaei, H. (2020). "Indigenous Knowledge of Flood Management and Floodwater Spreading In Qazvin Traditional Garden; Deserves a New Look at Conservation and Restoration". *Iranian Journal of Rainwater Catchment Systems*, 8(1), pp. 1-12. Available At: <http://jircsa.ir/article-1-365-fa.html>. {In Persian}
- Simonovic, S. P. (2010). *Systems approach to management of disasters: methods and applications*. John Wiley & Sons.
- Smit, B., and Pilifosova, O. (2003). "Adaptation to Climate Change in the Context of Sustainable Development and Equity". *Sustainable Development*, 8(9).
- Smith, M. (2011). "Combining the what and how of building climate resilience: Water ecosystems and infrastructure". In Waughray, D (Ed.), *Water security: The water-food-energy-climate nexus* (pp. 201-3). Island Press, Washington, DC.
- Tidball, K. G., and Krasny, M. E. (2007). "From Risk To Resilience: What Role For Community Greening And Civic Ecology In Cities?" In, Wals, A. (Ed.), *Social Learning towards a More Sustainable World* (pp. 149-164). Wageningen: Wageningen Academic Press.
- UNDP (United Nations Development Program) (2018). "Power to the Farmers: Climate Information and Early Warnings to Save Lives and Build Resilience in Uganda". Available at: <https://undp-climate.exposure.co/power-to-the-farmers>
- United Nations International Strategy for Disaster Reduction (2009). *UNISDR Terminology on Disaster Risk Reduction*. UNISDR, viewed 27 September 2012.
- United Nations International Strategy for Disaster Reduction (2008) *Indigenous knowledge good practices and lessons learned from experiences in the Asia-Pacific Region*. European Union, Bangkok.



Building Climate-Resilient Communities; Say No to Migration

Maryam Edalat Moghadam¹

Abstract

Climate-related disasters triggered displacements of millions of people worldwide. In addition to displacement, the negative consequences of climate change have caused water scarcity, food insecurity, and many other issues such as conflict and political insecurity. Building resilient communities is a key adaptation strategy to combat the impacts of climate change and rely on adaptation policies. Thus, to better withstand the negative impacts of such shocks and recover quickly and strongly from them, countries adopt policies to reduce the vulnerability of individuals and societies. In this paper, the concepts, principles, and perspectives on climate resilience were presented with a descriptive-analytic approach. Then, the experience of various countries, including Iran, on climate resilience by applying indigenous knowledge and technologies to build climate resilience was analyzed. Examining the experiences of different countries shows that some countries have been able to make their societies resilient based on indigenous knowledge and available facilities, while others have been able to invest in education, citizen participation, and infrastructure enhancement. In addition, with the support of the government and private organizations, by applying technology such as early warning systems and artificial intelligence, and relying on self-organization and economic diversity many people have been able to make their living environment resilient and not migrate from their homes. The review shows that Iran's regional experiments on the climate resilience of societies have long been based on indigenous knowledge and that the use of modern technology is not widely used because of poor knowledge of people, high costs, and lack of easy access. Therefore, in order to make the various regions of Iran more resilient, to raise society's awareness of environmental hazards, strengthen infrastructure, integrate indigenous knowledge with technology, and provide resilience policies according to the characteristics of each region reinforce the applied knowledge aspect and experience needed with the technology.

Keywords: Climatic Hazards, Displacement, Migration, Adaptation to Environmental Hazards, Resilience

1. Researcher of Iran Migration Observatory; m.edalat@ut.ac.ir

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

نقش	مریم عدالت مقدم نویسنده
نگارش متن	*
ویرایش متن و ...	*
طراحی / مفهوم‌پردازی	*
گردآوری داده	*
تحلیل / تفسیر داده	*
سایر نقش‌ها	-

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافع داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گزینش دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گزینش آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد.

نویسنده مسئول: مریم عدالت مقدم

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳

چهارچوب سیاست‌گذاری و حقوق پناهندگان در ایران، با تأکید بر سیستم تعیین وضعیت پناهندگی

DOI: 20.1001.1.24767220.1401.12.4.2.3

سعیده مختارزاده^۱

هانیه انصاری^۲

چکیده

حق در خواست پناهندگی، مطابق با قوانین بین‌المللی از جمله کنوانسیون ۱۹۵۱، مربوط به وضعیت پناهندگان و از حقوق مسلم هر پناهجو است. این حق تکلیف و مسئولیت دولت‌های پذیرنده درباره بررسی درخواست و تعیین وضعیت پناهجویان را شامل می‌شود. از آنجاکه در کنوانسیون چگونگی اعطای این حق مشخص نشده است و در حیطه اختیارات ملی کشورها قرار داده شده است، این امر تحت تأثیر سیاست‌های دولت‌ها قرار می‌گیرد. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان سیستم تعیین وضعیت پناهندگی را برای شناسایی وضعیت این پناهجویان تدوین کرده است. با این حال، کشورهای عضو کنوانسیون الزام حقوقی به پیروی از این سیستم ندارند. ایران یکی از کشورهای مهم میزبان پناهجویان است. ایران در زمینه فرایند تعیین وضعیت پناهجویان شورای تعیین وضعیت پناهندگی، سیستم سرشماری و نیز اجازه اقامت موقت (کارت آمایش) دارد که در این پژوهش بررسی شده است. از آنجاکه برخورداری از هر نوع خدمات منوط بر مشخص بودن وضعیت حقوقی و اقامتی افراد است، بررسی وضعیت بیش از نیم میلیون نفر مهاجر جدید پس از قدرت‌گیری طالبان حائز اهمیت است. در این پژوهش با روش کیفی و مبتنی بر تحقیق کتابخانه‌ای، چهارچوب حقوقی پناهندگی در ایران بر اساس قوانین مربوط بررسی شده است و ضرورت توجه به موضوع سیاست‌گذاری وضعیت پناهندگی در آن به بحث گذاشته شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فقدان قوانین کارآمد و انباشت مقررات در نهادهای اجرایی سبب شده است شرایط کنونی و آینده این مهاجران پیچیده و مبهم شود. همچنین صادر نکردن کارت آمایش برای افراد تازه‌وارد و بدون مدرک از چالش‌های مهم سیستم فعلی است. بنابراین، تحول در این سیستم، که یکی از ارکان اساسی سیاست‌گذاری مهاجرت است، نه تنها سبب تعیین تکلیف شمار فراوان مهاجران ورودی می‌شود، بلکه موجب می‌شود از تحمیل بار اضافی ناشی از حضور افراد فاقد مدرک پیشگیری شود. این امر همچنین زمینه‌های رعایت حداکثری حقوق پناهندگان و مهاجران را فراهم می‌کند. واژگان کلیدی: حقوق پناهندگان، سیاست‌گذاری مهاجرت، سیستم تعیین وضعیت پناهندگی، مهاجران افغانستانی، پناهندگان در ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه فردریش - الکساندر، ارلانگن - نورنبرگ، آلمان (نویسنده مسئول): saeede.mokhtarzade@fau.de

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، کارشناسی ارشد برنامه اروپایی مهاجرت و روابط میان‌فرهنگی، دانشگاه اولدنبورگ، آلمان

مقدمه

در جستجوی زندگی بهتر، رفاه، یا امنیت بیشتر به اجبار ترک وطن می‌کنند (Mosaffa and Mokhtarzade, 2016). این پیچیدگی در تشخیص علل مهاجرت اجباری درباره مهاجرانی که از افغانستان وارد ایران می‌شوند نیز صدق می‌کند. مشکلات امنیتی، بمب‌گذاری‌های مکرر (Hashemi Moghadam, 2021)، بی‌ثباتی اقتصادی، خشک‌سالی‌های پی‌درپی و طولانی (Weerasinghe, 2021)، بیکاری، و کمبود شدید معیشت، عوامل درهم‌تنیده‌ای است که موجب مهاجرت عده فراوانی از مردم افغانستان شده است (Graeme et al., 2012).

از طرف دیگر، از عوامل مهم تداوم ورود مهاجران جدید به ایران سابقه طولانی پذیرش پناهندگان افغانستانی و عراقی، ثبات امنیتی در ایران، توسعه‌یافتگی بیشتر ایران نسبت به این دو کشور، هم‌زبانی با جمعیت بزرگی از مردم افغانستان، وجود پیوندهای مشترک دینی، و شبکه‌های اجتماعی بوده است (Graeme et al., 2012). از آنجاکه پناهندگان، مطابق با نظام حقوق بین‌الملل پناهندگان، در کشورهای میزبان حقوقی دارند، شناسایی دقیق وضعیت افراد ورودی و تمایزگذاری میان پناهندگان با مهاجران اقتصادی یا تحصیلی با اهمیت است. بنابراین ضروری است، با نگاهی به تجربه‌های موفق دیگر کشورهای مهاجرپذیر، فرایندی اداری - حقوقی تحت عنوان «سیستم تعیین وضعیت پناهندگی» تدوین شود. این فرایند باید با ساختارهای کشور منطبق باشد و از تعهدات بین‌المللی دولت‌های متعهد کنوانسیون ۱۹۵۱، و از استانداردهای بین‌المللی کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان - از این پس به اختصار کمیساریا - برگرفته شده باشد. اهمیت این امر در امکان تحقق موارد زیر نمایان می‌شود: حمایت از حقوق پناهندگان، پیشگیری از حضور غیرقانونی مدعیان پناهندگی، امکان برنامه‌ریزی‌های کلان، و دریافت مساعدت‌های بین‌المللی.

ایران کشوری است مهاجرپذیر و پناهنده‌پذیر؛ به همین علت انتظار می‌رود موضوع مهاجرت برای سیاست‌گذاران، پژوهش‌گران، و مدیران این کشور دغدغه‌ای مهم باشد. با وجود این، بررسی ادبیات پژوهشی موجود حاکی از آن است که بسیاری از زوایای این موضوع، به‌ویژه مسئله ضرورت ایجاد سیستم تعیین وضعیت پناهندگی، مغفول مانده است. از این رو در پژوهش حاضر، با روش کیفی (توصیفی - تحلیلی) و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مرور قوانین داخلی و اسناد و رویه قضایی بین‌المللی، دست‌یابی به پاسخ این پرسش‌ها دنبال می‌شود: قانون‌گذاری جامع و دربردارنده استانداردهای شناسایی وضعیت حقوقی مهاجران در کشور تا چه اندازه ضروری است؟ و قوانین و مقررات موجود در کشور به چه میزان پاسخ‌گوی این ضرورت است؟ برای پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها، چهارچوب‌های حقوقی بین‌المللی و داخلی در بخش اول بررسی می‌شود و در بخش

در سال‌های اخیر، مسئله مدیریت مهاجرت‌های اجباری و حمایت از مهاجران از دغدغه‌های اصلی بسیاری از دولت‌ها بوده است. ابعاد مختلف این موضوع، اعم از پذیرش و ادغام پناهندگان و مهاجران در کشور میزبان و حمایت از آنان در کشورهای دیگر، به بحثی اساسی در مذاکرات بین‌المللی و سیاست‌گذاری‌های داخلی تبدیل شده است. اگرچه نظام حقوق بین‌الملل پناهندگان در ابتدای دهه ۱۹۵۰ برای پاسخ به بیشترین جمعیت آوارگان و پناهندگان پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، ۷۰ سال پس از آن، جهان با جمعیتی بسیار بیشتر از آوارگان آن جنگ روبه‌رو است که به اجبار آواره یا جابه‌جا شده‌اند (United Nations High Commissioner for Refugees [UNHCR], 2021a).

ایران، به علت همسایگی با کشورهای افغانستان و عراق، در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی همواره یکی از چند کشور اول پناهنده‌پذیر در جهان بوده است. همچنین شرایط افغانستان سبب شده است که ایران در طول سال‌های گذشته همواره مبدأ بیشترین جمعیت بی‌جاشدگان طولانی‌مدت و یکی از سه کشور اول پناهنده‌فرست باشد (UNHCR, 2021a). اگر امروزه رتبه ایران، با وجود ورود هزاران نفر از اتباع افغانستانی و افزایش تعداد مهاجران در کشور پس از تغییر حکومت افغانستان در سال ۱۴۰۰، در مقایسه با سایر کشورهای پذیرنده پناهنده از کشورهایی چون ترکیه و پاکستان پایین‌تر است (UNHCR, 2021a)، به علت ندانستن تعداد دقیق مهاجران اجباری در کشور، نداشتن سازوکار ثبت اطلاعات در نقاط مرزی، و به‌کارگیری سیستم تعیین وضعیت پناهندگی ناکارآمد است.

سیاست‌گذاری در این حوزه، برای ارائه الگویی تحلیلی - راهبردی در مقام تصمیم‌گیری (Foruzande Dehkordi and Vejdani, 2009)، بایستی بر اساس مطالعات میان‌رشته‌ای و با تکیه بر آمار دقیق صورت گیرد. ضروری است که بخشی از این سیاست‌گذاری بر پذیرش مهاجران و شکل‌دادن به سازوکارهای تعیین وضعیت آنان متمرکز باشد. پیش از ورود به بحث ضرورت به‌کارگیری این سازوکار، لازم است بدانیم پناهنده کیست و چرا شناسایی وضعیت فرد پناهنده اهمیت دارد. پناهنده کسی است که به علت جنگ یا بنابه علل پنج‌گانه ذکر شده در کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره وضعیت پناهندگان - از این پس به اختصار کنوانسیون ۱۹۵۱ - شامل نژاد، ملیت، مذهب، عضویت در گروه اجتماعی خاص، یا عقیده سیاسی، از ترس آزار و تعقیب به کشور دیگری می‌گریزد؛ همچنین قادر نبودن یا مایل نبودن به برخورداری از حمایت دولت متبوع فرد پناه‌جو عنصر مهم دیگری در این تعریف و در شناسایی فرد پناهنده است (Keyhanlou, 2011). اما امروزه به علت پیچیدگی علل پناهندگی، و تلفیق آن با فقدان امنیت غذایی و تبعیض سیستماتیک و تغییرات اقلیمی، بسیاری

در حالی که در بند ۱ ماده ۱۴ اعلامیه حقوق بشر^۱ (United Nations General Assembly, 1948) - که کمیساریا آن را اساس حق پناهندگی می‌داند (UNHCR, 2009) - به صراحت این حق جزو حقوق بشر و برای همه افراد اعلام شده است، اشاره‌ای به تکلیف دولت‌ها بر پذیرش پناهندگی نشده است. همچنین، با وجود آنکه کنوانسیون ۱۹۵۱ صراحتاً به «حق پناهندگی» نپرداخته است، برخی پژوهش‌گران (UNHCR, 2009) معتقدند فحواي ماده ۳۱ (پناهندگانی که برخلاف قانون در کشور پناه‌دهنده به سر می‌برند)^۲، ماده ۳۲ (اخراج)^۳، و ماده ۳۳ (منع اخراج یا اعاده)^۴ بر حق پناهندگی دلالت می‌کند.

بحث‌های مفصلی نیز در مورد اصل ممنوعیت بازگرداندن اجباری^۵ صورت گرفته است. گروهی از پژوهش‌گران معتقدند (Edwards, 2005) با اینکه در کنوانسیون مشخصاً از حق پناهندگی نام برده نشده است، طرح اصل ممنوعیت بازگرداندن اجباری، که بنابه آن کشورها صراحتاً از رد پناه‌جویان از مرزهای خود منع می‌شوند، همان حق بر پناهندگی است. اما آیا لزوماً پذیرش و رعایت اصل ممنوعیت بازگرداندن اجباری مساوی با پذیرش حق بر پناهندگی است؟ این گروه استدلال می‌کنند که کنوانسیون ۱۹۵۱ با به‌کاربردن عبارت «بهره‌مندی از پناهندگی»^۶ مفهوم مبهم پذیرش موقت یا ماندن^۷ را به مفهومی تبدیل کرده است که در آن دولت‌ها با عنایت به اصل منع بازگرداندن اجباری به رعایت رویه مشخصی ملزم می‌شوند. بر این مبنا، در عین حال که دولت‌ها مجبور به اعطای پناهندگی نیستند، افراد با اخراج‌نشدن و داشتن حق ماندن (موقت تا تعیین تکلیف) می‌توانند به‌نوعی از این حق بهره ببرند. بر اساس این دیدگاه، حق پناهندگی سطوح مختلفی دارد از جمله حق بر اقامت، منع اخراج، منع شکنجه، و... (Edwards, 2005).

این مفهوم از قضیه^۸ Aemei v. Switzerland نیز برداشت می‌شود. کمیته ضد شکنجه سازمان ملل^۹ درباره این قضیه بیان می‌کند که در عین اینکه دولت ملزم به اعطای حق پناهندگی نیست اما مسئول یافتن راه‌هایی برای رعایت ماده ۳ کنوانسیون

دوم، کیفیت سیستم تعیین وضعیت پناهندگی ایران در سال‌های گذشته، در دوره سیاست درهای باز و سیاست بازگشت‌های داوطلبانه بررسی خواهد شد. در پایان، با در نظر گرفتن آخرین موج ورود مهاجران جدید به کشور از سال گذشته (۱۴۰۰) تاکنون (۱۴۰۱) و با ارزیابی شیوه سرشماری، مدارک اقامتی پناهندگان در ایران بررسی خواهد شد و به چالش‌های برآمده از آسیب‌شناسی این روش تا حد امکان پرداخته می‌شود.

۱. چهارچوب نظری حقوقی حق بر پناهندگی در پرتو حقوق بین‌الملل و حقوق ایران

از دیرباز در جوامع بشری و مکاتب حقوقی به حق پناهندگی توجه شده است. این حق یکی از حقوق بنیادین بشر است و نه تنها در اسناد متعدد حقوق بین‌الملل بلکه در حقوق داخلی کشورها نیز به آن توجه شده است (Keyhanlou, 2010). به علاوه، موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی به‌طور کلی و مهاجرت‌های اجباری به‌طور خاص همواره از لحاظ ایجاد موازنه میان رعایت حقوق بشر مهاجران، اقتدار، حاکمیت، و منافع دولت‌ها موضوع بحث‌برانگیزی بوده است (Beygzadeh and Sarafat, 2012).

حاکمیت دولت‌ها بحثی کلیدی در میان مباحث حقوقی به‌ویژه حقوق بین‌الملل است. می‌توان ادعا کرد که در این زمینه میان دانشمندان اتفاق نظر وجود دارد. اما زمانی که این اصل در تقابل با حقوق بنیادین بشری قرار می‌گیرد جامعیت آن اندکی محدود می‌شود. چراکه به همان اندازه که درباره حاکمیت دولت‌ها اتفاق نظر هست، حقوق بنیادین بشری و لزوم رعایت آن نیز ضروری است. از جمله این حقوق حق پناهندگی است که در اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون ۱۹۵۱ به آن توجهی ویژه شده است. به بیان بهتر، در سوی مقابل حق افراد بر ارائه درخواست پناهندگی تکلیف دولت‌ها به پذیرش آن قرار دارد. اینکه افراد تا چه میزان و چگونه از این حق برخوردارند در قوانین متعددی مورد بحث قرار گرفته است که در ادامه خواهد آمد. اما لازم است بدانیم اثبات یک طرف مسئله لزوماً ثابت‌کننده طرف دیگر نیست. بدین معنا که حق افراد بر پناهندگی لزوماً دولت‌ها را ملزم به پذیرش درخواست پناهندگی و به تبع آن اعطای پناهندگی نمی‌کند. در این بخش، ابتدا حق بر پناهندگی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و سپس حق بر پناهندگی در حقوق ایران بررسی خواهد شد.

۱-۱. حق پناهندگی و بررسی درخواست پناهندگی در حقوق بین‌الملل

پناهندگی از جمله حقوق بشری است که همه افراد بشر فارغ از جنسیت، ملیت، نژاد، و مذهب به‌طور برابر از آن برخوردارند.

1. "Everyone has the right to seek and to enjoy in other countries asylum from persecution."

2. Refugees unlawfully in the country of refugee

3. Expulsion

4. Prohibition of expulsion or return (refoulement)

5. Non-refoulement principle

6. "Enjoy asylum"

7. "Temporary admission or stay"

۸. قضیه پناهجوی ایرانی که متعاقب رد درخواست پناهندگی‌اش در سویس مدعی شد بازگرداندن اجباری‌اش به ایران نقض ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ توسط سویس است.

9. Committee against torture

حال سؤال این است: آیا الزام دولت‌ها به رعایت اصل ممنوعیت بازگرداندن اجباری برابر است با تکلیف دولت‌ها به اعطای پناهندگی؟ چنان‌که گفته شد، شاید بتوان از اصل منع بازگرداندن اجباری حق بر پناهندگی را، هرچند در سطوح بسیار جزئی، استنباط کرد؛ اما نمی‌توان ادعا کرد رعایت این اصل تکلیفی قانونی در پذیرش درخواست پناهندگی است. تکلیف دولت‌ها در رعایت اصل ممنوعیت بازگرداندن اجباری تکلیف عام است که بر عهده جامعه بین‌المللی قرار گرفته است (Maghami and Saberi, 2019)؛ چراکه «وظیفه ابتدایی حمایت از پناهندگان بر عهده دولت‌ها است. بار مسئولیتی که بر دوش کمیساریا و سایر بازیگران عرصه بین‌الملل در این زمینه وجود دارد نمی‌تواند جایگزین مسئولیت، خواست سیاسی، و همکاری کامل دولت‌ها در این زمینه باشد» (UNHCR, 2009, p. 121). بدین معنا، خواست، اراده، و حاکمیت دولت‌ها همیشه در اولویت قرار می‌گیرد و حمایت نهادهای بین‌المللی در این زمینه مکمل آن است.

در این باره، دادگاه اروپایی حقوق بشر در قضیه Vilvarajah and Others v. The United Kingdom با به رسمیت شناختن اصل حاکمیت دولت‌ها در کنترل ورود، اقامت، و اخراج بیگانگان از حوزه سرزمینی خود، اجرای این اصل را منوط به رعایت قواعد حقوق بشر در زمینه منع شکنجه و رفتار غیرانسانی می‌کند (Vilvarajah and Others v. the United Kingdom, 1991). این دادگاه همچنین در قضیه Saadi v. Italy با وجود آنکه خواهان در کشور مبدأ به علت عضویت در گروهک تروریستی محکوم به حبس شده بود، ایتالیا را مجاز به بازگرداندن خواهان به کشور مبدأ ندانست و این استرداد را مصداق نقض ماده ۳ کنوانسیون منع شکنجه به حساب آورد (Saadi v. Italy, 2008). از طرفی، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه Colombian-Peruvian asylum با به رسمیت شناختن حاکمیت سرزمینی دولت‌ها، استرداد پناهنده‌ای را که در محدوده سرزمینی دولتی ثالث مرتکب جرمی شده باشد کاربرد عادی اصل حاکمیت می‌داند (Colombia v. Peru, 1950). بنابراین، «حق دولت در اعطای پناهندگی از یکپارچگی سرزمینی‌اش ناشی می‌شود» (Nicolosi, 2015). از این رو، هرچند دولت‌ها مسئولیتی عام در عدم اخراج پناهندگان و حمایت از آنان دارند، این مسئولیت را نمی‌توان به مثابه تکلیفی بر دوش دولت‌ها برای پذیرش درخواست پناهندگی دانست. با این حال، این به معنی آزادی بی‌چون و چرای دولت‌ها در بازگرداندن اجباری پناهجویان نیز نیست. پناهندگانی که از حقوق و مزایای پناهندگی در کشور میزبان برخوردار می‌شوند نیز تکالیفی بر عهده دارند. چنان‌که در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ بیان شده است: «هر پناهنده در کشوری که به سر می‌برد ملزم است خود را با قوانین آن کشور و اقداماتی

منع شکنجه^۱ است. این راه‌ها ممکن است اعطای حق اقامت موقت باشد یا یافتن کشور امن ثالثی که مایل به اعطای این اقامت است (UN Committee Against Torture (CAT), 1997). طرفداران این نظریه استدلال می‌کنند که بدون اعطای اجازه ماندن در محدوده سرزمینی کشور و شروع رویه تعیین وضعیت نمی‌توان به منع بازگرداندن اجباری پایبند بود. بنابراین، اگر دولت‌ها طبق کنوانسیون ملزم به رعایت اصل ممنوعیت بازگرداندن اجباری‌اند، باید برای پناهجویان اجازه اقامت صادر کنند و این همان حق بر پناهندگی است. آن دسته که دیدگاه مقابل آن را دارند معتقدند که ممنوعیت بازگرداندن اجباری و حق بر پناهندگی دو مفهوم کاملاً متفاوت‌اند. در حالی که منع بازگرداندن اجباری فقط به منع اعاده و اخراج اشاره دارد، حق بر پناهندگی مربوط به اجازه ماندن در حدود سرزمینی کشور است (Nicolosi, 2015). اجازه ماندنی که تحت اصل ممنوعیت بازگرداندن اجباری صادر می‌شود ممکن است کوتاه‌مدت باشد و طبق شرایط ویژه‌ای باشد. اما حق بر پناهندگی مفهومی بسیار گسترده‌تر است و شامل حقوق متفاوتی در سطوح مختلف می‌شود. از این رو هیچ‌گاه نمی‌توان این دو مفهوم را یکی دانست.

اصل حاکمیت دولت‌ها از جمله اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و خدشه‌ناپذیر است (Bernhardt, 2000, p. 501). مفهوم حاکمیت را می‌توان از جنبه‌های متفاوتی تفسیر کرد، اما این مفهوم وجه مشترک اقتدار حاکمه دولت‌ها است. این قدرت دولت‌ها را واجد صلاحیت داخلی و بین‌المللی می‌کند (Najandi Manesh et al., 2012). به همین علت هرچند انتظار می‌رود دولت‌ها وظایفی در قبال حفظ حقوق افراد داشته باشند، اما ابعاد حاکمیت دولت‌ها چنان وسیع است که، بر اساس قاعده لوتوس^۲، حتی اگر خود را ملزم به تعهدی کنند، این تعهد از اراده آزاد دولت‌ها ناشی می‌شود چراکه اصل بر اختیار دولت‌ها است (Case of the S.S. "Lotus", 1927, p. 18). بر مبنای همین اصل در کنوانسیون ۱۹۵۱ در ماده ۴۲، دولت‌ها در تعیین هرگونه شرط ضمنی بر هرکدام از مواد کنوانسیون (به جز مواد مستثنی شده) هنگام پذیرش و امضای کنوانسیون آزاد گذاشته شده‌اند.^۳

۱. چنانچه دلایل متقن در مورد تحت شکنجه قرارگرفتن شخص وجود داشته باشد، هیچ کشور عضوی نباید به اخراج، برگرداندن و یا استرداد وی مبادرت ورزد. ۲. به منظور احراز وجود این گونه دلایل، مقامات صلاحیت‌دار عندالاقضا کلیه ملاحظات مربوطه از جمله وجود این الگوی رفتاری ثابت از نقض فاحش، آشکار، یا گسترده حقوق بشر در کشور مربوطه را در نظر می‌گیرند. «می‌توان در آدرس زیر به متن فارسی کنوانسیون دسترسی یافت:

(آخرین مراجعه: ۱۹ فروردین ۱۴۰۱) <https://www.unic-ir.org/hr/hr40.pdf>

2. Case of the S. S. "Lotus"

۳. ماده (۱) ۴۲ - رزروها: در موقع امضا - تصویب یا الحاق هر دولت می‌تواند راجع به کلیه مواد این کنوانسیون به استثنای مواد ۱ و ۳ و ۴ و (۱) ۱۶ و ۳۳ و ۳۶ لغایت ۴۶ رزروهایی قائل گردد.»

و مناسب تدوین نشده است بلکه نیاز به سامان‌دهی مشکلات ناشی از اقامت طولانی مدت این افراد سبب شده است نهادهای مختلف در مقاطع زمانی متفاوت آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌هایی را تصویب کنند که هم‌پوشانی داشته باشند و خلأهای متعددی در آن‌ها باشد.

ایران از سال ۱۳۵۵ با تصویب قانون کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن و با در نظر گرفتن حق شرط کلی و چهار حق شرط مشخص نسبت به مواد ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۲۶ به عضویت این کنوانسیون درآمده است.^۲ مطابق با ماده ۹ قانون مدنی، این کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن در حکم قانون است.^۳ علاوه بر این در قانون اساسی (اصل ۱۵۵؛ ۱۹۷۹؛ Assembly of Experts)، حق پناهندگی به رسمیت شناخته شده است و به دولت اجازه داده شده است که به کسانی که تقاضای پناهندگی سیاسی دارند پناه دهد. این اصل اشعار می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد، مگر اینکه طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند». مطابق این اصل، دولت اختیار اعطای پناهندگی به پناهندگان سیاسی را دارد و نه تکلیف به آن. درباره نحوه اعلام درخواست پناهندگان سیاسی و بررسی آن می‌توان به آیین‌نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲ (National Consultative Assembly, 1963) مراجعه کرد. تعریف فرد پناهنده در ماده ۱ این آیین‌نامه وسیع‌تر از اصل ۱۵۵ قانون اساسی و حتی ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ است. مطابق این ماده، پناهنده فردی است که به همان علل پنج‌گانه مذکور در کنوانسیون (تعقیب و آزار بر مبنای عقیده سیاسی، نژاد، ملیت، مذهب، یا عضویت در گروه اجتماعی خاص) ترس از جان یا شکنجه داشته باشد. این امر شامل افراد خانواده تحت تکفل او نیز می‌شود. یعنی در حالی که کنوانسیون ارائه درخواست پناهندگی را فقط منحصر به

که برای حفظ نظم عمومی به عمل می‌آید تطبیق دهد». این وظیفه پناهندگان نباید از اسباب نقض وضعیت پناهندگی یا اصل منع بازگرداندن اجباری شود. به عبارت دیگر، در صورتی که پناهنده مرتکب جرم یا خطایی شده باشد، مانند هر شهروند دیگر، باید طبق قانون مجازات شود، اما علتی برای اخراج شدن یا محرومیت از وضعیت پناهندگی نیست (Hathaway, 2021). مگر آنکه طبق ۳۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ عمل صورت گرفته ناقض امنیت ملی یا نظم عمومی بوده باشد و مرجع قضایی صالح تصمیم به اخراج پناهنده بگیرد. در این خصوص برخی حقوق‌دانان ایرانی معتقدند که اگرچه اصولاً هر جرمی مستلزم مجازات قانونی است، ممکن است تخلف از مقررات بدون مجازات مشخص در قانون مانند اطلاع‌اندادن تغییر محل کار و سکونت پناهنده به مقامات ذیصلاح، به علت نقض تعهدات و مقررات ایران وفق مواد ۸ و ۹ آیین‌نامه پناهندگان، منجر به لغو مدرک پناهندگی و اخراج پناهنده از کشور شود (Mousazade and Kahrizi, 2016). گفتنی است که رعایت این تکالیف، مانند رعایت قوانین، احترام به فرهنگ کشور میزبان، پرداخت مالیات، یادگیری زبان کشور مقصد، و شرکت در کلاس‌های آموزشی ادغام اجتماعی، در نهایت به نفع خود پناهندگان است و می‌تواند سبب جذب آن‌ها در جامعه میزبان شود (Beygzade and Sarafraz, 2012).

۱-۲. حق پناهندگی و بررسی درخواست پناهندگی در حقوق ایران

ایران از کشورهایی است که طی چهار دهه گذشته میزان تعداد بسیاری پناهنده بوده است. مطابق آخرین آمار منتشرشده در وبگاه کمیساریا در سال ۲۰۲۰، ایران میزبان ۸۰۰ هزار پناهنده بوده است که از این تعداد ۷۸۰ هزار نفر پناهنده افغانستانی و ۲۰ هزار نفر پناهنده عراقی بوده‌اند. همچنین ایران میزبان ۵۸۶ هزار نفر اتباع افغانستانی بوده است که گذرنامه و روادید معتبر (شامل روادید دانشجویی و روادید تمدیدشده گذرنامه خانوار) داشته‌اند و میزبان حدود ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار نفر اتباع افغانستانی بوده است که مدرک اقامتی معتبر نداشته‌اند (UNHCR, 2020a). با وجود چنین سابقه طولانی‌ای در میزبانی پناهندگان و مهاجران اجباری، می‌توان ادعا کرد رویکرد و عملکرد ایران از نظر توسعه قوانین مرتبط با مهاجران و پناهجویان منفعلانه بوده است و این کشور با نواقص قانونی جدی روبه‌رو است (Dashab and Mokhtarzade, 2021). پس از ورود موج‌های پر شمار مهاجران به ایران و حضور جمعیت چند میلیونی مهاجران و پناهندگان افغانستانی و عراقی در این کشور، نه تنها قوانینی جامع

۲. حق شرط کلی که در مصوبه «ماده واحد تصویب کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط به آن مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷» بند ۱ ذکر شده است و عبارت از این است که دولت ایران در تمام مواردی که از دولت‌ها خواسته شده است تا رفتار معمول با تبعه خارجی را نسبت به پناهندگان داشته باشند، این حق را محفوظ می‌داند که از انجام مساعدترین رفتار معمول نسبت به اتباع دولت‌هایی که با آن‌ها موافقت‌نامه‌های اقامتی، ناحیه‌ای، گمرکی، اقتصادی، و سیاسی دارد، نسبت به پناهندگان خودداری کند. حق شرط‌های ذکرشده در بند ۲ این قانون به ترتیب مربوط است به فراهم آوردن اشتغال با دستمزد و معافیت از محدودیت‌های قانونی مربوط به اشتغال اتباع بیگانه به منظور حمایت از بازار کار داخلی (ماده ۱۷)، اعطای کمک‌های خیریه‌ای و عمومی دولت به پناهندگان مانند اتباع دولت (ماده ۲۳)، موارد مربوط به قانون کار اعم از حقوق، ساعت کار، آموزش، بیمه تأمین اجتماعی و بیمه حوادث ناشی از کار مانند اتباع دولت (ماده ۲۴)، و همچنین آزادی رفت‌وآمد در داخل سرزمین مطابق قواعد مربوط به اتباع خارجی (ماده ۲۶). به عبارت دیگر، دولت ایران هنگام پیوستن به این کنوانسیون بین‌المللی این حق را برای خود محفوظ داشته است که این چهار ماده کنوانسیون را درباره پناهندگانی که در کشور خود پذیرش می‌کند اجرا نکند. بنابراین، از این حیث به محدودیت‌های اجرایشده در این موارد تعهد بین‌المللی نخواهد داشت.

۳. ماده ۹ قانون مدنی ایران: «مقررات و عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است».

۱. بند ۱ ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره وضعیت پناهندگان: «ماده ۳۲ - اخراج: ۱ - دول متعاقد پناهنده‌ای را که به طور منظم در سرزمین آنان به سر می‌برند اخراج نخواهند کرد مگر به دلایل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی».

2021a). بدیهی است به‌علت فقدان سیستم تعیین وضعیت پناهندگی یا ثبت اطلاعات هویتی تاکنون مسئولان کشور هیچ آمار رسمی و دقیقی اعلام نکرده‌اند^۱ و فقط آمارهایی موجود است که سازمان‌های بین‌المللی درباره افراد با مدارک اقامتی متفاوت، طبق شمارش ورودی و خروجی نقطه مرزی خاصی، در دسترس قرار داده‌اند (International Organization for Migration, [IOM], 2020).

از دیگر مشکلات مهم حقوقی فقدان سازوکار اداری مشخص برای اعلام و بررسی درخواست پناهندگی و نقض تعهد به عدم مجازات پناهندگان به‌علت ورود و حضور غیرقانونی از مرزهای کشور است که در بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ ذکر شده است. طبق این بند، دولت‌های متعهد به کنوانسیون مقیدند پناهجویانی را که غیرقانونی و از مسیرهای نامتعارف به سرزمین آن‌ها وارد شده‌اند مجازات نکنند؛ این قید مشروط است به این شرایط: پناهجویان مستقیم از سرزمینی که در آنجا زندگی می‌کرده‌اند و آزادی‌شان به مفهوم ماده ۱ در معرض تهدید بوده است وارد کشور پذیرنده شده باشند؛ بلادرنگ خود را به مقامات مربوط معرفی کرده باشند؛ و علل قانع‌کننده‌ای برای ورود غیرقانونی یا حضور غیرقانونی خود ارائه کرده باشند. به عبارتی، در صورت نبود سازوکار مشخص برای خوداظهاری پناهجویانی که از مرزهای کشور غیرقانونی وارد می‌شوند یکی از شرط‌های ماده ۳۱ محقق نمی‌شود. در نتیجه، ورود و حضور آن‌ها در کشور غیرقانونی خواهد بود و دولت می‌تواند به این وسیله بازداشت و اخراج مستمر مهاجران نامتعارف و فاقد مدرک را توجیه کند. درحالی‌که فرصتی برای معرفی و ارائه علل پناهندگی به افراد داده نشده است. به این ترتیب، نه تنها تعهدات ایران به موجب کنوانسیون ۱۹۵۱ نقض شده است، بلکه این عملیات ممکن است ناقض حقوق بشر افراد در معرض خطر در افغانستان از جمله حق بر پناهندگی و حق منع بازگرداندن اجباری در اخراج‌های گروهی باشد. این رویه‌ای است که در دو دهه گذشته وجود داشته است^۲ و گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر درباره مهاجران در سال ۲۰۰۵ نیز به آن اشاره کرده است. این گزارش ضمن ابراز نگرانی از اخراج‌های جمعی و نقض اصل بازگشت داوطلبانه،^۳ ابراز امیدواری می‌کند که حضور

خود فرد می‌داند، در آیین‌نامه پناهندگان این امکان برای خانواده فرد پناهجو نیز پیش‌بینی شده است (National Consultative Assembly, 1963). نحوه ارائه درخواست پناهندگی (ماده ۲) چنین است که فرد یا افراد از منطقه مرزی عبور می‌کنند و وارد خاک ایران می‌شوند، یکی از خارجیان ساکن خارج از ایران برای ورود به ایران درخواست پناهندگی خود را تقدیم می‌کند، یا یکی از خارجیان مقیم ایران درخواست خود را دایر به قبول پناهندگی تقدیم می‌کند. در خصوص رسیدگی به درخواست پناهندگی افراد (ماده ۳ و ۵) مقرر شده است که کمیته دائمی پناهندگان، که صلاحیت بررسی، قبول، یا رد درخواست پناهندگی و رسیدگی به سایر امور پناهندگان را دارد، در وزارت کشور و با حضور نمایندگان عالی‌رتبه از ادارات و وزارتخانه‌های مرتبط تشکیل شود. در صورت قبول درخواست پناهندگی، دفترچه اقامت پناهندگی با مجوز اقامت سه‌ماهه از طرف شهربانی کل وقت (یا نیروی انتظامی) به پناهنده اعطا می‌شود (ماده ۶) (National Consultative Assembly, 1963).

علاوه بر آیین‌نامه پیش‌گفته (آیین‌نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲)، و قانون نحوه ورود و اقامت اتباع بیگانه (National Consultative Assembly, 1931)، قانون جدید و جامعی درباره ورود و پذیرش پناهندگان و حمایت از آنان در ایران تصویب نشده است. علی‌رغم حضور میلیون‌ها پناهنده و مهاجر در چهار دهه گذشته در ایران، هیچ مقرراتی مربوط به سرشماری، شرایط و نحوه ارائه درخواست پناهندگی، مرجع تصمیم‌گیرنده، استانداردهای تعیین وضعیت پناهندگی، حقوق پناهندگان، تکالیف آنان، شرایط تمدید اقامت، و مدت‌زمان و شرایط لازم برای ارائه درخواست کسب تابعیت تدوین نشده است. از سوی دیگر، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های متعدد مربوط به تحصیل در مدارس، آموزش عالی، حق اشتغال، دسترسی به بازار کار، همین‌طور ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های رفت‌وآمد، امور بانکی و مالی، ازدواج با اتباع ایرانی، مالکیت اموال منقول و غیرمنقول، پراکنده و متناقض و غیرشفاف است و برای رفع مشکلات مقطعی تصویب شده است.

بررسی‌های میدانی نشان داده است که پس از آغاز طرح آمایش در سال ۱۳۸۰ کمیته دائمی تشخیص وضعیت پناهندگی وزارت کشور دیگر جلسه‌ای تشکیل نداده است (Eyvazlu and Mokhtarzade, 2020). به این معنی که بخش بزرگی از مهاجرانی که در دو دهه گذشته بدون گذرنامه و روادید معتبر وارد کشور شده‌اند در گروه مهاجران نامتعارف و فاقد مدرک قرار گرفته‌اند. اگرچه گروه کثیری از این افراد مهاجران اقتصادی محسوب می‌شوند، در این میان عده بسیاری از نیروهای دولتی و نظامی و فعالان مدنی نیز وجود دارند که به‌ویژه به‌علت ترس از آزار و تعقیب بعد از روی کار آمدن طالبان در ۱۴۰۰ خود را به ایران رسانده‌اند (Iranian Students' News Agency [ISNA],).

۱. برای مثال در پاییز این سال، وزیر امور خارجه ایران آقای امیرعبداللهیان در سخنرانی خود در نشست کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی در خصوص افغانستان اعلام کرد که روزانه حدود پنج‌هزار نفر از مرزهای ایران وارد می‌شوند (Iran Foreign Ministry, 2021). همان‌گونه که مشخص است، این آمار موجود نادقیق و بدون در نظر داشتن محدوده زمانی است که برای پژوهش‌های دقیق یا سیاست‌گذاری قابل استناد نیست.

۲. از دیگر نکات قابل توجه این است که مطابق گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت درباره آمار بازگشت‌کنندگان بدون مدرک از ایران و پاکستان در آوریل ۲۰۲۱ فقط ۵ درصد از افراد بازگشت‌کننده از ایران از خدمات و کمک‌های این سازمان برخوردار شدند، درحالی‌که به ۹۸ درصد از افراد بازگشت‌کننده از پاکستان کمک‌رسانی شده است (IOM, 2021).

بررسی درخواست‌های فردی در محدوده زمانی مشخص برای دولت میزبان یا کمیساریا وجود نداشته باشد (Burson, 2021). اما به‌طور کلی، به‌علت امکان دسترسی به مقام صلاحیت‌دار قضایی و دقت و شفافیت بیشتر تمایل دولت‌ها در به‌کارگیری سیستم فردمحور بیشتر است.

بااینکه وظیفه ابتدایی انجام رویه تعیین وضعیت بر عهده دولت‌ها است، ممکن است زمانی که دولتی عضو کنوانسیون ۱۹۵۱ نیست یا رویه‌ای عادلانه و مؤثر برای تعیین وضعیت نداشته باشد کمیساریا در تعیین وضعیت وارد شود (UNHCR, 2020b). ممکن است این اقدام کمیساریا در یکی از سه مرحله ثبت‌نام، مصاحبه، تصمیم‌گیری یا تجدیدنظر رخ بدهد یا اینکه کمیساریا رویه‌ای مستقل از دولت و هم‌راستای با آن را به انجام برساند یا حتی ممکن است به‌تنهایی مسئول اجرای کل رویه تعیین وضعیت باشد (Abdelaaty, 2020). گاهی ممکن است انجام رویه تعیین وضعیت توسط کمیساریا در کشوری که تعیین وضعیت در آن به‌علل اقتصادی، سیاسی، یا سایر موارد اولویت بالایی نداشته باشد، سبب تسریع این روند و تعیین تکلیف سریع‌تر پناهجویان شود. برای نمونه می‌توان به افعال دولت مصر در مورد تعیین وضعیت پناهجویان پیش از ۲۰۱۰ اشاره کرد. پس از بحران ۲۰۱۵ و هجوم پناهجویان سوری به مصر، کمیساریا با در دست گرفتن ابتکار عمل رویه تعیین وضعیت معطل‌مانده را یکپارچه‌تر به اجرا درآورد (Abdelaaty, 2020). وجود سیستم تعیین وضعیت، و به‌خصوص سیستم تعیین وضعیت کمیساریا، مشخصاً برای فرد پناهنده مهم است. چراکه این سیستم دسترسی‌های بعدی او را به اسکان مجدد^۴ یا مسیرهای مکمل^۵ بعدی فراهم می‌آورد (Fisher, 2020). بنابراین، ممکن است برای پناهجویانی که از چنین امکانی محروم مانده‌اند چالش‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای از جمله محرومیت از اسکان مجدد یا تأخیر پیش‌بینی‌ناپذیر در روند آن رخ دهد.

واضح است که کمیساریا، به این علت که نهاد ویژه بین‌المللی با کارکرد اختصاصی حمایت از پناهجویان و پناهندگان است، سیستم تعیین وضعیت دقیق‌تر و کامل‌تری دارد. برای مثال، کمیساریا تحت کارکرد قانونی خود، برای همه گروه‌ها و بحران‌های پناهندگی استانداردهایی یکسان دارد، اما رویه‌های آن برای اجرای تعیین وضعیت متفاوت است؛ از جمله برای

نیروهای کمیساریا در کمپ‌های مرزی بازگشت موجب حفظ حق فردی افراد در ادعای پناهندگی شود (Pizarro, 2004).

۲. سیستم تعیین وضعیت پناهجویان، چهارچوب‌های حقوقی

سیستم تعیین وضعیت پناهندگی رویه‌ای حقوقی یا اداری است که به‌واسطه آن دولت یا کمیساریا مشخص می‌کنند فردی که به دنبال حمایت بین‌المللی است پناهنده محسوب می‌شود یا خیر (UNHCR, 2021b). کمیساریا تعیین وضعیت پناهندگی^۱ را از جمله کارکردهای اصلی حمایتی خود قلمداد می‌کند.^۲ تعیین وضعیت پناهندگی از آن جهت حائز اهمیت است که به کمیساریا و دولت میزبان اجازه می‌دهد با بررسی دقیق و فردی معین کند آیا فرد واجد شرایط دریافت حمایت خواهد بود یا خیر (UNHCR, 2020b). بر مبنای حقوق بین‌الملل، صاحبان قدرت در تمام سطوح دولتی ملزم‌اند و مسئول‌اند که از تحقق حقوق افراد محدوده سرزمینی یا قانونی خود حمایت کنند (United Nations General Assembly, 1966). بر همین مبنا است که تعیین وضعیت پناهندگی در وهله اول بر عهده دولت است. افرادی که به مرزهای کشور رجوع می‌کنند در محدوده حاکمیت سرزمینی آن دولت قرار می‌گیرند و دولت‌ها موظف به تعیین تکلیف آن‌ها خواهند بود. هرگونه سیاست‌گذاری در این زمینه از جمله شئون حاکمیتی دولت‌ها است. از این‌رو بدون شک، هرگونه فعل یا ترک فعلی که منجر به تخطی دولت‌ها از این وظیفه شود و متعاقب آن افراد را از دسترسی به حقوق ابتدایی‌شان مطابق قواعد حقوق بشر بازدارد نقض این حقوق است و مسئولیت دولت‌ها را در پی خواهد داشت. برطبق این استدلال، لزوم وجود سیستم تعیین وضعیت پناهندگی شفاف و قابل دسترس برای همه ضروری است و پیش‌نیاز احترام به حقوق اولیه افراد محسوب می‌شود.

از ابتدای تدوین کنوانسیون ۱۹۵۱، در بحران‌های مختلف پناهندگی، دولت‌ها یا کمیساریا سیستم تعیین وضعیت پناهندگی را گروه‌محور یا فردمحور به کار گرفته‌اند. سیستم گروه‌محور به وضعیت‌هایی اشاره دارد که «علی‌الظاهر»^۳ در کشور متبوع یا محل سکونت سابق پناهجویان وضعیت بنابه علل پنج‌گانه کنوانسیون خطرناک شناسایی می‌شود. این روش معمولاً در شرایطی صورت می‌گیرد که به‌علت جمعیت فراوان پناهجویان با ویژگی‌های مشترک، از جمله انتساب به گروه قومی یا مذهبی خاص، امکان

1. Refugee Status Determination (RSD)

۲. برای مطالعه استانداردهای رویه‌ای کمیساریا در مورد سیستم تعیین وضعیت پناهندگی به آدرس زیر رجوع کنید (کمیسیاریا این گزارش را، که اولین بار در ۲۰۰۳ منتشر شد، در ۲۰۲۰ به‌روزر کرده است):

<https://www.refworld.org/docid/5e870b254.html>

3. Prima Facie

4. Resettlement

۵. Complementary pathways؛ مسیرهای مکمل با اسکان مجدد متفاوت است و شامل الحاق به خانواده، راه‌های تحصیلی و کاری، بشردوستانه، و حمایت مالی خصوصی می‌شود. برای مطالعه در این مورد به آدرس زیر مراجعه کنید:

<https://www.unhcr.org/complementary-pathways>

حقوق بشر افراد، اشاره شد. در این بخش تلاش می‌شود با مرور جریان‌های مهاجرتی عمده در کشور، با تمرکز بر ورود مهاجران افغانستانی به علت جمعیت غالب آنان، تغییر سیاست‌های دولت ایران در خصوص پذیرش و شناسایی وضعیت پناهندگی مهاجران نیز بررسی شود. در نهایت، به آسیب‌شناسی فقدان این سازوکار در سال‌های اخیر پرداخته خواهد شد.

۳-۱. تاریخچه وضعیت حقوقی پناهندگان و مهاجران در ایران
بررسی روند ورود مهاجران و پناهندگان از افغانستان و عراق نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین موج مهاجرت از هر دو کشور پس از وقوع انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است (Abbasi-Shavazi et al., 2017). هم‌زمانی این دو جریان با وقوع تغییرات گسترده سیاسی و اجتماعی سبب شد تا پرتنگی روحیه حمایت از مسلمانی، در مقایسه با قواعد حقوقی، در تعیین سیاست کلی ایران در مورد ورود مهاجران سهم بیشتری داشته باشد. این امر که هم‌زمان با وقوع جنگ تحمیلی (جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹) و تغییر اولویت‌های کشور ادامه یافت سبب شد تا سال‌ها سیاست درهای باز در ایران تداوم یابد (Saeidi, 2015).

پناهندگان افغانستانی از همان ابتدا از نظر کثرت و پراکندگی جمعیت در ایران شرایط متفاوتی با پناهندگان و مهاجران عراقی داشتند. مهاجران افغانستانی از مهاجران عراقی و ایرانی‌ها در وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین‌تری قرار داشتند (Mahmoodian, 2007). از دیگر تفاوت‌های این دو گروه محل اسکان این دو گروه بوده است. اغلب پناهندگان کُرد عراقی در اردوگاه‌های آوارگان مناطق غربی کشور استقرار یافته بودند (Saeidi, 2015)، در حالی که غالب جمعیت افغانستانی‌ها (۹۷ درصد) در بافت شهری و روستایی اقامت داشته‌اند (Eyvazlu and Mokhtarzade, 2020). در بخش بعدی، به سیاست‌های کلی ایران در قبال مهاجران و پناهندگان در چهار دوره زمانی اشاره خواهد شد.

۳-۱-۱. دو دهه سیاست درهای باز

اولین جریان مهاجرت‌های اجباری و پناهندگی از ابتدای دهه ۱۳۵۰، پس از کودتای اولین رئیس‌جمهور افغانستان، آغاز شد. پس از آن، هم‌زمان با اوج تحولات سیاسی در ایران، بعد از وقوع کودتای ثور و تشکیل حکومت کمونیستی در افغانستان، خشونت نسبت به روحانیان و افراد برجسته افزایش یافت و بسیاری از جمله سران مذهبی به کشورهای همسایه گریختند. از طرف دیگر، جنگ داخلی، کاهش تولید محصولات کشاورزی، عملیات انفجاری، و تخریب زیرساخت‌ها باعث گسترش فقر و ناامنی شد و از دیگر عوامل مهم مهاجرت بسیاری از مردم افغانستان بوده است. در این دوره تقریباً بیش از ۳ میلیون نفر در ایران (Mahmoodian, 2007) و ۳ میلیون نفر در پاکستان اقامت داشتند (Colville, 1997). در طول این دوره،

تعیین وضعیت عادی،^۱ تعیین وضعیت شتاب‌یافته،^۲ ثبت نام ادغامی تعیین وضعیت،^۳ و ادغام تعیین وضعیت و اسکان مجدد^۴ (UNHCR, 2020b). اما این امر مانع شناخت و درک ضرورت قانون‌گذاری در سطح داخلی نیست. چنان‌که بیان شد، برطبق مبانی حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، دولت‌ها ملزم به حمایت از پناهجویان اند. پیش‌نیاز ضروری فراهم‌کردن حمایتی همه‌جانبه از پناهجویان به سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری داخلی مرتبط است. توجه به این نکته ضروری است که سیاست‌های مهاجرتی پیوند انکارناپذیری با سیاست‌های کلان هر کشور، امنیت ملی، و حفاظت از مرزهای سرزمینی دارد. بنابراین، هر دولتی (Foruzande Dehkordi and Vejdani, 2009) می‌تواند بر مبنای مدل سیستمی^۵ در سیاست‌گذاری عمومی و همچنین بر اساس نیازسنجی واقعیت‌های موجود و نیز با در نظر گرفتن ضرورت‌های اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی، در چهارچوب محدودیت‌ها و منابع و ظرفیت‌ها، درباره پناهجویان و اتباع خارجی سیاست‌گذاری‌های مناسبی را اتخاذ کند. همان‌گونه که ذکر آن رفت، اگرچه استفاده از معیارهای تعریف‌شده توسط کمیساریا در تدوین فرایند تعیین وضعیت پناهندگی توصیه می‌شود، سیاست‌گذاری در امور مهاجرتی در سطح ملی به مشارکت کارگزاران و متخصصان داخلی نیاز دارد که با اشراف به وضع موجود بهترین سیستم کاربردی را برای مدیریت و پاسخ به جریان‌های پناهجویی عملیاتی سازند. به نظر می‌رسد کارآمدترین روش سیاست‌گذاری در این حوزه ترکیبی از طراحی الگوهای نهادی،^۶ فرایندی،^۷ و سیستمی^۸ برای تصویب، عملیاتی‌شدن، و اجرایی‌شدن توسط چند نهاد حکومتی خواهد بود (Makouyee and Dye, 2008). بلا تکلیفی در این وضع و نبود قانون‌گذاری صحیح - همان‌گونه که شاهد آن هستیم - تبعات متعدد ملی و بین‌المللی را نتیجه خواهد داد.

۳. تعیین نکردن وضعیت پناهندگی در ایران، چالش‌ها و ضرورت‌های سیاست‌گذاری

در بخش‌های پیشین، چهارچوب حقوقی بین‌المللی و ملی برای ایجاد سیستم تعیین وضعیت پناهندگی مطرح شد و به برخی ضرورت‌های ایجاد این سازوکار، از منظر حقوقی و رعایت

1. Regular RSD
2. Accelerated RSD
3. Merged registration-RSD
4. Merged RSD-Resettlement
5. Systems model
6. Institutional model
7. Process model
8. Systems model

۳-۱-۲. سیاست بازگشت داوطلبانه مهاجران و آغاز طرح کارت آمایش

موج دوم و سوم حرکت گسترده مهاجران افغانستانی به ایران در دهه ۱۳۷۰ و در دوره پساجنگ اتفاق افتاد. پس از سقوط دولت کمونیستی در افغانستان و تشکیل حکومت مجاهدین افغانستان،^۲ جنگ‌های داخلی شدت یافت و گروه تازه‌تأسیس طالبان با تشکیل دولت امارات اسلامی بر افغانستان حکومت کرد. شیوه حکومت طالبان موجب فشار زیادی بر مردم این کشور، به‌ویژه جمعیت شیعیان قوم هزاره، شد. بنابراین، هرج‌ومرج و حکومت بنیادگرایان طالبان سبب موج سوم مهاجران افغانستانی به کشورهای هم‌جوار شد (Mohammad and Sadeghi, 2019).

مهاجران تا اواخر دهه ۱۳۷۰ با محدودیت خاصی از نظر رفت‌وآمدهای بین‌شهری، تحصیل کودکان در مدارس دولتی، دسترسی به آموزش عالی و خدمات بهداشتی و درمان عمومی، و تمدید کوتاه‌مدت مجوز اقامت روبه‌رو نبودند (Isazadeh and Mehranfar, 2012; Hashemi Moghadam, 2021). فقط محدودیت‌های قانونی کلی برای اتباع خارجی مندرج در قانون مدنی از جمله تملیک اموال غیرمنقول (مواد ۸ و ۹۶۷ قانون مدنی) و ازدواج اتباع خارجی با زنان ایرانی (ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی) وجود داشت.

از سال ۱۳۸۰ و هم‌زمان با تحولات دو کشور افغانستان و عراق، سیاست‌های کلی ایران در این خصوص تغییر کرد. با سقوط حکومت طالبان و صدام، سیاست ایران از درهای باز به بازگشت داوطلبانه مهاجران هدایت شد. در ۱۳۸۱، آیین‌نامه نحوه بازگشت پناهندگان و آوارگان افغانی تصویب شد (Council of Ministers, 2002). دولت ایران اعلام کرد که بر بازگشت داوطلبانه پناهندگان و آوارگان افغانستانی (با صدور برگه خروج مدت‌دار) و همچنین جلوگیری از ورود غیرقانونی آنان متمرکز خواهد بود. بنابراین، ورود و اقامت اتباع صرفاً با گذرنامه و روادید معتبر از معابر قانونی امکان‌پذیر است (آیین‌نامه نحوه بازگشت پناهندگان و آوارگان افغانی، تبصره ۱ ماده ۱)؛ مگر آنکه به‌موجب ماده ۲ این آیین‌نامه علل متقنی مبنی بر باقی ماندن شرایط پناهندگی (مثلاً شکنجه یا تهدید جانی) را به شورای هماهنگی اجرایی اتباع بیگانه ارائه کنند که مجاز به دریافت کارت شناسایی و اقامت موقت خواهند بود. به‌موجب این آیین‌نامه، دولت و نیروی انتظامی فقط تا سال پایانی مدت قانونی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور مهلت داشتند تا مصوبه جدید را اجرا کنند. پس از پایان این مهلت نیز وظیفه اخراج اتباع افغانستانی فاقد مدرک (گذرنامه یا کارت) بر عهده نیروی انتظامی

اطلاعات «مهاجران»^۱ در هیچ سیستمی ضبط و نگهداری نشده است. مهاجران افغانستانی بدون محدودیت وارد کشور می‌شدند (Mahmoodian, 2007) و از نظر سکونت در مناطق مختلف، ثبت‌نام در مدارس، و ورود به بازار کار محدودیتی نداشتند. پراکندگی جمعیت مهاجران افغانستانی در ایران بر اساس شبکه گسترده‌ای از خویشاوندان و نه برنامه‌ریزی دولت ایران شکل گرفته بود (Abbasi-Shavazi et al., 2008). مزیت برخورداری از اشتراکات زبانی و دینی و فرهنگی نیز سبب ادغام آنان در جامعه میزبان شد. اغلب این افراد به‌علت نیاز بازار کار به نیروی کار ساده برای ساخت‌وساز در سال‌های جنگ و پس از آن و همچنین به‌علت قرارگرفتن در گروه کم‌مهارت وارد دسته‌های شغلی ساختمانی یا کشاورزی شدند (Graeme et al., 2012; Mahmoodian, 2007).

از دیگر مزایای این دوره دسترسی به تمامی خدمات بهداشتی و اجتماعی به‌صورت برابر با شهروندان ایرانی بوده است. به‌نحوی که با وجود محدودیت شدید در توزیع منابع در دوران جنگ، مهاجران نیز از این خدمات به‌صورت یارانه و حتی کوپن‌های خانوار بهره‌مند بودند (Hashemi Moghadam, 2021). در این دوره میان افرادی که دفترچه پناهندگی داشتند و افراد بدون مدرک در دسترسی به خدمات اجتماعی تفاوتی وجود نداشته است. همچنین مرکز داده‌ای برای ثبت آمار جمعیتی و اطلاعات هویتی مهاجران خارجی وجود نداشته است و هیچ تفاوت حقوقی‌ای میان افراد پناهنده با مهاجران وجود نداشته است. همه مهاجران از دسترسی به خدمات آموزش و بهداشت دولتی و یارانه غذایی برخوردار بودند. بنابراین، اکثریت جامعه مهاجران احساس الزام به اخذ مدارک نداشتند (Isazadeh and Mehranfar, 2012).

اما این سیاست بدون برنامه معیایی هم داشت، از جمله تداوم نبود امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و پیش‌بینی نیازهای تحصیلی و شغلی نسل جدید، تغییر نیازها و رویکرد مهاجران پس از چند سال زندگی در ایران، الزامی نبودن دریافت و تمدید مدارک اقامتی، و از همه مهم‌تر، نداشتن چشم‌اندازی برای کسب تابعیت ایرانی با وجود سابقه طولانی زندگی در ایران (Eyvazlu and Mokhtar-zade, 2020). همچنین، به‌علت فقدان برنامه‌ریزی و آموزش جامعه میزبان و مهاجران، مشکلات فرهنگی و اجتماعی به‌تدریج میان این دو گروه شکل گرفت و در برخی نقاط باعث ایجاد شکاف اجتماعی میان آن‌ها شد (Sanaghri et al., 2014).

۲. پس از برکناری دولت کمونیستی نجیب‌الله از حدی، با تشکیل دولت موقت اسلامی افغانستان، و پس از مدت کوتاه ریاست جمهوری دو رئیس‌جمهور موقت طی ۶ ماه، طبق موافقت‌نامه شورای حل و عقد، برهان‌الدین ربانی رسماً از ۱۳۷۵ - ۱۳۷۳ رئیس‌جمهور حکومت مجاهدین افغانستان بود.

۱. کاربرد واژه مهاجران به‌جای پناهندگان در این دوره نشان‌دهنده رویکرد دولت ایران و بی‌توجهی به قواعد حقوق پناهندگان در این خصوص است.

آنان با دارندگان گذرنامه و روادید موقت در دریافت خدمات مختص پناهندگان است. اما نظر دولت ایران در این خصوص به‌طور واضح و مشخص بیان نشده است که کارت آمایش و کارت هویت برای وضعیت حمایت بشردوستانه^۴ گروهی ارائه شده است یا از نظر دولت ایران نیز این افراد پناهنده تلقی می‌شوند. اگرچه هدف از صدور این کارت مدیریت حضور مهاجران در ایران بود و در زمینه خدمات‌رسانی به دارندگان کارت مؤثر بوده است، نقاط ضعف متعددی دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۱-۳- موج چهارم ورود مهاجران از افغانستان پس از قدرت‌گرفتن دوباره حکومت امارات اسلامی (طالبان) و فقدان سیستم وضعیت پناهندگی

پس از فرار آخرین رئیس‌جمهور افغانستان در ۱۴۰۰ و تسلط نیروهای طالبان، آینده مبهم یا عضویت در نیروهای نظامی و قضایی یا فعالیت‌های سیاسی و رسانه‌ای سبب شد عده زیادی با اخذ روادید یا غیرقانونی خود را به ایران برسانند (Eurone- ws, 2022). در تابستان ۱۴۰۰، وضعیت پیچیده‌ای در مرزها به وجود آمده بود. زیرا به‌علت اعلام‌نشدن رسمی موضع ایران در پذیرش یا نپذیرفتن پناهندگان و مهاجران جدید، هیچ آمادگی‌ای در نقاط مرزی برای ثبت هویت و سرشماری افراد تازه‌آمده وجود نداشت. ورود روزانه هزاران نفر، و نیز تداوم بازگرداندن مهاجران فاقد مدرک یا داوطلب به افغانستان از نقاط مرزی، سبب می‌شد تا تخمین تعداد مهاجران جدید بسیار دشوار شود (Iranian La-bour News Agency [ILNA], 2021; Islamic Republic News Agency [IRNA], 2021). هم‌زمانی این اتفاق با شیوع بالای ویروس کرونا در کشور نگرانی‌ها از ورود مهاجران بدون ضوابط بهداشتی را دوچندان می‌کرد (ISNA, 2021b). گفتنی است که به مدت چند هفته تعدادی از انجمن‌های مدنی و نیروهای جهادی خود را به روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان می‌رسانند تا برای چندساعتی که مهاجران پیش از بازگرداندن شدن به آن سوی مرز در پشت دیوار مرزی حضور داشتند با توزیع مواد غذایی و بهداشتی اندکی از آلام این افراد بکاهند (ISNA, 2021c).

بر اساس آخرین گزارشی که سازمان بین‌المللی مهاجرت منتشر کرده است می‌توان گفت که در سال ۲۰۲۱ حدود ۱ میلیون و ۲۳۵ هزار نفر از ایران به سمت افغانستان خارج شده‌اند و ۱ میلیون و ۴۵۰ هزار نفر از افغانستان به ایران وارد شده‌اند. اما همچنان به‌علت اخراج برخی مهاجران قدیمی فاقد مدرک آمار دقیقی از مهاجران جدیدی که موفق به ورود و اقامت در مناطق شهری و روستایی کشور شده‌اند، یا مهاجرانی که پیش از ورود به کشور

با همکاری وزارت کشور گذاشته شده بود (آیین‌نامه نحوه بازگشت پناهندگان و آوارگان افغانی، تبصره ۲ ماده ۳).

پس از سقوط طالبان، از نظر ایران، علل ترس از تعقیب و آزار^۱ در افغانستان برطرف شده بود و دولت مایل نبود هزینه ناشی از ادامه ارائه خدمات گسترده به جمعیت بزرگ افغانستانی را تحمل کند (Pizarro, 2004). در این راستا، آیین‌نامه‌ها و مقررات متعددی تصویب شد که حاکی از ارائه‌نکردن خدمات به مهاجران فاقد مدرک از جمله خدمات آموزشی و تحصیلی رایگان به مهاجران فاقد مدرک،^۲ سخت‌گیری در خصوص استخدام مهاجران فاقد مدرک و فاقد مجوز کار، همچنین افزایش بازداشت و اخراج مهاجران بدون مدرک بوده است (Azizi et al, 2017). در ابتدای دهه ۱۳۸۰ و سال‌های شکل‌گیری حکومت جدید در افغانستان نه تنها دولت ایران بلکه کمیساریا نیز برنامه خود برای کاهش بودجه کمک‌آموزشی و درمانی در کشورهای میزبان مهاجران افغانستانی و صرف بودجه در داخل افغانستان را اعلام کرد (Pizarro, 2004). در زمان شروع طرح بازگشت داوطلبانه، طبق گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور مهاجران، ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر افغانستانی به‌صورت رسمی در ایران ثبت‌نام شده بودند. اما طبق سرشماری بعدی در ۱۳۸۲ این تعداد به ۱ میلیون و ۴۵۰ هزار نفر اتباع افغانستانی کاهش پیدا کرد. در همین زمان تخمین زده می‌شد که حدود ۳۰۰ هزار نفر اتباع افغانستانی و ۲۰۲ هزار نفر اتباع عراقی بدون مدرک در کشور اقامت داشته‌اند (Pizarro, 2004). یکی از موج‌های بازگشت داوطلبانه پناهندگان کُرد عراقی به منطقه کردستان عراق در ۱۳۷۰ و پس از پایان جنگ تحمیلی رخ داد که تقریباً ۱ میلیون نفر از پناهندگان به کشور خود بازگشتند (Saeidi, 2015). اما بیشترین جمعیت پناهندگان عراقی در فاصله ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ به عراق بازگشتند.

در این دوره، اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور - از این پس اداره اتباع - به اجرای طرح سرشماری و اعطای کارت آمایش (اتباع افغانستانی) و کارت هویت (اتباع عراقی) در ۱۳۸۰ اقدام کرد (Saeidi, 2015). با فراخوان دولت همه اتباع خارجی دفترچه یا کارت پناهندگی خود را تحویل می‌دادند و برای دریافت کارت اقامت موقت ثبت‌نام می‌کردند. هدف از اجرای این طرح شفافیت در تعداد و وضعیت اتباع خارجی در ایران بود (Sar-faraz, 2015). از نظر کمیساریا این کارت به منزله شناسایی «وضعیت پناهندگی» افراد است^۳ و سبب تفاوت وضعیت حقوقی

1. Persecution

۲. آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی مصوب ۱۱ فروردین ۱۳۸۳ (شماره ۴۲۳ ت ۲۹۹۸۲ هـ) که ۱۲ سال بعد به‌موجب آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ لغو شد.

3. <https://help.unhcr.org/iran/are-you-a-person-that-unhcr-iran-can-support/>

4. Humanitarian protection status

صحیح به‌طور مستقیم در شناخت منابع موجود، خدمات قابل‌ارائه، و محدودیت‌ها تأثیرگذار است و به‌تبع آن سیاست‌های محتمل یا اجراشدنی را تعریف می‌کند. ناآگاهی از آمار دقیق و نیز اعلام‌نشدن آن از رسانه رسمی را می‌توان مساوی با ضعف ساختاری، نبود نظارت و کنترل دستگاه‌های ذی‌ربط بر شرایط داخلی و مرزی، و در نتیجه، ضعف در مدیریت بحران دانست. اطلاع درست از آمار همچنین سبب افزایش قدرت رایزنی‌های بین‌المللی، به‌منظور جذب کمک‌های مالی مؤثرتر برای کاستن از بار مالی از دوش دولت، می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت استفاده از آمار رسمی منجر به جامعه‌ای با افراد قدرتمندتر، سیاست‌های بهتر، تصمیم‌گیری‌های مؤثرتر، مشارکت وسیع‌تر، و سازوکارهای قوی‌تر حاکمیتی خواهد شد (United Nations Economic Commission for Europe [UNECE], 2018).

سؤالی اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که چرا در خصوص چالشی که سال‌ها است کشور ایران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند و در فواصل زمانی گوناگون با فراز و نشیب‌های فراوان همراه بوده است، هنوز متولی مشخص و سازمان‌یافته‌ای که به‌نوعی تسهیل‌گر امر باشد وجود ندارد؟ سؤال دیگر این است که در دستور کار قرارداد تشکیل سازمانی جدید با عنوان سازمان ملی مهاجرت^۲ چگونه به حل این بی‌سامانی قانونی و سیاست‌گذاری جدید کمک خواهد کرد؟ به نظر می‌رسد اساسی‌ترین کاستی‌ای که در این زمینه بیشتر به چشم می‌خورد فقدان قوانین و سیاست‌های روشنی است که با ظرفیت‌های دولت و نهادهای مدنی مطابقت داشته باشد. افزودن یک نهاد دولتی به فهرست نهادهای موجود، مانند اداره اتباع که به‌نوعی متولی این امر محسوب می‌شود، موازی‌کاری و تشکیک در تقسیم مسئولیت‌ها است. از دیگر ضروریات طراحی سیستم تعیین وضعیت پناهندگی کارآمد برطرف کردن معایب یا چالش‌های کارت اقامت موقت فعلی (آمایش) است. کارت اقامت فعلی همراه با چالش‌هایی است که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

نخست، صدور این کارت بدون بررسی وضعیت فردی و بدون استفاده از بستر قانونی کمیته تعیین وضعیت پناهندگی و به‌صورت جمعی صورت گرفت. همه کسانی که سابقه زندگی در ایران

بازگردانده شدند، به دست نمی‌آید (IOM, 2022). با وجود گذشت بیش از شش ماه از تحولات افغانستان و گزارش‌های متعدد از حضور گروه‌های جدید، هنوز آمار دقیقی از جمعیت و نحوه پراکندگی این مهاجران در اختیار مسئولان نیست. این امر برنامه‌ریزی اقتصادی و خدمات‌رسانی به مهاجران را با مشکل جدی روبه‌رو خواهد کرد. از این‌رو، در ابتدای اردیبهشت امسال (۱۴۰۱) وزیر کشور از اجرای طرح جدید سرشماری و شناسایی مهاجران افغانستانی خبر داد (Iran Metropolis News Agency [IMNA], 2022). هدف از این طرح شناسایی مهاجران جدید، بازشماری مهاجران افغانستانی اعم از دارای مدارک سرشماری سال‌های ۱۳۹۸ - ۱۳۹۵ یا افراد فاقد مدرک و ارائه خدمات واکسیناسیون به این افراد ذکر شده است (UNHCR, 2022). بررسی اعلامیه این طرح نشان می‌دهد که با وجود تجارب گذشته اجرای این طرح نیز با نواقص مهمی از نظر اجرا و اهداف همراه است. پیش‌بینی‌نکردن بستر مناسب زمان‌بندی، ظرفیت پاسخ‌گویی دفاتر کفالت برای جلوگیری از ازدحام و به تعویق انداختن اجرای آن، شفاف‌نبودن در خصوص امکان بررسی درخواست پناهندگی مهاجران جدید و مراحل و اقدامات بعد از آن و امکان تغییر مدارک اقامتی مهاجران از نواقص مهم این برنامه است. برای بررسی بیشتر این طرح و رویکرد جدید مسئولان وزارت کشور در مدیریت مهاجران باید منتظر پیشرفت و اجرای طرح بود.

۳-۲. چالش‌ها و ضرورت‌های سیاست‌گذاری

ایران یکی از میزبانان اصلی پناهجویان و مهاجران است که همواره با مشکل ورود غیرقانونی مهاجران افغانستانی دست‌وپنجه نرم می‌کرده است. پس از روی کار آمدن طالبان، ایران برای پذیرش مهاجران با فشار مضاعفی روبه‌رو شد. این امر ضرورت توجه به سیاست‌گذاری در این حوزه را به‌خوبی نمایان می‌کند. یکی از زمینه‌های اصلی سیاست‌گذاری اتکا به آمار دقیق است (Mirarab and Nowrozi Firooz, 2021). اما آمارها در این زمینه ضدونقیض است و به‌روشنی مشخص نیست متولی رسمی اعلام ورودی و خروجی و آمار مهاجران ساکن در کشور چه سازمانی است. این موضوع از چند منظر تأمل‌پذیر است. نخست، بدون آمار متقن سیاست‌گذاری ناپیوسته است. سیاست‌گذاری مؤثر و قابل‌پذیرش از سوی جامعه به پشتوانه آماری صحیح نیاز دارد (Lata, 2016). دوم، در صورتی که سیاست‌گذاری به مرحله اجرا و تسهیل امر حکومت‌داری نرسد بی‌فایده است. برای این منظور سیاست‌گذاری‌ها را باید عموم‌پذیرند. در صورتی که سیاست‌گذاری شواهدمحور^۱ و آمار شفاف باشد چنین نتیجه مهمی را در بر خواهد داشت (UNICEF, 2008). سوم، اطلاع دقیق و مطمئن از آمار

۲. برای مطالعه متن خبر مراجعه کنید به مقاله‌ای با عنوان «وحشت عمومی مردم از هجوم میهمانان ناخوانده همسایه شرقی به کشور» در پایگاه خبری اول فارس به آدرس زیر:

<https://www.avalpars.com/%D9%88%D8%AD%D8%B4%D8%AA-%D8%B9%D9%85%D9%88%D9%85%DB%8C-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85-%D8%A7%D8%B2-%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%B2%DB%8C%D8%B1-%D8%B4%D8%AF%D9%86-%D8%B3%DB%8C%D9%84-%D9%85%D9%87%D8%A7%D8%AC/>

(آخرین مراجعه: ۲۱ فروردین ۱۴۰۱)

1. Evidence-based policy

این کشور همواره با مسئله ضرورت تعیین وضعیت پناهجویان روبه‌رو بوده است. از آنجا که همسایگی با کشور افغانستان سبب شده است تا ورود مهاجران و پناهجویان افغانستانی به کشور ایران به جریانی دائمی با فراز و فرودهای مختلف بدل گردد، وجود قانون جامع و سیاست‌گذاری شفاف به منظور شناسایی و تعیین وضعیت پناهندگی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در مقاله حاضر، با بررسی قوانین موجود و شناخت ساختارهای حقوقی فعلی، کاستی‌ها و لزوم سیاست‌گذاری ریشه‌ای در زمینه تعیین وضعیت پناهجویان بررسی شد.

اگرچه امر پذیرش درخواست پناهندگی در کنار بحث حاکمیت کشورها مطرح می‌شود و مطابق قواعد حقوق بین‌الملل دولت‌ها الزامی به پذیرش آن ندارند، در عین حال، همه دولت‌ها موظف به رعایت حقوق بشر افراد پناهجو و نیز احترام به اصل ممنوعیت بازگرداندن اجباری درباره پناهجویان حاضر در محدوده سرزمینی خود هستند. علاوه بر علل مطرح شده در مورد ضرورت قانونی این امر در مقاله حاضر، این حقیقت که ایران، با در نظر گرفتن وضعیت همسایگان آن، تا مدت نامعلومی با مسئله ورود مهاجران اجباری و بحران پناهجویی روبه‌رو خواهد بود امری انکارناپذیر است. این موضوع، که با قدرت‌گیری طالبان در سال گذشته (۱۴۰۰) به اوج خود رسید، بیش از پیش ضعف ساختاری و نظارتی دستگاه‌های اجرایی و نبود متولی مشخص برای وضعیت پناهجویان و مهاجران در ایران را نشان داد. علاوه بر این، اهمیت فقدان زیرساخت قانونی و سیاست‌گذاری مناسب و شفاف که به امر تعیین وضعیت پناهجویان به صورتی همه‌جانبه با مشارکت نهادهای متعدد با در نظر گرفتن زمینه‌های حقوقی، اقتصادی، امنیتی، و مرزی پردازد مشخص‌تر شد.

نکته حائز اهمیت این است که علاوه بر ضرورت استفاده از سند راهنمای عمل کمیساریا درباره استانداردهای فرایند تعیین وضعیت پناهندگی و نیز رویه‌های موفق کشورهای دیگر در امر پذیرش پناهندگان در تدوین سیستم وضعیت پناهندگی، این فرایند باید به نحوی طراحی شود که ضمن هماهنگی با ساختارهای کشور و حساسیت‌های قانونی و امنیتی، بیشترین میزان حمایت را از افراد آسیب‌پذیر به عمل آورد؛ فرایند قانونی و اداری کاملی که با پیشگیری از حضور غیرقانونی افرادی که با ادعای پناهندگی وارد کشور می‌شوند حقوق پناهندگان واقعی را مطابق «کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره وضعیت پناهندگان» حفظ و از آنان حمایت کند. در این خصوص رعایت معیارهای متعددی در تدوین این فرایند از جمله این موارد پیشنهاد می‌شود: تعیین محل‌های مرزی و درون‌سرزمینی برای ارائه درخواست پناهندگی، شفافیت در نحوه ثبت اطلاعات از جمله انگشت‌نگاری، مشخص کردن حمایت‌ها و حقوقی که فرد طی مدت بررسی درخواست خود از آن بهره‌مند است، مشخص کردن نحوه ارائه درخواست تجدیدنظر، تعیین

داشتند و به نحوی در مراجعه خود به اداره اتباع مدارک هویتی خود را ارائه می‌کردند «کارت اقامت موقت اتباع خارجی» را دریافت می‌کردند. این کارت مجوز اقامت یک‌ساله مهاجران در کشور بود که بعدها در دوره‌های مختلف تمدید شد.^۱

دوم، کودکان فقط زمانی می‌توانند کارت آمایش یا کارت هویت دریافت کنند که والدین آن‌ها نیز کارت آمایش یا کارت هویت معتبر داشته باشند.^۲ اگر یکی از والدین کودک دارای گذرنامه دیگری دارای کارت آمایش باشد یا یکی دارای مدرک اقامت قانونی و دیگری فاقد مدرک باشد، کودک یا دارای گذرنامه خواهد شد یا فاقد مدرک. به همین صورت ازدواج فردی که گذرنامه دارد یا فاقد مدرک است با فردی که کارت آمایش یا هویت دارد سبب اخذ این کارت نخواهد شد. این امر سبب چالش‌هایی برای خانواده پناهنده و محرومیت‌هایی برای همسر یا فرزند فاقد کارت آمایش، مانند نبود دسترسی به بیمه سلامت پناهندگان یا خروج برخی افراد از خانواده پناهنده از چتر حمایتی کمیساریا، خواهد شد. به علاوه تا پیش از تصویب آیین‌نامه اصلاح آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی در ۱۳۹۵ کودکان بدون مدرک امکان تحصیل در مدارس دولتی را نداشتند.

سوم، امکان تمدید مجدد کارت فقط برای کسانی وجود دارد که در دوره‌های قبلی کارت آمایش دریافت کرده باشند. به عبارت دیگر، هیچ فردی که مثلاً در دهه ۱۳۹۰ به ایران وارد شده باشد نمی‌تواند درخواست دریافت کارت آمایش کند. فقدان وجود سیستمی برای دریافت درخواست متقاضیان جدید دریافت کارت آمایش باعث خواهد شد که افراد بسیاری که بدون روایت معتبر وارد ایران شده‌اند از دسترسی به فرایند بررسی درخواست پناهندگی و دریافت مدارک اقامت قانونی محروم بمانند.

بنابراین، سیاست‌گذاری‌ای مبتنی بر واقعیت‌ها و آمار دقیق و به‌روز، با درس‌آموزی از تجربیات گذشته و شناسایی چالش‌های فرایند صدور کارت آمایش، می‌تواند با تمرکز و ترکیب مدل‌های نهادی، فرایندی، و سیستمی در طراحی سیستم تعیین وضعیت پناهندگی تا حد ممکن از وقوع چالش‌ها و آسیب‌های آینده بکاهد.

نتیجه‌گیری

ایران یکی از سابقه‌ترین کشورهای میزبان مهاجران اجباری و یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی آن است.

۱. آخرین دور کارت آمایش ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ نام‌نویسی شد.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر به آدرس زیر، اداره کل اتباع و مهاجرین خارجی، مراجعه کنید:

http://www.tehranatba.ir/fa/aq-%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D8%B4-%D9%88-%D9%BE%D8%A7%D8%B3%D8%AE#112_43

(آخرین مراجعه: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱)

از طریق: <https://www.isna.ir/news/1400070805401> / (آخرین مراجعه: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱)

ایلنا (خبرگزاری کار ایران) (۱۴۰۰). «ورود چندصد افغان به ایران از مرز میلک/ بازگشت مهاجران با پنج پرواز به افغانستان». دسترسی از طریق: <https://www.ilna.news/41117928/> (آخرین مراجعه: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱)

ایمنا. (۱۴۰۱). «وزیر کشور: سرشماری و شناسایی مهاجران افغان در دستور کار قرار گرفت». دسترسی از طریق: <https://www.imna.ir/news/571534> (آخرین مراجعه: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱)

بیگزاده، ابراهیم و سرفراز، فرشید (۱۳۹۰). «نظام حقوقی مناسب برای مهاجران: ایجاد تعادل میان حقوق و تکالیف مهاجران». مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۴، شماره ۷.

داشباب، مهریار و مختارزاده، سعیده (۱۴۰۰). «لزوم حمایت از کودکان پناهجوی بدون همراه با تأکید بر حق به هم پیوستن خانواده». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۲، ص ۱۲۴۸ - ۱۲۲۴.

سرفراز، فرشید (۱۳۹۴). حقوق بشر مهاجران در نظام حقوق بین‌الملل: بررسی وضعیت گروه‌های مختلف مهاجران اعم از اجباری و اختیاری و مجاز و غیرمجاز در نظام بین‌المللی و برخی نظام‌ها. تهران: مجد.

سعیدی، مدرس (۱۳۹۴). «بررسی ابعاد و دامنه‌های مهاجرت کردهای عراق به ایران در دهه ۱۳۵۰ شمسی». خردنامه، دوره ۵، شماره ۱۵، ص ۳۸ - ۱۱. سنقری، ناهید، فکر آزاد، حسین و معارف‌وند، معصومه (۱۳۹۳). «موانع ادغام اجتماعی نوجوانان افغانستانی در جامعه ایرانی (مطالعه موردی شهر تهران)». پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۳، شماره ۵، ص ۱۲۴ - ۱۰۱.

عباسی شوازی، محمدجلال، صادقی، رسول و محمدی، عبدالله (۱۳۹۵). «ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته افغانستانی از ایران به کشورشان و عوامل تعیین‌کننده آن». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ص ۴۰ - ۹.

عیسی‌زاده، سعید و مهرانفر، جهانبخش (۱۳۹۱). «مهاجرت غیرقانونی و تبعات اقتصادی آن در کشورهای میزبان (با تأکید بر مهاجران افغانی در ایران)». فصلنامه راهبرد، دوره ۱، شماره ۲۱، ص ۱۱۶ - ۹۷.

عیوضلو، داوود و مختارزاده، سعیده (۱۳۹۹). سیاست‌های پیشنهادی در حوزه مهاجرت‌های اجباری و پناهجویی. رصدخانه مهاجرت ایران (منتشر نشده).

فروزنده، لطفاله و وجدانی، فواد (۱۳۸۸). «سیاست‌گذاری عمومی چیست؟». اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۷۰، ص ۲۰۷ - ۱۸۰. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان. (۲۰۲۲) «اطلاعیه در مورد طرح سرشماری اتباع افغانستانی فاقد مدرک». دسترسی از طریق: <https://help.unhcr.org/iran/2022-announcement-headcount-exercise-of-undocumented-afghan-nationals> (آخرین مراجعه: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱)

کیهانلو، فاطمه (۱۳۸۹). «مفهوم فقدان حمایت دولت در دعوی پناهندگی». پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۸، ص ۲۱۴ - ۱۵۴. کیهانلو، فاطمه (۱۳۹۰). پناهندگی، نظریه‌ها و رویه‌ها. تهران: جنگل جاودانه.

سازوکارهای قانونی حمایت از خانواده‌های افراد پناهنده از طریق رعایت حق به هم پیوستن خانواده، تعیین کشورهای امن مبدأ، تعیین کشورهای امن ثالث، تعیین مجوزهای اقامت در خارج از مهمان‌شهرها، تعیین حدود حق اشتغال یا تحصیل در طول مدت بررسی درخواست پناهجو.

نکته آخر آنکه مهاجرت موضوعی دوسویه و تأثیرگذار در حقوق و تکالیف جامعه میزبان و مهاجران است. شناسایی دقیق وضعیت حقوقی افراد پناهجو، پناهنده، و مهاجر از آن جهت حائز اهمیت است که عناوین حقوقی دارای بار معنایی متمایزی هستند که میزان برخورداری و محرومیت افراد از حقوق خاصی را مشخص می‌کند. اظهارنظر مقامات غیرمسئول در مسئله حساسی چون موضوع مقاله می‌تواند سبب خلط مبحث، اظهارنظرهای غیرکارشناسانه، و در مواردی ایجاد انتظارات فراقانونی برای مهاجران و پناهندگان شود. بدون شک طراحی و اجرا نکردن سیستم تعیین وضعیت پناهندگی نه تنها به ضرر مهاجران مستحق وضعیت پناهندگی و محرومیت آنان از دسترسی به حمایت‌های دولتی یا بین‌المللی است، بلکه به ضرر دولت ایران که با فشارهای نهفته و آشکار اقتصادی و چالش‌های حقوقی و اجتماعی حضور میلیون‌ها پناهنده و مهاجر روبه‌رو است خواهد بود. شفافیت و سیاست‌گذاری صحیح در این زمینه بر اساس روش سیاست‌گذاری عینیت‌گرا و ترکیبی از مدل‌های نهادی، فرایندی، و سیستمی، نه تنها زمینه‌ساز همکاری‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی بین‌المللی موجود خواهد شد، بلکه گامی مهم در مدیریت این موضوع و ایجاد شرایطی است که در آن ضمن کاستن از فشار دولت، زمینه حمایت بیشتر بین‌المللی از پناهندگان فراهم می‌شود.

منابع فارسی که معادل لاتین آن‌ها در فهرست منابع آمده است

ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران). (۱۴۰۰). «بازگشت افغانستانی‌ها به کشورشان از مرز دوغارون ۴۰ درصد بیشتر شد» دسترسی از طریق: <https://www.irna.ir/news/84507923> (آخرین مراجعه: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱)

ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) (۱۴۰۰ الف). «در مرز ایران و افغانستان چه می‌گذرد؟». دسترسی از طریق: <https://www.isna.ir/news/00061751132> (آخرین مراجعه: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۱).

ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) (۱۴۰۰ ب). «هشدار وزیر بهداشت درباره اوج‌گیری مجدد کرونا در کشور با ورود احتمالی مهاجران افغان». دسترسی از طریق: <https://www.isna.ir/news/1400052719167> (آخرین مراجعه: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱)

ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) (۱۴۰۰ ج). «۲۴ هزار مهاجر افغان در نقطه صفر مرزی سیستان و بلوچستان خدمات دریافت کرده‌اند». دسترسی

منابع

- ماکویی، سوپل و دای، تامس (۱۳۸۷). «مدل‌های تحلیل سیاست‌گذاری عمومی». فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، ص ۷۴ - ۴۳.
- مجلس خبرگان قانون اساسی (۱۳۵۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مجلس خبرگان قانون اساسی.
- مجلس شورای ملی (۱۳۱۰). قانون نحوه ورود و اقامت اتباع بیگانه. مجلس شورای ملی.
- مجلس شورای ملی (۱۳۴۲). آیین‌نامه پناهندگان (مصوب ۱۳۴۲/۰۹/۲۵). مجلس شورای ملی.
- مجلس شورای ملی (۱۳۵۵). کنوانسیون درباره وضع پناهندگان و پروتکل آن (مصوب ۱۳۵۵/۰۳/۲۵). مجلس شورای ملی.
- محمدی، عبدالله و صادقی، رسول (۱۳۹۸). «قاجاق مهاجر به مثابه تجارت: کندوکاو فرایند قاجاق مهاجران اقتصادی از افغانستان به ایران». مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۶، شماره ۱، ص ۶۸ - ۳۹.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۶). «مهاجرت افغان‌ها به ایران، تغییر در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۲، شماره ۴، ص ۶۹ - ۴۹.
- مصفا، نسرين و مختارزاده، سعیده (۱۳۹۵). «بررسی حمایت حقوقی از زنان قربانی آثار تغییرات اقلیم، با مطالعه اسناد منطقه‌ای آفریقا». حقوق بشر، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ص ۴۴ - ۲۱.
- مقامی، امیر و صابری، پردیس (۱۳۹۸). «استحقاق پناهندگی؛ رویارویی حقوق بشر و حاکمیت دولت». فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ص ۵۶ - ۳۱.
- موسی‌زاده، ابراهیم، کهریزی، رزیتا (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل حقوق پناهندگی در نظام داخلی و حقوق بین‌الملل. تهران: دانشگاه تهران.
- میرعرب، علی و نوروزی فیروز، رسول (۱۴۰۰). «کلان‌داده و سیاست‌گذاری عمومی». علوم سیاسی، دوره ۲۴، شماره ۹۳، ص ۱۷۲ - ۱۵۱.
- نژندی‌منش، هبیت‌الله، حسینی آزاد، سید علی و احسن‌نژاد، مسعود (۱۳۹۱). «حاکمیت دولت‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر: تأثیر یا تأثر». حقوق بشر، دوره ۷، شماره ۲، ص ۵۰ - ۲۷.
- هاشمی‌مقدم، امیر (۱۴۰۰). چرا افغانستان برای ما مهم است؟ تهران: کتاب راهبرد.
- هیأت وزیران (۱۳۸۱). آیین‌نامه نحوه بازگشت پناهندگان و آوارگان افغانی ساکن در کشور به افغانستان (مصوب ۱۳۸۱/۰۲/۱۷).
- وزارت امور خارجه (۱۴۰۰). «سخنرانی دکتر عبدالهیان در نشست وزرات خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی در خصوص افغانستان». دسترسی از طریق: <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/662694> (آخرین مراجعه: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱)
- یورو نیوز. (۲۰۲۲). «از بیابان افغانستان تا دیوار مرزی ایران؛ راه دشوار فرار از مرگ و فقر». دسترسی از طریق: <https://per.euronews.com/2022/10/03/com/2022> (آخرین مراجعه: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱)
- Abbasi-Shavazi, M. J., Sadeghi, R., and Mohammadi, A. (2017). "Staying or Remigration among Afghan Returnees and its Determinants", *Journal of Population Association of Iran*, 11(22), pp. 10-41. {In Persian}
- Abbasi-Shavazi, M. J., Glazebrook, D., Jamshidiha, G., Mahmoudian, H., and Sadeghi, R. (2008). Second-Generation Afghans in Iran: Integration, Identity and Return. *Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU)*, Available at: <https://www.refworld.org/docid/4846b2062.html>
- Abdelaaty, L. (2020). "RSD by UNHCR: Difficulties and Dilemmas". *Forced Migration Review*, 65, pp. 21- 23.
- Assembly of Experts (1979). *The Constitution of the Islamic Republic of Iran*. {In Persian}
- Bernhardt, R. (2000). *Encyclopedia of Public International Law*. Netherlands: Elsevier.
- Beygzadeh, A., and Sarafraz, F. (2012). "A Suitable Legal System for Immigrants: Creating a Combination between the Rights and Duties of Immigrants". *Legal Research Quarterly*, 14(109), pp. 1-24. {In Persian}
- Burson, B. (2021). "Refugee Status Determination". *Oxford Handbook*, pp. 574.
- Case of the S. S "Lotus" (International Court of Justice [ICJ]) 7 September 1927. Available At: https://www.icj-cij.org/public/files/permanent-court-of-international-justice/serie_A/A_10/30_Lotus_Arret.pdf (Accessed: 8 April 2022)
- Colombia v. Peru (International Court of Justice [ICJ]) 20 November 1950. Available At: <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/7/007-19501120-JUD-01-00-EN.pdf> (Accessed: May 8 2022)
- Colville, R. (1997). "Afghanistan: The Unending Crisis". *UNHCR*. Available At: <https://www.unhcr.org/publications/refugeemag/3b680fbfc/refugees-magazine-issue-108-afghanistan-unending-crisis-biggest-caseload.html>
- Council of Ministers (Cabinet) (2002). *Regulations For Returning Afghan Refugees And Internally*

- “Minister Of Interior: Census and Identification of Afghan Immigrants Was Placed On the Agenda”, 08 May 2022. Available At: <https://www.imna.ir/news/571534/>. {In Persian}
- IOM (International Organization for Migration) (2020). Afghanistan — Flow Monitoring Dashboard : Zaranj—Milak (October 2019—September 2020). IOM.
- IOM (International Organization for Migration) (2021). Return of Undocumented Afghan - Weekly Situation Report (2-8 April 2021). UN IOM.
- IOM (International Organization for Migration) (2022). Movement Summary - Afghanistan To and From Neighboring Countries. UN IOM.
- Iran Foreign Ministry. (2021). “Iran’s Foreign Minister’s Speech at the Meeting of the Foreign Ministers of the Member Countries of the Organization of Islamic Cooperation Regarding Afghanistan”. Available At: <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/662694>. (Accessed: 7 May 2022) {In Persian}
- IRNA (Islamic Republic News Agency) (2021). “Afghans Crossing The Dogharon Border To Return To Their Nation Increased 40 Percent”, 08 May 2022. Available At: <https://www.irna.ir/news/84507923/>. {In Persian}
- Isazadeh, S., and Mehranfar, J. (2012). “Illegal Immigration and Its Economic Consequences in Host Countries (With Emphasis on Afghan Immigrants in Iran)”. *The Socio-Cultural Research Journal of Rahbord*, 1(2), pp. 97-116. {In Persian}
- ISNA (Iranian Students News Agency) (2021a). “What Is Happening On The Border Between Iran And Afghanistan?”. Available At: <https://www.isna.ir/news/00061751132/> {In Persian}
- ISNA News agency. (2021b). “The Minister of Health’s Warning about the Resurgence of Corona in the Country with the Possible Arrival of Afghan Immigrants”, 07 May 2022. Available At: <https://www.isna.ir/news/1400052719167/>. {In Persian}
- ISNA News agency. (2021c). “24,000 Afghan Refugees Have Received Services at the Border Zero Point of Sistan and Baluchistan”, 09 May 2022. Available At: <https://www.isna.ir/>
- Displaced People To Afghanistan*, on 7 May 2002. {In Persian}
- Dashab, M., and Mokhtarzade, S. (2021). “The Necessity to Protect Unaccompanied Refugee Children Focusing on the Right to Family Reunification”. *Public Law Studies Quarterly*, 51(3), pp. 1224-1248. {In Persian}
- Edwards, A. (2005). “Human Rights, Refugees, and The Right ‘To Enjoy’ Asylum”. *International Journal of Refugee Law*, 17(2), pp. 293- 330.
- Euronews (2022). “From the Desert Of Afghanistan to the Border Wall of Iran; the Difficult Way to Escape from Death and Poverty”, 14 May 2022. Available At: <https://per.euronews.com/2022/03/10/>. {In Persian}
- Eyvazlu, D., and Mokhtarzade, S. (2020), “Policy Brief: Policies in the Field of Forced Migration And Asylum Seeking”. *Iranian Migration Observatory*, unpublished. {In Persian}
- Fisher, B. (2020). “Conducting RSD for Resettlement: The Need for Procedural Protections”. *Forced Migration Review*, 65, pp. 17-19.
- Foruzande Dehkordi, L., and Vejdani, F. (2009). “What Is Public Policy?”. *Political Economic Information*, (270), pp. 180-207. {In Persian}
- Graeme, H., Abbasi Shavazi, M., and Sadeghi, R. (2012). “Refugee Movement and Development – Afghan Refugees in Iran”. *Migration and Development*, pp. 261-279.
- Hashemi Moghadam, A. (2021). *Why Afghanistan Is Important For Us*. Tehran: Rahbord publication. {In Persian}
- Hathaway, J. C. (2021). “Evolution of Refugee Rights Regime”. In J. C. Hathaway (Ed.), *The Rights of Refugees under International Law* (pp. 10 - 127). Cambridge: Cambridge University Press.
- ILNA (Iranian Labour News Agency) (2021). “Several Hundreds Of Afghans Entered Iran From The Milk Border/ Return Of Migrants To Afghanistan With Five Flights”, 09 May 2022. Available At: <https://www.ilna.news/4/1117928>. {In Persian}
- IMNA (Iran Metropolis News Agency) (2022).

- National Consultative Assembly (1931). *The Law on the Entry and Residence of Foreign Nationals*. {In Persian}
- National Consultative Assembly (1963). *Refugees' regulation*, on 16 December 1963. {In Persian}
- National Consultative Assembly (1976). *The 1951 refugee convention and its protocol ratification law*, on 15 June 1976. {In Persian}
- Nicolosi, S. F. (2015). "Re-Conceptualizing the Right to Seek and Obtain Asylum in International Law- The Role of Regional Human Rights Systems". *International Human Rights Law Review*, 4(2), pp. 303-332.
- Pizarro, G. R. (2004). Report of the Special Rapporteur on the Human Rights of Migrants, on her visit to the Islamic Republic of Iran. UN. Commission On Human Rights. Available At: <https://digitallibrary.un.org/record/540757?ln=en> (accessed: 22-29 February 2004)
- Saadi v. Italy, 37201/06 (European Court of Human Rights [ECHR]) 28 February 2008.
- Saeidi, M. (2015). "Investigating the Dimensions and Scopes of Iraqi Kurds' Migration to Iran in the 1350s". *Wisdom Letter*, 5(15), pp. 31-54. {In Persian}
- Sanaghri, N., Fekr Azad, H., and Ma'arefvand, M. (2014). "Obstacles to Social Integration of Afghan Teenagers in Iranian Society (Tehran Case Study)". *Journal of Contemporary Sociological Research*, 3(5), pp. 101-124. {In Persian}
- Sarfaraz, F. (2015). *The human rights of immigrants in the international law system: examining the status of different groups of immigrants, including forced and voluntary, authorized and unauthorized, in the international system and some systems*. Tehran: Majd. {In Persian}
- Seid Mortesa Aemei v. Switzerland, CAT/C/18/D/34/1995 (UN Committee against Torture [CAT]), 29 May 1997. Available At: <https://www.refworld.org/cases,CAT,3ae6b69420.html> (Accessed: 8 April 2022)
- Azizi, S., Beniamin Hosseini, S. and Basavaraju, C. (2017). "Existence Gaps in Effective Protection of Refugees in Iran-with an Overview news/1400070805401/ . {In Persian}
- Keyhanlou, F. (2010). "The Concept of 'Lack of Government Support' In Asylum Claims", *Law and policy research*, 4(28), pp. 213-254. {In Persian}
- Keyhanlou, F. (2011). *Asylum, Theories and Practices, Tehran: Jungle Publication*. {In Persian}
- Lata, Kusum. (2016). "Role of Statistic in Public Policy Formulation". *International Journal of Scientific Development and Research*, pp. 300-303.
- Maghami, A., and Saberi, P. (2019). "Entitlement to Asylum; Confrontation of Human Rights and Government Sovereignty". *International Police Studies Quarterly*, 10(37), pp. 31-56. {In Persian}
- Mahmoodian, H. (2007). "Migration of Afghans to Iran, Change in the Economic, Social and Demographic Situation and Adaptation to the Destination Society". *Journal of Population Association of Iran*, 2(4), pp. 42-69. {In Persian}
- Makouyee, S., and Dye, T. (2008). "Models for Public Policy Analysis". *Strategic Studies Quarterly*, 11(39), pp. 43-74. {In Persian}
- Mirarab, A., and Nowrozi Firooz, R. (2021). "Big Data and Public Policy". *Political Science*, 24(Issue 93), pp. 151-172. {In Persian}
- Mohammadi, A., and Sadeghi, R. (2019). "Migrant Smuggling as 'Business': Exploration the Process of Smuggling of Economic Migrants from Afghanistan to Iran". *Sociological Review*, 26(1), pp. 39-68. {In Persian}
- Mosaffa, N., and Mokhtarzade, S. (2016). "An Investigation on Legal Protection for Women Victims of Climate Change; Studying African Regional Documents". *The Journal of Human Rights*, 11(1), pp. 21-44. {In Persian}
- Mousazade, A., and Kahrizi, R. (2016). *Review and Analysis of Asylum Rights in the Domestic System and International Law*. Tehran: Tehran University. {In Persian}
- Najandi Manesh, H., Husseini Azad, S. A., and Ahsan Nejad, M. (2012). "Sovereignty of States and International Law Documents: Impressing or Impressed?". *The Journal of Human Rights*, 07(2), pp. 27-50. {In Persian}

- United Nations General Assembly. (1966). *International Covenant on Civil and Political Rights*. New York: United Nations General Assembly.
- Vilvarajah and Others v. the United Kingdom, 13163/87, 13164/87, 13165/87, 13447/87, 13448/87 (European Court of Human Rights) 30 October 1991. Available At: <https://hudoc.echr.coe.int/fre#%7B%22tabview%22:%5B%22document%22%5D,%22itemid%22:%5B%22001-57713%22%5D%7D> (Accessed: 8 April 2022)
- Weerasinghe, S. (2021). Bridging the Divide in Approaches to Conflict and Disaster: Norms, Institutions and Coordination in Afghanistan, Colombia, the Niger, the Philippines, and Somalia. UNHCR and IOM. Available At: <https://www.unhcr.org/media/bridging-divide-approaches-conflict-and-disaster-displacement-norms-institutions-and>
- قوانین و مقررات داخلی کشور ایران**
- مجلس خبرگان قانون اساسی (۱۳۵۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مجلس خبرگان قانون اساسی.
- مجلس شورای ملی (۱۳۱۰). قانون نحوه ورود و اقامت اتباع بیگانه. مجلس شورای ملی.
- مجلس شورای ملی (۱۳۴۲). آیین‌نامه پناهندگان (مصوب ۱۳۴۲/۰۹/۲۵). مجلس شورای ملی.
- مجلس شورای ملی (۱۳۵۵). کنوانسیون درباره وضع پناهندگان و پروتکل آن (مصوب ۱۳۵۵/۰۳/۲۵). مجلس شورای ملی.
- هیأت وزیران (۱۳۸۱). آیین‌نامه نحوه بازگشت پناهندگان و آوارگان افغانی ساکن در کشور به افغانستان (مصوب ۱۳۸۱/۰۲/۱۷).
- Assembly of Experts (1979). The Constitution of the Islamic Republic of Iran. {In Persian}
- Council of Ministers (Cabinet) (2002). Regulations For Returning Afghan Refugees And Internally Displaced People To Afghanistan, on 7 May 2002. {In Persian}
- National Consultative Assembly (1931). The Law on the Entry and Residence of Foreign Nationals. {In Persian}
- National Consultative Assembly (1963). Refugees' regulation, on 16 December 1963. {In Persian}
- National Consultative Assembly (1976). The 1951 refugee convention and its protocol ratification law, on 15 June 1976. {In Persian}
- on Iran's Domestic Laws and it's International Responsibilities". *International Journal of Current Research*, 9((01)), pp. 45260-45271.
- UNECE (United Nations Economic Commission for Europe) (2018). Recommendations for Promoting, Measuring and Communicating the Value of Official Statistics. Geneva: UNECE.
- UNHCR (United Nations High Commissioner for Refugees) (2009). Conclusions Adopted by the Executive Committee on the International Protection of Refugees: 1975-2009 (Conclusion No. 1-109). UNHCR.
- UNHCR (United Nations High Commissioner for Refugees) (2020a). "Refugees in Iran". Available At: <https://www.unhcr.org/ir/refugees-in-iran/#:~:text=According%20to%20the%20latest%20figures,Afghans%20and%2020%2C000%20are%20Iraqis>.
- UNHCR (United Nations High Commissioner for Refugees) (2020b). Procedural Standards for Refugee Status Determination under UNHCR's Mandate. UN High Commissioner for Refugees (UNHCR).
- UNHCR (United Nations High Commissioner for Refugees) (2021a). "Figures at a Glance". Available At: <https://www.unhcr.org/figures-at-a-glance.html> (Accessed: 8 May 2022)
- UNHCR (United Nations High Commissioner for Refugees) (2021b). "Refugee Status Determination". Available At: <https://www.unhcr.org/refugee-status-determination.html>
- UNHCR, Iran. (2022). "Notice about the 'Census Plan' Of Undocumented Afghan Nationals", 14 May 2022. Available At: <https://help.unhcr.org/iran/2022/05/10/announcement-on-headcount-exercise-of-undocumented-afghan-nationals/>. {In Persian}
- UNICEF (United Nations International Children's Emergency Fund) (2008). *Bridging the gap, the role of monitoring and evaluation in Evidence-based policy making*. Geneva: UNICEF.
- United Nations General Assembly (1948). *Universal Declaration of Human Rights (UDHR)*. New York: United Nations General Assembly.



Policymaking Framework and Refugee Rights in Iran, Focusing on the Refugee Status Determination (RSD)

Saeede Mokhtarzade¹

Hanieh Ansari²

Abstract

The right to seek asylum is an inevitable right of every asylum seeker under international instruments, including the 1951 Convention relating to the Status of Refugees. This right includes the duty and responsibility of the receiving states to consider the request and determine the status of asylum seekers. Since the Convention has not specified how this right should be granted and has made it an internal power of states, this matter is affected by states' policies. The UN High Commissioner for Refugees (UNHCR) has developed a Refugee System Determination (RSD) to identify the situation of these asylum seekers. However, parties to the Convention are not legally bound to follow this system. As one of the most crucial host countries for asylum seekers, Iran has a council for determining the refugees' status, a census system, and a temporary residence permit (Amayesh card). Since the enjoyment of any assistance depends on individuals' legal and residential status, it is essential to assess the situation of more than half a million new arrivals right after the Taliban takeover. Based on relevant legal instruments, this study will evaluate the legal framework of refugee law in Iran through a qualitative research method based on a literature review and discuss the necessity of RSD policymaking. The findings suggest that the lack of adequate laws and the accumulation of regulations in the executive bodies have complicated these migrants' current and future conditions. Moreover, not issuing an Amayesh card for newcomers and undocumented migrants is one of the most critical challenges of the current system. The evolution of this system determines the status of many migrants and decreases the additional burden due to the presence of undocumented migrants. This will also maximize the protection of refugees' and migrants' rights.

Keywords: Refugee Rights, Migration Policy-Making, RSD, Afghan Migrants, Refugees in Iran

1. M.A International Law, Master student at Human Rights Programme, Friedrich-Alexander-University Erlangen-Nuremberg, Erlangen, Germany (corresponding author); Saeede.mokhtarzade@fau.de

2. Hanieh Ansari, M.A. International Law, M.A in Erasmus Mundus European Master in Migration and Intercultural Relation (EM-MIR), Oldenburg University, Germany.

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

هانیه انصاری	سعیده مختارزاده	
نویسنده	نویسنده مسئول	نقش
نگارش متن اصلی	نگارش متن اصلی	نگارش متن
ویرایش متن/بازنگری جزئی بر اساس نظر داوران	ویرایش متن / پاسخ به داوران / بازنگری جزئی بر اساس نظر داوران / بازبینی نسخه نهایی / ارسال مقاله به مجله	ویرایش متن و ...
طراحی / مفهوم‌پردازی	طراحی / مفهوم‌پردازی	طراحی / مفهوم‌پردازی
-	-	گردآوری داده
-	-	تحلیل / تفسیر داده
-	-	سایر نقش‌ها

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافع داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گزنت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گزنت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد.

نویسنده مسئول: سعیده مختارزاده

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۲/۲۸

شیوه‌نامه نگارش مقالات در نشریه سیاست‌نامه علم و فناوری

فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری پذیرای مقالات تحقیقی پژوهشگران و صاحب‌نظران است. مقالات باید به زبان فارسی و در موضوعات مرتبط با سیاست‌گذاری فصلنامه باشد. رعایت دقیق نکات زیر در تدوین مقاله از شرایط پذیرش مقالات برای داوری است.

اصول کلی

۱. مقاله ارسالی نباید در نشریات فارسی یا انگلیسی زبان داخل و خارج کشور منتشر شده باشد.
۲. مقاله نباید هم‌زمان به سایر نشریات ارسال شده باشد.
۳. مقاله حداکثر در ۱۵ صفحه و حداکثر در ۲۵ صفحه در نرم‌افزار مایکروسافت Word 2010 حروفچینی شود.
۴. حاشیه صفحات از بالا ۳ سانتی‌متر و از پایین و چپ و راست ۲/۵ سانتی‌متر تنظیم شود.
۵. متن مقاله به صورت تک‌ستونی تنظیم شود.
۶. فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر (Single) باشد.

ترتیب قسمت‌ها

- * صفحه اول شامل عنوان کامل فارسی، چکیده فارسی و واژگان کلیدی.
- * صفحه دوم به بعد شامل مقدمه، مبانی نظری، روش‌شناسی، تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق، نتیجه‌گیری و فهرست منابع.
- * ترجمه انگلیسی عنوان، چکیده انگلیسی و واژگان کلیدی در انتهای مقاله، بعد از فهرست منابع، آورده شود.
- * لطفاً در صفحه اول زیر عنوان مقاله، نام نویسندگان و مشخصات آن‌ها نوشته نشود. نام‌های کامل نویسندگان، به ترتیب، در فایل تعهدنامه نوشته و ارسال شود.
- * لطفاً نام نویسنده مسئول (ارسال‌کننده مقاله از طریق سامانه) را با علامت * مشخص کنید. از ذکر عناوینی نظیر دکتر، مهندس و ... در ابتدای نام افراد خودداری کنید.
- * فایل تعهد را می‌توانید از طریق وبسایت نشریه دانلود نمایید.

اصول نگارش مقاله

نوع و اندازه قلم در قسمت‌های مختلف مقاله طبق جدول زیر تهیه شود:

عنوان	قلم (فونت)	اندازه	سبک
عنوان فارسی	BTitr	۱۶	Bold
عنوان انگلیسی	Time New Roman	۱۴	Bold
عناوین اصلی (چکیده، مقدمه، مبانی نظری، روش‌شناسی تحقیق، تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، نتیجه‌گیری و منابع)	BLotus	۱۴	Bold
عناوین فرعی	BLotus	۱۳	Bold

عنوان	قلم (فونت)	اندازه	سیک
عناوین فرعی فرعی	BLotus	۱۲	Bold
متن مقاله و چکیده فارسی	IRLotus	۱۲	Normal
کلمات انگلیسی به‌کاررفته در متن مقاله	Time New Roman	۱۰	Normal
عنوان جدول و شکل‌ها، زیرنویس جدول‌ها	IRLotus	۱۰	Bold
متن جدول‌ها	IRLotus	۱۱	Normal
چکیده انگلیسی	Time New Roman	۱۱	Normal
زیرنویس فارسی	IRLotus	۹	Normal
زیرنویس لاتین	Times New Roman	۸	Normal
منابع فارسی	IRLotus	۱۰	Normal
منابع لاتین	Times New Roman	۱۰	Normal

• عنوان

عنوان مقاله باید کوتاه و برگرفته از محتوای مقاله باشد و بیشتر از ۱۱ کلمه نباشد و در آن از کلمات اختصاری استفاده نشود.

• چکیده فارسی و انگلیسی

چکیده باید شامل اطلاعات کوتاه و دقیق و بیانگر موضوع تحقیق، اهداف، روش و نتایج مطالعه باشد. در متن چکیده از ذکر مقدمات و کلیات خودداری شود و به موضوعات اصلی پرداخته شود. طول چکیده در مقاله کمتر از ۸۱ کلمه و بیشتر از ۲۱۱ کلمه نباشد. چکیده باید مستقل و در یک پاراگراف باشد. از اشاره به منابع در چکیده خودداری شود. چکیده انگلیسی باید برگردان دقیق چکیده فارسی باشد.

• شماره‌گذاری عناوین

عناوین اصلی و فرعی مقاله، جز چکیده و مقدمه و نتیجه‌گیری، باید شماره‌گذاری شوند و ابتدا شماره عنوان اصلی و سپس شماره عناوین فرعی و فرعی‌تر آورده شود (مثال: ۲-۳. استراتژی ایران).

• واژگان کلید

پس از چکیده، سه تا پنج کلمه مهم و پربسامد مقاله برای واژگان کلیدی نوشته شود. بهتر است از واژه‌هایی انتخاب شود که در عنوان مقاله نیامده باشند. واژه‌ها با ویرگول (،) از هم جدا شوند.

• مقدمه و مبانی نظری

مقدمه باید شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت انجام، سؤال‌ها و فرضیه‌ها باشد و در آن به پیشینه پژوهش‌های مرتبط ارجاع داده شود. در بخش پایانی نیز هدف از انجام پژوهش به‌وضوح ذکر گردد.

• روش انجام پژوهش

در این بخش، نحوه اجرای پژوهش شامل نوع و روش تحقیق، روش‌های ارزیابی، جامعه آماری، طرح آماری و نحوه تجزیه آماری داده‌ها توضیح داده شود. مطالب مندرج در این بخش در چند پاراگراف و بدون تیربندی تنظیم شود.

• یافته‌ها

نتایج حاصل از پژوهش را می‌توان به‌صورت جدول و شکل ارائه کرد و فقط تحلیل نتایج را در متن آورد. اطلاعات جدول‌ها و شکل‌ها باید طوری باشد که خواننده، بدون مراجعه به متن، بتواند به اطلاعات کافی برای درک جدول دست یابد. چنانچه در هر قسمت از مقاله

به جدول و یا شکلی اشاره شده است، بلافاصله و در انتهای همان پاراگراف، جدول یا شکل مربوطه درج شود.

• شکل و نمودار

- عنوان شکل و نمودار، بعد از ذکر کلمه «شکل» یا «نمودار»، شماره آن‌ها و دونقطه شروع می‌شود. (شکل ۳:) عنوان‌ها باید در زیر شکل یا نمودارها و وسط چین باشند.

- شکل و نمودارها، در داخل متن و در جایی که به آن‌ها ارجاع داده شده درج گردند و در متن مقاله باید به همه آن‌ها ارجاع داده شود.

- ذکر واحد کمیت‌ها در شکل و نمودارها الزامی است و تمامی مطالب و اطلاعات آن‌ها باید به فارسی نوشته شود.

- نمودارها و شکل‌ها می‌توانند رنگی و یا سیاه و سفید ارسال شوند، اما رنگ‌ها و جزئیات آن‌ها باید در چاپ سیاه و سفید قابل تشخیص باشد.

- بعد از هر شکل و نمودار یک سطر خالی قرار دهید.

• جدول

- در تنظیم جداول نباید از خطوط افقی و عمودی استفاده کرد، مگر در بالا و پایین سطر اول جدول و پایین آخرین سطر آن.

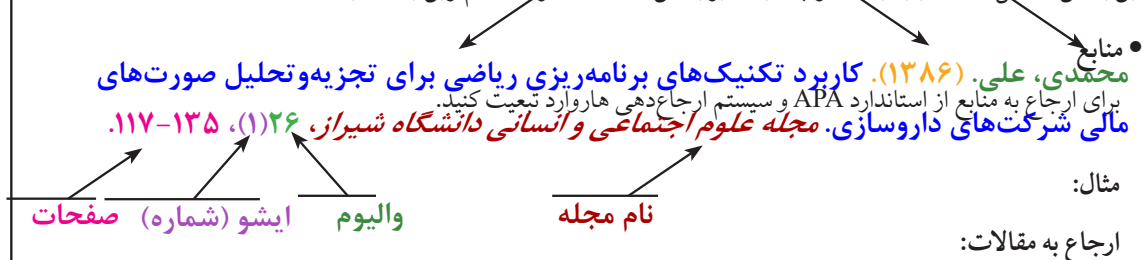
- عنوان جدول در بالای آن قرار می‌گیرد و با کلمه جدول، شماره آن و دونقطه شروع می‌شود.

- تمامی مطالب و اطلاعات جدول باید به فارسی نوشته شود. برای بیان توضیحات اضافی در مورد هر جدول، می‌توان به ترتیب از علائم

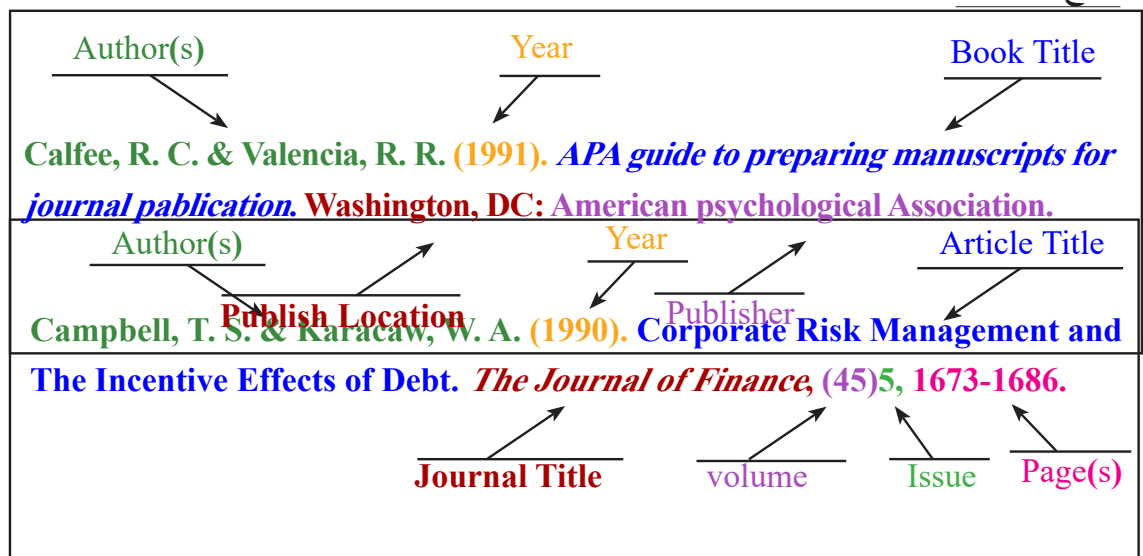
اختصاصی در متن جدول استفاده کرد و با نشان دادن آن‌ها در زیر جدول و نوشتن توضیح، اطلاعات لازم را در اختیار خواننده قرار داد.

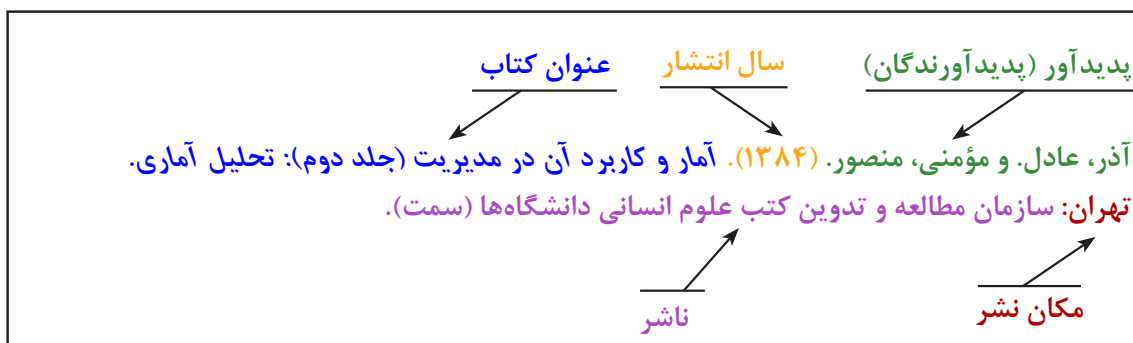
• جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آوردن بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پس از متن اصلی مقاله الزامی است. نتیجه‌گیری کلی از مقاله در حد یک پاراگراف باشد. این بخش مستقل است و باید بدون مراجعه به سایر بخش‌های مقاله‌گوئی مهم‌ترین یافته‌ها باشد.



ارجاع به کتاب‌ها:





ارجاع به پایان‌نامه و رساله:

نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده. (سال). عنوان به صورت ایرانیک. (مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری). نام دانشگاه، نام کشور.

مثال:

احمدی مقدم، ابراهیم. (۱۳۸۶). استراتژی نیروی مقاومت بسیج در جنگ آینده. (دکتری). دانشگاه عالی دفاع ملی، ایران.